



مشتقات و مشتقات
مشتقات و مشتقات

۱۱۵۵/۵

فرخ خان امین الدوله



قسمت یلجم

کریم اصغرالدین - علی اصغر
قدرت الله روشنی



انتشارات دانشگاه تهران

۱۱۵۵/۵

فروغ خان امین الدوله بکوشش کریم اصفهانیان - علی اصفهانیان - قدرات الله روشنی

۱	۰۰
۲۱	۷۲

۱ ۵۲۶۷

مجلس الشورى
مجلس الشورى



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۱۱۵۵/۵

شماره مسلسل ۲۰۷۹

تهران ۲۵۳۲ شاهنشاهی

مجموعه اسناد و مدارك
فرخ خان امين الدوله

قسمت پنجم

بکوشش
کريم اصفهانيان - علي اصغر عمران
قدرت الله روشني

ناشر

مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

چاپ و صحافی این کتاب در اردیبهشت‌ماه ۲۰۳۷ شاهنشاهی
در چاپخانه مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران به پایان رسید

کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است

بها : ۵۹۰ ریال



فرخ خان اسين الدوله

پیش گفتار

در سال ۱۳۴۳ جناب آقای حسنعلی غفاری (معاون الدوله) نواده^۱ پسری فرخ-خان امین الدوله که از رجال خیر و صاحب نام کشور هستند، گنجینه^۲ گرانمایی از اسناد و اوراق خطی خانوادگی خود را به دانشگاه تهران اهدا کردند تا از دستبرد حوادث و تصاریف روزگار در امان ماند^(۱).

دانشگاه نیز، با اظهار تشکر و امتنان از این اقدام سخاوتمندانه، در سال ۱۳۴۴، نخست کتاب مخزن الوقایع، در شرح مأموریت سیاسی فرخ خان امین الملک (= امین الدوله) به دربارهای اروپا در قرن نوزدهم را انتشار داد و متعاقب آن پنج جلد از اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله را در سلسله انتشارات خود بطبع رساند. نشر این اسناد معتبر یگانه، بسیاری از حقایق تاریخی و مسائل مهم مملکتی دوره^۳ ناصری را که در پشت پرده^۴ تردید و ابهام قرار داشت، در اختیار محققان تاریخ ایران قرار داد.

اکنون موجب خوشوقتی است که جلد پنجم کتاب اسناد و مدارک فرخ خان امین الدوله نیز، پس از دو سال و چند ماه که از نشر جلد چهارم آن می گذرد، انتشار می یابد و کتاب اصیل دیگری به منابع مهم^۵ تحقیقات تاریخی دوره^۶ قاجار اضافه می گردد.

اسناد این مجلد، از تنوع مطلب برخوردار است: از رقابت میرزا آقاخان نوری صدراعظم با فرخ خان امین الدوله (سند شماره ۱)، تا علیق اسبان توپخانه^۷ اصفهان

۱ - وقف نامه جناب آقای حسنعلی غفاری (معاون الدوله) مبنی بر اهداء عکسها، مدارک، اسناد، نامه ها، نسخ خطی و کتابهای چاپی فارسی و خارجی خاندان غفاری به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در جلد چهارم این کتاب (شماره ۱۱۵۵/۴ از سلسله انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴) چاپ شده است.

ب

(سند شماره ۲۲۳). از روابط سیاسی ایران با کشورهای انگلیس و عثمانی (اسناد شماره ۱ و ۲ و ۸۸ و ۱۴۴ و ...) تا قبض مستمری ملارمضان (سند شماره ۱۸۷). از شکایت از تعدیات مجدالدوله دانی شاه (سند شماره ۲۱۲) تا سنگت فروش کوجه‌های ارگ و دروازه شمیران (سند شماره ۱۵۴). همه اعم از نامه‌های رجال تا نوشته‌های عادی متضمن اطلاعات و اشارات سودمندی است که خواننده را در جریان فشارهای سیاسی، مشکلات مالی، رقابت رجال، تعدیات برخی از مأمورین دولتی در وصول و ایصال مالیات و بسیاری از مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره ناصری قرار می‌دهد. با انتشار این مجلد کار به پایان نرسیده است. هنوز تعدادی از اسناد و اوراق خطی از مجموعه اهدایی جناب آقای معاون الدوله به دانشگاه تهران باقی است که باید به چاپ آن مبادرت شود و نگارنده نمی‌داند که بی‌وجود دوست و ارسته از دست رفته‌ام استاد محبوبی^(۱) عزیز، که مدت سیزده سال نظارت علمی این کتابها را برعهده داشت و با نهایت بزرگواری سطر به سطر نوشته‌های مرا از قلم تصحیح گذراند، تا چه حد موفق خواهد بود. نکته‌ای که اینجا لازم است در باره این دانشمند آزاده^۲ منبع الطبع گفته شود اینست که وی در ازاء این سیزده سال کارمدام توان فرسا حاضر به دریافت حق الزحمه‌ای از دانشگاه تهران نشد و اینگونه مناعت طبع و عزت نفس در روزگار ما بیشتر به افسانه می‌ماند و ... «باید در این حدیث نوشتن کتابها» یادش گرامی و روانش شاد باد.

در مقام سپاسگزاری، وظیفه اخلاقی خود می‌داند از آقای ایرج افشار مدیر کل کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران که پیشنهاد کننده نشر این مجموعه^۳

۱ - دانشمند و محقق بزرگ تاریخ ایران دکتر حسین محبوبی اردکانی متولد ۱۲۹۴

شمسی در اردکان یزد و متوفای ۲۳ آبان ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی (= ۱۳۵۶ شمسی) در تهران. برای اطلاع از شرح حال آن فقیه سعید - خصوصاً آگاهی از فضائل اخلاقی و بیشمار آن شادروان - مراجعه شود به: راهنمای کتاب (سال بیستم آبان و دی ۲۵۳۶ شماره ۸/۱۰) و مقدمه کتاب تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (جلد دوم، شماره ۱۶۵۳ از سلسله انتشارات دانشگاه تهران، ۲۵۳۷).

ج

ارزنده به دانشگاه تهران و مشوق و راهنمای من در امر تألیف و تحقیق بوده‌اند صمیمانه سپاسگزاری کند .

نیز بر ذمه خود می‌داند از آقای دکتر بهرام فره‌وشی رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران که نهایت مساعدت را در چاپ این کتاب مبذول داشته‌اند اظهار امتنان کند .

همچنین از آقای فرخ غفاری فرزند گرامی و فاضل جناب آقای معاون الدوله نیز که مانند مجلدات قبلی زحمت تهیه مقدمه کتاب را به زبان فرانسه متقبل شده و با تذکرات سودمند ، مرا مرهون لطف خود قرار داده‌اند، صمیمانه سپاسگزار است .

* * *

یادداشت

- استاد محبوبی در حاشیه سند ۸۸ (صفحه ۱۰۹) نامه میرزا محمد صدیق الملک به میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار مرقوم داشته‌اند : « اشتباه است میرزا عبدالغفار صدیق الملک است متوفی ۱۲۹۵ و بعد از فوت اولقبش به میرزا محمدخان داده شد » که بدینوسیله نظراصلاحی آن مرحوم درج گردید .

- در صفحه ۱۷ (سند ۶) نام شعاع السلطنه اشتباهاً شعاع السلطنه چاپ شده است که بدینوسیله تصحیح می‌شود .

- در صفحه ۵۶ (سند ۴۳) تاریخ جمیع مهر احتشام الدوله اضافی است . از نظر تاریخی نیز نمی‌تواند ۱۲۷۸ باشد . چون خطاب به امین الملک است و فرخ خان در اوایل ۱۲۷۵ لقب امین الدوله گرفته بود . این تذکر را دوست عزیزم آقای فرخ غفاری داده‌اند .

- ص ۶۴ - حاشیه ۱ (سند ۴۷) : آقای فرخ غفاری تذکر داده‌اند که لغت پادشاه به روسی « کرول » است که کرال تلفظ می‌شود نه کورال .

کریم اصفهانیان

اردیبهشت ماه ۲۵۳۶ شاهنشاهی

فهرست کتابهایی که از مجموعه اهدائی جناب آقای حسنعلی غفاری
(معاون الدوله) در سلسله انتشارات دانشگاه تهران انتشار یافته است

معزن الوقایع (شرح مأموریت و مسافرت فرخ خان امین الدوله)

تألیف حسین بن عبدالله سرابی
بکوشش کریم اصفهانیان ، قدرت الله
روشنی (زعفرانلو)
سال ۱۳۴۴ . شماره ۱۰۲۰

مجموعه اسناد ومدارك فرخ خان

امین الدوله (قسمت اول) مربوط به سالهای ۱۲۴۹-۱۲۷۳
بکوشش کریم اصفهانیان ، قدرت الله
روشنی (زعفرانلو)
سال ۱۳۴۶ . شماره ۱۱۵۵

» » » » (قسمت دوم) اسناد مربوط به سال ۱۲۷۴

بکوشش کریم اصفهانیان
سال ۱۳۴۷ . شماره ۱۱۵۵/۲

» » » » (قسمت سوم) مربوط به سالهای ۱۲۷۵-۱۲۷۴

بکوشش کریم اصفهانیان
سال ۱۳۵۰ . شماره ۱۱۵۵/۳

» » » » (قسمت چهارم) بکوشش کریم اصفهانیان
سال ۱۳۵۴ . شماره ۱۱۵۵/۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
الف - د	پیشگفتار
یک - دوازده	فهرست مطالب
۱ - ۳۰۶	متن اسناد
۳۰۷ - ۳۳۱	فهرست اعلام
۳۳۱ - ۳۶۳	تصاویر
۳۶۴	غلط نامه
۱ - ۴	مقدمه آقای فرخ غفاری (به زبان فرانسه)
	نامهٔ ملکم به فرخ خان در زمان توقف در اسلابول: صدراعظم از رقابت شما با خود
۱	ترسی ندارد
۷	نامهٔ ملکم به فرخ خان: اظهار نظرهایی راجع به مذاکره با اولیای دولت عثمانی
۱۲	عریضهٔ فرهاد میرزا به ناصرالدین شاه: قلت مایه وقوت همسایه در حکومت لرستان
۱۴	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: نزدیک است فیض آستان همایون نصیب شود
۱۵	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: در تهنیت عید اول پس از فوت پسر فرخ خان
۱۶	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: راجع به حکومت کاشان و توصیه به احتیاط کردن
۱۷	نامه ای احتمالا از فرهاد میرزا به فرخ خان: انتشار سریع خبر
۱۸	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: دربارهٔ مسائل متفرقه
۱۹	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: علت مرگ میرزا محمد خان سپهسالار
۲۰	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: شورش بر ضد عبدالوهاب خان
۲۰	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: تقدیم کتابی به حضور شاه
۲۱	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: علت تأخیر در حرکت
۲۲	نامهٔ فرهاد میرزا به فرخ خان: راجع به کار رعیت طالقان
۲۵	نامهٔ عبدالصمد میرزا عزالدوله به فرخ خان
۲۶	نامهٔ عبدالصمد میرزا عزالدوله به فرخ خان: تقاضای تهیهٔ منزل در طهران
۲۷	نامهٔ امامقلی میرزای عمادالدوله به فرخ خان: راجع به دوفتر تبعیدی بخاک عثمانی
۲۷	نامهٔ عمادالدوله به فرخ خان: تقاضای قبول تقدیمی و حمایت از پسرش
۲۸	نامهٔ امامقلی میرزای عمادالدوله به فرخ خان: راجع به تبعید ملکم از ایران

صفحه	عنوان
۲۹	نامه عمادالدوله به فرخ خان: برای چاره‌گرفتناری
۳۰	نامه عمادالدوله به فرخ خان: راجع به حکومت و نظم لرستان
۳۲	نامه عمادالدوله به فرخ خان: تقاضای شفاعت
۳۳	نامه عمادالدوله به فرخ خان: راجع به دونفر تبعیدی به عراق
۳۴	نامه عمادالدوله به فرخ خان (بزبان فرانسه)
۳۵	نامه فریدون میرزا به فرخ خان: سفارش حسام السلطنه
۳۸	نامه محمدقلی خان آصف‌الدوله به فرخ خان: راجع به یک شخص کاشانی زندانی
۳۹	نامه محمدقلی خان آصف‌الدوله به فرخ خان: تقاضای توصیه برای مباشرین
۳۹	نامه میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریز به فرخ خان: راجع به خدمات میرزا کاظم سرشته‌دار و تهیه قانونی در مورد اتباع روس و تقاضای تشویق او
۴۱	نامه محمد اسماعیل خان وکیل‌الملک نوری وزیر کرمان به فرخ خان: راجع به تعدیات دونفر ایل افشار کرمان و تحریکات میرزا حسینعلی خان دریابیگی و دستور شاه بخط میرزا حسین دبیرالملک بایادداشتی بخط فرخ خان
۴۳	نامه میرزا محمد حسین دبیرالملک به فرخ خان: تلگراف کنید حسام السلطنه سه هزار تومان بفرستد
۴۴	نامه میرزا محمد حسین دبیرالملک به فرخ خان: دعوت به مجلس روضه میرزا آقاخان نوری
۴۴	نامه میرزا محمد حسین دبیرالملک به فرخ خان: راجع به کارخانه چاشنی‌سازی و احتیاجات آن
۴۵	نامه پاشا خان امین‌الملک به فرخ خان: درباره تسریع در فرستادن خلعتها
۴۶	نامه پاشا خان امین‌الملک به فرخ خان: برای شنیدن اوامر حاضر شوید
۴۷	نامه سلطان احمد میرزای عضدالدوله به فرخ خان: سفارش میرزا رضا برای تفریح حساب
۴۷	نامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله به فرخ خان: تقاضای ملاقات و بازدید
۴۸	نامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله به فرخ خان: در پاسخ نامه‌وی حاجی میرزا احمدخان واسطه رسانیدن نامه بوده است
۴۹	نامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله به فرخ خان: خواهش گذشت از حاجی علی‌خان مقدم مراغه‌ای
۵۱	نامه مسعود میرزا پسر شاه به فرخ خان: توصیه درباره حاجی ابراهیم خان فراشباشی
۵۲	عریضه مسعود میرزا به ناصرالدین‌شاه: حضرت والا از وبا فرار کرده‌اند و از مردم زیاد تلف شده‌اند.

- ۵۳ نامه احتشام الدوله به فرخ خان: راجع به عقب افتادن قسط مالیات
- ۵۴ نامه احتشام الدوله به فرخ خان: توصیه حاج علیخان مراغه‌ای
- ۵۵ نامه احتشام الدوله به فرخ خان: توصیه درباره میرزا محمدحسین مستوفی اصفهان
- ۵۶ نامه احتشام الدوله به فرخ خان: ترس از تفنگداران مأسور وصول مالیات
- ۵۹ التزام پرداخت مالیات ابوالجمعی احتشام الدوله
- احتمالا از میرزا ربیع که گویا وکیل احتشام الدوله در طهران بوده است: تاسف از فوت
- ۶۰ احتشام الدوله
- ۶۲ نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: نامه دوستانه
- ۶۲ نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: بگذارید احمدخان بفارس بیاید
- ۶۴ نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: شکایت از حسام السلطنه و عبدالله خان
- ۶۶ نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: دفع شرخیرالله خواهد شد
- نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: کارسریازخانه و توپخانه سریعاً پیش
- ۶۷ میرود
- نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: وجه بنائی قریباً تمام و کمال پرداخت
- ۶۸ خواهد شد
- ۶۹ نامه طهماسب میرزای موید الدوله به فرخ خان: قسط گمرک فرستاده شد
- ۷۰ تمسک پرداخت اقساط مالیاتی توسط طهماسب میرزای مؤید الدوله
- ۷۱ نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: کاربختیاری کمال انتظام رادارد
- نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: توهم به جلوه در آوقت دستگیری
- ۷۲ ماست
- نامه دوستانه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: پس از بازگشت از سفر
- ۷۴ فرنگستان و تقاضای سوغات
- ۷۶ نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: احوالپرسی بیماری
- ۷۷ نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: شرح حال خود و قشون درگندمان
- ۷۹ نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: به اصفهان طمع ندارم
- ۸۰ نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان: سه هزار تومان برات ارسال شد
- ۸۱ نامه حمزه میرزای حشمت الدوله به فرخ خان: نامه دوستانه
- ۸۱ نامه علی خان امین الدوله یا پدرش مجدالملک: تقاضای حکم تخلیه خانه
- نامه ای بخطی شبیه بخط حاجی میرزا علیخان امین الدوله یا پدرش مجدالملک به
- ۸۲ فرخ خان: تقاضای کار

صفحه	عنوان
۸۴	نامه علیقلی میرزای اعتضاد السلطنه به فرخ خان: گزارش رسیدن اسباب و وسایل تلگراف
۸۵	نامه ای بخطی بسیار شبیه بخط حاجی میرزا علیخان امین الدوله که یا از پدرش مجد الملک است و یا از خودش احتمالا به میرزا هاشم خان: پشت سر مسافر کاغذی نمی فرستند
۸۶	نامه ای بخطی خیلی شبیه بخط میرزا علیخان امین حضور احتمالا بجای میرزا هاشم خان برادر فرخ خان: فردا به مخزن تشریف بیاورید
۸۷	نامه میرزا علیخان امین الدوله و حسنعلی خان امیر نظام به میرزا هاشم خان امین الدوله: صورت لباسهای لازم برای سفر فرنگ
۸۸	نامه میرزا سعیدخان وزیر دول خارجه به میرزا عباس خان معاون الملک کارگذار مهام امور خارجه آذربایجان: موافق قاعده و حساب باتبعیه انگلیس رفتار کنید.
۸۹	نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان: درد دل و شکایت
۹۱	نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان: محمدحسین اسکوئی کارمند سفارت انگلیس در تبریز اسباب زحمت است
۹۱	نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان: طرفداری از بنیچه بندی برای سربازگیری
۹۲	نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان: طرفداری از یکی از زیردستان
۹۴	نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان: گرفتاریهای سردار در آذربایجان
۹۵	نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان راجع به کردستان: قرار عمل کردستان
۹۵	نامه عزیزخان مکری سردار کل به حاجب الدوله: توصیه حکیم ذوقی
۹۶	نامه میرزا یحیی میرزا وزیر مازندران به فرخ خان: محافظت میان کاله
۹۶	نامه میرزا یحیی وزیر مازندران به فرخ خان: مصالح و مخارج موقوف به موافقت و مخالفت باد است
۹۷	نامه میرزا یحیی وزیر مازندران به فرخ خان: اظهار تشکر و اعلام حسن خدمت
۹۸	نامه میرزا یحیی وزیر مازندران به فرخ خان: شکایت از دریاییگی
۹۹	نامه میرزا یحیی وزیر مازندران به فرخ خان: در ساختن قلعه میان کاله کوشاست
۱۰۰	نامه میرزا یحیی وزیر مازندران به فرخ خان: راجع به مواجب علیخان خواجه وند
۱۰۱	نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان: مبارکباد ورود
۱۰۱	نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان: تقاضای برقراری مجدد ورسوم مستمری
۱۰۲	قطع شده
۱۰۳	نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان: شکایت از قطع حق الحکومه و ازدیاد تسعیر غله و تقاضای کمک

- نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان: پنجاه تومان اضافه موجب مقرررا دوباره
۱۰۵ پردازید
- عریضه بهرام میرزای معزالدوله به ناصرالدینشاه: تقاضای انتظام امر معاش
۱۰۶
- نامه ای از یکی از شاهزادگان به فرخ خان: حاتم خان نیز درباب یک هزار تومان تخفیف
۱۰۸
- نامه میرزا محمد صدیق الملک به میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار: حرفی
۱۰۹ نیست که قطور مال ایرانست
- نظر فرخ خان راجع به جبران شکست مرو
۱۱۱
- نامه فرخ خان به سردار سلطان احمدخان حاکم هرات از طرف ایران: ده خروار مس
۱۱۵
- قریباً فرستاده خواهد شد
- نامه فرخ خان بخط خودش برای حسام السلطنه یافرهاده میرزا: سوء تفاهم
۱۱۶ راجع به حواله فرخ خان
- اگر معزول شده ام پیشکش واسباب رانگهدارید و ندهید
۱۱۹
- نامه ای گویا از فراهاد میرزا به فرخ خان: راجع به پیشکش و حکومت
۱۱۹
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: توصیه درباره فراهاد میرزا
۱۲۰
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به قسط مالیات
۱۲۱
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: در باب آباده و اقلید
۱۲۲
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: مداخله قنصل انگلیس در بندرعباس و مسقط
۱۲۶
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: در باب نظم ایل قشقائی
۱۲۷
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: مرا خراسانی می دانند
۱۳۱
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به معامله اسب دریائی و کساد بازار آن
۱۳۱
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: درباب تزلزل وضع حکومت
۱۳۳
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: با اعتماد السلطنه کمال و داد و اتحاد در میان است
۱۳۴
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به آباد ساختن دوباره بهبهان
۱۳۵
- تلگراف حسام السلطنه به فرخ خان: پنجهزار تومان حواله شد
۱۳۷
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به تعویض تیرهای تلگراف
۱۳۸
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به فرستادن قسط مالیات
۱۳۹
- نامه حسام السلطنه از خراسان به فرخ خان: راجع به ایل هزاره
۱۴۰
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: اسب دریایی امسال ضرردارد
۱۴۱
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به بخارج نوکر و قورخانه
۱۴۲

- ۱۴۳ نامه حسام السلطنه به فرخ خان: راجع به خانه زادگان قشقائی
- ۱۴۴ نامه حسام السلطنه به فرخ خان: قنصل انگلیس بحرین را عصب کرد
- ۱۴۵ نامه حسام السلطنه به فرخ خان: مصلحت جوئی در فرستادن یا نفرستادن پول
- نامه حسام السلطنه به فرخ خان: یادوچاپار هزارتومان برای آقای مستوفی الممکنک
فرستاده شد
- ۱۴۶ جواب مطالب نواب حسام السلطنه است.
- ۱۴۷ دنباله جواب مطالب نواب حسام السلطنه است
- ۱۴۸ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: توصیه درباره صادق خان
- ۱۵۱ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: تقاضای سیصد تومان پول
- ۱۵۲ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: ظاهراً تقاضای ساموریت تازه است
- نامه نصرت الدوله میرزا به میرزا محمدحسین خان دبیرالملک: درباب سنگفرش کوچه
- ۱۵۴ های ارک و اراضی بیرون دروازه شمیران
- ۱۵۵ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: ارسال وجه مبارکباد و چشم روشنی
- ۱۵۷ نامه نصرت الدوله میرزا به فرخ خان: درباره روابط دوستانه اداری
- ۱۵۸ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: عذرخواهی از ملاقات نکردن
- ۱۵۹ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: اظهار نگرانی از نبودن فرخ خان در سلام
- ۱۵۹ نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: توصیه درباره بهاء الدوله
- نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: راجع به حکومت برادرش لطف الله میرزا
- ۱۶۰ احتمالاً برای کاشان
- نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: راجع به کارهای آذربایجان و وراثت ملک
- ۱۶۰ قاسم میرزا
- نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان: آقابالا بک رادرگذرانیدن پیشکش راهنمایی
- ۱۶۴ فرمایند
- ۱۶۴ صورت پیشکشی های مبارکباد نصرت الدوله فیروز میرزا برای فرخ خان
- نامه میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک وزیر فارس به فرخ خان: راجع به محاسبات
- ۱۶۵ فارس
- نامه ای از شیراز ظاهراً از مشیرالملک به یکی از حکام فارس احتمالاً حسام السلطنه:
- ۱۶۶ راجع به امور فارس
- نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان پیشکار اصفهان به فرخ خان: راجع به اهلالی هرنه
- ۱۶۸ ومحمد رضا بیگ

صفحه	عنوان
۱۶۹	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: در مورد ادعای نواب اکبر میرزا اختیار باسرکار است
۱۷۰	نامه دوستانه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان
۱۷۰	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: شکایت از محمدعلی‌خان از مقربان ظل‌السلطان
۱۷۳	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: شکایت از محمد کریم‌خان ناسی
۱۷۴	عریضه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به ناصرالدین شاه و بتوسط فرخ‌خان: سپاسگزاری از توجهات شاهانه
۱۷۵	مخابره تلگرافی دولت علیه ایران: احوالپرسی صاحب‌دیوان از فرخ‌خان
۱۷۶	نامه‌ای احتمالا از میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: احوالپرسی و دعوت منزل سپهسالار
۱۷۶	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان در زمان پیشکاری ولیعهد در آذربایجان به فرخ‌خان: راجع به وضع یحیی‌خان آورنده خلعت ولیعهد
۱۷۸	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان پس از مأموریت یافتن به اصفهان: شکایت حاجی میرمحمد علی اردستانی وارد نیست
۱۷۹	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: جریان کارچارمحال و خانباباخان و مهدی‌خان چارمحالی
۱۸۲	نامه میرزا فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: قوام‌مطیع حسام‌السلطنه و خدمتگزار است
۱۸۳	خلاصه شکایت محمد کریم‌خان سرهنگ از میرزا محمدحسین پیشکار اصفهان
۱۸۵	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: راجع بکارهای میرزا محمدحسین پیشکار اصفهان
۱۸۶	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: درباب محمدعلی‌خان بعرض رسانیده نشود
۱۸۷	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: راجع به عباسقلی میرزا
۱۸۸	نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ‌خان: راجع به دعوای عبدالله‌خان و مأموریت سلطان بیک
۱۸۹	پیش‌نویس فرمان مربوط به قوام‌الملک
۱۹۰	نامه امیراصلان‌خان مجدالدوله پیشکار مسعود میرزا پسرشاه در اصفهان به فرخ‌خان: راجع به برقراری مواجب محمد کریم‌خان سرهنگ
۱۹۱	نامه امیراصلان‌خان مجدالدوله به فرخ‌خان: راجع به خانباباخان و محمد مهدی‌خان

صفحه	عنوان
۱۹۱	نامه امیراصلاحان خان مجدالدوله به فرخ خان: درباب مواجب ضباط خالصجات
	نامه امیراصلاحان خان مجدالدوله به فرخ خان: درباب تعمیر مسجدشاه و تنقیه قنوات خالصه
۱۹۲	
۱۹۳	نامه امیراصلاحان خان مجدالدوله به فرخ خان: تقاضای خلعت برای امام جمعه اصفهان
۱۹۴	نامه امیراصلاحان خان مجدالدوله به فرخ خان: درباب شلوغی و نظم اصفهان
۱۹۵	تلگراف صاحب‌دیوان به فرخ خان: راجع به بقایای مجدالدوله
۱۹۶	تلگراف مجدالدوله به فرخ خان، راجع به تصدی کارهای چهارمحال
۱۹۷	نامه مجدالدوله به فرخ خان: اظهار خوشوقتی از سمت جدید فرخ خان
	نامه برخی از تجار و کسبه و مستوفیان و کدخدایان اصفهان به فرخ خان: سپاسگزاری از وجود مجدالدوله در اصفهان
۱۹۸	
	نامه میرزا محمدحسین عضدالملک متولی باشی آستانه قدس رضوی به فرخ خان:
۲۰۳	شایعه انتصاب میرزا صادق قائم مقام باعث دل‌سردی است
	نامه میرزا محمدحسین عضدالملک متولی باش آستانه قدس رضوی به فرخ خان: اگر صحبت تغییر نیابت تولیت است کاری کنید که مرا به احترام، احضار به رکاب نمایند.
۲۰۴	
	نامه میرزا محمدحسین الملک متولی باشی آستانه مقدسه رضویه به فرخ خان: شفاعت از میرزا علیرضا مستوفی
۲۰۶	
۲۰۹	نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان: توقع خدمت
۲۱۰	نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان: راجع به عمل مالیات آذربایجان
۲۱۱	نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان: اظهار خدمت و فعالیت
۲۱۲	نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان: راجع به کارهای آذربایجان
۲۱۴	نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان: راجع به کارهای یحیی خان آجودان حضور
۲۱۶	نامه بی‌مهر و تاریخ راجع به تعدیات مجدالدوله دائمی شاه:
۲۱۸	نامه حاجی میرزا عبدالحمید به فرخ خان: نامه دوستانه
	نامه حاجی میرزا عبدالحمید از دوستان و وابستگان فرخ خان درگیلان به فرخ خان:
۲۲۰	شکایت از میرزا زکی پیشکارگیلان
	نامه حاجی میرزا عبدالحمید گیلانی به فرخ خان: راجع به تعدیات طرز رفتار میرزا زکی و عبدالوهاب ماسورین دولت درگیلان
۲۲۲	
۲۲۸	تعهد مورخ محرم ۱۲۵۸: راجع به افساط گلبایگان

صفحه	عنوان
۲۲۹	تمسک مورخ شعبان ۱۲۶۷: راجع به وجه اجاره ضرابخانه کرمانشاه
۲۲۹	راجع به تمسک عبدالرحیم صراف خزانه: عرض عبدالرحیم صراف خزانه
۲۲۹	تمسک میرزا زکی راجع بهزار تومان عمل گمرک همدان
۲۳۰	راجع به اقساط مالیاتی و بی نظمی فارس
۲۳۱	صورت پیشکش واردی ۱۲۷۰
۲۳۳	راجع به ۲۷۹ تومان که عمیدالملک رد کرده است
۲۳۳	صورت برآورد ثوب کلیچه از زمان امیرکبیر
۲۳۴	صورت وجه ده هزار تومان حاتم خان
۲۳۴	تمسک هزار تومان آقای مهدی ضابط نیاسر
۲۳۵	صورت جمع و خرج وجوه خارجه
۲۳۶	صد تومان بجهت مخارج مسجدچاله میدان
۲۳۷	قبض خزانه فرخ خان
۲۳۸	تمسک پنجهزار تومان ساوه و شاهسون بغدادی
۲۳۹	توصیه درباره صدرالمالک
۲۳۹	برات ۳۵۰ تومان ۱۷ رجب ۱۲۶۳
۲۴۰	قیمت دوطاقه شال
۲۴۱	قبض مستمری ملا رمضان
۲۴۱	قبض مستمری میرعبدالکریم کلهری
۲۴۲	تمسک ۱۲۵۰۰ تومان گلپایگان و خوانسار و فریدن
۲۴۳	قبض طلب فراهه ارمنی
۲۴۳	طلب فرخ خان بابت محمدحسن خان صندوقدار
۲۴۴	خلاصه جمع و خرج کارخانه مبارکه
۲۴۵	قبض پنج تومان خرج قنات همت آباد
۲۴۶	صورت حساب اصفهان
۲۴۷	راجع به کتابچه مفاسد حساب شاهرود
۲۴۸	صورت خلعت از شال های ایتیمی
۲۵۰	صورت مأخوذه و قرار معامله
۲۵۱	صورت معامله با حاج عبدالکریم
۲۵۳	اسناد خرج آقا محمدرضا

صفحه

عنوان

۲۵۴	صورت شال و چارقد ترمه موجودی
۲۵۶	صورت اشیاء موجودی در صندوقخانه
۲۵۶	مواجب محمدعلی نامی بحواله صنف گازرکاشان
۲۵۷	تعهد محمد باقر راجع به تعلیقات چراغعلی خان
۲۵۷	صورت بارهای امین الملک
۲۵۹	صورت وجه مالیات اصفهان
۲۶۰	تعهد یکهازرتومان و ششصد خروار غله
۲۶۰	صورت مواجب حاج فرهاد میرزا ظاهراً و پسرش سلطان اویس میرزا
۲۶۱	راجع به برات فتح الله میرزا
۲۶۲	قبض پول تفنگ
۲۶۲	قبض پول چمقاق تفنگ
۲۶۳	قبض قیمت نشان شخص دوسی نظام الملک
۲۶۳	تمسک یکهازرتومان از یوسف بن محمدحسن
۲۶۴	قبض انعام میرزا جعفرخان مشیرالدوله
۲۶۴	قبض هزارتومان پیشکش حکومت کاشان
۲۶۵	قبض حقوق کلوکه
۲۶۵	صورت حساب مربوط به قشون کرمان
۲۶۸	تمسک سیصدتومان میرزا ابوالقاسم اصفهانی
۲۶۸	باقی گمرک خانه ها بعد از وضع مخارج
۲۶۹	صورت اموال کاظم خان یاور فوج خوئی
۲۷۲	تعرفه خزل
۲۷۲	طلب آقا علی بقال
۲۷۲	تمسک بقایای محال اردستان
۲۷۳	علیق اسبان توپخانه اصفهان
۲۷۴	صورت جمع و خرج جنس
۲۷۵	برگشت قبض عبدالله خان صارم الدوله
۲۷۵	حواله دیوان ورثه مرحوم میرزا علی
۲۷۶	صورت مواجب وکیل الملک
۲۷۶	قبض قیمت خلعت محمودخان عمو
۲۷۷	قبض قیمت خلعت صاحب منصبان دیوانخانه

صفحه	عنوان
۲۷۷	صورت جمع و خرج فرخ خان
۲۷۸	قبض مقرری نواب علیرضا میرزا
۲۷۹	رسید پول باسراغاز یک بیت شعر
۲۷۹	قبض رسید پول برای روضه خوانی خانه فرخ خان
۲۸۰	صورت عملکرد معامله کاشان
۲۸۴	صورت دخل و خرج کتابچه عراق
۲۸۶	صورت مخارج قهوه خانه
۲۸۶	صورت نوشتجات مربوط به ملبوس
۲۸۷	حواله انعام حاجی سیدصادق مدرس مدرسه سلطانی
۲۸۸	قبض بیست تومان قیمت خلعت نوروزی میرزا محمدعلی
۲۸۹	تمسک عالیجاه میرزا علی منشی از باب سرباز ارامنه
۲۸۹	التزام نامه وصول حواله بمبلغ ۱۵۰۰ تومان
۲۹۰	تمسک ۱۴ هزار تومان قسط بروجرد
۲۹۱	تمسک ۲۰ هزار تومان حاج محمدحسین
۲۹۲	سیاهه ملبوس صندوقخانه شاهی بعنوان آقا احمد
۲۹۲	تمسک و تعهد سه هزار تومان مال کرمانشاه
۲۹۳	تعهد باقی مواجب فوج مخبران فراگوزلو
۲۹۳	حواله ملبوس نظر ترکمان شاگرد آشپز
۲۹۴	تمسک ۸۹ هزار تومان مالیات ۲۶۷ گیلان
۲۹۵	فهرست قبوض تجارتخانه قندهاری
۲۹۵	صورت وجوه انفا دی دارالخلاقه
۲۹۶	صورت پیشکش سال ۱۲۷۴
۲۹۷	حواله صدر اعظم به میرزا هاشم خان بمبلغ پانصد تومان
۲۹۷	برای میرزا سیدعلی مستوفی
۲۹۷	نامه امایلی میرزای اعتمادالدوله به فرخ خان در خصوص دونفر
۲۹۷	تبعیدی به خاک عثمانی
۲۹۸	تلگراف عزالدوله به فرخ خان
۲۹۸	تلگراف عمادالدوله به وزیر دولخارجه
۲۹۹	تلگراف امام جمعه اصفهان به فرخ خان و اظهار خوشوقتی از انتصاب مجدد او

دوازده

صفحه	عنوان
۲۹۹	تلگراف حاج عبدالله خان به فرخ خان
۳۰۰	تلگراف شاهرخ میرزا به فرخ خان
۳۰۰	تلگراف حاجی خان به فرخ خان
۳۰۱	تلگراف حسینعلی به فرخ خان
۳۰۱	تلگراف نایب الایاله از شیراز به فرخ خان
	تلگراف احوالپرسی یحیی خان معتمدالملک از قول شاه از اسین الدوله که سگته کرده بود
۳۰۲	
۳۰۲	تلگراف تبریک نایب الدوله از بوشهر بمناسبت پایان تبعید فرخ خان در کاشان
۳۰۳	تلگراف به فرخ خان از کاشان در خصوص محمد هادی خان
۳۰۳	تلگراف سپهسالار به فرخ خان دعوت برای سلام تحویل سال
۳۰۴	تلگراف به میرزا محمد وزیر در خصوص تهیه محل مواجب برای محمد حسین میرزا

نامهٔ ملکم به فرخ‌خان در زمان توقف در اسلامبول

صدراعظم از رقابت شما با خود ترسی ندارد^۱

فدایت شوم روز بیستم مرخصی از اسلامبول وارد دارالخلافه شدم ولی از نحوست بختم وقتی رسیدم که من خود از حضورم بی‌زار بودم و کمال تأسف را دارم که تا امروز عزیمت چا پار بتأخیر افتاد ولی همین قدر که فرصت کرده‌اند که نوشتجات شما را بخوانند باید ممنون شد. پریشانی که از قضیهٔ هایلئ و لیعه‌دی^۲ بر عموم اهل درخانه حاصل شده تقریری نیست، باوصف این جناب اشرف امجد ارفع از هیچ نکتهٔ نوشتجات و مطالب شما غافل نمانده‌اند، جوابهای ایشان از قرار است که بتفصیل مرقوم فرموده‌اند. آنچه باید بنده عرض کنم اینست که تصورات اسلامبول هیچ دخلی بحقیقت اوضاع اینجان ندارد. هر کس ادعا بکند که مکنونات جناب اشرف را در حق شما درست نوشته است دروغ گفته است زیرا که شما میدانید که فرمایشات زبانی و بعضی لطیفهای [= لطیفه‌های]^۳ ایشان که در هیچ مقام از دست نمیدهند هیچ-نسبتی بحقیقت حالت او ندارند و حال اینکه می‌توانم بگویم که هیچکس را از این

۱- میان میرزا آقاخان نوری و فرخ‌خان صفای کامل وجود نداشت زیرا میرزا آقاخان هر کسی را که امکان داشت به مقام صدراعظمی برسد مخالف خود می‌دانست و با فرخ‌خان هم این چنین بود و ملکم در این نامه بقول آقای معاون الدوله مغلطه کرده است چه اواز ایادی میرزا آقاخان بود.

۲- یعنی فوت امیر قاسم خان پسر ناصرالدین شاه و جیران فروغ السلطنه که در تاریخ ۱۸ ذی‌العقده ۱۲۷۴ درگذشت و خبر آن قبلاً در مجلدات سابق این کتاب ذکر و چاپ شده است.

۳- میرزا آقاخان نوری خیلی لوده و متلک گو بوده است.

حالت خود مثل شما مستثنا نداشته اند. در این چند روز بکرات باجناب ایشان درباب سرکار شما حرف زده ام و می توانم بگویم که عقاید ایشان را در حق شما بی پرده دیده ام و آنچه من فهمیده ام ایشان اصلاً از مأموریت شما رنجشی ندارند تا امروز بر هیچیک از کارهای شما نشنیده ام که ایراد و بحثی وارد بیارند و خدا شاهد است حالت او را نسبت بشما بطوری خوب دیدم که از بعضی اظهارات خود خجل هستم و من حالا می خواهم از جانب شما از ایشان عذرخواهی بکنم از آن حرفهائی که زده ام. چیزی که فی الجمله قابل اعتنا می دانستم این بود که مردم چه در فرنگ و چه در ایران افواهاً شما را یک نوع مدعی صدراعظم قرار داده بودند. حال شما را بطور یقین مطمئن می سازم که صدراعظم خواه از روی غفلت، خواه از روی اطمینانی که از شما دارند، خواه از روی غرور و بی اعتنائی و خواه از روی هر دلیلی که شما تصور نمائید بهیچ وجه از شما تشویش و احتیاطی ندارند. بنای جمیع شهرتهای مردم این نکته بود و الآن بنده شما را کاملاً مطمئن از این فقره می سازم. چیزی که از خاطر صدراعظم نمی گذرد مدعی گری شماست بعد از آنکه میان شما و ایشان این یک نکته نباشد دیگر دلیلی باقی نمی ماند که ایشان با شما بی التفات باشند. نمی دانم این فقره را درست حالی کردم یا خیر. حرف بنده این است که صدراعظم در صورتی نسبت بشما بی التفات خواهد شد که شما را یک نوع مدعی ضعیف خود بداند ولیکن خیال ایشان از این فقره بحدی بعید است که برای شما اصلاً جای تشویش نمی بینم. حقیقتش این است که من هم چنان تصور می کردم که پس از این همه شهرت و نیک نامی که در فرنگ و ایران تحصیل نمودید صدراعظم اگر هم باشما کمال محبت را داشته باشد از این بابت احتیاط و بدگمانی خواهد داشت ولیکن بخدا و بان صدقی که همیشه پرسیده ام خیال صدراعظم را بقدر ذره ای مصروف این فقره ندیدم. من پی دلیل این بی اعتنائی و اطمینان صدراعظم نمی گردم همین قدر بشما می گویم که ایشان ترقی و شهرت و اعتبار شما را مایه ضرر خود نمی دانند. از این عرض من

سه مطلب می‌توان استنباط کرد یا این است که شما را قابل این نقل‌ها نمی‌دانند یا از شدت غرور از حالت شما غافلند یا این است که از شما کمال اطمینان را دارد . هر کدام از این سه حالت را صحیح بدانند دخلی بمن ندارد ، چیزی که برای شما زیاد لازم است آن نتیجه است که برای شما حاصل شده است و عبارت است از عدم بدگمانی صدراعظم نسبت بشما .

این فقره بعدی صحیح است که بعد از ورودم جناب اشرف را حاضر دیدم که هر نوع التفاتی که بخواهید بدون مضایقه مبذول بدارند بنده را وکیل کردند که هر چه را میل شما بدانم اظهار نمایم . یقین بدانید که هر نشانی که می‌خواستم بامیل تمام می‌فرستادند . اما باعتقاد من فرستادن هر نشان عظم شما را در فرنگ م می‌کرد زیرا که شما باقتضای منصب سفارت کبری باید بالاترین نشانهای دولت خود را داشته باشید . همین که نشان تازه‌ای، بفرستند معلوم میشود که نشان بزرگ دولت را نداشته‌اید، اگرچه در حقیقت هم نشان اصلی این دولت را ندارید . خلاصه بواسطه این ملاحظات التفات دیگری خواستند بکنند که در نظر فرنگیها تازگی^۱ داشته باشد^۲ . جناب اشرف در حضور میرزا هاشم خان و میرزا ربیع و بنده فرستادند بهترین قبا هسای تن مبارک را آوردند ، و ما را مختار کردند که هر کدام را بخواهیم برای شما منتخب نمایم، بعضی ها قبای ترمه را ترجیح دادند ولی بنده از آنجائی که باید همیشه فضولی خود را بکنم قبای زری را منتخب نمودم . قبای ترمه خیلی دارند هیچکس ملتفت آن نمی‌شد قبای زری چون بریلیان تر^۳ بود بهتر جلوه خواهد کرد . علاوه بر محاسنات^۴ دیگر، باری اگر هم بد شده من کرده‌ام والا صدراعظم انواعش را حاضر کرده بود . خلاصه من مصلحت را چنین دیدم تا شما چه فرمائید .

* * *

۲- در اصل: باشند

۱- در اصل: تازه‌گی

۴- در اصل چنین است و صحیح آن معائن یا محسنات می‌باشد

۳- یعنی درخشان‌تر

۱ در باب مراجعت جناب عالی بطهران آنچه لازم دانستم عرض کردم و بنا بر آنچه بر صفحات سابق عرض کرده ام جناب اشرف هیچ مضایقه از مراجعت سفارت کبری نداشتند بلکه بچندین ملاحظه طالب ورود سرکار بودند ولی بواسطه بعضی اسباب خارجه احضار شما در این اوقات قدری مشکل شده است. قبل از ورود من بطهران در راه شنیدم که وزیر مقیم اسلامبول معزول است در اینجا هم محقق شد که چندان اطمینانی از کفایت او ندارند و او را در این اوقات کشمکش دولت عثمانی کافی سفارت اسلامبول نمی دانند.

علاوه بر مسائل معوقه فیما بین ایران و عثمانی اوضاع بغداد چنانکه از - نوشتجات میرزا ابراهیم خان مشاهده خواهید فرمود روز بروز حواس اولیای ایندولت را پریشان تر میسازد. بدتر از همه شارژ دافر عثمانی در طهران دست به بعضی کارها زده که حسن ربط دولتین را متصل در خطر دارد. وقتی که حرف احضار شما را بمیان آوردم جناب اشرف این حالت ها را بیان نمودند و بعد گفتند اگر امین الملک را بخواهم، دفع این اوضاع را بچه اسباب بکنم در صورتی که در اینجا آدم کافی داشته باشم بعد از شش ماه به اسلامبول نخواهد رسید. در اینجا هم بعد از شش ماه از حقیقت اوضاع مثل امین الملک مستحضر نخواهد شد. و آنکه من چطور می توانم مثل سفارت کبری اسباب دیگر فراهم بیاورم. امین الملک با سفارش و تقویت سه دولت بزرگ به اسلامبول رسیده است. سفرای آن دول بهزار اسباب حاضر تقویت و همراهی او شده اند هرگاه امین الملک از اسلامبول بدون انجام کار بیرون بیاید حاصل جمیع این اسباب که ما از اینجا و او خودش در اینجا فراهم آورده ایم بکلی ضایع خواهد شد سهل است امر ما با عثمانی بجاهای خطرناک خواهد کشید. پس از بیان این اوضاع اختیار کار را به امین الملک خواهم گذاشت هرگاه مراجعت خود را با دولت خواهی خود مطابق ببیند من حرفی نخواهم داشت ولیکن اعتقاد من و اقتضای وقت این است که امین الملک جمیع حواس و کفایت خود را یک دو ماه

صرف کارهای اسلامبول نماید، منم از اینجا هر قسم تقویت و اسبابی که لازم داشته باشد فراهم بیاورم بلکه یک طوری بشود که ما از این کشمکش دولت عثمانی- فارغ بشویم و اگر هم باید کار را یکطرفی کرد آنرا هم امین الملک بهتر از همه کس خواهد کرد. فرمایشات جناب اشرف از این قبیل شد.

حال آنچه بنظر بنده رسید این است که زور بیاورید و امر را تا یک ماه بیک جای قطعی منجر سازید و بعد حاصل قطعی عمل خود را بطهران بنویسید که این است آنچه شد. دیگر از من و رای این، کار سازی نخواهد شد. اما یک چیزی هم با کمال محرمیت بشما عرض بکنم هر گاه بدون اینکه کار را یکطرفی بکنید از اسلامبول بیرون بیائید حرکت شما در اینجا غیر مقبول و مایه تأسف شما خواهد بود.

مشکلات کار شما را هیچکس بهتر از من نمی داند و از حالا می بینم که از ملاحظه این عریضه من چقدر افسرده خواهید شد. اما بخت شما همه جا همراه شما است و من یقین دارم که کار را بطور دلخواه خواهید گذرانید چیزی که من در اینجا می توانم تعهد بکنم این است که صدراعظم هر قسم تقویتی که بخواهید از شما خواهد کرد. این فقره را من با کمال اطمینان بر عهده خود می گیرم. باقی را بر عهده بخت و کفایت خود بگذارید. صدراعظم یک جبهه [ای] که بنسندگان اقدس شاهنشاهی به ایشان مرحمت فرموده اند برای شما فرستادند. کاغذی هم بخط خود نوشته اند هر گاه وقت مناسب بود نسبت بشما زیاد اظهار مهربانی می نمودند اما وقتی که قلم گرفت از شدت پریشانی و تغییر قوه حرف زدن نداشت و خیلی تعجب کردم که توانست این چند سطر را هم بنویسد.

از حالت ایشان یقین اراجیف زیاد خواهید شنید اینقدر را بشما می نویسم که آنچه بشنوید از اصل حقیقت دور خواهد بود. بسیار کم کس از حالت حقیقی ایشان اطلاع دارند، مختصرش این است که کار ایشان مضبوط ولی خود از

حالت خود به تنگ آمده است.

شما از دستخط و خلعت مبارک اظهار تشکر زیاد بنویسید و همچنین از صدراعظم باید زیاده از حد ممنون باشید. بعضی از مطالب یادداشت را قبول کردند بعضی دیگر در گفتگو هستیم، حواس ها نه بعدی پریشان است که مقام این نوع مطالب باشد، بعد هرچه شد عرض خواهم کرد.

بندگان اقدس شاهنشاهی زیاد طالب تفصیلات سفارت کبری بودند، حیف که قضیه ولیعهدی همه را مغشوش کرد. تعلیق سرکار را رضایک رسانید، مقصود نیغون، بزرگ را البته ملتفت شده اید. یکی اینکه خدا خواست که جمیع تماشاهای عالم را میر کرده باشید و دیگر اینکه بدانید که حضور من چقدرها متضمن عافیت و آرامش سفارت بوده است، خدا رحم کرده بود که هنوز از اسلامبول پردور - نشده بودم والا پناه بر خدا. ملکم

آنچه نوشته ام یقین از روی حقیقت بدانید. نکته دیگر هم می نویسم که باید بلا تردید قبول نمائید. می دانم که از توقف اسلامبول پریشان و متزلزل خواهید بود و بعدسهای دور و دراز اوقات خود را تلخ خواهید کرد اما من از روی علم یقین شما را مطمئن می سازم که صدراعظم شما را در اسلامبول هر قدر بتواند تقویت خواهد کرد و بقدر ذره [ای] بشما مخالفت نخواهد نمود، از این فقره مطمئن باشید مادامی که در اسلامبول هستید من ضامن این فقره هستم. وقتی شما به صدراعظم رسیدید آنوقت بضمانت بنده احتیاج نخواهد بود.

خدمت آقامیرزا هاشم خان و میرزا ربیع یکدفعه رسیده ام. کاغذها و امانت ایشان را رساندم و همچنین کاغذ مشیرالدوله را که یک دقیقه سرپا دیده ام. شاهزاده فرهادمیرزا بشما کاغذی نوشته اند، البته اسبابی که خواسته اند التفات خواهید کرد. شاهزاده معظم الیه یقین از دوست های شماست و حفظ الغیب شما را بطور

۲

نامهٔ ملکم به فرخ خان

فی دوم محرم الحرام ۱۲۷۵

اظهار نظرهائی راجع به مذاکره با اولیای دولت عثمانی

فدایت شوم مطالب دولتی را جمیعاً بطوری نوشته‌اند که هیچ احتیاج به عرایض جدید بنده نیست. نمی‌توانم عرض بکنم که اوضاع بغداد چقدر حواس‌ها را پریشان کرده است. رفع معایب آنجا چه در نظر اولیای دولت و چه در نظر عموم ملت چنان لزومی پیدا کرده است که برای این دولت اولین مسئله وقت شده است و انصافاً اگر نصف آنچه را هم از بغداد می‌نویسد راست باشد تحمل آن برای هیچ دولت جایز نخواهد بود.

این اوضاع بغداد بقدری که تصور بفرمائید در نظرها عظم پیدا کرده است و تمام اهل در خانه اصلاح حالت آنجا را موقوف بکفایت شما می‌دانند و یقین بدانید که اگر در این باب قرار نمایانی ندهید جمیع زحمات سابق سر کار در نظرها محو بلکه مورد هزار قسم ایراد خواهد بود ولیکن اگر مردم را از این پریشانی آسوده بسازید بدانید که یک برصد بر جلوه خدمات خود خواهید افزود و بقول فرنگی‌ها بر خدمات خود تاجی خواهید گذاشت. اگرچه بعد از اظهار این نکته جناب عالی هیچ یک از تدابیری که بعقل برسد فروگذار نخواهید کرد ولی چون این مطلب را برای انجام سفارت شما زیاد لازم می‌دانم و بنده هم عادت کرده‌ام که در پیشرفت مأموریت سر کار هرچه بعقل بنده می‌رسد همان ساعت عرض بکنم، لهذا بعرض بعضی نکات جسارت می‌کنم.

اولا این را عرض بکنم که هرگز دولت عثمانی مثل امروز ضعیف و مستعد حرف شنیدن نخواهد بود. گرفتاریهایی که با دول فرنگ پیدا کرده‌اند برای وزرای عثمانی هیچ حواس باقی نگذاشته است.

طغیان عیسویان قره‌داغ و جزیره قندی و موافقت فرانسه و روس در حمایت حضرات و صدنوع مرارت و خرابی‌ها که شما خود بچشم می‌بینید همه این اوضاع امروز بهترین مقوی کارما هستند و یقین است که دولت عثمانی در این اوقات بهیچ وجه قادر باین نخواهد بود که صرفنظر از دوستی دولت ایران نماید. بنابراین حال وقت آنست که جناب عالی بقدری که بتوانند آواز خود را بلند سازند. باعتقاد بنده به بمحض وصول این نوشتجات سرکار شما باید مضطرباً صدراعظم را ببینید و با کمال تأسف بگوئید که شما از بقای دوستی دولتین اسلام مأیوس شده‌اید زیرا که عمر پاشا کاری نکرده است که بتوان جلو تعصب علمای ایران را گرفت.

من التزام می‌دهم که اگر در آن مجلس صد نوع تشدد بکنید بجز معذرت و ملایمت چیزی نخواهید شنید. باید بخصوصه براین فقره دادرز که شما ما را به وعده‌های خود خام می‌کنید و عمر پاشا بهزار تعدی اطمینان‌های شما را تکذیب می‌کند.

دیگر بعد از این باطمینانهای شما اکتفا نخواهیم کرد یا قرار مضبوطی بدهید بفلان شرط یا اینکه مرا صریح جواب بگوئید.

فدایت شوم شما مطمئن باشید که در هیچ صورت سفرای روس و فرانسه نخواهند گذاشت که شما ترک مروده [مراوده] بکنید. جنگ ایران و عثمانی حکماً پای روس و فرانسه را بمیان خواهد کشید، باین جهت آنها لابد هستند که تادقیقه آخر بقدر قوه در اصلاح کار شما بکوشند.

موافقت روس و فرانسه این روزها بر همه کس لازم است. جناب شما باید در

۱- سردار اکرم ازمران لشکری معتبر عثمانی ووالی بغداد بود. در مجلدات سابق هم

از او ذکر شده است.

این تهدیدات خود بطوری حرکت نمائید که چنان مفهوم بشود که ایران هم در باطن با این دو دولت متفق شده است و به تحریک آنها می‌رقصد چون این روزها روس و فرانسه نسبت به عثمانی در مقام تهدید هستند. شما مطلب را خوب میتوانید مشتبّه بکنید. از یکطرف هم باید سفاراهم چنان مضطرب کرد که خیال بکنند واقعاً مصمم ترک مراوده هستید مثلاً در روزنامه بنویسید که شما در تهیّه عزیمت هستید به تجارهم ظاهراً اعلام کنید که دست و پای خود را جمع کنند. هیچ شکی نیست دولت عثمانی در این اوقات منقلب که از هر گوشه ممالک آن اسباب صد فتنه فراهم آمده است نمی‌تواند تاب ولولّه شمارا بیاورد. اگر این حرکت را پارسال می‌کردیم چندان مؤثر نمیشد اما حالا اوضاع دیگر است.

دولت عثمانی هر دقیقه منتظر یک آشوب و فتنه بزرگ است و می‌داند که امروز اشتعال کل ممالک خود موقوف بظهور یک شعله کوچک است لهذا بجهت حفظ این ظاهر صلح که این اوقات اینقدرها لازم دارند وزرای عثمانی از هر نوع همراهی شما مضایقه نخواهند کرد. باصطلاح عوام حال وقت توپ زدن است. ما یقین داریم که در دست حریف چیزی نیست و اگرچه دست ما هم خالی است اما این فرق هست که حریف نمی‌داند دردست چه داریم بلکه از اسباب اطراف نزدیک به یقین است که ما دست خالی نیستیم. چیزی که کار ما را مضبوط کرده است این موافقت روس و فرانسه و بخصوص رنجش و مخالفت آنهاست نسبت به عثمانی.

باری زیاد فضولی کردم اما هیچ شکی نداشته باشید که این طرح توپ زنی حکماً بطور دلخواه پیشرفت خواهد داشت و بر خلاف این حالت ملایمت هیچ نتیجه نخواهد داشت.

وزرای عثمانی چنان بدردهای بزرگ گرفتار شده‌اند که اگر هم نهایت میل را داشته باشند فرصت اینکه بکارهای دوستانه ما پردازند نخواهند کرد اعتنائی به مطالب ما نخواهند کرد مگر در صورتی که مطالب ما را نیز با دردهای بزرگ ایشان ربط بدهیم.

بعد از این عرض ها یک نکته دیگر هم هست که بدون ملاحظه آن ، طرح ما ناقص خواهد بود . باید اول سعی کرد که در نظر سفرا حق بجانب ما باشد و این کار آسان نیست اگر مسائل بغداد را بخواهید از روی قوانین متداوله یورپ تحقیق کنید کار ما خراب است . تمام سعی ما باید در این باشد که مسائل اماکن شریفه را از حالت سایر ولایات عثمانی بری و مستثنا نگاه داریم .

بدیهی است که این قوانین جدید که میخواهند در صفحات بغداد مجری بدارند از ممالک فرنگ می گیرند و اینهم مبرهن است که قوانین مزبور در ممالکی مجری بوده که در آنجا قوانین و حقوق مذهبی بکلی منسوخ بوده است . اما در ممالک عثمانی و در ایران که بنیان قوانین دولت بر عقاید مذهبی وضع شده نمی توان اوضاع و مسائل این صفحات را از روی قوانین فرنگ تحقیق کرد . مثلاً موافق حقوق و قواعد فرنگ عیسوی های ممالک عثمانی باید با مسلمانان صاحب یک حق باشند ولیکن می بینیم که بحکم قوانین مذهبی ایشان را مورد تکالیف جداگانه ساخته اند . از این فقره آشکار می شود که در ممالک عثمانی دو قسم حقوق علی حده بر قرار است . یکی حقوقی که از قوانین جدید حاصل شده و یکی دیگر حقوق مذهبی که مدتها مدار مسلمان ها بر آنها گشته است . با وصف این حالت ، سفرای خارجه نمی توانند مسائل اماکن شریفه را فقط بحکم حقوق دولتی قطع نمایند بهمین استدلال می توان ثابت کرد که اوضاع بغداد هیچ دخلی بسایر ولایات عثمانی ندارد . تنظیمات فرنگ را در جائی می توان مجری داشت که مثل فرنگ قوانین و حقوق مذهبی بکلی منسوخ شده باشد و حال خود وزرای عثمانی در مقابل دولت فرنگ مرعی هستند که در دولت عثمانی نمی توان صرف نظر از قوانین مذهبی نمود .

این چند کلمه را مختصراً عرض کردم زیرا که می دانم که جناب شما این نوع دلائل را بهتر از همه کس شرح و بسط می دهد . من مطلب را نتوانستم بطوری که می خواستم بشکافم ، همین قدر اشاره کردم ولیکن این مسلم است که اگر رشته

این مطلب را از دست بدهیم در نظر عموم سفرا حق بجانب عثمانی خواهد بود. این راه می‌توان گفت که از اماکن شریفه دو قسم تمتع حاصل است یکی تمتع ملکی و دیگری تمتع مذهبی. تمتع اولی حال مخصوص عثمانی است اما تمتع مذهبی دولت ایران هم بعینه مثل عثمانی حق دارد. دولت ایران هرگز این حق را از دست نداده است مادامی که این شراکت در تمتع مذهبی فیما بین دولتین باقی است دولت عثمانی نمی‌تواند وضع چنان قانونی نماید که مخل حقوق مذهبی ایران باشد. دولت عثمانی مختار است که در شام یا درازمیر هر قانونی که می‌خواهد وضع نماید زیرا که هیچ دولتی در آن شهرها از هیچ راه شریک عثمانی نیست اما در اماکن شریفه مراتب اختیار دولت عثمانی تغییر می‌کند و در هر تدبیر ملکی که بخواهد در آنجاها مجری بدارد باید شرایط شراکت مذهبی دولت غیر را رعایت نماید. اگر بگوئید این شراکت را کی بدولت ایران داده‌اند جواب آن پر واضح است. سیصدسال است که صاحب این حقوق هستیم و در اجرای این حقوق خرج‌ها کردیم و صدمات کشیده‌ایم و صاحب چنان علایق شده‌ایم که حال ترک آن برای ما ممکن نیست.

باری این مطلب را زیاد می‌توان با عظم کرد. دولت روس فقط بجهت تعمیر یک کمید^۱ بیت المقدس خود را صاحب حق چنان حمله بزرگ قرار داد. بر ما که اینقدر تعدیهای خفت‌آمیز وارد آمده البته حق هر نوع تلافی داریم. و نیز باید چنان وانمود کرد که اولیای دولت ایران چندان دربند این حقوق مذهبی نیستند و لیکن همجوم^۲ علما و عموم رعایا بحدی رسیده که نزدیک است اختیار از دست دولت برود و چنانکه ملل فرنگ مدت دو بیست سال برخلاف رأی سلاطین خود بسرداری کشیش‌ها بی اختیار بر سر بیت المقدس حمله بردند حالا نزدیک شده که عموم اهالی ایران بهمان طریق بر سر بغداد هجوم بیاورند.

در باب تجاوزات سرحدیه عمرپاشا هزار دلیل داریم که شما بهتر از همه

۱- کذا و شاید گنبد مراد بوده است.

۲- کذا و ظاهراً هجوم مراد بوده است.

کس می‌دانید. بنده بیش از این جسارت نمی‌کنم. بحق خدا آنچه عرض کردم محض این است که شاید از این عقاید باطل یک نکته [ای] برحسب اتفاق مفید فایده بشود. باز هم تکرار می‌کنم انجام مأموریت سرکار موقوف بحل این مسئله است. باعتقاد من این اوضاع محض این بروز کرده که بلندی بخت شما بیشتر جلوه بکند. نمی‌توانم شرح بدهم که چقدرها منتظر حرکات شما هستند. جناب اشرف بحدی مواظب و طالب اصلاح حالت بغداد است که گویا فخر دنیا و آخرت خود را بر حصول این مقصود قرار داده است و جناب عالی را می‌توانم بهر نوع قسم مطمئن بکنم که جناب اشرف در تقویت شما و پیشرفت این مأموریت از هیچ نوع همراهی و شراکت مضایقه نخواهند داشت. دیگر عرضی ندارم مگر استدعای عفو از این نوع جسارتهای مطول که از روی صدق محض مرتکب شدم.

فدایت شوم چون بنا بود چارچاپ چند روز قبل بیرون بیاید عریضه نوشته بودم. بعد لازم شد که این عریضه را هم مجدداً جسارت نمایم و هردو را باهم ارسال دارم. زیاده جسارت ننمود.

۳

عریضه فرهاد میرزا به ناصرالدین شاه

پشت عریضه مهر بیضی کوچک بسجع فرهاد

قلت مایه و قوت همسایه در حکومت لرستان

هو

قربان خاکپای جوهر آسای مبارک شوم اگر بنده ذلیل وقتی عرض حالی بخاکپای ولی نعمت خود که مالک جان و مال و عیال اوست بکند انشاء الله از مرحمت ملوکانه برزئت او ایرادی وارد نخواهد شد. در یکی از دستخطهای مبارک مرقوم و مقرر شده بود که چه درد داری این قدر مینالی، حال که از این خدمت معاف فرمودند

عرض می‌کنم چه دردی از آن بالاتر بود که این بنده ذلیل داشت، قلت مایه و قوت همسایه، چهارده ماه است که حکم همایون باحضار فتح الله خان خائن و فوج امرائی صادر شده بود بجهت احتشاد^۱ خود و خرابی من گذاشتند که این کار بانجام برسد ناچار بودم که در همسایگی^۲ یا بهم بزنم یا خود را معاف کنم. چراغعلی و عباس یک شش ماه است زحمت کشیده فوجی درست کردند هرچه آنها روز زحمت می‌کشیدند شب بهم می‌خورد. این بنده درگاه احضار شده و دیگری منصوب شده چه دخلی بعمل فوج دارد که باید فتح الله خان معاف شود و فوج مرخص بشود و یا پیشکش متقبل بشوند و این کار را موقوف بکنند. صلاح مملکت و نظم ولایت منوط به رأی جهان‌آرای همایون است ولی برای این بندگان^۳ لازم است که آنچه دانسته‌اند بعرض حضور همایون برسانند. همه کس میدانند که لرستان مداخل ندارد که هر کس مایل آنجا باشد و الحمد لله تعالی از اقبال بی‌زوال همایون روحنا فداه بی‌نظم هم نبود که محتاج اصلاح بشود. پس خواستن لرستان و نگاه داشتن فتح الله - خان دلائل معنوی دارد. اگر در طهران براولییای دولت مخفی باشد در این صفحات بر احدی مخفی نیست و یقین از دلائل اقبال پادشاه جمجاه روحنا فداه بود که محمد مراد خان بدرک واصل شد و رکن معظم فساد لرستان تمام شد. زیاده هرچه عرض کند جسارت است. رأی جهان‌آرای همایون آئینه جهان‌نماست. صدق و کذب همه چاکران دربار در آن آئینه مشهود است. امر جهان مطاع، مطاع است.

۲- اصل: همسایه گی

۱- مجتمع شدن برکاری

۳- اصل: بنده گان

۴

نامه فرهاد میرزا به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع عبده الراجی فرهاد ۱۲۸۴

نزدیک است فیض آستان همایون نصیب شود

هو

جناب جلالتماب امین الدوله العلیه العالیه دام اقباله العالی
مراسله شریفه که مورخه شب ۲۲ بود در منزل ساوه عز وصول بخشید .
چنان معلوم شد که هنوز چاپار مخصوص مرسولی مرکار عالی هنوز وارد نشده بود
انشاء الله تعالی قبل از تشریف فرمائی بموکب همایون چاپار رسیده است .
خداوند حیاتی بدهد فیض آستان همایون نزدیک است نصیب شود . معلوم است
پس از آنکه بموکب همایون آمدم بغیر از منزل سرکار کجا خواهم بود .

شعر

هر کسی کسی دارد	یار غم رسی دارد
من همین ترا دارم	ای خدا تو می دانی

زیاده زحمت است . شب ۴ شنبه ۲۸ عرض شد .
وزیر را علی العجالة گذاشته اما آمدن او محسنات دارد و می خواهد برضای
سرکار رفتار کرده باشد . یک ماه دیگر هم احضار شود نقلی نیست . والسلام

نامه^۱ فرهاد میرزا به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

در تهنیت عید اول پس از فوت پسر فرخ خان^۱

هو

جناب جلالتمآب امین الدولة العلیه دام اقباله العالی

مراسله^۲ شریفه رسید در حاشیه بخط شریف مرقوم شده بود چون خودم را رفتنی میدانم از این جهات این مصیبت چندان اثر نکرد، خدا گواه است این حرفها خیلی بر من اثر کرد. آنکه در نفس شریف اثری چندان نکرده باشد از قوت نفس و دانستن حقایق است. انشاء الله تعالی شما سلامت خواهید بود و باز خداوند متعال عوض او را کرامت و رحمت خواهد فرمود.

اسدالله بیگ از افسردگی^۱ خاطر شریف نقل کرد که دوبار بخدست مشرف شده بود یقین دارم که در این مدت تنهائی زیادتر اثر کرده که غمخواری و انیسی و دلسوزی نبوده که بتوانید کشف حالی و بث مقالی بشود. انشاء الله تعالی رفع کسالت می شود اینها سهل است. انشاء الله تعالی عید شریف مبارک است و به اعیاد کثیره فایز خواهید شد.

البته بعرض سر کار رسیده است که سلطان مسعود داماد بنده خواری حضرت عیسی برحمت الهی واصل شد. زیاده زحمت است. والسلام.

۱- پسر بزرگ فرخ خان نصرالله خان در زمان حیات پدر درگذشت، این نامه مربوط به

این قضیه است.

۲- اصل: افسرده گی.

۶

نامه فرهاد میرزا به فرخ خان

راجع به حکومت کاشان و توصیه به احتیاط کردن

هو

جناب جلالتمآب امین الدوله العلیه دام اقباله العالی

دیشب شنیدم که حکومت کاشان را بنور چشمی اسماعیل میرزا داده‌اید و جناب ضمانت کرده است. پریشب که خدمت سرکار بودم چنین گفتگوئی نبود. دیروز احتشام الملک^۱ نفس گسیخته آمد و این تفصیلات را گفت، باور نکردم. شبانه که از دستگاه سرکار فخرالدوله این خبرها رسید احتمال دادم راست باشد، اگرچه هنوز عقل ناقص قبول نمی‌کند. لایلدغ المؤمن من جحر مرتین^۲ استفسار او لازم افتاد شاید خیالی کرده باشید که مقرون بصلاح باشد ولی:

دم روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحامی کرد^۳ ندانستم آن شخص بزرگوار وعده ملاقات داد یا هنوز معین نشده است. و دیشب جناب اجل اکرم تشریف آوردند یانه. شنیدم اعلیحضرت همایون روحنا - فدا فرموده‌اند روزنامه‌ها را تغییر بدهند و تفصیلات دیگر مذکور شد و اینها کلا خبر شمیران است که نوکرها از گوشه و کناری می‌شنوند و می‌آرند. البته هیچیک صحیح نیست. زیاده زحمت است.

۱- جلال‌الدین میرزا پسر خانلر میرزای احتشام الدوله که برادرزاده و داماد فرهاد میرزا بود و نیزه عبدالعلی میرزا پسر فرهاد میرزا و در اینجا ظاهراً دومی مراد است.

۲- فرمایش پیغمبر (ص): مؤمن دوبار از یک سوراخ گزیده نمیشود، کنایه از این که مؤمن محتاط است.

و از این عبارت برمی‌آید که این نامه درباره دومین بار حکومت اسماعیل میرزا در کاشان نوشته شده است. یکدفعه رفته و اشکالی پیش‌آمد کرده است و فرهاد میرزا به کنایه از آن یاد می‌کند.

۳- از حافظ است و در بعضی از نسخه‌ها بجای دم: فیض.

جناب سردار کل انشاءالله کی وارد می شوند شنیدم نواب شجاع السلطنه^۱.
در چیز عمارت مرحوم فخرالدوله را برای ایشان معین کرده اند.

۷

نامه ای احتمالاً^۲ از فرهاد میرزا^۳ به فرخ خان

نامه بدون تاریخ است و مهر آن محو شده است

انتشار سریع خبر

فدایت شوم هیچ ملتفت این یک حرف شدید که بکجاها منجر شد.
انصافاً نوکرهم باید اینطور خیرخواه و محرم آقا باشد هنوز پیغام و حکم پادشاهی
خدمت شما نرسیده در اردو پهن [شد] و بنده موجب طعن و لعن گردیدم. شمارا
بسر مبارک شاه قسم می دهم که بعد از این اینگونه فرمایشات را به بنده نفرمائید
اگر در کار دولت ضرر کلی هم ببینید بهیچ یک از نوکرهای بزرگ و یا کوچک
پادشاه نفرمائید. روسی و انگلیسی یا کسی که بدانید زور اینها باو می رسد دخیل
اینگونه کارها بکنید. ماها نان بخوریم مواجب بگیریم، مال دیوان بخوریم،
شیطنت بکنیم، راه برویم عجب دولتی خواهد شد. اینقدرهم با شماست که خا کپای
همایون عرض کنید این چه خبر است فرمایشی بود پادشاه اورا محرم دانست، فرستاد
خدمت شما اردو چرا باید مطلع شود.

۱- فتح الله میرزای پسر فتحعلی شاه و پدرزن ناصرالدین شاه وجد مادری مظفرالدین شاه.

۲- خط نامه اندکی با خطوط دیگر فرهاد میرزا تفاوت دارد.

۸

نامه^۱ فرهاد میرزا به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

درباره^۲ مسائل متفرقه

هو

در این مدت که موکب همایون تشریف برده است یک بار بنده و نواب نصره الدوله را بشوری اعلام کرده اند ندانستم با میرزا رحیم است و یا دیگری است. من و نواب معظم الیه هم پایی نشدیم. حیاتی باشد انشاء الله اواسط ماه بشمیران خواهیم رفت.

در باب گمرک درست خبر ندارم و کاری هم که از دایره من خارج باشد کاری ندارم ولی اینقدر می دانم که تا بحال کار آذربایجان نگذشته است. از امین - لشکر تا بحال چندین بار اقرار و انکار و قبول و لاقبول تحریراً تقریراً اتفاق افتاده است و هنوز حکم قطعی صادر نشده است.

نواب عماد الدوله گویا تمکین کرده است که آدم برود

و از سؤال و جواب نواب حسام السلطنه سرکار عالی بهتر می دانید. در حقیقت حسام و قوام هر دو حق دارند. تا چه اندیشه کند رأی جهان آرایش.

شخصی نوشته بود که روز لشکر آرائی ترتیب لشکر از جانب سنی الجوانب همایون بعهده سرکار محول بود و الحمد لله تعالی خیلی خوش گذشته است و خیلی مستحسن بوده است. از این مرحله خیلی مشعوف شدم انشاء الله آثار خیر است.

و بعد از ورود بخاک خراسان و آن تفصیلات البته مختصری خواهیم نوشت.

پسر قوام الدوله^۱ که از خانم است خیلی ناخوش است و از این جهت خیلی

۱ - میرزا محمد قوام الدوله آشتیانی داماد فرهاد میرزا بوده است.

اوقات من و عموقزی^۱ تلخ است و یک دخترش هم یکماه قبل تلف شد اگر انشاءالله تعالی خداوند شفا کرامت کرد یقین از اشکهای پی در پی عموقزی است.

ناظر ۲۱ محرم روانه شد و احتمال کلی می رود که انشاءالله تعالی ۴ صفر شرفیاب آستان همایون بشود. زیاده زحمت است. والسلام شب سیم تحریر شد

۹

نامه فرهاد میرزا به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

علت مرگ میرزا محمدخان سپهسالار

و

اعتماد السلطنه^۲ هر قدر گله از روزگار بکند سزاوار است. با وجود اقرار خودش که اعلیحضرت همایون روحنا فدا ده دستخط مرقوم فرمودند که باید بخراسان بیائی باز بعد از وفات سپهسالار سرافرازی بوزارت خراسان حاصل نکرد. خیلی غریب است پس معلوم است که ده دستخط همایون صادر نشده بود. اگر وزارت نشد لااقل بتولیت سرافرازی حاصل می کرد. دریغ که همیشه عادت روزگار این است. عصافیره تروی و نظمی قشا عمه یعنی گنجشک ها سیراب می شوند و عقابها از تشنگی می میرند.

نوشته بود که سپهسالار^۳ این قدر آلبالو پلو شب خورد که صبح مرد.

۱- یعنی دختر عمو که زن فرهاد میرزا باشد دختر محمدعلی میرزای دولتشاه.

۲- یعنی مصطفی قلی خان قراگوزلوی همدانی که از فرماندهان قشون و مدتی رئیس قشون خراسان بود.

۳- یعنی میرزا محمدخان سپهسالار قاجار پسر امیرخان سردار.

۱۰

نامه فرهاد میرزا به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

شورش بر ضد عبدالوهاب خان

هو

خبر تازه شورش ساوجبلاغی است که اگر میرزا عبدالوهاب خان^۱ نمی-
گریخت بهلاکت میرسید. هرچه داشت بردند و آدمهای را زخم زدند که بنوشته
خودش چند نفر مشرف بهلاکت است. البته خودش هرچه هست عرض کرده است
و این فتنه روز جمعه غره ماه جمادی الاولی واقع شد. زیاده زحمت است. البته خواهید
فرمود که زود دست بکار زدند زیاده زحمت است.

۱۱

نامه فرهاد میرزا به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

تقدیم کتابی به حضور شاه

هو

یک جلد کتاب صورت که مشتمل بر ۶۲ صورت است که یکی از نقاشان
معروفه، انگلیسی مسمی به رابرتس که اشکال بیت المقدس و شامات را کشیده است
بجهت پیشکش حضور همایون فرستادم. اگر زحمت نباشد با عریضه بمقرب الخاقان
میرزا هاشم خان^۲ یا هر که صلاح بدانید بنظر مبارک برسانید و جواب عریضه را گرفته بزودی

۱- احتمالاً میرزا عبدالوهاب خان شیرازی نصیرالدوله و آصف الدوله که بعداً داماد
فرهاد میرزا شد.

۲- برادر فرخ خان که امین خلوت بود.

نایب را مرخص فرمائید. این کتاب را مرحوم میرزا ابراهیم درایام توقف لندن بزمحت تحصیل کرده بود. چون چیز خوبی بوده اظهار حیاتی لازم بود انفاذحضور شد. باقی بسته بلطف و مهربانی سرکار است که در نظر مبارک متبوع افتد. والسلام

۱۲

نامه فرهاد میرزا به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

علت تأخیر در حرکت^۱

هو

جناب جلالتماب امین الدولة العلیه دام اقباله

در صدرآباد^۲ نزدیک پل دلاک شمه ای توقف کرده بودم که قلیان بکشم. چاپار دولت انگلیس به اردومی آمد فوز عظیم شمردم که دو کلمه خدمت شما عرض حالی کنم. با هزار زحمت و مرارت مال بهم بستیم و از شهر حرکت کردیم خودم بچاپاری در نهایت سرعت می آیم که به اردوی همایون در گره ملحق شوم و شرفیاب حضور مبارک گردم. اگر در گره چند روزی تشریف خواهند داشت که انشاء الله باین سعادت مشرف می شوم والا نمی دانم که از گره بکجا تشریف خواهند برد و چطور می شود آمد. امروز وارد قم می شوم تفصیل حالات خودم را اگر بخواهم عرض کنم نه وقت باقی است و نه چاپار تمکین ماندن می کند و نه کاغذ جادارد که اینهمه تفصیلات را عرض کنم و نه حالت بی خوابی می گذارد که تحریر کنم.

دیروز از شاهزاده عبدالعظیم بیرون شده ام و شب راهم نخوایده و حالا هم در

۱- فرهاد میرزا ظاهراً بحکومت فارس می رفته است. از این نامه احترام فرخ خان در نظر او که به شئون شاهزادگی خیلی پابند بوده است معلوم می شود.

۲- ظاهراً از بناهای میرزا آقاخان نوری است.

صدرآباد بقدر اينكه زحمتى خدمت سركار بدهم توقف كرده‌ام. بارى اگر سعادت شريفابى آستان همايون اعلى روحنا فداه نصيب شد كه انشاءالله خدمت شما ميرسم و شرح حالات را مى كنم و الا ازقم آنچه بايد عرض كنم و شما را استحضار بدهم خواهيم داد. محمودخان عمو^۲ هم روزى كه از شاهزاده عبدالعظيم بيرون مى آمدم، آمد و ديدم، مى گفت كه سركار امين الدوله دام اقباله از بطئه حركت شما خيلى متغيرند اگرچه حق داريد و هرچه تغير بفرومائيد بجاست. ليكن عدم تحصيل مال و ماندن بنه و مردم در زمين مايه معطلى شده، انشاءالله عذرما را خواهيد پذيرفت اگر چاپارى به طهران روانه خواهيد كرد مختصرى بمن اعلام بفرومائيد كه از تفصيل حركت اردوى همايون مستحضر شوم زياته زحمت نيست. خدمت نواب ركن الدوله العليه روحى فداه عرض ارادت را برسانيد. قلمدان عاريه ميان كالسكه با بى خوابى شب زيادتر از اين نمى شود كه تحرير كرد، انشاءالله خواهيد بخشيد.

بخا كپاى مبارك هم شفاهاً اگر از بيرون شدن من عرض كنيد بد نيست ايام عزت و جلالت و شوكت مستدام باد. انشاءالله نه فوج قرا داغى رسيد و نه يوزباشى مأمور بفارس همراه من آمد هرچه آدم فرستادم كه يوزباشى بيايد گفت كه تدارك من ناقص است و نمى توانم حالا بيايم، بنده‌ام و چند نفر عملجات خودم كه مى‌روم ماشاءالله از اين استعداد.

۱۳

نامه فرهاد ميرزا به فرخ خان

نامه مهر و تاريخ ندارد

راجع به كار رعيه طالقان

هو

گذران طالقانى^۲ از كرائى كيلان و عملگى^۳ آنجاست. پارسال بواسطه ناخوشى

۱- يعنى احتساب الملك عموى فرخ خان.

۲- طالقان تيول فرهاد ميرزا وسپرده به او بوده است. ۳- اصل: عمله كى.

از این کار ماندند و زراعتشان هم اغلب دیم است. کاندرا امید قطره باران نشسته اند. و علف کوه را هم باید جمع کرده آذوقه ۴ ماه زمستان را حاضر کنند. طایفه علی- مرادخان افشار و رستم خان افشار بجلال طالقان آمده علاوه بر اینکه رسم است باج کوه بدهند زراعت دیمه اینها را هم چرانده خرابی رسانده بودند. نقد علی بیک جلودار خودم را فرستادم که آنها را منع کند و بکوچاند. التزامی داده بودند که هفت روزه یا فرمان پادشاه را می‌دهیم که محال طالقان مال ماست و بمفت بچرانیم یا می کوچیم یا باج مثل سایر ایلات می‌دهیم. پس از هفت روز آدم فرستادم رستم خان هرزگی^۱ کرده شمشیر بروی آدم من کشیده و او هیچ نگفته مراجعت کرد. مراتب را به سلیمان خان^۲ نوشتم که او در مقام تنبیه برآید. باوهم گفته بودند که فرمان داریم او گفته بود فرمان را درآرید. گفته بودند در جعبه محمدولی خان مرحوم است. سلیمان خان گفته بود که در جعبه پدر من چنین چیزی نیست. چون افشاریه چندان اطاعت از سلیمان خان ندارند و اوهم بواسطه حکایت امسال چندان زور نمی‌تواند بیاورد لهذا لازم است از جانب جلالتمآب اجل اکرم دام اقباله العالی تعلیق گرفته ارسال فرمایند که من بعد چنین هرزگی^۳ نکنند و باج جبال را هم چنانکه متعارف ایلات است بدهند. خدای دانند که محض ثواب است چرا که رعیت اینجا هر قدر که بخواهید فقیر است و ملای اینجا هر قدر بگوئید شریک است. اگر زحمت نباشد تعلیق به همراه لله ارسال خواهید داشت.

در لورا و شهرستانک و همه جا باج می‌دهند بجز اینها که طالقانی در دست افشار و ساوجبلاغی مثل موشی است که در دست گربه باشد. بعد از اتمام کاغذ، عالیجاه سلیمان خان معقولیت کرده رستم خان را که شمشیر کشیده بود بانعمت الله خان نایب ساوجبلاغ فرستاده بود که خلاف کرده است شما تنبیه نمائید. چون انسانیت کرده

۳۰۱ - اصل: هرزه گی.

۲- یعنی سلیمان خان صاحب اختیار رئیس ایل افشار حدود طهران و همدان.

بود يك شبی هم اينجا مانده. به نعمت الله خان هم خلعت داده روانه كردم ولی برای اطلاع شما باز كاغذ را فرستادم. گرفتن تعلیقه با این کار منافات دارد^۱.

دیگر اظهار این فقره‌ها برای اطلاع شما لازم است که دانسته باشید. در طالقان معدن نمک بزرگی هست که اکثر سادات و ملاها ورعیت شراکت دارند و دهات دیگر هم مثل وشته^۲ میرزا نبی خان^۳ و جزن و دیگر جاها بازمعدن نمک دارد که کفایت خودشان را می‌کند.

این معدن بزرگ را باید عمله گرفت و کار کرد و زحمت دارد که قرار بر این است تا این معدن بفروش نرود سایر معادن نباید بفروشند حتی در عهد نواب امام وردی میرزا^۴ که هم تیول داشت و هم وشته ملک او بود، با وجود تسلط باز این قاعده بود و در عهد میرزا نبی خان هم که ۱۴ سال داشت با وجود ملک و تیول باز امر تیول مقدم نمی‌شد که این معدن بفروش رود که به عامه رعیت ضرر نخورد تا مال خودش بفروش برود و در عهد مهدی خان هم اینطور بود.

امسال که انصاری وصلت کرده است شهرک و وشته را به ملا جهانگیر اجاره داده است که او سابقاً نوشته بود من در جواب نوشتم که هیچ دلیلی برای اینکار بهتر از عمل امام وردی میرزا و میرزا نبی خان نیست که باوجود ملکیت و تسلط چهل سال این عمل را کرده‌اند. حالا من چگونه می‌توانم قاعده چندین ساله را بهم بزنم. از قراری که فهمیدم خیال عرض کردن خدمت جناب جلالتمآب را دارد. از آن جهت شمارا زحمت دادم که مطلع باشید. اگر عرض شد در مقام چاره برآید که کل طالقانی بزبان درمی‌آیند چیزی که در این چهل سال معمول نبوده است حالا چگونه می‌توان عمل کرد. و آنکهی امام وردی میرزا و میرزا نبی خان با وجود ملکیت

۱- در اصل چنین است ولی ظاهراً شاهزاده سهو کرده است و باید «ندارد» باشد زیرا اگر منافات داشت نمی‌بایست كاغذ را فرستاد.

۲- پدر حاج میرزا حسین خان سپهسالار.

۳- پسر فتح‌علی شاه و عموی فرهاد میرزا.

و شته باز اورا موخر داشته‌اند. حالا انصاری اگر از پدرش^۱ پیش‌تر بیفتد مختار است. زیاده زحمت ندارد.

۱۴

نامه^۲ عبدالصمد میرزا عزالدوله به فرخ‌خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع عبده‌الراجی عبدالصمد ۱۲۶۰

هو الله تعالی شانه

عرض می‌شود اولاً پسران سلامتی آن جناب هستم و همیشه طالب آن بوده‌ام که مراسله^۱ محبت آمیز شما به اینجناب برسد و از سلامتی احوال خود مرا مشعوف بدارید و از احوال و اوضاع این جانب مستحضر بوده باشید . چون مقرب‌الخاقان امیرتومان بجهت جمع‌آوری افواج قزوین آمده بودند از اوضاع قزوین و حالت اینجناب بتفصیل اطلاع دارند. البته بعرض شما خواهد رسانید. چونکه آن جناب را بر خود صدیق و مهربان می‌دانم و همیشه خیرخواه خلق خدا و بنده‌گان^۲ پادشاه دین پناه بوده‌اید. بعضی فقرات به عالیجاه مشارالیه گفته‌ام بشما عرض و حالی خواهد نمود. البته آنچه مصلحت مرا بدانید یا خود بتوانید اظهار داشت یا که به مقرب‌الخاقان مشارالیه خواهند فرمود که بمن بنویسد و از فردا دستورالعمل شما عمل کنم.

والله از حالت زندگی خود در این جا به تنگ آمده‌ام. حالا یک وقت من است که بایست در آستانه^۱ مبارکه قبله عالم روحی و روح‌العالمین فداه باشم و در مدرسه نظام و درمیدان مشق تحصیل علوم کرده باشم تا بتوانم مصدر خدمتی باشم. در زمره^۲ چاکران دولت علیه شمرده شوم.

۱- این کلمه در پذیرش هم خوانده می‌شود.

۲- اصل: بنده‌گان

بخداوند تبارك و تعالى قسم است كه يكدم زيارت آستانه مباركه از براى من بهتراز حكومت آذربايجان و فارس و خراسان است چه رسد به قزوین، بخدا اگر طالب حكومت باشم- اينكه مى بينيد از ناچارى است. زياده براين مصدع نمى شوم البته حالت من بشما معلوم و دستگير خواهد شد هرطور مصلحت مرادانيد در ديگر امورات اين جانب مساعى جميله خواهند كرد. زياده اظهار نخواهد داشت مستدعيم كه عرايض اميرتومان را بسمع رضا اصغا فرمايند. شهر شوال سنه ۱۲۷۶ والى السلام

۱۵

نامه عبدالصمد ميرزا اعزالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بيضى نسبتاً بزرگ بسمع عبدهالراجى عبدالصمد ۱۲۶۰

تقاضای تهیه منزل در طهران

هواش تعالى شانه

عرض مى شود كه اقبال رهبرى و طالع يارى كرد كه امسال بخاكپاى مبارك و بملاقات آن جناب خواهى رسيد و عرايض خود را شفاهاً عرض خواهى كرد. اميدوارم كه محبت و رحمت خود را در باب كارهاى بنده و امورات اينجانب دريغ نداريد.

در كاغذ پيش كه بصحابت عاليشان كريم خان بيك تفنگدار مقرب الخاقان سر كشيد كچى باشى ارسال شده بود روز ورود را معين نكرده بوديم. اما دراين مراسله اظهار مى شود كه انشاء الله تا روز هشتم و نهم بخاكپاى مبارك خواهى رسيد و ملاقات آن جناب دست خواهد داد.

البته آن جناب در فكر جا و منزل خوبى بجهت ما باشيد. بنده كه منزل و خانه از خود در طهران ندارم مى بايد از ديوان همايون مرحمت شود خواهش دارم كه

منزل خوبی معین نمائید که اقلا در مدت توقف بجهت منزل و مکان بد نگذرد البته عرایض این چاکر را بخاکهای مبارک بکنید و منزل اینجانب معین بشود. عالیجاه حاجی محمدبیک میرآخور خدمت خواهد رسید. تفصیل عرایض بنده را زبانی هم خواهد کرد. آنچه مصلحت دانسته عمل نمائید. والسلام

۱۶

نامه امامقلی^۱ میرزای عمادالدوله به فرخ خان

زیر نامه مهر بیضی شکل بسیج عمادالدوله ۱۲۶۹

راجع بدو نفر تبعیدی بخاک عثمانی

بتاریخ دوم شوال المکرم سنه ۱۲۷۰ غلامان اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه جمجاه اسلامیان پناه روحنا وروح العالمین فداه حاجی میرزا موسی و سیدحسن نام قمی را بدارالدوله^۱ آورده تسلیم این کمترین بنده درگاه آسمان جاه نمودند که حسب الامر آنها را از سرحد دولت ابد مدت گذرانده بخاک عثمانی روانه نماید و التزام از مستحفظین سرحد گرفته شود که بهیچوجه آنها را مجال عبور باین خاک ندهند.

۱۷

نامه^۲ عمادالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک به سجع ابن محمدعلی امامقلی ۱۲۶۶

تقاضای قبول تقدیمی و حمایت از پسرش

جناب جلالتمآب مکرم معظماً اگرچه جنابعالی مکرر مخلص را در تقدیم

۱- لقب شهر کرمانشاه و احتمالاً بسبب آنکه محل حکومت محمدعلی میرزای دولتشاه

بوده است.

این نوع رسوم ناقصه غیر قابل منع فرموده اند ولیکن عرض مخلص این است که شرم-
 ساری های این بنده درگاه از التفاتهای جنابعالی از آن گذشته است که توان بهیچ
 نوع خدمتی معذرت خواست و یقین دارد که این خدمات قابل آن نیست که در مقابل
 آن التفاتها اظهار شود ولیکن چون از سر رعیتی و زراعتی که از مراحم خدام
 آستان همایون پیدا کرده است وجه حلالی که قابل مصارف بره باشد و در لیالی
 رمضان بمصرف قهوه خانه جنابعالی برسد موجود کرده بود لذا مبلغ دوست تومان
 که بلا شبهه حلال است بجهت مصارف مزبوره ایفاد خدمت داشت از راه لطف البته
 قبول خواهند فرمود و مخلص را ممنون خواهند داشت.

در باب صارم الدوله^۱ لازم نمی دانم که خدمت جنابعالی سفارش نمایم
 معلوم است که التفات جنابعالی شامل احوال او خواهد بود. امر کم مطاع

۱۸

نامه امامقلی میرزای عمادالدله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی شکل کوچک بسجع این محمدعلی امامقلی

راجع به تبعید ملکم از ایران

با چاپار سابق مرقوم شده بود که تفحص احوال ملکم را کرده که در دوسه
 روز توقف اینجا بچه مشغول بوده است و از اینجا به بغداد در عرض راه در کجا توقف
 کرده است. چون آنوقت چاپار روانه می داشت آنچه مطلع شده بود عرض کرد. بعد
 آدم مخصوص تا خانقین فرستاد که احوال او را در منازل مشخص نمایند. امروز
 فرستاده معاودت کرد. مشارالیه در جائی توقف نکرده الا یکشب در خانقین و یکشب
 در کرد و بیغداد رفته است. در اینجا هم آنچه شنیده شد دو سه نفر جاهل و سفيه
 باغواي بعضی با او مراوده کرده اند. این بنده خواست از آنها تنبیهی بجا بیاورد به

بعضی ملاحظات قابل تنبیه و اعتنا ندانست. بعضی فقرات دیگر هم از اعمال واحوال او فهمیده شده است که انشاءالله در زمان شرفیابی خود عرض خواهم نمود. اجمالاً اینقدر عرض می‌نماید که آدم حرامزاده و ناپاک در بغداد هم خوب نیست بماند. معبر کل اهالی ایران است اگر صلاح دانند حکم بفرمایند در آنجا هم نماند باسلامبول یاجای دیگر برود. مردم احمق و خر زیاد هستند که در اول گول می‌خورند. دور نیست که این شعبده هارا در آنجا هم بمیان بیاورد. . امرکم مطاع مطاع (۱) همین کاغذ را بوزیر دول خارجه بده حکم مؤکدی بکار پرداز بغداد بنویسد. و اینجا هم بحیدر افندی بگوید که ملکم را از بغداد دور کنند البته.

۱۹

نامهٔ عمادالدوله به فرخ‌خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

برای چاره‌گرفتناری

جناب جلالت‌آب مکرم معظماً این بندهٔ کمترین خود را صاحب جان و مال نمیداند هرچه دارم از تصدق فرق مبارک اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه است. والی حال در هیچ خدمت دیوان خودداری نکردم و تا در قوه داشته باشم راضی نمی‌شوم که در خدمات دیوان لا ونعم بگویم. کمال امیدواری داشتم که در سفر نوعی مراحم اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه شامل احوال این بنده درگاه میشود که هم رفع خسارت سابق بشود و هم بتوانم بعد از این بمراسم خدمتگذاری^۲ قیام نمایم. از بدبختی این بنده درگاه نیاوند خراب ضمیمهٔ ابوابجمعی این بنده شد که محققاً دوهزار تومان کسر عمل دارد البته سالی دوهزار تومان هم مخارج حفظ و نظم آنجا

۱- در بالای نامه نوشته شده وبخط لاصرال‌الدین شاه است.

۲- دواصل چنین است.

و تعيين حاكم آنجا خواهد شد. با وجود اين چون فرمايش از راه مرحمت شده بود خواستم حسن خدمت و جانفشاني خود را ظاهر نمايم شايد آنجا را امن و رعايت را آسوده بدارم كه موجب مزيد مرحمت ملوكانه بشود. حالا با اين بار سنگين و خرابي ولايت و انواع مخارج كه بجهت اين بنده درگاه پيدا شده است قطع دارم كه بنمك اعليحضرت شاهنشاه روحنا فداه شش ماه نخواهد كشيد كه اين بنده درگاه مفتضح و ضايع خواهد بود سهل است رشته خدمت كرمانشاه هم از دست اين بنده درگاه بيرون خواهد رفت و هيچ چاره [اي] در كار نمي بينم الا اينكه ملتجي بلطف و انصاف آنجناب شوم كه بطور خوشي اين خدمت را از گردن اين بنده درگاه انداخته بديگري رجوع فرمايند في الحقيقه اگر چنين لطفی بفرمائيد جان اين بنده را خريده ايد با اين بار سنگين ديوان و غيره چگونه مي توان رعايت خود را خوشنود و آباد داشت و خدمت ديوان را منتظم كرد و در ازاي اين التفات هزار تومان يكماهه پيشكش مي دهيم كه اين بنده درگاه را معاف از اين خدمت بفرمائيد هر وقت هم مقرر فرمايند خدمت آنجناب خواهيم رسيد و آنچه لازم است بعرض مي رسانم اجمالا اينكه چاره اين گرفتاري را از لطف سر كار مي خواهيم.

۲۰

نامه عمادالدوله به فرخ خان

هشت نامه مهر بيضي كوچك ابن محمد علي اسماقلي ۱۲۶۶

راجع به حكومت و نظم لرستان^۱

جناب جلالتمايب مكرم معظم از امور لرستان اگر مستسفر باشند الحمدلله از از مراجع خدام آستان همايون كمال انتظام را دارد. غلامزاده اعليحضرت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه در الشتر متوقف است. ماليات طوايف را حواله داده مشغول

۱ - معلوم مي شود مزاحمت به فرهاد ميرزا از جانب عمادالدوله برادرزنش بوده است كه فرهاد ميرزا اينقدر دردل داشته است.

وصول هستند اگرچه اسسال خیلی کارها عقب افتاده است ولیکن انشاءالله خدمت دیوان معوق نخواهد ماند.

کاری که هنوز بطور دلخواه نیست امر طایفه سگوند است که آنها را زیاد مشوش نموده اند و چنین می دانند که این تغییر و تبدیلات محض تنبیه و اعدام آنهاست چندین دفعه آدم فرستاده و اطمینان خواسته اند بشرط خدمت آنها را اطمینان داده است و تعهد خدمت کرده اند ولیکن ظاهراً مقصودشان دفع الوقت است که موقع عربستان آنها برسد. اگر چه یقین دارم که نواب مستطاب حشمت الدوله دام اقباله زیاده از این بنده درگاه اهتمام در تأدیب آنها و انجام خدمت دیوان خواهد نمود ولیکن چون این طایفه کمال شرارت و جهالت را دارند رقتن عربستان را بجهت خود مفرو مناص می دانند، این اوقات با آنها اتمام حجتی شده است. فی الحقیقه اگر خدمتگذار شدند و تفرقه لرستان را پس دادند بیجهت متعرض آنها نخواهد بود والا البته بقدر امکان در تنبیه آنها مضایقه نخواهد کرد.

امر دیگر که معوق است امر صفحه عباسقلی خان است مکرر عرض کرده است که مبلغی مال دیوان آن صفحه است یا عباسقلی خان دیوان اعلی را در دار الخلافه مطمئن کرده بر سر صفحه خود بیاید کمال تقویت از او خواهد شد و الا حکم و فرمان صریح بعهدہ حسینقلی خان صادر شود که از عهدہ مال دیوان آنجا برآید. حسینقلی خان بی حکم صریح دخل و تصرف در آن صفحه نمی کند. علی ای حال عمل دیوان معوق مانده است. این بنده درگاه بهرچه حکم شود اطاعت دارد از خود خیالی. بهیچ وجه ندارد مقصود اطمینان از عمل دیوان است این اعتبار بجهت عباسقلی خان نموده است که توان از عمل او مطمئن شد. از این گذشته قطعاً بصفحه خود قناعت نخواهد کرد و بعد از آمدن باینجا اسباب مغلطه و فسادی فراهم خواهد آورد. لازم بود که عرض شود سال باخر رسیده است حکم قطعی در این باب بفرومائید. امر کم مطاع.

۲۱

نامه عمادالدوله به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاريخ است

تقاضای شفاعت

جناب جلالتمآب مکرم معظماً امیدواری این بنده درگاه جهان پناه به
 مراحم اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه اگرچه الحمدلله تعالی همیشه در حد کمال
 بوده و خواهد بود و لکن در اول شرفیابی به آستان همایون که سفارش این کمترین
 بنده درگاه را به جنابعالی فرمودند بر مراتب امیدواری این بنده درگاه افزود زیرا
 که یقین و قطع داشتم که هر نوع مراقبت و لطف را بجا خواهید آورد و هر قسم خطا
 و تقصیری که از این بنده درگاه ملاحظه فرمائید پرده پوشی و ستاری خواهید فرمود
 و از اخلاق جمیل آن جناب همیشه این توقع بوده است و لکن از بی‌طالعی این بنده
 درگاه چنین معلوم میشود که به یک تقصیر که از روی نادانی و اختلال اوضاع
 و احوال این بنده درگاه صادر شد آن جناب طریقه حلم و ستاری را خدا نخواستہ از
 دست داده و خاطر مبارک اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه را بر تقصیر
 این بنده درگاه واقف داشته اند و پاره [ای] فرمایشات که دلیل بی‌التفاتی کلی است
 صادر شده و عموم اهل اردو مطلع گشته اند خدا را بشهادت می‌خواهم که جان و
 مال و زندگی^۲ خود را یکساعت بی‌التفاتی و مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه
 نمی‌خواهم و از همه خواهم چشم پوشید زیرا که این غلام جان نثار در جائی واقع
 شده است که اگر اندکی بی‌التفاتی اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه و عدم توجه
 اولیای دولت قاهره را در باره او بفهمند اختلال کلی در جمیع اسرار حاصل می‌شود
 و امیدواریها داشتم که در این شرفیابی مفاخرتها حاصل نمایم .

در فقره پیشکش نهاوند ظاهراً آن جناب در رقعۀ این بنده درگاه بنظر لطف

۲- اصل : زنده گی

۱- اصل : بنده گی

ملاحظه فرموده حمل برپی اعتنائی و استغنائی این بنده درگاه فرموده بودند و حال اینکه بنمک اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه که هیچ سستی نداشت مگر اینکه ملاحظه بقایای ده پانزده ساله و اختلال امور و کسر عمل آنجا و مطالبه قسط حواس این بنده درگاه را مختل کرده از روی جهالت عرض نموده بودم و استدعای تخفیفی در امر پیشکش کرده بودم و الا این بنده کمترین حد و مقسدار خود را می داند کجا یارا و توانائی تخلف از حکم همایون را دارد ، یا چگونه بکدورت خاطر آن جناب می تواند خود را راضی بدارد .

باری هر تقصیر و گناهی را اگر امید عفو نباشد مقصرین از وحشت هلاک می شوند . امیدوارم که این تقصیر بنده درگاه را باز جنابعالی در خاکهای همایون شفاعت فرموده جان و مال آنچه دارم بحق خدا قربان خاکهای همایون می نمایم سه هزار تومان پیشکش را نصف نقد و نصف سه ماهه بندگانگی ' خواهم نمود و بقدری که می تواند در جانفشانی و خدمات آنجا اهتمام خواهد کرد و با مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه روحنا فداه و حسن توجه جنابعالی امیدوارم که نقصی در خدمت آنجا نماند و اگر این شفاعت را نفرمائید روی مراجعت به کرمانشاه را نخواهد داشت ایام عزت مستدام باد .

۲۲

نامه عمادالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک بسجع ابن محمد علی امامقلی ۱۲۶۶

راجع بدو نفر تبعیدی به عراق

جناب جلالتمآب مکرم معظماً رقیمة شریفه که در باب دو نفر سید قمی

مرقوم شده بود شرف وصول ارزانی داشت حسب الامر مشارالیهما را که موسومین...^۱ عرب و عجم بگذرانند و التزام از راه مستحفظین راه و مباشرین تذکره خانه گرفته شود که دیگر آنها را مجال معاودت باین خاک ندهند. بدیهی است که کمترین بنده درگاه آسمان جاه را در خدمات دیوان غفلت نبوده لازمه جد و جهد را بجا خواهد آورد آنها هم آن جرأت را ندارند که بعد از این معاودت باین خاک نمایند ولیکن احتیاطاً عرض می کند که چون مقرر شده بود که اگر مراجعت نمایند مورد مؤاخذة خواهید بود. این معبر را بهیچوجه نمی توان مسدود داشت. روزی سه چهار هزار نفس پیاده و سواره از این خاک می گذرند. راه هم منحصر بمحل مخصوصی که در بند یا بندری باشد نیست برای اکثر مردم ممکن است که به لباس مختلف از این راه بگذرند خاصه اشخاصی که مجهول باشند. فرضاً اگر این نوع اشخاص وقتی به لباس مجهولی در ضمن قوافل در فرار شب یا روز از این خاک بگذرند این بنده درگاه را مؤاخذ داشتن از معدلت اولیاء دولت قاهره بعید خواهد بود ولیکن بدیهی است که این بنده درگاه زیاده از آنچه تصور شود در خدمات مرجوعه اهتمام داشته و خواهد داشت. خدمات و فرمایشات را منتظر ارجاع است.

انشاءالله در ظل مراحم اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه ایام عزت و اقبال- عالی مستدام باد.

۲۳

نامه عمادالدوله به فرخ خان

راجع به مزاحمت هائی است که سردار کل برای او و نسبت به دهات او فراهم کرده بود. بعلت اهمیت سردار کل و ترس از او نامه را بفرانسه نوشته است و در لای لفافی گذارده و فرستاده است. کلمات عیناً مطابق اصل نوشته شد.

۱- قسمتی از نامه در اینجا پاره شده و ظاهراً موریانه خورده است و کلمات موسمی و حسن را که قبلاً راجع بآنها مکاتبه شده بود میشود حدس زد.

پشت پاکت : عریضه حضور جناب جلالتمآب اجل اکرم افخم شخص اول ممالک
محروسه ایران سرکار امین الدوله دامه شوکته است.

(۱). a son excellence Amini Dolla.

Votre excellence. il y a longtemps que je n'ai eus le plaisir de recevoir aucune nouvelle de votre part. je crois que vous m'avez oubliez tout a fait = Depuis que je suis retourné de Theran mes affaires sont tous les jours depis en pis, par ce que le Sardar s'est accroché à moi et s'est emparé de tous mes horitages et mes villages, et a donné à ferme à Mir aly ekber, dont je ne suis pas content de sa conduite, car l'anné passé cet homme là a ruiné tous mes villages, si les villages serons resté cett anné encore à sa main croyez moi que mes sujets s'enfuironent du monde = j'ai ecri une pétition touchant cett affaire à sa Majesté et je l'a mi au paquet de Monsiour docteur, je crois que vous le verrez sans doute. j'espere que vous n'oubliez pas devant de sa Majesté de sourvenir touchant aux mes affaires quand vous aurez une bon occasion et de prendre une ordre aux arrangement de mes affaires = je vous serai bien obligé si vous ferez cette faveur pour moi.

Votre affectionné ami Imam Kouly.

۲۴

نامه فریدون میرزا به فرخ خان

مهر پشت نامه محوشده است

سفارش حسام السلطنه

مقرب الخاقانا این اوقات که در آق دربند^۲ بانتظار امر سرحدات و قشون مشغول هستم و باوجود بسیاری کارها که آنی را برای مافراغت نیست و زحمت خدمت

۱- از نظر حفظ اصالت نامه، کلمات عیناً با اشتباهات فرانسوی آن و مطابق با اصل چاپ شد.

۲- فریدون میرزا در ۱۲۶۹ والی خراسان شد و در ۲۱ رجب ۱۲۷۰ به آق دربند رفت

بنابراین تاریخ نامه رجب یا شعبان ۱۲۷۰ است.

را بر راحت ترجیح داده‌ام ساعتی نیست که بیاد شما نباشم و زحمات شما را بخاطر نیاورم. همیشه اوقات زحمتهای بیشمار شما در نظرم هست اما حال سفر آق دربند و زیادتیی شغل که اوقات خود را بر انجام امورات کلی مصروف داشته‌ام ما را از یک پاره لوازم باز داشته انشاء الله تعالی من بعد که فراغت شد اقدام خواهم کرد و یادی از شما خواهد شد.

این روزها که شنیدم از سرکار اعلیحضرت پادشاهی روح العالمین فداه مرحمت تازه در حق شما شده است بسیار مسرور و خرسند شدم. کفایت شما انصاف این است سزاور بیش از اینهاست انشاء الله تعالی از مرحمت سرکار اقدس همایون روح العالمین فداه و از توجهات جناب جلالتمآب اجل اکرم افخم دام اجلاله روز بروز بر منصب و شأن شما خواهد افزود.

برادر مهربان حسام السلطنه آمد اما برای حکایت سرو که این اوقات قشون از شدت گرسنگی از مرو حرکت کرده آمدند و الآن از خاک هرات گذشته‌اند و این روزها خواهند رسید ظاهر است و از نوشتجات جناب معظم‌الیه هم که در هرجاسمی از حسام السلطنه است معلوم میشود که مورد ایراد دولت علیه خواهد شد^۱ لکن خدا گواهد است حسام السلطنه در خدمت دولت کوتاهی نکرده است. بعد از آنکه تدبیر انسانی با تقدیر الهی موافق نیاید چه می‌توان کرد. حال از شما خواهشم این است که از حسام السلطنه غفلت نکنید او از اوضاع طهران درست مستحضر نیست هر چند حالی کرده‌ام اما باید شما هم آنچه مصلحت بدانید باو حالی کنید که از آن قرار رفتار کند و با جناب معظم‌الیه گرم بگیرد. خلاصه گذشتن کارهای حسام السلطنه را از شما می‌خواهم که در هرباب مراقب باشید.

در باب پانصد تومان معهود این روزها وعده‌اش رسیده است اگر مبلغ مزبور

۱ - اصل: گذاشته‌اند.

۲ - حسام السلطنه در مورد تخلیه هرات با میرزا آقاخان نوری مخالف بود و از این جهت میرزا آقاخان با او دشمنی میکرد.

بتأخیر افتاد نه چنان که از خاطر فراموش کرده باشم. شب و روز در خیال هستم اما سفر آق در بند مانع شد که بلافاصله بعد از ورود بمشهد حرکت کردم ممکن نشد وجه مزبور را ایفاد کنم یعنی تا کنون وسعتی در کار بهم نرسیده و از بابت مواجب هم اینقدر فرصت نشد که برای مخارج سفر چیزی بگیرم. آن آلودگی طهران و سفر آق در بند ظاهر است که چه حالت خواهم داشت. اهمال از جانب ما نشده است اگر ذکری در این باب بشود شما مستحضر باشید و عذرخواهی بکنید انشاء الله تعالی بعد از مراجعت از سفر از بابت مواجب [هم] باشد فرستاده خواهد شد. الان را که کمال روسیاهی و خجالت حاصل است زیاده مرقوم نمی فرمائیم.

مقرب الخاقانا :

بچه مشغول کنم دیده و دل را که مدام دل ترا می طلبد دیده ترا می جوید
بسر مبارک سرکار اقدس همایون روحی فداه کمال محبت و میل را بشما داشته و دارم و هرگز از خاطر فراموش نمیشوید. زحمات شما همیشه در نظر است چه فایده که فراغتی حاصل نمیشود و از حین حرکت تا حال سوای خسارت و مرارت حاصلی نداشته ام دلم را بخد متگذاری دولت خوش کرده ام و بامید التفات و مرحمت حضرت اقدس همایون روحنا فداه و بخیال استرضای خاطر جناب اجل اکرم افخم دام- اجلاله العالی خوشوقتم و الا از در دسر و زحمت بی فایده و مخارج بی موقع که آن بان اتفاق می افتد و ناچارم بستوه آمده ام. اقتضای طالع و مقتضای بخت من اینست که پس از پانزده سال گرفتاریهای طهران و آلودگی ها حالا هم از سوء اتفاق نوعی شده که باید در زحمت و مشقت بود و خجالت از دوست و آشنا کشید. من نتوانستم که پانصد تومان وجه تمسک را جابجا کنم تا چه رسد به تعارفات دیگر. انشاء الله شما عذر خواهید خواست. بعد از ورود بشهر و مراجعت از سفر انشاء الله رفع عذر و خجالت خواهد شد. الحمد لله در تمام سرحدات خراسان نهایت امنیت است. بخدا قسم از روزی که وارد خاک بسطام شده ام تا کنون که هیجدهم شعبان است سوای

انتظام سرحدات و فتوحات از هرطرف بعون الله تعالى امری واقع نشده و امیدوارم من بعدهم نشود. اما از اینکه قشون بی اجازت از مرو حرکت کردند و روز اول ماه که من وارد آق دربند شدم آنها روز دوم از مرو کوچیده بودند. نشد این تهیه و تدارکی که از قشون جدید که مأمور بمرو بودند با قشون بمرو برسند و زحمت های من بهدر رفت. نمی دانید چقدر قشون مستعد با اخلاص داوطلب مهیا کرده بودم. قبل از ورود بدربند سرخسی ها پل خاتون را خراب کردند تا در فکر پل بستن شدیم که خبر کوچیدن قشون رسید، اما الحمد لله با فتح و غلبه از میان آنها همه دشمن ها قشون مرو بیرون آمد و بخاک سرحد جام رسیدند و از این رهگذر قدری ملالت دارم والا سایر امورات سرحدیه بحمد الله نظم کامل داد.

۲۵

نامه محمد قلی خان آصف الدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی شکل متوسط بسجع عبده الراجی محمد قلی ۱۲۸۲

راجع به یک شخص کاشانی زندانی

عرض میشود ضعیفه کاشانیه در جزو عرایض صندوق عدالت بعرض حضور همایون روحنا فداء رسانید که شوهر مشارالیه از جمله سادات صحیح النسب و مدت سه سال است که در انبار مبارک بدون گناه و تقصیر محبوس است و دستخط همایون شرف صدور یافت که از جناب عالی تحقیق شود عارض کیست و برای چه حبس شده تفصیل را بعرض برسانید تا مجدداً حکم شود. لهذا بر حسب امر قدر قدر همایون زحمت افزا گردید که مراتب را قلمی و اظهار فرمائید که بعرض حضور همایون رسیده هر آنچه امر و مقرر شود رفتار گردد. زیاده زحمت ندارد.

۲۶

نامه محمد قلی خان آصف الدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی شکل متوسط بسجع عبدهالراجی محمد قلی ۱۲۶۵

تقاضای توصیه برای مباشرش

هو

عرض شود آقا محمد حسین مباشر مختصر مزروعات ناقابل عازم اصفهان است. امضای بعضی نوشتجات و نگارش برخی سفارشات را بسرکار مجدالدوله^۱ و مقرب الخاقان میرزا محمد حسین وزیر درامورات داخلی و خارجی که در حقیقت متعلق بخودشان است لازم دارد چون مباشر و ملک همه از شماست قدغن خواهید فرمود که آقا محمد حسین آنچه امضا و سفارش نامه لازم دارد بنویسند. عالیشان میرزا بیگ غلام دیوان خانه مبارکه علیه عدلیه اعظم را هم همراه می برد. در نوشتجات اسم او را فرمایش نمایند بنویسند. یک فقره دیگر از کارهای آنجا باقی است که انشاء الله هنگام ملاقات مسرت علامات مزاحم خواهد شد. زیاده زحمت ندارد.

۲۷

نامه میرزا علی اصغر شیخ الاسلام تبریز به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ بسجع علی اصغر الحسنی الحسینی ۱۲۰۰

راجع بخدمات میرزا کاظم سرشته داروتپیه قانونی در مورد اتباع روس و تقاضای تشویق او

هو

عرض می شود این پیر دولتخواه هزار شکر نمود از اینکه عدالت حضرت اقدس شاهنشاهی روح العالمین فداه و تدبیرات اولیای دولت جاوید مدت کار را بمقامی

۱- امیراصلاحان خان دائی ناصرالدین شاه پیشکار سلطان مسعود میرزای پسر شاه یمین - الدوله وظل السلطان بعدی.

رسانده [که] زیر دست درپیش روی رئیس خود مثال سایرین دولت نشسته خیانت های دولتی آنها را مشافهه^۱ گفته و اثبات نموده و بعد میرزا عباس خان معاون الوزاره شهرت خیانت و خلاف های خود را در مرتبه [ای] دیده خود را بسردار کل دخیل انداخته اجلاس عام فرمود.

در ۱ ربیع الثانی کل اعیان تبریز جمع شده چه میرزا کاظم یکدفعه سردار را ندیده، در حضور سردار ننشسته رو بروی معاون الوزاره بقدر زیاد خیانت آنها را گفته و آشکار نموده بمرتبه [ای] معاون الوزاره عجز بهمرسانیده و گفته سردار جلالی میرزا محمد خواهر من است^۲، آبروی او آبروی من است خودش وابسته من باشد من از او خلاف و خیانت ندیده ام بعد از آنکه خیانت خود را ثابت کرده و گفته دو ماه قبل بخودش محقق و ثابت کرده ام در مدت یکماه یک هزار و هشتصد و سی و هفت تومان و پنج هزار^۳ در یک سال چقدر میشود. محض از وجه رسوم تبعه روس آدمهای معاون گرفته اند بهیچوجه بدیوان اعلی نشان نمی دهند. معاون گفته به نمک سردار قسم تا آنوقت میرزا کاظم این را بمن محقق کرده نمی دانستم حالا در تبریز کل عمل شیوع بهمرسانیده و حکم مطالب با تصدیق جناب سردار کل و صدیق الملک باید از جناب وزیر دول خارجه دام مجده صادر شود و حلم و حوصله آن جناب معلوم و آشکار است در امر دولت آنهم این گونه خدمات نادره از مهاجر ظهور بکنند البته باید مراحم شاهانه صادر شود و انواع سربلندی رسیده تا مردم بدانند جزای خدمتگذار پادشاه چگونه می شود و جزاء خائن الدوله چگونه. بجد مطهرم لایق است از تمامی اولیای دولت برای میرزا کاظم سر رشته دار التفات و خلعت رسیده باشد تا خدمات باقی خود را با شوق بظهور رساند، امید عرض داعی بخاکپای مبارک عرضه داشت خواهد شد و چنان قانونی نوشته هر سال محض از کاغذ و ثبت امورات مردم از قبالیجات و غیره مثال دولت روس مبالغ کلی بقدر صد هزار تومان از

۱- در اصل چنین است و ظاهراً بعد از میرزا محمد کلمه ای اقتاده است.

۲- در اصل این ارقام بسیاق نوشته شده است.

آذربایجان برای دولت علیسه بی صوت و صدا عاید شده باشد بعد از آنکه به رئیس خود معاون الوزاره داده است و آنهم با تحریک میرزا محمد خود بمردم شهرت داده اند. میرزا کاظم را خیال بدعت هست پول مردم بخزانة پادشاه جمع شده باشد و این بیچاره برای رفع این اسناد بدعت منافع رعیتی همان قانون را با دلائل واضحه نوشته در مجالس تقریر می کند. بقراریکه این دولتخواه شنید، دید استحکامی دولت و املاک مردم و اعتبار خلایق و رفع شدن ورشکسته و سال بسال صاحب اوضاع بودن خلایق و قطع شدن صاحب املاک بودن تبعه روس در این دولت و رفع شدن ظلم ها کلا در تحت همان قانون مندرج است. اگر بخواهند و ملاحظه فرمایند کلا تصدیق خواهند فرمود این دولتخواه را اینقدر لازم بود عرض شد. خدمتگذاری میرزا کاظم اهم امورات دولت می باشد مختارند. زیاده عرضی نیست. والسلام

۲۸

نامه محمد اسماعیل خان وکیل الملک نوری وزیر کرمان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک بسج محمد اسماعیل ۱۲۳۲ و دبیرالملک ۱۲۶۳

راجع به تعديات دو نفر از ایل افشار کرمان و تحریکات میرزا حسینعلی خان دریاییگی^۱

و دستور شاه بخط میرزا حسین دبیرالملک با یادداشتی بخط فرخ خان

هو

خدایگانا

بعد از عریضه نگاری کاغذ شکایت از ضابط افشار کرمان رسید که چند نفر مفسد والو اطرا که باسم کدخدا، میرزا حسنعلی خان دریاییگی پارسال محرك شده بفساد امر رودان و احمدی که از سالهای سابق جناب دبیرالملک اطلاع دارد بسببه برده بود و قبل از عید مرقوم شد و جواب از تفصیل کار آنها عرض کردم و مجدداً

۱- برادر میرزا فتحعلی صاحب دیوان و حاکم بوشهر و بعضی دیگر از محالات فارس.

حكم فرموديد نواب حسام السلطنه قدغن كند كه ميرزا حسنعلی خان آنها را هرطور است بفرستند. عاليجاه مشاراليه بهار كه شيراز رفت بآنها اطمینان داده كه شما در گوشه و كنار سبعة باشید تا من شما را از كرمان موضوع كنم و آن دونفر كه غلامرضا و مصطفى قلی افشار باشند سوار شده چند خانوار افشار را در سر كوچ بودند حكماً برگردانده رفته اند مابين خاك فارس و كرمان نشسته از مال قافله بندر و مال مردم و ايلات خيلي تاخت و تاز و بی نظمی نموده اند و فدوی قسم می خورد كه هرگز نواب حسام السلطنه راضی بر بی نظمی نیست و این تحريك و عمل قبیح را اول دریاییگی كرد و حال استدعا می نماید كه حكمی بتأ كید مقرر شود كه از شیراز محصلی شدید تعیین گردد آن دونفر را كرمان بیاورد و ایل هر جا راضی است برود. فدوی هرگز راضی بظلم نمی شود كه از تعدی فدوی یا ضابط کسی برود و بحكم بیاورند اما آن دونفر چند خانوار را بزور برده اند و هردو از قدیم دزد و بی حساب و مایه خرابی ایل بودند كه فدوی آنها را معزول از كدخد[۱]ئی نمود و دریاییگی اگر بی حسابی خود را در معاملات لار و سبعة بداند كه بعرض فرمانفرمای فارس یا حضور مبارك اولیای دولت قاهره خواهد رسید ، هرگز در مقام آزار فدوی و بی نظمی افشار بر نمی آمد و فدوی كه همسایه است مطلع می باشد كه چقدر علاوه بر مالیات و صادر دیوان معاملات لار و سبعة میباشد. زیاده جسارت است. ۲۲ محرم اریسان لازم دید استدعا نماید. امرالاشرف مطاع .

[طرف دیگر نامه بخط دبیرالملک] : فدایت شوم این نوشته جناب وکیل بنظر انور اقدس همایون شاهنشاهی روح العالمین فداه رسیده امر و مقرر فرمودند كه در باب این افشارها يكمرتبه نواب حسام السلطنه شرحی نوشته بودند فرمایش فرمودیم كه آنها را استمالت داده بطور خوش نزد وکیل الملک بفرستد ولی حال معلوم می شود نفرستاده است حكم محكم همایون شد كه امروز به تلغراف بنواب معزالیه حكم همایون را ابلاغ دارید. بنواب حسام السلطنه كه خدمات وکیل- الملک در خاكپای مبارك بالاتر از آن قدر دارد كه رعایت از غلامرضا خان و مصطفى

قلی خان افشار بشود و کار او بی نظم بشود. نواب معزی الیه حکماً این دونفر را نزد جناب وکیل الملک بفرستد و بهمین طور در ضمن نوشتجات بنواب معزی الیه بنویسید حسب الامر اقدس زحمت داد.

[یادداشت بخط فرخ خان در حاشیه نامه] : اخبار فوج ، اخبار ذغال سنگ ، اخبار سه هزار تومان ، باعتضاد السلطنه در باب فرستادن مهندس بسرحداث فارس برای پیدا کردن ذغال سنگ ، تأکید در باب وجه گمرک .

۲۹

نامه میرزا محمد حسین دبیرالملک به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً کوچک بسجع دبیرالملک ۱۲۷۳

تلگراف کنید حسام السلطنه سه هزار تومان پول بفرستد

فدایت شوم سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روح العالمین فداه امر و مقرر فرمودند که نواب والا حسام السلطنه مبلغ بیست هزار تومان علاوه بر مالیات از بابت تفاوت عمل ولایتی تمسک سپرده اند بدهند و در حقیقت این وجه را میبایست اول سال بالتام بدهند اما حالا تنخواهی ضرور شده است باید بجهت ساختن قلعه جات سرحداث بفرستند فرمایش فرمودند که امروز تلگراف کنید. نواب معزی الیه مبلغ سه هزار تومان از این بابت برات تلگرافی از تجار گرفته حواله کنند که در این دوره اینجا نقد بدهند بسیار تأکید فرمودند که البته امروز تلگراف کنید و جواب مرقوم دارید که بعرض خا کپای مبارک برسانم . زیاده عرضی ندارم .

۳۰

نامهٔ میرزا محمد حسین دبیرالملک به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً کوچک بسجع دبیرالملک ۱۲۷۳

دعوت به مجلس روضهٔ میرزا آقاخان نوری

چون شبهای ایام عاشورا در حضور بندگان امجد خداوند گاری مد ظله -
 العالی بنای تعزیه داری است و ذکر مصیبت می شود لهذا مقرر فرمودند که خدمت
 سرکار زحمت دهد که از شب جمعه غره لغایت آخر ایام تعزیه داری همه شب
 شبها را زحمت کشیده بمجلس تعزیه تشریف فرما شوند که از فیض ثواب تعزیت
 حضرت خامس آل (ع) مستفیض شوند حسب الامر در مقام زحمت برآمد. زیاده
 عرضی ندارد. والسلام.

۳۱

نامهٔ میرزا محمد حسین دبیرالملک به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

راجع به بکارخانه چاشنی سازی و احتیاجات آن

فدایت شوم از دیشب الی حال هروقت را خواسته ام شرفیاب شوم عایقی
 پیش آمده که محروم شده ام بطور روزنامه عرض می کنم دیشب سه ساعت از
 شب گذشته از حضور همایون آمدم بمحض رسیدن یک پشته کاغذ از طهران و
 کرمانشاهان رسید که بسر خودت با اینکه بسیار خسته بودم لاعلاج تا ساعت شش
 از شب گذشته نصف آنها را خواندم که صبح بنظر مبارک رساندم. بعد از آن مرافعه
 سیورسات ارزان فوت و منزل آتجارا داشتم. بعد از نهار که خوردم خوابیدم اتفاقاً
 سه ساعت خوابم طول کشید از خواب تا بیدار شدم که فوراً از نهارگاه سرکار
 اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روح العالمین فداه جواب نوشتجات طهران را

دستخط مرقوم فرموده فرستاده بودند که بنویسم فردا چاپار برود. هنوز آنها تمام نشده چاپار کرمان و یزد رسید. نوشتجات کرمان را خواندم بحضور هما یون فرستادم. از یزدش مانده است حالا مشغول نوشتن احکام طهرانم. لابداً با نوشته در مقام زحمت برآمدم. در باب حکایت موسیو لوبیه و کارخانه چاشنی سازی عریضه سپهسالار^۱ را ارسال خدمت داشتم صورت استادها و اسبابی هم که موسیو لوبیا^۲ خواسته است بخط ناصرالملک^۳ نوشته شده است خواهید دید. همگی نظر مبارک رسید فرمودند خدمت سرکار بدهم ببینید اینها چه چیز است خواسته است اینهم که سپهسالار نوشته است سه هزار تومان بنائی ضرر دیوان میشود بجهت این است که دیده است با این خواهشهای موسیو لوبیه اینکار فراهم نخواهد آمد نوشته است ضرر دیوان خواهد شد. فرمایش سرکار اقدس هما یون این شد که این خواهشهای موسیو لوبیه را ببینید با تفصیلی که شما عرض کردید که آسانترین جمیع کارهاست. این فقرات چه چیز است و بکه باید نوشت.

در باب اراضی بیرون، دروازه شمیران هم تفصیلی نواب والا نصرة الدولة^۴ نوشته بودند بنظر مبارک رسید فرمودند سرکار ملاحظه بفرمائید. بهرطور میفرمائید جوابش نوشته شود. زیاده عرضی نیست.

۳۲

نامه پاشا خان امین الملک به فرخ خان

مهر بیضی کوچک بسجع پاشا

درباره تسریع در فرستادن خلعتها

قبله گاهها سرکار اقدس شهریاری روحنا فداء مقرر فرمودند که خدمت شما بنویسم خلعتهای عید نوروزی چه شد چرا نمی آورید. خلعت های اولاد حشمت

۱- میرزا محمدخان قاجار. ۲- کذا. ۳- میرزا محمودخان قرا گوزلوی همدانی.

۴- فیروز میرزا پسر عباس میرزا و پدر عبدالحسین میرزای فرمان فرما.

الدوله^۱ که مدتی است فرمایش شده است چرا تا بحال نرسیده است. خلعت های اولاد مرحوم دارا^۲ که فرمایش شده است چرا تا بحال نرسیده است. فرمودند بنویسم که تأخیر در انجام فرمایشات باین شدت از چه بابت است، در کارهای لازم و غیر لازم اینقدر تعویق و تعطیل از چه روست. فرمودند در جمیع فرمایشات این نوع اهمال کردن و این قسم سرهم بندی کردن کار از پیش نمی رود و آخر بد میشود چون حسب الامر حضرت ظل اللهی بود عرض شد.

۳۳

نامه پاشا خان امین الملک به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

برای شنیدن اوامر حاضر شوید

هو

فردا که روز سه شنبه است موكب منصور مبارك بتفرج داودیه تشریف فرما خواهند [شد] و صرف نهار در آنجا فرموده به دوشان تپه مراجعت میفرمایند. از قرار دستخط آفتاب نمط مبارك که بافتخار این بنده شرف ترقیم و صدور یافته است خدمت جناب عالی زحمت عرض و ابلاغ میدهد که علی الصباح قبل از اینکه بندگان اقدس سوار شوند در زیر قصر قاجار که محل عبور و تشریف فرمائی موكب مسعود است شرف حضور ارزانی دارند که اوامر مقدسه همایونی را بالمشافهه العلیه از لفظ مبارك اصفا فرموده از همانجا مرخصی حاصل کرده مراجعت فرمایند. شهر ذیقعه امضاء امین الملک

۱- محمد حسین میرزا پسر محمد علی میرزای دولتشاه یا حمزه میرزا پسر عباس میرزا.

۲- عبدالله میرزا پسر فتح علی شاه.

۳۴

نامه سلطان احمد میرزای عضدالدوله به فرخ خان

مهر بیضی خیلی کوچک بسجج عضدالدوله ۱۲۸۷

سفارش میرزا رضا برای تفریع حساب

هو

انشاء الله تعالى در خدمت ذیموهبت جناب جلالتمآب امینالدوله العلیه
العالیه شرف افتتاح بدارد ۲۴۶۸.

فدایت شوم عالیجاه میرزا محمدرضا را حسب الامر قدر قدر برای تفریع
محاسبه سنه ماضیه قوی ثیل روانه خدمت ذیموهبت نمود خودش عریضه ناطق
است تفصیل گزارشات را از هرجهتی عرض خواهد کرد. منظور از عرض عریضه معرفی
و عرض صداقت اوست که انشاء الله از مرحمت سرکار بعد از وضع همه خسارت و
حکومت هشت ماهه قسمی باشد که از گیر حساب آنجا هم بکلی فارغ شوم.
انشاء الله که سابقه التفاتهای سرکار درباره این بنده برقرار باشد. این گونه ضرر
و خسارتهارا تلافی خواهد شد. مستدعی است که التفات سرکار در هرحال و
هرجهت شامل حال او باشد و پیوسته این بنده اخلاص کیش را بصدور رقیمجات
و ارجاع خدمات لایقه قرین مفاخرت سازند. زیاده عرضی ندارم

۳۵

نامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسجج عبدهالراجی جعفرالحسینی ۱۲۷۱

تقاضای ملاقات و بازدید

هو

مخدوم مکرم چون باقتضای جذبۀ باطنی اظهار شوق یزودی ملاقات

مخلص فرموده بودید علاوه بر آن عصری هم که شرفیاب حضور مبارك شده بود فرمایش همایون نیز بروفق مطلوب هردو شرف صدور یافت، حالا زودتر از صبحی وقتی نداریم اراده چنین است که انشاءالله صبحی بعد از نماز صبح به نیت تصدیع سرکار از منزل سوار شده مزاحم خدمت شوم. اگر درموضع مذکور سرکار را از بابت استحمام یا پاره [ای] موانع و مشاغلی که از لوازم ورود جدید است مانعی نیست و بقدر یکساعت شرف صحبت سرکار را می توان یافت معلوم فرمایند که زحمت افزا شود و الا هروقتی را که خود معین فرمایند تصدیع دهد. والسلام

۳۶

نامه میرزا جعفرخان مشیرالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسجع عبده الراجی جعفرالحسینی ۱۲۷۱
درپاسخ نامه وی حاجی میرزا احمدخان واسطه رسانیدن نامه بوده است
هو

پشت نامه : عالیجاه مقرب الخاقان مخدوم مهربان حاجی میرزا احمدخان وزیر مختار دولت علیه مقیم اسلامبول مطالعه نماید.
مخدوم مهربانا ایامی که دوستدار بسفر آب گرم لاریجان رفته مشغول معالجه و اصلاح مزاج علیل خوب بود نوشته شما بانضمام یک پاکت کاغذ سفید رسیده در شمیران توقیف شده بود پس از مراجعت رسانیدند از ظهور سلامت و محبت آن مخدوم آگاهی و خوشحالی حاصل آمد. در خصوص کاغذهم اگرچه پرنازک و بی مغز بود و بغیر سرچسب بکار تحریر اینجا نمی آمد باز همین که برید محبت شما بود مایه خشنودی شد. خانه آباد از اینکه تا حال در تحریر جواب تأخیر شده است. بدیهی است که بجهت اهمال و اغفال نبوده همین تغییر اوضاع^۱ و مشغولیت

۱- مراد عزل میرزا آقاخان نوری و تشکیل هیئت وزراء و ریاست میرزا جعفرخان است برآن هیئت.

استمراری این ایام مانع بوده. اکنون که قرار اکثر امور گذشته و فراغتی حاصل گشته است بدین دو کلمه جواب زحمت افزا می شود که زیاده براین شمارا منتظر جواب نگذارد. تفصیل اوضاع اینجا البته بوسایل عدیده بآنجا رسیده و از کماهی امور آگاهی حاصل نموده اید احتیاج بتکرار تفصیل دوستدار نیست امیدوارم که انشاء الله بعد از این بیمن مزید توجه خاص ملوکانه تمامی اوضاع و امور عموم نوکر و رعیت بمراتب بهتر و خوب تر باشد همیشه با شرح حالات سلامتی خود و بعضی حوادث و حالات جاندار آنجا و فرنگستان مشعوفم دارید. غره صفر المظفر [۱۲۷۵] قلمی شد.

۳۷

نامه میرزا جعفر خان مشیرالدوله به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

خواهش گذشت از حاجی علی خان مقدم مراغه ای. حاجی علی خان همدست

میرزا آقاخان نوری و مخالف فرخ خان بود

هو

پشت نامه: خدمت جناب جلالت نصاب قبله گاهی امین الدوله مشرف شود

فدایت شوم سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه در باب

مقرب الخاقان ضیاء الملک^۱ فرمایش فرموده بودند که این بنده خدمت جنابعالی ابلاغ نماید. این دو روز در مجلس شوری^۲ مقام مقتضی نگشت چون تعویقی در ابلاغ حکم همایون ظاهر میشد بعرض عریضه مبادرت نمود می فرمودند اگر سابق بعضی

۱- حاجی علی خان حاجب الدوله سابق واعتماد السلطنه بعدی و مأمور قتل امیر کبیر.

۲- مراد شورای وزراء است که فرخ خان عضو آن بود و مشیرالدوله رئیس آن.

حالتها از ایشان ظاهر میشد این مسئله ظاهر است که میرزا آقاخان^۱ بجهت بعضی منظورات خود محرك مردم بود و اخلاقی می نمود و مقصود خود را حاصل می ساخت و مردم لابد باید موافق میل و خیال او حرکت کنند حالا لله الحمد این نوع خیالات در میان نیست و معیار شناسائی و بدو نیک چا کران منوط به رأی بیضا ضیای همایون است و کسی را یارای آن نیست که باشتباه عرضی کند و امری را به اغراض نفسانی خود جلوه دهد. ضیاء الملک پس از عزل حکومت باید در جرگ خدام آستان همایون راهی برود و مشغول خدمتگذاری گردد. بالمشافهة العلیه در طرز رفتار و معاشرت ایشان آنچه لازم بود فرمایش شده است و دستور العملی که لازم بود داده شده است که از آن قرار تخلف و تجاوز نخواهد شد. این فرمایش که بجنابعالی ابلاغ میشود محض اینست که اگر سابقاً بعضی صحبتها در میان بوده است و کدورتی جنابعالی با ایشان داشته اید یا از ایشان نسبت به جنابعالی خلافی ظاهر شده است منظور سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی این است که جنابعالی از اعمال سابق ایشان صرف نظر نمایند و بالمره از خاطر خود محو و منسی سازند زیرا که حالا آنچه خاطر مبارك است اینست که چا کران آستان در کمال یکرنگی و صفا و صدق نیت بی اینکه فی الجمله مغایرتی در میان باشد در خدمتگذاری دولت مساعی جمیله ظاهر سازند و بهیجوجه خلافی فیما بین نباشد. جنابعالی موافق این فرمایشات همایونی از وضع رفتار ایشان کمال اطمینان داشته باشند که از ایشان سوای آنچه فرمایش شده است و مکنون خاطر مهر مظاهرا القا داشته اند ظاهر نخواهد شد و در کمال صدق حرکت خواهند کرد. البته خاطر جنابعالی از اینگونه فرمایشات ملو کانه قرین کمال اطمینان و خاطر جمعی خواهد بود و از ضیاء الملک بجز ارادت و اطاعت چیز دیگر در خدمت جنابعالی ظاهر نخواهد شد چون حسب الامر بود ابلاغ داشت. اسرارعالی مطاع.

نامه مسعود میرزای پسرشاه به فرخ خان

بالای نامه طرف راست مهر مربع نسبتاً بزرگ بسجج، یمین الدوله و تاریخ آن مشخص نیست

توصیه در باره حاجی ابراهیم خان فراشباهی

هو الله تعالی

جناب جلالتمآب اجل افخم امین الدوله را زحمت می دهد که چون مقرب -
الحضرت الوالا حاجی ابراهیم خان فراشباهی در خدمتگذاری نواب والا مشغول
است و از قراریکه به پیشگاه حضور مبارک معروض داشت مبلغ دوست تومان
مطابق فرمان مهر لمعان بصیغه تخفیف بتوسط شما در باره مشارالیه از بابت قریتین
موسومتین به آباده و مرشدی که وقف تعزیه داری جناب خامس آل عبا علیه التحیه
والثناست از با بت تخفیفات مملکت فارس مرحمت شده است و در سنه ماضیه
مباشرین و مستوفیان عمل فارس در کتابچه آنجا منظور نداشته اند و در اوقات اقامت
موکب والا در شیراز رسیدگی شده خرابی قریتین مزبور زیاده از اینهاست و تخفیف
در باره آنجا بسیار بجاست اگرچه تابحال بواسطه بودن مشارالیه در رکاب مبارک
عم اکرم فرخنده شیم حسام السلطنه مبلغ مزبور را مطالبه ننموده ولی این اوقات
مطالبه خواهد نمود. لهذا به شما زحمت داده که می باید بمحض وصول ملفوفه رقم
قدغن کنید که مستوفیان عظام بخرج کتابچه هذ[ه] السنه مملکت فارس منظور
دارند و شرحی در این باب بعم اکرم حسام السلطنه نوشته باشند که مطابق فرمان
مطاع برقرار دانسته و ممضی دارند و از بابت سنه ماضیه وهذ[ه] السنه و بعدها مطالبه
نمایند تا مشارالیه آسوده خاطر مشغول خدمت محوله بخود باشد. چون در صدور
فرمان مطاع خود واسطه بوده اید در حقیقت این فقره خدمت دینی و دولتی هردو

ميباشد ميبايد زحمت كشيده حكم^۱ آن را بجهت مشاراليه بفرستيد يقين است كوتاهي نخواهد كرد زياده چه تاكيد رود. في شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۲.

۳۹

عريضه مسعود ميرزا به ناصرالدين شاه

پشت نامه مهر بيضی بسجع مسعود ۱۲۸۱

حضرت والا ازوبا فرار کرده اند و از مردم زياد تلف شده اند

هوا الله تعالى شانه

قربان خاكپاي جواهر آساي همايونت گرم فدوي جانفشان مدتي بود كه بواسطه شدت ناخوشي شيراز در كودهان بود ولي با وجود نبودن در شهر و گرفتاري عموم خلق آني از خدمت غفلت نمي نمود. الحمد لله رب العالمين اين روزها كه در شهر شيراز رفع ناخوشي شده و از اقبال بي زوال شاهنشاهي بكلي اثرى از ناخوشي باقى نماند مراجعت بشهر کرده و مشغول انجام خدمات است. در بلكات هنوز رفع نشده ولي از تفضلات خداوندي و توجهات خديوانه در آنجاها هم تخفيف كلى پيدا کرده اميدوارم عن قريب قطع و رفع شده باشد و عموم رعايا و برايا آسوده مشغول دعا گوئي ذات همايون و خدمات دولت روز افزون باشند. تنخواه قسط هم با اينكه بحضور عنايت دستور مبرهن است كه با اينهمه گرفتاري خلق كه ناخوشي در اين صفحات كمال شدت داشت و زياد از مردم تلف كرد و نهايت صعوبت كه باين زودي بتواند قسط راه انداخت باز از يمن اقبال و بخت بلند اعلحضرت اقدس روح العالمين فداه قسط را حاضر و موجود کرده و تا دو روز ديگر انقاد خواهد داشت. اين فدوي الله الحمد از توجه خاطر عنايت مظاهر ظل الهی سلامت و در انجام خدمت است.

جناب جلالتمآب آصف الدوله^۱ و مقرب الخاقان مشیرالملک^۲ هم بخدستگذاری مشغولند و خدمت میکنند. دیگر تفصیلی که قابل حضور باشد نداشت که جسارت ورزد. امرالقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع.

۴۰

نامه احتشام الدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسیج احتشام الدوله ۱۲۷۸

راجع به عقب افتادن قسط مالیات

هو

پشت نامه: مقرب الخاقان فرخ خان ملاحظه نمایند.

مقرب الخاقانا نوشته [ای] که همه محبت و دلسوزی بود مرقوم داشته بودند رسید. خالی از تعارف خدا میداند که مرا از طرز حمایت و دلسوزی شما کمال خجالت و حیرت است که در این روزگار صفت مردانگی باین حد منحصر بفرد اگر بگویم حق گفته ام. اول در خصوص ارسال داشتن تنخواه انشاءالله زیاده از قوه ساعی هستم که نوشته رسمی بنویسم تنخواه برسانم وکیل را درگیر نگذارم که جزای زحمت او نیست که من بمرارتش بیالدازم. در خصوص قسط اسسال مختار وکیل است هرچه بگوید و بکند من مطیعم بدون لاو نعم و این هم اسسال که نسبتاً خلاف گو شدم خدا میداند گناه من نبود من تنخواه دیوان را جابجا کردم و رفتم عربستان خدا لعنت کند برادر دیوانه مرا^۳ که شش هزار تومان یک قلم

۱- محمدقلی خان آصف الدوله پیشکار مسعود میرزا.

۲- حاجی میرزا ابوالحسن خان وزیر فارس.

۳- ایلدرم میرزای پسر عباس میرزا و برادر کوچکتر خانلر میرزا که از طرف او نایب-

الحکومه لرستان بود و در آنجا اغتشاش ایجاد کرد که برادرش مدتها گرفتار رفع آن بود.

باقی داراست و مرا فریب داد که که تا شب عید می پردازم اگر این بقیه را داده بود چرا حالا من بمرارت و کیل درگیر می بود حال چه بکنم بقول میرزا ابوالقاسم در مسجد است نه می شود دوخت^۱ نه می شود سوخت. حال معزول کرده ام محصل هم بسرش گذاشته ام چه ثمری بحال من دارد. میتوانم بدیوان بگویم ایلدرم میرزا خورده یا فلان مباشر برده. عرضم از اظهار این فقره نه طفره است منظور اطلاع بود که من همه تلاشم این است فرقی میان من و سایر حکام باشد در دادن مال دیوان از گذشته تا بحال اگر بکثافت کاری بوده زود و دیر و کیل بزحمت بوده قرض کرده هرچه بوده مال دیوان ضایع نکرده ایم انشاء الله محاسبات سایر ولایات هم باین پاکی باشد که نه خرابه دارند نه ایل و طایفه که همه تنخواه دیوان را از خروگاو فروشی باید جابجا کرد با همه این حال تا جان دارم در رسانیدن مالیات و خدمت دیوان کوتاهی نخواهم کرد. ایام روزه زیاده زحمت دادن خلاف است انشاء الله طوری اهتمام میکنم که شما در دوستی دل تنگ و وکیل خجلت زده نشود. سلامتی حال را با هرگونه خدمتی باشد مرقوم دارید. زیاده زحمت دادم.

۴۱

نامه احتشام الدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع احتشام الدوله ۱۲۷۸

توصیه حاج علی خان مقدم مراغه ای

هو

عرض می شود حسینقلی خان بر حسب اذن و اجازه مقرب الخاقان ضیاء -
الملك تنخواه دیوانی خود را برای مقرب الخاقان ادیب الملك^۲ روانه دارالخلافه الباهره

۱- دراصل چنین است ولی صحیح آن : فروخت.

۲- عبدالعلی خان پسر حاج علی خان مراغه ای مقدم.

کرده است و باذن و اجازه مقرب‌الخاقان ضیاء‌الملک بعضی مطالب لازمه خود را بمقرب‌الخاقان ادیب‌الملک نوشته است. بقول خودش که نوشته بود از راه ارادت و اخلاص که خدمت سرکار دارد مبلغ پنجاه تومان برای مبارکی ماه ربیع‌المولود در جزو خدمت سرکار فرستاده است که در باب انجام مهام او اگر در خاکپای مبارک همایون وقتی حضرات عرض کنند مرحمت سرکار بی‌غرضانه امداد کند. فرستاده او که مراجعت می‌نماید برای امیدواری او جواب عریضه او را مرقوم دارید چون مخصوصاً نوشته بود که خدمت سرکار باین عبارت زحمت افزا شوم لهذا عرض کردم. زیاده عرضی ندارم.

۴۲

نامه احتشام‌الدوله به فرخ‌خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع احتشام‌الدوله ۱۲۷۸

توصیه در باره میرزا محمد حسین مستوفی اصفهان

هو

پشت نامه : حضور مرحمت ظهور سرکار شوکت‌مدار امین‌الدوله‌العلیه‌دام
اجلاله‌العالی مشرف شود.

عرض می‌شود چون عالیجاه میرزا محمد حسین مستوفی سر رشته دار کل محاسبات سرکار اعتماد‌الدوله بودند و سرکار هم اطلاع دارند، در این وقت عالیجاه مشارالیه را با اینکه در اصفهان وجودش برای انجام محاسبات لازم بود روانه دارالخلافه الباهره نمودم که امر محاسبات سرکار اعتماد‌الدوله معوق نماند از گذشته و هذه‌السنه تمام را با اطلاع خدمت ذی رفعت اولیای دولت دوران عدت

۱- عیسی‌خان اعتماد‌الدوله دائی شاه و حاکم اصفهان.

قاهره عرض نماید. توقعی که از سرکار دارم این است که التفات و مرحمت و عنایت خود را شامل احوال مشارالیه بفرمایند که بزودی کارهای آنجا صورت گرفته مراجعت نماید که وجود مشارالیه برای کارهای من زیاد زیاد لازم است. لازم بود عرض شد زیاده بی ادبی است. والسلام.

۴۳

نامه احتشام الدوله به فرخ خان

زمانی که فرخ خان مأمور وصول مالیات کشور بوده است

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسج احتشام الدوله ۱۲۷۸ و عبارت نامه

جناب امین الملک ملاحظه فرمایند

ترس از تفنگداران مأمور وصول مالیات

هو

دوست مهربانا نوشته وکیل رسید هوش از سر من پرید ای وای که باید بعد از ده سال زحمت حالا رسوا شد. این چه غلطی بود که من کردم که عربستان آمدم. من که آمدنی بودم از همان بروجرд بایست بیایم. خواستم خوب بکنم بدتر کردم. خیال کردم بیایم اسر اینجاها را نظم داده رؤسای ولایات را با خود بیاورم و طوری نظم این صفحات را بدهم که بعد از من یامن برگردم یا کسی دیگر، صدائی بلند نشود. حال خودم در فکر کار خود افتادم که اگر مروت پادشاهی شامل حالم نشود من در همین جا ازهم خواهم پاشید. چند روز است بمردم اخبار حرکت صبح عید آمدن دربار معدلت مدار کردم با اینکه دستخط همایون که بالای عریضه خودم صادر شده بود بهمه نشان دادم، اما اغلب مردم بهوهای دیگر افتاده حرف های خارجی میزدند ولی کسی را جرأت نبود که خلافی بکند. این تفنگدار محصل برسد دیگر من تمام خواهم شد. مردم طالب بهانه وقت حرکت ایللیات - ولایات ضایع میشود که بعد از ده سال تسلط و اقتدار و نظم و ولایت داری باید

حالا ازهم بپاشم. نه یک نفر با من می‌آید سهل است، نوکرهای خودم ازهم خواهند پاشید. هریک بهوای خود سر خود گرفته من خواهم ماند و دوگوشم. فکری هستم که چطور حرکت خواهم کرد. بعد از من کی از کسان و مباشرین من می‌تواند بعاند، کی اعتنا می‌کند. خدا انصاف بدهد و کیل را این که حکایتی نبود برای شش هزار تومان ولایت‌های مرا بهم بزند و مرا مفتضح [کند] مردم را بمرارت [افکند]. پارسال و کیل آمد بروجرد گفت حکم پادشاه است بیست و پنج هزار تومان پیشکشی بده پیرسید از خود و کیل یک کلمه حرف زدم یا یک رو ترش کردم همه را بخنده و گشاده روئی گذراندم باحدی ملتجی نشدم. توقع تخفیف نکردم حال بر فرض این شش هزار تومان ترجمان من هم میشد حکایتی نبود اما بد شد بدوقتی گیرآمدم آخرسال، از یکطرف. باقی صاحب جمعان، از یکطرف پیشکشی عید، از یکطرف شاهی اشرفی. از این طرف آمدن خودم این هوهو میان مردم من. در عربستان کی بمن پول میدهد. بر فرض خودم داشته باشم اینجا کجا دست رس دارم. با خود پول بار نکرده بودم عربستان بیارم. خدا کار هیچکس را این طور مشکل نکند که من گیرافتام. از همه بدتر من چطور بمردم لر و عرب حالی بکنم تفنگدار از عقب باقی آمد من خود رفتنی بودم. هوهو تفنگدار آمد و برد. این مدت هم مردم هرگز ندیده بودند سرمی حاجت بمحصل فرستادن باشد. بخدا چنان بهم برآیند مردم که من تنها لابد باید نصف شب سوار شده از عربستان بیرون بیایم. دست من و دامن شما. برای رضای خدا مرا مگذار ضایع شوم. من بی اعتبار، شما که اعتبار دارید بروید خاکپای همایون ضامن من بشوید، این باقی را مهلت بخواهید حکم بشود تفنگدار برگردد. من دو روز بعد از تفنگدار خود بچاپاری کل اسناد خرج خود را برداشته می‌آیم حساب خود را می‌دهم. باقی دارم همانجا شما ضامن من باشید نقد کار سازی میکنم. باقی ندارم چرا تمام بشوم، و آنکھی بقدر این باقی هم گرو در دیوان دارم سه هزار تومان شاهی اشرفی فرستادم از نو مداخله نکردم

از خود داده‌ام. دوسه هزار تومان به سرباز سیلاخوری حکم شده باید بدهم، سرهم حساب خود را که پرداختم باقی دارم اینها را حساب نکنید هیچ. اینها را هم حساب نکنید چشم کور میشود آنجا میدهم، باقی قسط خزانه و سایر صاحب جمعان را هم تفنگدار رجوع نداشته باشد مثل هر سال من نزد وکیل میفرستم برای رضای خدا که من تمام مفتضح میشوم ولایت امن و امان زحمت‌ها کشیده نظم داده میخواستیم به سربلندی بیایم بدر خانه اقام خدمت تحویل بدهم که این‌طور ولایت نگاه داشتم حالا شیرازه کار از هم پاشید ولایت آشوب شده بیایم چه بگویم؟ سرم پائین بیندازم که چه؟ فکر ولایت نباشید در دوستی که سالهاست با شما داشتم هیچ، دوستی هم نداشتم لامحاله در دولت خواهی حفظ نوکر و مباشر بر شماها لازم است هر طور راست بخاکپای همایون تا پانزدهم رمضان المبارک ضامن من بشوید که هر طور راست من خود را می‌رسانم. حالا حساب بفرستم چه حساب بفرستم تا برسد آنجا و گفتگو بشود محصل پوست مراکنده و ولایت بهم برآمده بخواهم بمانم چند روز با محصل چکنم نیایم با محصل که شیرازه کارم از هم می‌پاشد. پول بدهم در عربستان دیناری نمی‌توانم بهم بپردازم. باز بروجرد می‌شد از خود از مردم هر طور بود می‌گذراندم. این آخر سال دیدید چطور ضایع شدم حالا باید تملق هزار لر و عرب بکنم که از اینجا بیرون بیایم ای وای که فکری بحالم بکن که تمام میشوم بعد از آن اگر هزار التفات همین که روی مردم بمن باشد دیگر من چه میتوانم بکنم با بی استعدادی ولایت. بعد از من کی نظم میدهد تا حاکم دیگر هم بیاید من که رسوا شدم و عوض اینکه حاکم دیگر وقتی بیاید ولایت منظمی پاکیزه دستش بسپارم باید ولایت شوریده پر آشوب تحویل بدهم. البته خواهید فرمود این خیالات چه چیز است. شما اوضاع اینجا را نمیدانید من میدانم که چه مردم دارد. یک روز که از هر سال دیرتر بعربستان می‌آیم هزار هرزگی میکنند. امسال خبر کردم که در روز معین خرم آباد خواهم آمد ناخوش شدم ده روز عقب افتاد در این ده روز بلوک خرم آباد را سگوند و پیراوند غارت کرد. چکنم با این اشرار هرزه زبان نفهم تا بخواهم

رفع این حرف بکنم که تفنگدار آمد و برد حساب من و ولایت من پاک خواهد شد
توقع جرئی است از خدمت شما کردم که حمایت بکنید حکم بفرستید تفنگدار
برگردد که من خود زود میآیم باقی دارم میدهم ندارم که چه حرفی است پنج
شش هزار تومان بقدر باقی هم از نو داده ام چرا تمام می کنند ولایت را
ضایع .

آسمان دور و زمین سخت است سخت گر ترحم میکنی وقت است وقت

۴۴

التزام پرداخت مالیات ابوابجمعی احتشام الدوله

طرف راست نامه مهریضی نسبتاً بزرگ بسجع عبده الراجی

محمد ربیع ۱۲۵۸

هر

موازی دو طغرا فرمان همایون و احکام اولیای دولت قاهره که بنواب
مستطاب شاهزاده احتشام الدوله خانلر میرزا صادر شد در باب زود رساندن قسط
دیوانی ملزومی نواب والا این چاکر محمد ربیع و کیل معظم الیه فرامین مطاعه و
احکام اولیای دولت قاهره را از مقرب الخاقان فرخ خان^۱ گرفته که برای کارگذاران
شاهزاده بفرستم .

غرض فدوی اینست که قسط بروجرد الی حال بعون الله تعالی قسط بقسط از
قرار تمسک علی حده رسیده و انشاء الله بعد از اینهم میرسد ، اما قسط عربستان و
لرستان را هم امیدوارم که کارگذاران والا تا آخر سال بفرستند مالیات عربستان و

۱- فرخ خان در آن موقع مسئول وصول عملیات کشور بود. این التزام نامه اندکی
بعد از عزل امیر کبیر نوشته شده است.

لرستان دخلی بمالیات سایر ممالک محروسه ندارد بقدریکه باید تأکید و اهتمام بتویسم و در وصول مالیات سعی نمایم ابداً خودداری ندارم آنی غفلت نمی‌کنم انشاءالله از این بعد هنوز بهترجان نثاری خواهد شد که مایه عزت دایر و حاصل آید
تحریراً فی‌یوم شنبه ۲۸ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۸.

۴۵

احتمالا از میرزا ربیع که گویا وکیل احتشام الدوله در طهران بوده است

نامه مهر و تاریخ ندارد

تأسف از فوت احتشام الدوله

هو

قربانت شوم افسوس می‌خورم که احتشام الدوله مرحوم شد^۱ و بی‌بال و پر و بیکس شدم و ذهنم کور و فرد واحد هستم. اگرچه خدا یار و یاور است لکن پر واضح است که بنده یکنفر در مجلس جناب مستوفی الممالک با قوام الدوله و دبیر المملک و متن و حواشی چه حالتی خواهم داشت مکرر می‌فرمایند هرگز فراموش نمی‌کنم در نیاوران حضور مرحوم میرزا تقی‌خان^۲ با میرزا گرگین^۳ چه حرفها و چه حکایات از میرزا ربیع^۴ گذشت بسر مبارك امیرالمؤمنین علیه السلام این مجلس امروز بالاتر بود هرگاه آقایی میداشتم از سر تا پا خلعت و جایزه واجب بود برای من.

دو ساعت مجلس گفتگوی ما در باب آمدن مخدومی میرزا ابوطالب صحبت طول کشید. هر قدر خواستم خودداری کنم غیرت نگذاشت که لال باشم. دبیر اسباب تمام کردن میرزا ابوطالب مهیا کرده بود و حتم کرد که باید در اصفهان بماند تا قوام الدوله برود حساب باقی و محل را بپردازد. دانستم که اولاد و عیال و

۱- احتشام الدوله در شوال ۱۲۷۸ در طهران بسکته درگذشت.

۲- یعنی: امیرکبیر

۳- برادر یایکی از بستگان نزدیک منوچهرخان معتمدالدوله و حاکم اصفهان

۴- وکیل احتشام الدوله در طهران که بعداً مستوفی دیوان شد.

نوکر مرحوم شاهزاده تمام خواهند شد بطور پخته جواب صریح سخت خطاب به آقای مستوفی الممالک عرض کردم که بهترین جواب سؤال ما بود و آخر دیدم آقا همراهی میفرمایند اما نه بطور کامل و از ترس جای رقعہ نویسی و زیرگوشی نبود بمیرزا عباس خان^۱ رفیق خود که پهلوی من بود تلقین مطلب کردم و یکصد تومان هم پیشکش وعده آقا^۲ دادم و مایوس کردم که اگر وزیر مانیاید، قتل بکنید اولاد شاهزاده مرحوم را، باقی وصول نمیشود. چنین رقعہ را میرزا عباس خان نوشت بدم آقا داد. بعد از ساعتی آقا بنای تجدید مطلب کرد و کار ما سکه گرفت و غلبه بر خصم کردم و حکم آمدن میرزا ابوطالب بامیرزا حسین شد. باز آمدن میرزا حسین را شرطی قرار دادند که آخر بیاید و آمدن میرزا را صریح قطع کردم و فوراً ملفوفه فرمان صادر کردم بخط آقا میرزا رضا با رقعہ یا عریضه مفصلی آقا برای شاه نوشت بردند و صحنه نوشته آوردند و کاغذی هم بطور خاطر خواهی و بعضی حرفهای خوب زیرگوشی قوام الدوله برای سفارشی گرفتم و کارم را ضابطه نمودم حالا بر خاستم^۳ گرسنه و تشنه برای اطلاع سرکار عالی ملفوفه فرمان و کاغذ قوام الدوله را فرستادم ملاحظه فرمائید که الان چاپار روانه کنم.

تصدقت شوم هرطور هست محض خاطر بستگان مرحوم شاهزاده الان مهر بفرمائید و طلب بنده باشد انعامی از سرکار، اگرچه بجناب عالی چه ربط دارد اما خیلی پهلوانی کردم بحق خدا از میرزا عباس خان وقتی جویا شوند چگونه از عهده برآمدم کسیکه با خدا و سایه خدا صداقت دارد و حیلہ ندارد و دولتخواهست خدا کمک می کند امان از میرزا زکی رشتی و فغان از این مرد. دشمنی بی جهت را نفهمیدم. زیاده عرض نشد.

۱- یعنی معاون الملک و قوام الدوله بعدی.

۲- یعنی میرزا یوسف مستوفی الممالک.

۳- اصل: برخاستم.

۴۶

نامه طهماسب ميرزاى مؤيدالدوله به فرخ خان

نامه مهر و تاريخ ندارد و از روى خط حدس زده شد

نامه دوستانه

هوالله

پشت نامه : مكرم سرورم فرخ خان مفتوح نمايند .

سرور عزيزم مدتى ميگذرد كه فراموش نموده ايم دوستان را . والله خوب نكرده ايم بياييم برخلاف ايام ماضى رفتار نمائيم و راضى كنيم انقلابه نوشته . اگرچه خواهيد گفت كه من بكرات نوشته ام راست خواهى گفت اگر بگوئى ولى از براى وجه براة نوشته بوديد و من نيز چنان دانسته كه جواب ، وصول وجه خواهد بود . بجواب ديگر مزاحم نشده در صدد تحصيل وجه پرداخته بعد از اين اظهار ميكنم اگر ميل قبلى بهمرساندند كه اين نوع نوشته ها هم بنويسم آنوقت خواهى ديد كه قافيه سنجى و مضمون نويسى و مناسب نگارى چه قسم است خط و ربط چون ، دوست مكرم گواه نوشته ناطق . زياده از اين مزاحم نشدم والسلام .

گلاب پاشان نشده ممدان تابخوانيم « بوى گل را از كه جوئيم از گلاب »^۱

۴۷

نامه طهماسب ميرزاى مؤيدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع كوچك بسجع بنده شاه ولايت طهماسب ۱۲۶۵^۲

مگذاريد احمدخان بفارس بيايد

عرض ميشود اصلا سزاوار نبود كه بعد از يك عمر مجاورت و مواحدت

-
- ۱- مصراع پيش از اين ، اينست : چونكه گل رفت و گلستان شد خراب . و ظاهر آطهماسب ميرزا توقع گلاب قمصراز فرخ خان داشته است . طهماسب ميرزا در ۱۲۶۹ حاكم همدان شد .
 - ۲- مهر شاه طهماسب صفوى هم باين سجع بوده است .

و وفا و صفا و تجربت بنده درگاه را در حفظ دقایق مودت اینطور بجای آورده باشید و آنچه در این مدت محض عشق و صرف محبت و حقیقت در مطاوی عرایض عرض کرده‌ام همه را بی معنی و زمانه سازی دانسته باشید و چنین بدانید که بقای این محبت و خلوص قلبی فرع بر ابقای حکومت فارس است. حاشا و کلا:

ازدنی و آخرت گزیراست در صحبت دوست ناگزیرم^۱

بسر مبارک که عرض فقرات عبدالفاضل میرزا^۲ و مهرعلیخان^۳ در خاکپای همایون من باب عرض عدم و بی غرضی خود در مأموریت آنها و عزل آنها بود نه دخلی با استدعای تجدید مأموریت آنها داشت که موقوف بعرض عالی باشد نه عرض عجز از مأمور نمودن دیگری بجای آنها بود که باز باید بر حسب قاعده موقوف بعرض عالی باشد و گر نه اشهد بالله آن وجود پاک را منزله و مبرا از هر چه نواقص است میدانم و همچو میدانم عیاذ بالله در امری که پای ضرر جنابعالی باشد هر که مشورتی نماید بخلاف منفعت مستشیر فرمایشی نمی فرمایند. امیدوارم این غبار عثار را که بخلاف واقع با شتاب بر دامن خاطر عالی راه یافته است از آب محبت و غیرت بشوئید «کنون کار پیش آمدت سخت باش» مقرب الخاقان احمدخان هنوز وارد نشده مصحوب فرستاده خود بهمه جا و بهمه کس از شیرازی و غیره مراسلات مینویسد و دل ربایها می کند الا به بنده درگاه که اصلا اظهار التفاتی نکرد. با این هیچ سازگاری و حسن نیت و اینمقدار ابواب جمعی و کتابچه و دستورالعمل علیحده و جمع و خرج جداگانه و این مردم مجاور و مأمور محال عقل است که دو روز با مشارالیه بتوان راه یافت باید حاصل خدمات پنجاه ساله را روی اینکار گذاشت و مقصر و تمام شد. باید همت فرماید الی ده هزار تومان بخاکپای همایون پیشکش

۱- از سعدی

۲- پسر طهماسب میرزای مویدالدوله که شاه اورا چنین نام نهاد (نام اصلی او عبدالباقی میرزا بود و این داستانی دارد.

۳- مهرعلی خان نوری شجاع الملک برادرزاده میرزا آقاخان نوری و از صاحبمنصبان مقیم فارس و فرمانده قسمتی از سپاه در جنگ با انگلیس ها که شکست خورد و فرار کرد و ده فرسنگ راه یک نفس در حال گریز بود.

بدهيد و هزار تومان هم خدمت آقاى مستوفى الممالك تعارف بفرمائيد و انشاءالله تعالى مأموريت مشاراليه را موقوف فرمائيد و بديهى است كه در ماده جنابعالى مختار و مالك هيچ چيز نيست چنانچه مأموريت موقوف نشد طورى بفرمائيد كه بنده درگاه را بدربار معدلت مدار ملوكانه احضار فرمايند كه باين نوع كار اين ولايت از پيش نمى رود و اين بنده درگاه با التفات عالى بدنام و مقصر بماند. از فتوت عالى بدور است. بايد از آن همت ها و غيرتهاى مخصوص در اين فقره بفرمائيد و آمدن او را موقوف فرموده بحول الله و توفيقه و يك ولايت [را] آسوده فرمائيد و قطع بدانيد كه مشاراليه در اين ولايت قرال على حده خواهد شد كار او و كار بنده درگاه و كار اين ولايت همه از هم خواهد گسيخت و بقول ملاها آن قضيه كه اجماع را نشايد همين قضيه است ديگر بهر نوع مقرر مي فرمائيد مختاريد.

۴۸

نامه طهماسب ميرزاى مؤيد الدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع كوچك بسج بنده شاه طهماسب ۱۲۶۵

شكايت از حسام السلطنه و عبدالله خان

عرض ميشود آشنائى و محبت كه با مقرب الخاقان ميرزا حسن خان دارم خيلى قديم و پيش از آن است كه خدمت عالى خلوصيت حاصل شده است و نهايت او را دوست دارم و بهمه نوع محبت و نگاهدارى در ماده او قلباً روا مندم. نواب والا حسام السلطنه از وقت حركت از فارس بعضى تدبيرات در فساد قيمابن فارس و مأمورين فارس با بنده درگاه نموده اند كه غالباً در اصلاح آن به همه نوع زحمت گرفتارم از آنجمله در سال قبل بجهت عاليجه ميرزا حسنخان قسار دادند

۱- يعنى پادشاه و كلمه گويا اصلاً روسى و صحيح آن «كورال» است.

که از بابت تحویل‌داری دوهزار تومان بهمه جهت بایشان برسد و یکهزار تومان از بابت نیریز. یکهزار تومان نیریز که موضوع و خارج از مسئله است و امری علی‌حده و هواییست. درواقع درازاء شغل تحویل‌داری همان دوهزار تومان بود. وقتی که برکاب همایون احضار شد محض افساد فی‌مابین جانبین نوشته‌قرار اورا بمبلغ پنجهزار تومان داد. میرزا حسن‌خان همان‌را سند نموده کا باید بمن پنجهزار تومان برسد. درباب قرار کار اوچندی پیش عرض شد. چون درپرده عرض کرده بودم فرمودلد بهمان قرار که نواب والا حسام‌السنطنه داده‌اند بدهید واجب شد که بی‌پرده حقیقت‌امرا عرض کند بهرنوع میفرماید اطاعت نماید. قطع‌نظر از آنکه گنجایش نیست و نمی‌توان گنجانند با فرمایش عالی مضایقه ندارم و لکن این عمل بجهت جنابعالی و بنده درگاه و او هر سه بدنایمی دارد. دراین باب بی‌پرده قراری مقرر فرمائید بعد از تعیین قرار و قطع آن ماده فساد البته بهمه نوع.

در هرباب ملاحظاتیکه واجب است باز منظور و معمول خواهید داشت بحول الله و توفیقه.

عالیجاه عبدالله خان‌را که آن سفر باخود آورده بودم و مدت‌یست پهلوی‌خود نگاه داشته‌ام. امسال در مباشری رامجرد و ابرج خوب حرکت نکرد. اولاد مرحوم وصال که معروف بودند و زبان داشتند. آنطور که بعرض سرکار رسید شکایت کردند. قیاس حالت رعیت را از شکایت آنها البته فرموده‌اید. بالفعل نهصد تومان باقی دیوانی دارد پنج‌ماه است که رعیت آنجا بست نشسته‌اند قبوض و مستنداتیکه از او دردست دارند میگویند از من نیست. دیدم بااین حالت سلوکشان نمیشود و اگر امسال هم عامل باشد باز لامحاله بهمین اندازه باقی‌دار میشود وفی‌الواقع ضرر و بدنایمی جنابعالی است خودرا راضی نکردم گفتم عجلتاً در آنجا مداخله نکنند چنانچه جنابعالی مقرر میفرمائید هریک از بلوکات فارس را باو بدهد اطاعت میشود

و اما بايد ضرر و نفع و نيك و بد آن با ملازمان عالي باشد^۱ ... و شكاييت نماند جنابعالي اورا بهتر از هر كس بجا آورده ايد و صاحب البيت ادری باهل البيت و چنانچه مقرر مي فرمايند بي عاملی اورا راه ببرم اطاعت ميكنم هر قدر مي فرمايد كفاف اورا مي كند در نهايت خرسندی^۲ و امتنان باو عايد مي دارم اندازه آنرا مقرر فرمايند در هر صورت رضای خاطر عالي را طالبم و بهر نوع در اين مواد مقرر فرمايند اطاعت ميشود بحول الله و توفيقه . والامر منكم .

۴۹

نامه طهماسب ميرزای مؤيد الدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع كوچك بسجع بنده شاه ولايت طهماسب

دفع شر خير الله خواهد شد

عرض ميشود در باب خير الله در آگاهی مشاراليه را اين اوقات اطمينان داده بودم با کمال اطمينان در زی رعيتی و کسوت اطاعت حرکت ميکرد و فتنه [ای] بود خوابيده. اين رفتار حضرات افشار دوباره او را بر سر کار آورد و از خواب بيدار نمود حالا ديگر هيچ اغماضي از اعمال زشت و حرکات ناپسند اعتراض و گذشت نمی کند و از سرقت و آشوب يك لحظه آسوده نمی ماند و رعيت فارس و کرمان را آسوده نمی گذارد ناچار بايد بمقام دفع و رفع او برآمد و قطع اين ماده فساد را بکند با قوت نوکر ديوان اعلي تدارك اين خدمت با آنکه نهايت صعوبت و اشکال دارد ضرر و خرج و خطر زياد دارد و از پيشش نميرود. ايل عرب در خاك سبعة - نشيمن دارند و فوج عرب نيز وجب بوجب راه در بين آن ولايت را بلدند و با ايل و طايفه خير الله محشورند و همچنين ايل اينانلو نيز در آن ولايت مسکن و مکان دارند و از اين ايل هم جمعی سرباز جزء فوج عرب است. عليقلي خان را قرار دادم

۱- دوسه کلمه از نامه بعلت سوراخ شدن کاغذ مفهوم نيست. ۲- در اصل: خورسندی

حاکم سبعة باشد و چون ایل عرب ابوابجمع اوست رضا قلی خان سرتیب فوج عرب را با فوج عرب مأمور انجام انتظام آن حدود و قلع و قمع خیرالله و طایفه و ایل او کردم و من باب تقویت و کثرت و وسعت جمعیت ایل اینانلورا نیز باو دادم و قرار دادم که از سرکوه داراب و نیریز و فسا و غیره هزار نفر تفنگچی کارآمد بگیرد و مواجب بدهد که چریک نباشند که بکار برنیایند و بی پائی آنها باقی دیگر را بی مصرف کند در اینصورت این تفنگچی و فوج عرب و ایل عرب و ایل اینانلو که همه آنها اهل و بلد آن ولایت هستند و بکوه و صحرای آن ولایت قدم بقدم معرفت و آگاهی دارند بعد از آنکه با نسبت ایلیت و جهت حکومت در اطاعت یک نفر باشند امیدوارم از بخت بلند پادشاه جمجاه روحانفاده کفایت این خدمت را بنوعی که خاطر خواه بنده درگاه است از عهده برآیند و آن ناپاک و ایل و طایفه او را بالمره قلع و قمع نمایند و دو ولایت را از شرارت آنها آسوده نمایند و اگر معجلا سباب اینکار را کفایت نکند ماده فساد او غلیظ خواهد شد و نیز قرار دادم که هر قدر قورخانه و تدارک در اینکار لازم باشد بدهد و بحول الله تعالی سه ماه دیگر بنوعی که خاطر خواه جناب عالی و مقتضی چاکری خود میداند کفایت این خدمت را خواهد نمود. والا امر منکم

۵۰

نامه طهماسب میرزای مؤیدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع کوچک بسجع بنده شاه ولایت طهماسب ۱۲۶۰

کار سربازخانه و توپخانه سریعاً پیش میرود

عرض میشود آنچه مواجب و جیره و تدارک و غیره که از بابت تخاقوی ایل نوکر مأمور و بومی فارس طلب داشتند بالکلیه را کارسازی داشت و عمل آنها را پرداخت و سربازخانه و قورخانه و توپخانه را نیز بهمان نوعی که عرض کرده

بود حسب الامر قدرقدر همایونی توپخانه و سربازخانه را هر قدر ناتمامی دارد قرار داده تمام کند و بنای ساختن قورخانه را هم معجلاً خواهد گذارد که بزودی بسازند و تمام نمایند بعون الله تعالی و مخصوصاً فرستاده است که هر قدر مخارج ناتمامی باقی مانده کار سربازخانه و توپخانه است معین نمایند و نقشه قورخانه را بکشند و بفرستند که بخاکپای همایون انقاد دارد و از اینطرف نیز قدغن نموده که در کار ساختن و اتمام سربازخانه و توپخانه مشغول باشد که معجلاً تمام شود.

۵۱

نامه طهماسب میرزای مؤیدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع کوچک بسجع طهماسب ۱۲۶۰

وجه بنائی لریباً تمام و کمال برداخت خواهد شد

هو

مقرب الخاقانا در باب وجه بنائی که از دیوان همایون اعلی حواله شده آنچه قطعی این بنده درگاه است از قرار نوشته میرزا شفیع و غیره این تنخواه الی حال تمام و کمال از کرمان بیرون آمده است چنانکه چند روز پیشتر غلامهای محصل رسیدند دوهزار و هشتصد تومان از این وجه را بشما نوشته بودند بالجمله بجهت اطمینان از رسیدن وجه بالصراحه مینویسم که بعد از ورود به کرمان انشاء الله الرحمن بفاصله سه روز بحول الله تعالی هر قدر از این وجه باقی باشد بلاخلاف روانه خواهم کرد والسلام.

نامه طهماسب میرزای مؤیدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع کوچک بسجج بنده شاه ولایت طهماسب ۱۲۶۰

قسط گمرک فرستاده شد

عرض میشود که بشرف زیارت تعلیقۀ رفیعہ مصحوبی توپچی محصل وجه گمرک فایض در باب قسط سه ماهه حمل وثور وجوزا که آنطور مرقوم فرموده بودند بر حسب قسطی که بسته اند و میرزا جعفر تمسک سپرده قسط این سه ماه یکهزار تومان است که دروسط ماه شعبان براۀ تاجر تسلیم عباسقلی بیگ آدم مقرب الخاقان سهراب خان کردند^۱ که بدار الخلافه بیاورد از آنجا که مشارالیه یک دوسال بتحصیلداری تنخواه گمرک کرمان^۲ آمدو باو زیاده از چاپاران اطمینان و اعتماد حاصل بود تنخواه باو تحویل شد اگر دیر باردو برسد بحث و تقصیری وارد نیست با وجودیکه دروصول و ایصال تنخواه قسط گمرک تأخیری نرفته تعویقی بهم نرسیده بود حسب الفرمایش ترجمان^۳ و خدمتانه بندگی شدانشاءالله وجه اجارۀ گمرک بطوری که قرار داده اند و میرزا جعفر تمسک سپرده بدون تأخیر و تعطیل قسط بقسط میرسد بحول الله وعناياته درانجام خدمات دیوان در هیچ کار تعلل و اهمال نداشته پیوسته مترصد وصول تعلیقہ و ارجاع فرمایشات است. والسلام .

-
- ۱- سهراب خان نقدی از غلامان فتحعلی شاه که وجوه نقدی دربار باو سپرده بود و تا زمان ناصرالدینشاه هم این سمت را داشت.
 - ۲- طهماسب میرزای مؤیدالدوله از سال ۱۲۶۴ حاکم کرمان شده بود.
 - ۳- ترجمان معمولاً پولی بوده است که مأموران حکومتی از مقصرین می گرفته اند و خدمتانه پولی که درازاء خدمتی برسم انعام به آنها داده میشده است.

۵۳

تمسك پرداخت اقساط مالياتي توسط طهماسب ميرزای مؤيدالدوله

ذيل ورقه مهريضي بزرگ بسجع الواثق بالله الغني عبده طهماسب ۱۲۵۴

هو

ي ا ا م م ح م د ت ق ي ج و ا د ر و ح ي ف د ا ك

لا ارجو سواك صلوات الله عليك وعلى آبائك ادركني في مهمي هذا وفي كل الهموم

هو

مبلغ پنجاه و سه هزار و پانصد و هفتاد و دو تومان تنمۀ وجه قسط خزائنۀ عامره
بعهدۀ اين بنده درگاه است كه در هذه السنۀ اودئيل از بابت ماليات ديواني مملكت
فارس وصول كرده بقسط الشهور ۴ قسط از ميزان الي حوت هشت هزار و نهصد و بيست
و هشت تومان و شش قران و سه عباسي^۱ در وجه مجدت و نجت همراه مقرب الخاقان
فرخ خان محصل وجه خزائنۀ عامره كارسازي دارم و قبض رسيدگي بمهر مشاراليه
و ساير مباشرين خزائنۀ عامره گرفته بجهت سند خرج خود ضبط نمايم و آنچه مأخوذ
نواب نصرۀ الدوله فيرور ميرزا و گماشتگان او باشد بعد از وضع مخارج ديواني و ولايتي
از بابت وجه مزبور محسوب دارم و در رساندن قسط اهمال و کوتاهی جايز ندارم
و كان ذلك في شهر شوال المكرم سنۀ ۱۲۶۹ .

نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

این نامه مربوط است به زمان محمدشاه که حسام السلطنه مأمور چمن گندمان

و مراکت از بختیارها شد تا شاه بخراسان برود

کار بختیاری کمال انتظام را دارد

پشت نامه: مقرب الخاقان فرخ خان پیشخدمت خاص سرکار شاهنشاهی

هوا الله تعالی شانه

خان فرخ را الی غیرالنهایه مشتاقم کاغذت رسید خانه دل را گلستان کرد و صفحه خاطر را بوستان شیخ سعدی علیه الرحمه [در] گلستان و بوستان گفته لکن نه باین خوبی: در کلام دو چیز مطلوب است یا فصاحت یا نمک. این دو در این کلام لله الحمد جمع است انشا میخواهی یا جان آدم بقول تو که ای شاهزاده آرام بگیر بس است. بعد از همه حکایتها کاغذت را خواندم و غمهاراناندم. خواندم بزود غم فزودشادی. گله که کرده بودی حق داشتی لکن میدانی که اگر کاغذ مینوشتیم بعضی توهمات فاسد و خیالات پروپوچ میکردند از آن سبب تا حال یک کلمه ننوشته‌ام تا بدو کلمه چه رسد. خودت که از قلب من استحضار داری ضرور نوشتن نیست خدا شاهد حال است که قلباً «ترا من دوست میدارم خلاف هر که در عالم»، از اوضاع بخواهی الحمد لله از قوت طالع سرکار اقدس اعلی روحنا فداه کار بختیاری کمال انضباط را دارد خودت میدانی که اینقدر هم از دست من کاری بر می‌آید که این جزئی امورات را بتوانم فیصل بدهم لکن نمیدانم که آخر چه خواهد شد. این روزها هوای گندمان قدری سرد شده است تکلیف را نمیدانم که کجا بروم و چه. کنم اگر اردو بطرف خراسان حرکت کرده باشد وای بحال من که در این بر بیابان چه خواهم کرد. چاقوی فرنگی خوب خواهم ساخت

اگر شما مشتری باشید. در باب میرزا زمان^۱ بجان خودت که مطلقاً کم التفاتی نداشتم با و اگر هم فی الجمله بود کاغذ شما رفع کرد خاطر جمع باش. از احوالات بتفصیل بنویس یک کلاه پوست هر طور است از برای من بفرست که خیلی ضرور است.

۵۵

نامه^۲ سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

نامه ناقص است و احتمالاً فرخ خان بتوصیه^۳ سلطان مراد میرزا قسمت حساس

نامه را از میان برده است

توهم به جلوه درآ وقت دستگیری ماست

... کار دیگر نتوانست بکند من سرمای گندمان را میخورم از برای انضباط کار مردم و آنها در فکر خرابی کار من هستند سهل است خدا کریم است. ملفوفه^۴ فرمان نمی دانم برای چه صادر شده است اگر بفارس رفتن من است الحمد لله کار فارس در کمال مضبوطی است. فوج گلپایگان هم امروز و فردا میروند بفارس فرمایش قبله^۵ عالم به من این شده است. که امر اصفهان و بختیاری را مضبوط بکنم بدیگران چه که از برای من ملفوفه^۶ فرمان از شاه می آورند خودم آدم فرستاده ام به اردو هرطوری که دستور العمل آورد از آن قرار خواهم کرد. جان من می دانی که مردم در فکر اختلال امر من هستند. «توهم بجلوه درآ وقت دستگیری ماست». اول سفر و خدمت من است می خواهند که در میان مردم ضایع بقلم بروم لکن لطف شهنشاہ دستگیر من است. شماها اینقدر نتوانید کاری برای من بینید که من خراب نشوم بحرف مفسدین، پس چه مصرف دارید.

۱- احتمالاً عموی فرخ خان

باری امر بختیاری الحمد لله خیلی خوب است امروز کلبعلی خان وارد شد پانصد نفر کرد که همه با خانه و کوچ و اسب و یراق باشند آورد که این روزها روانه طهران شوند و نوکرش را هرطوری که حکم برسد از آن قرار خواهم کرد.

باری هزار نفر کرد این روزها روانه میشود با هزار سوار مکمل و مسلح خودپسندی صورت ندارد والله العلی العظیم که اگر من نمیآدم این سفر کار این- طرفها بطوری مغشوش بود که بوصف نمی آمد.

نظم اصفهان میدانی که باهمان آمدن من و قشون مضبوط شد، بهر حال توقع که دارم از خان فرخ اولاً خدمات مرا در دربار بعرض برسانی و طوری بکنی که من زود برکاب مبارک برسم می دانی که مردم می رنجند و از بودن من در این صفحات واهمه دارند طوری بکن که من زود ملحق به اردوی مبارک شوم و اگر حکم شد که در این صفحات بمانم بفرمایند بروم بگرمسیرات لکن بفارس نخواهم رفت اگر بکشند مرا.

ثانیاً اگر از فرمانفرما گفتگوی بشود می دانی که تا حال چقدر پول فرستاده و تا چه حد خدمت می کند بخاطر من تعریف و توصیف و جانب داری بکن. مرگ من این کاغذ را بعد از خواندن پاره بکن غلیان مرا زود بفرست ظاهر و باطن اوست مصرف داری بردار حلالیت باشد و الا بفرست اینقدر بدان که جان و مال از تو مضایقه ندارم خودت میدانی که تا حال جزئی و کلی دخل [و] تصرفی در امر اصفهان نکرده ام یک کاغذ هم بمردم ننوشته ام حتی بتو تا حال نمی نوشتم که مردم خیال فاسد نکنند.

حکیم باشی^۱ را دعای فراوان میرسانی هرچه که کاغذ نوشته ام جواب^۲ میدانم که نخواهد نوشت. به جمیع رفقا دعا برسان من تا حال ننوشته بودم و نمی خواستم

۱- با احتمال قوی همان حاجی بابای افشار از محصلین اعزامی زبان عباس میرزا است که پس از بازگشت به ایران طبیب حضور و بعداً حکیم باشی شد زیرا در ساموریت سلطان سراد میرزا در سال ۱۲۵۳ هنوز میرزا بابا یا حاجی بابا زنده بود. میرزا نظر علی قزوینی را هم حکیم- باشی می گفتند.

۲- اصل: خواب

بنويسم لکن از روزی که آمده ام به خاک گندمان بيگلرييگی اصفهان یک دانه خربزه به من فرستاده است. یک کلمه کاغذی نوشته است 'قشون که ابوابجمعی من شود نفرستاد، تعارف و خوش آمد بود که نکرد. باز حرف میزنند. بعد از خواندن پاره بکن چون شما از همه چیز آگاه بودید از آن سبب نوشتم میدانی که محبت قلبی دارم جان و دلم آنجاست عزیز دل سلطان.

باری انشاءالله بسلامتی به اردوی مبارک مشرف شو و زود نرو:
 «خیر از این دشت پر خطر نگریم» از احوالات من و قشون من از همه که استحضار داری ضرور نوشتن نیست. باقی سلامتی جان فرخ.

۵۶

نامه دوستانه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

پس از بازگشت از سفر فرنگستان و تقاضای سوغات

نامه مهر و تاریخ ندارد

گرچه زدیده غائبی در دل ما نشسته [ای]

حسن تو جلوه میکند گر همه پرده بسته [ای]

جانم بقرابت هیچ از بنده دردمند یاد نمی کنی لعنت بر تو باد آخر یاد یاران و دوستان از یاد دادن از شرط مروت دور است آخر چرا در این مدت مدید یادم نکردی و بدو کلمه شادم نساختی. باوجودی که بعد از مهجوری از شرف خدمت و محرومی از حضرتت دوسه عریضه خدمت ملازمان عرض کرده ام بهیچوجه من الوجوه بجوابی سرافرازم نفرموده اید.

ز کار ما دلت آگه شود مگر روزی

که سبزه بردم از خاک کشتگان غمت

باری حال تحریر که ۱۸ جمادی الاول است بتحریر مشغول بودم بیاد شما چنان تصور نمودم و بخیال شما چنین گفتم.

ندیده هیچ گناهی چرا بریدی دل نکرده هیچ خطائی چرا شدی بیزار
خدا گواه است و ضمیر منیرت آگاه که با هر کس دست ارادت دادم و با
صداقت^۱ قدم زدم تا جان در بدن دارم از دامن ارادتش دست صداقت برنمیدارم
تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک

باور مکن که دست ز دامن بدارمت
مختصر آنکه با همان صفا و محبتی که با شما ازاول داشته و دارم قسم، در
اخلاص و ارادتم اگر نیفزوده باشد نکاسته است ولی چکنم که طول زمان و بعد
مکان مرا از خاطرت برده است انشاءالله روزی شود که ریشتم بدستم آید تا آن زمان
با تو گویم در غیاب شما بر من چه گذشته است. خلاصه این غزل خواجه علیه الرحمه
چون مناسب شد حال بود ثبت افتاد.

میزنم هر نفس از دست فراق فریاد
آه اگر ناله زارم نرساند بتو باد
چه کنم گر نکنم ناله و فریاد و فغان
کز فراغ تو چنانم که بداندیش تو باد
روز و شب غصه [و] خون میخورم و چون نخورم
چون ز دیدار تو دورم بچه باشم دلشاد
تا تو از چشم من سوخته دل^۲ دور شدی
ای بسا چشمه خونین که دل از دیده گشاد

۱- اصل: صداقت

۲- اصل: دل سوخته.

بعد از این هر مژه صد قطره خون بیش چکد
 چون برآرد زدل از دست فراق فریاد
 حافظ دل شده مستغرق یادت شب و روز
 تو از این بنده دل خسته بکلی آزاد
 جانم، سیاحت فرنگستان^۱ و تفرج بلدان مبارک شما، مدینه پیشکش دوستان
 پیغمبر، ولی از سوقات نخواهم گذشت و از تقصیر شما بدون تعارف نخواهم گذشت
 البته از متاع^۲ فرنگستان خودتان هم از برای مخلص صمیمی ارسال خواهید داشت
 زیاده جانم بقربانت. زیاده جسارتی است والسلام.
 مخدومی آقا جعفرقلی آقا همیشه جویای سلامتی احوال شماست و دایم میفرمایند
 که وقت عریضه نوشتن از قول ایشان بعرض سلامی مصدع آیم حال هم که حاضر
 بودند و در اینجا تشریف داشتند خواهش فرمودند که این دو کلمه را بنویسم.
 پشت نامه: بیرون نمیروود از دل تنگم نفس تمام^۳
 چون ناله کسی که بچاهی فرو بود

۵۷

نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

احوالپرسی بیماری

هو

مقرب الخاقانا فرخ خان را خدا فرجی کرامت فرماید. نشنیده بودم که
 ناخوش بودی. حضرت باری را ملتمس میباشم که شمارا شفای مرحمت فرماید

۱- اصل: فرکستان. ۲- دراصل مطاع. ۳- دراصل چنین و وزن شعر

مغشوش است. در کلیات سعدی تصحیح مرحوم فروغی: بری نیاید از دل تنگم نفس تمام...

بقول حکیم باشی که «چونی و چسان میگذرد بر توجهان». باری خداوند واحد شاهد است که از قلب میل بشما دارم. «وجود نازکت آزرده گزند مباد»^۱ بقول شیخ بهای^۲ من همین ترادارم ای خدا تو میدانی بقیه این که :

پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت با طبیب نامحرم حال درد تنهایی
بهر حال پرهیز لازم است. ناخوشی شما را حضرت یزدان بجان ناتوان میرزای
وسط مساس رفته قاف^۳ مرحمت فرموده شما خوب شوید و بیایید. والسلام.

۵۸

نامه^۱ سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد و هر دو طرف صفحه نوشته شده است

شرح حال خود و قشون درگندمان

هوالله سبحانه و تعالی

خان فرخ سلام علیک علیک السلام و رحمة الله وبرکاته. کاغذ شما رسید لکن «چنان رسید که گویا بمرده جان آمد» غلیان رسید با قاف نبود سهواً نوشته بودید عیب نمیکند سهل است ان الانسان محل النسیان. خدا ترا از برای من نگاهدارد انشاءالله تعالی «من دعا کردم و جبریل امین آمین گفت» خدا امانی بدهد که تلافی زحمات سرکار خان را بطوریکه شاید و باید از عهده برآیم. از احوالات خودمان خواسته باشی خدا شاهد است که در کمال تنگی بمردم از دست سرما و باد سرد می گذرد چکنم که حکم همایون در قرار قشون تا حال نرسیده است و درگندمان حالا سگ بند نمی شود از دست سرما، فضلعلی خان هر روز می نویسد که حکم شده است شما به آس پاس فارس بروید که آنجا هم از گندمان بمراتب

۱- شعرا از حافظ و مصراع قبل چنین است : تنت بناز طبیبان نیازمند مباد .

۲- کذا یعنی بهاء الدین و مراد شیخ بهائی معروف است .

۳- معمائی است از کلمه «قرمساق» .

سردتر است. ملفوفه فرمان را هم تا بحال نفرستاده است که چه خاك بسر بکنم
على الاتصال مینویسد که فرمان را فرستادم لکن:

اسمی است بمانده بی مسما رسمی است از آن سوا معانی
باری ما که تن بقضا داده ایم تو کلت على الله حقیقت هیچ انصاف نیست
که من در این صحرا ویلان و سرگردان حیران و متحیر راه بروم برد که بایستاد
رو رو که بایستاد شب یزم بس بس که فرو گسست خفتانم^۱
برای این است که متحمل همه هستم و میشوم نه زر دارم و نه زور.
« هر که را زر در ترازوست زور در بازوست » لکن من:

روح تردد فی مثل الخلال اذا اطارت الريح عنه الثوب لم یبن
این نیت را نخواهی دانست هر چه بقلم آمد نوشتم. از اوضاع و احوالات
اختصاری. از اوضاع و احوالات خیلی مختصر نوشته بودی. ترس شما از من چرا،
و نهان کردن راز و مطلب چرا؟ العادت كالطبیعة الثانية عادى شما چنین شده
است که آنهم عارضی است. ترا هر آنچه خوش است مارا خوشتر است. خدا آگاه
است و گواه که از شدت باد و سرما نمی فهمم که چه مینویسم، تنهایی هم شعور و
فکر را بالمره برده است.

آزمودم عقل دور اندیش را بعد از این دیوانه سازم خویش را
معطلی توهم در اصفهان^۲ از این زیاده صورت ندارد هر قدر زودتر و بهتر
زحمت تازه شمارا لازم است که به نجف گفته ام کلیچه بسازد خز اورا و دوخت
اورا. سعی بکنید جان من فرخ که خوب شود. خواندن کاغذ من علاوه بر زحمات باید
متحمل شد و کار را گذراند سهل است زحمت و مشغله خیلی است فرصت کم اختیار دارید
آدم آقا علی صندوقدار فرمانفرما از آقا محمد طاهر سمسار شیرازی باسم صندوق-
خانه جنسی گرفته است از قرار سه ماهه على حده به زین العابدین نام مکاری سپرده
است. مشارالیه آن اجناس [را] با اصفهان آورده بحاجی ابراهیم ولد آقا علی اکبر دباغ

۱- از سعید سعد ۲- نامه مربوط به سال ۱۲۵۴ است که فرخ خان مأموریت اصفهان را داشت.

سپرده علی بیگ جلودار را فرستادم اگر زحمت نباشد قدغن بفرمائید خان فرخ که این اموال را آن مرد سروته قاف بدهد. برریش میرزا شفیع سگ رید. پسر میرزا تقی قوام الدوله^۱ هم رفته است به اردو. از کاروبار فرمانفرما غفلت نکن. مرگ من مبدا آنها کار اورا خراب بکنند. باقی بقایت.

۵۹

نامه^۲ سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

مهر و تاریخ نامه محوشده است

پشت نامه: مقرب الخاقان فرخ خان پیشخدمت خاص شاهنشاه

هوالله تعالی

به اصفهان طمع ندارم

خان فرخ کاغذت رسید. بحدی خوشحال شدم که حد ندارد. می توان گفت که الی غیرالنهایه. باری درباب بی حسابی که نوشته بودی نمیدانم چرا امر بشما مشتبه شده است. تو که مرا میشناسی حضرت خان ابن خان بلکه جان بن جان. امان الله بیگ درامان خدا بود آمد و رسید البته خواهید پرسید خدا عالم است که همه دروغ است اگرهم باور نمیکنید سیدی که از پیش حاجی سید باقر^۳ آمده بود از او تحقیق بکنید. من دراین هوای سرد که برف یک ذرع^۴ در زمین است بطوری سر قشون را نگاه داشته ام که فرار نکند. باز از جان من چه می خواهند. هیچ کس نداند تو که میدانی والله به اصفهان من طمع ندارم و شاه هم بمن نمی دهد شما آسوده باشید. بفرمائید^۵ نوشته ام حکم شاهنشاه را تا حکم ایشان برسد شما استدعا بکنید که جایی معین بکنند از برای توقف قشون تا از فارس خبر برسد. خدا عالم است

۱- یعنی همان میرزا محمد قوام الدوله آشتیانی جدو ثوق الدوله وقوام السلطنه که بارها

از او صحبت شده است. ۲- مراد با احتمال قوی حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی

از علمای بسیار معتبر و مقتدر اصفهان است. ۳- کذا در اصل: یک زرع.

۴- فیروز میرزا برادر سلطان مراد میرزا و والی فارس.

بطوری بقشون و ماها بد می گذرد که حد ندارد انصاف خوب است.
 باری اگرهم مطلقا بقشون احتیاج ندارد فضلعلی خان^۱ دو کلمه بنویسد که
 من آن وقت فکر خودم را بکنم خدا شاهد است مانده ام معطل. والسلام.
 از فارس قوام الملک^۲ قدری مرکبات فرستاده بود از برای خالی نبودن بقول
 عوام از برای تو و فضلعلی خان قدری فرستادم باهم شراکت (چه غلط است)^۳
 دارید از امان الله بیگ بگیرد. باقی بقایت باد فرخ خان. والسلام و خیر ختام.
 پشت نامه: چرا در اصفهان معطل شده اید. زود به اردوی مبارک برو.
 نه کار آخرت کردم نه دنیا عجب بی سایه نخل بی برستم

۶۰

نامه سلطان مراد میرزای حسام السلطنه به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

سه هزار تومان برات ارسال شد^۴

فدایت شوم رقیمة کریمه زیارت شد بطوری که فرمایش رفته اطاعت
 میشود فردا در دیوان خانه یا تلگرافخانه منتظر فرمایش جنابعالی است. اینکه
 امروز شرفیابی حاصل نشد از باب کسالت و بی حالی بود تاحال از تب بیهوش
 افتاده بودم حال اندک بهبودی حاصل گشته. در باب سه هزار تومان برات تنخواه
 اخذ همه محول بمیرزا عبدالرحیم است فردا مسی آورد، در انجام فرمایشات
 کوتاهی نمیشود. ناخوشی ارادتمندرا از کار قدری باز داشته والا بهتر از عهده

-
- ۱- فضلعلی خان قرباغی از سرداران عباس میرزا و محمدشاه که مدتی هم حاکم کرمان بود
 وزمانی حاکم مازندران و اصفهان. در زمان ناصرالدین شاه به امیر تومانی رسید و در ۱۲۷۵ درگذشت.
 - ۲- میرزا علی اکبرخان پسر حاج ابراهیم خان اعتمادالدوله.
 - ۳- کلمه ای شبیه این ولی غین بدون نقطه و طاء بدون الف.
 - ۴- راجع به سه هزار تومان در نامه دبیرالملک ذکر می هست.

خدمات مرجوعه برمی آمدم. ناخوشی خاصه از دیشب تا کنون احوالی نگذاشته خداوند آنجناب را سالم بدارد. انشاءالله.

۶۱

نامه حمزه میرزای حشمت الدوله به فرخ خان

مهر بیضی بزرگ بسجع عبدهالراجی حمزه ۱۲۵۴ و عبارت

پشت نامه مقرب الخاقان فرخ خان صندوقدار مطالعه نماید

نامه دوستانه

هو

مقرب الخاقانا در این وقت که عالیجاه محمد ابراهیم خان فراشباشی را برای ابلاغ پیشکشی روانه مقر خلافت کبری می ساختم بنا برسوم یادآوری از این مقرب الخاقان بنگارش و ترسل این چند کلمه پرداختم که تصور نسیان و فراموش کاری نکرده بدانید که در یاد شما هستم. باقی حالات را علی التفصیل مشارالیه از صفحه بیان خاطر نشان خواهد نمود و محتاج بتفصیل بنگارش نیست و تقریرات شفاهی مشارالیه در هر باب کافی وافی است. هرچه گوید صادق واصل مراتب را موافق است باقی والسلام.

۶۲

نامه ای بخط میرزا علی خان امین الدوله یا پدرش مجدالملک به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

تقاضای حکم تخلیه خانه

هو

فدایت شوم عالیجناب آقا سید عبدالرزاق امین موقوفات یکباب خانه

خود را به نواب شاهزاده متعلقه مقرب الخاقان صاحبديوان^۱ اجاره داده اند يعنى نواب مشاراليها براى نواب اورنگ ميرزا اجاره نموده بودند . از قرار اظهار مشاراليه يكماه متجاوز از موعد اجاره گذشته وجه اجاره را نپرداخته اند بعلاوه بعضى اسباب در خانه گذاشته مانع اجاره بديگرى هم شده اند چون بهر ملاحظه حضرت على حفا الله بالجلال مناسب است عرض مطلب و تظلم را بتوسط فدوى بحضور على لازمديدند كه اولاً در ايصاف وجه اجاره حكمى بشود . ثانياً خانه را كه معطل كرده اند امروزه خالى كنند بتصرف عاليجاه مشاراليه بدهند انشاء الله بيمين مرحمت على در هر دو فقره حكم صريح سريع خواهد شد .

در باب تنخواه درم موقوفه هم موافق وعده جناب جلالتآب على زودتر مرحمت ميشد خدمتى بود باستانه مقدسه . امرالعالى مطاع .

۶۳

نامه اى بخطى بسيار شبيه بخط حاجى ميرزا على خان امين الدوله يا پدرش

مجد الملك به فرخ خان

نامه مهر و تاريخ ندارد و پشت آن برسم زمان نوشته شده عريضه است

تقاضاى كار

و

قربانت شوم پريروز در مجلس از فدوى سر بسته مستفسر شدند كه حال و خيال تو چيست . عرض كرد بودن در طهران و بهر نحو كه فرمايش جناب جلالتآب روحى فداه با شد . ديگر مجال نشد كه مفصل عرايض خود را بعرض برساند . بآنجهت لازم دانست اين عريضه را معروض دارد كه جنابعالى را بخداى

۱- ميرزا فتحعلى خان شيرزائى پسر ميرزا على اكبر قوام الملك و داماد فتحعلى شاه بدخترش خرم بهار خانم احترام الدوله .

لایزال قسم می‌دهد از زمانی که در وضع امور تغییر بهمرسید^۱ چه آنوقتیکه میخواستند بکاشان تشریف ببرند و چه در مراجعت از آنجا هروقت از فدوی در این خصوصها استفساری فرموده‌اند بجز این فقره عرض ننموده که من بعد نمی‌خواهد بجزحالت نوکری جناب جلالتمآب بستگی باحدی بهم برساند زیرا که از این ببعدا اینقدر عمر کیجاست^۲ که شش هفت سال بکسی خدمت بشود و آن صاحب کار هم مثل جنابعالی رئوف باشد تا چنین حالتی بهم برسد، بعد اینطور اتفاق افتاد که در غیاب جنابعالی این دوکار پیش آمد و از عدم تجربه و بخدای لاشریک‌له عمده‌منظور این بود که سر خود را طوری نگاهدارد تا ببیند عاقبت امر جناب جلالتمآب بکجا منجر میگردد و بستگی بکسی هم نخواهد بود اقدام نمود و فقره اخیر در میان بود که جناب بندگان عالی تشریف آوردند و باطناً میل قلبی جنابعالی را استفسار کرد اطمینان از مرحمت خود دادند و اقدام بانرا باینطور اجازه دادند که آذربایجان فرنگستان نیست برو چهار روزی سر خود را نگاهدار هر ساعتی که برای ما گشایشی شد و بدانم که به اقل گذران امر تو در نوکری من خواهد گذشت احضارت میکنم آن بود که مطمئن شده رفتم^۳ حال هم که مراجعت شده است بامید والای مرحمت جناب جلالتمآب و همان فرمایشات می‌باشد و نوکری جناب جلالتمآب روحی فداه را بر کارهای خیلی عمده ترجیح میدهد زیرا که همان رأفت و مرحمت جنابعالی بدولت دنیا رجحان خواهد داشت و برای فدوی بعد از شش هفت سال نوکری جنابعالی چگونه می‌تواند ملجأ و پناهی داشته باشد و گویا انصاف و مرحمت جناب جلالتمآب هم مقتضی این نخواهد بود که نوکری را که شش هفت

۱- مراد عزل میرزا آقاخان نوری است یاصدراعظم شدن میرزا محمدخان سپهسالار که منجر به تبعید فرخ خان و برادرش بکاشان شد.

۲- از این عبارت شاید بشود استنباط کرد که نامه از مجدالملک است برای اینکه میرزا علی‌خان آن موقع جوان بوده است.

۳- از مأموریت میرزا علی‌خان به آذربایجان هم جزاین، بنده اطلاعی ندارم و از آنجهت میتوان حدس زد که نامه از مجدالملک باشد. مجدالملک مدتی در آذربایجان بوده است.

سال تربيت فرمودند و فدوی هم جانها کند تا مطابق سلیقه و طبع سلیم جناب عالی بارآمد از خدمت امروز دور و نهجور باشد درحالتی که بجز صداقت چیزی مشاهده نفرموده باشند از عهده خدمت هم میدانند که بهتر از همه کس برمیآید. از رشته های امور یکی دورا مخصوص فرمایند که بآن پردازد ولی عمده مقصود فدوی این است که نوعی مطمئن شود که در حالت مرحمت جناب جلالتما ب چنانچه قبل از سفر تبریز میفرمودند نیز خللی بهم نرسانیده و از درجه نوکری فدوی در آن حضرت چیزی کاسته نشده که از روی قوت قلب بخدمت پردازد. امیدوار است که در جواب عریضه فدوی بدست خط مبارک فدوی را آسوده فرمایند که در تکلیف خود بصیر و بعد از شش سال خدمت و دو سال بینکاری^۱ زیاده از این پریشانی خیالی اقلانداشته باشد زیاده از این جسارت است. امرکم العالی مطاع.

و اگر غیر از اینکه فدوی عرض نموده خیال دیگر داشته باشند باز اختیار دارند. زیرا که شیوه نوکری بجز استدعا چیزی نخواهد بود تا مرحمت جناب عالی چه اقتضا فرماید. اطمینان قلبی که دارد بمرحمت جناب عالی است و خدمات خود و طرز صداقتی که پیشنهاد فدوی است^۲.

۶۴

نامه علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ بسجع اعتضاد السلطنه ۱۲۷۰

گزارش رسیدن اسباب و وسایل تلگراف

هو

عرض میشود که رقیمة شریفه که بعد از مدتی اظهار التفات فرموده و مخلص خود را یاد و شاد نمودید واصل و از فقرات آن آگاهی حاصل آمد و چون

۱- اینهم بشرح ایضا. ۲- این نامه در مجله یغما هم انتشار یافته است منتهی بنام میرزا علی خان و این استنباطات بعداً حاصل شده است و قطعی هم نیست

دلالت بر استقامت مزاج شریف میکرد باعث حصول بهجت و سرور زیاده از حد گشت. در باب عالیجاه میرزا رضا^۱ شرحی مرقوم فرموده بودید بدیهی است که از التفات شما ترقی زیاد خواهد کرد. در باب آمدن مخلص مرقوم فرموده بودید بحمدالله از اقبال بی زوال بندگان اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحی و روح - العالمین فداه مفتول و اسباب و آلات و ادوات لازمه آن رسیده روز دهم شهر جمادی الاولی تلگرافچیان از زنجان بیرون رفته و شروع بکشیدن تلگراف کرده انشاءالله از برای اواخر ماه وارد قزوین کرده و از آنجا نیز کشیده از برای ۲۰ شهر جمادی الاخره وارد دارالخلافه باهره شده اولاً بزیارت خاکپای مبارک مشرف گردیده و ثانیاً فیض حضور سرکار و سایر مخادیم عظام را ادراک خواهد کرد. زیاده چه زحمت دهد.

۶۵

نامه‌ای بخطی بسیار شبیه بخط حاجی میرزا علی خان امین الدوله که یا از پدرش
مجدالملک است یا از خودش احتمالاً به میرزا هاشم خان

نامه مهر و تاریخ ندارد
پشت سرماسفر کاغذ نمی فرستند

هو

قبله گاه‌ها اسب کمترین با زین و یراقش که بگماشتگان جناب جلالت مآب بندگان خداوند گاری امین الدوله روحی فداه پیشکش شده بود فرستاده بودید رسید. این اسب اینقدر قابل نبود که پس داده بشود. ولی چون در هر صورت اطاعت بر کمترینان فرض بود، اسب را نگاه داشت. اما نمیداند که جناب معظم‌الیه

۲- با احتمال قوی عمومی فرخ خان که از محصلین اعزازی دوره محمد شاه و مترجم دارالفنون بود چون در این سفر فوکتی ایتالیائی معلم دارالفنون هم برای کشیدن تلگراف همراه اعتضاد السلطنه بود، میرزا رضا هم بعنوان مترجم همراه آنها شده بود.

از راه مرحمت تعلیقه [ای] مرقوم فرموده اند یاخیر در صورتیکه بنده را از نظر -
 مرحمت اثر محو نفرموده و تعلیقه [ای] مرقوم شده باشد قدغن فرمائید به بنده
 برسانند بنده بملاحظه آنکه بنا بر نفوس که رسم است تا از مسافر کاغذ نرسد کاغذ
 نوشته نمی شود هنوز عریضه [ای] عرض نکرده ام و حال آنکه بعضی مطالب داشتم
 حال هروقت کسی میرود اخبار بشود که عریضه بنویسم. زیاده عرضی ندارد.

۶۶

نامه بـخط خـیلی شبیه بـخط میرزا علی خان امین حضور
 احتمالاً برای میرزا هاشم خان برادر فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است محتملاً سال ۱۲۸۸ و بعد از وفات فرخ خان
 نوشته شده است^۱

فردا بمخزن تشریف بیاورید

هو

فدایت شوم بعضی توپ و اسلحه ابتیاعی از فرنگستان تازه رسیده است
 که باید فردا در مخزن ملاحظه و تحویل شود و در تحویل و ملاحظه اسلحه
 متعلقه بتویخانه حضور سرکار لازم است قبول زحمت فرموده فردا شش ساعت به غروب
 مانده را بمخزن تشریف بیاورید. بنده و جمعی اعزه قوم هم حاضر خواهیم شد
 که با حضور عالی بملاحظه و تحویل اسلحه پرداخته شود. زیاده زحمت نمیدهد

۱- در سال ۱۲۸۸ نظام الدین خان مهندس الممالک پسر عموی فرخ خان از جانب
 دولت برای خرید بعضی لوازم عسکریه از قبیل توپ و غیره به فرنگستان رفت و این نامه
 مربوط به وصول این سلاحها باید باشد که در همان سال رسیده است. فرخ خان در ماه صفر
 ۱۲۸۸ فوت شد و قطعاً این دعوت مربوط به او نبوده است.

نامه میرزا علی خان امین الدوله و حسنعلی خان امیر نظام

به میرزا هاشم خان امین الدوله

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسجج منشی حضور ۱۲۸۷ و مهر بیضی بزرگتر

بسجج حسنعلی ۱۲۷۶

صورت لباسهای لازم برای سفر فرنگ

هو

فدایت شوم بحکم مأموریتی که مخلصان در تعیین البسه و تکالیف ملتزمین رکاب نصرت نصاب همایون در سفر خجسته اثر فرنگستان داریم از تفصیل البسه مخصوصه رسمیه که در کتابچه موشح بدستخط مبارک برای جنابعالی معین شده است خاطر عالی را اطلاع میدهم و این معنی را بضرورت عرض میکنیم که این البسه را گماشتگان عالی خود موافق قاعده مقرر حاضر و تدارک خواهند نمود یا فراهم نمودن آن را باین مخلصان محول خواهند نمود.

لباس رسمی

قبا ماهوت آبی آسمانی سر دست و یقه و پیش سینه و دور دامن تمام مفتولدوزی زرد و نقش سینه آن شاخه های پیچیده که در انتهای آن شکل قناس دارد. موافق طرح و نمونه که نزد مخلصان حاضر است.

شلوار ماهوت آبی آسمانی زنجیره گلابتون زرد ساده
کمر بند گلابتون زرد ساده گل شیروخورشید مربع بدون مرصع
شمشیر طلای ساده بی مرصع بدون بند گردن بهمان کمر آویخته شود
غلاف ساغری سیاه

نیم چکمه چرم برقی
دستکش میشن سفید

دستمال گردن كتان سفيد

نيم رسمى

سردارى يقه برگشته ماهوت سرمه [اى] تيره، تكمه سياه، تكمه اربه بندند.

شلوار رنگ سردارى

قبا در سرما بر ك شكرى و در گرما اغرى شكرى بسيار نظيف

پيراهن فرنگى بسيار پاك تازه شسته شده و اتو شده خيلى نظيف

دستمال گردن كتان سفيد

ساير بشرح رسمى

در شب نشيني ها و مجالس بال و دعوتهاى مختلف لباسهاى فاخر ايرانى بهرچه سليقه جنابعالى اقتضا كند.

التفات فرموده جواب را با خط و مهر شريف مرقوم فرمائيد تا تكليف معلوم

شود ۲۲ ذى قعدة الحرام ۱۲۸۹

حاشيه بخط مرحوم صاحب اختيار: خط امين الدوله ميرزا على خان براى

سفر اول فرنگ به پدرم نوشته اند مهر حسنعللى خان گروسى امير نظام هم پشت كاغذ

دستور سفر اول فرنگ هزار و دويست و نود [۱۲۹۰] هجرى ناصرالدين شاه است.

۶۸

نامه ميرزا سعيد خان وزير دول خارجه به ميرزا عباس خان

معاون الملك كارگذار مهم امور خارجه آذربايجان

نامه ظاهراً بخط ميرزا على خان امين الدوله يا پدرش مجد الملك است

كوشه نامه سواد مطابق اصل است و مهر بيضى نسبتاً بزرگ بسجع عبدالوهاب ۱۲۷۶

موافق قاعده و حساب با تيم انگليس رفتار كنيد

مقرب الخاقانا برادرا از قراريكه از سفارت دولت بهيه انگليس اظهار

۱- يعنى نصير الدوله و آصف الدوله بعدى.

نمودند گویا اهالی گمرکخانه تبریز قدری سخت گیری با تجار تبعه دولت -
 مشارالیه می نمایند. البته آن مقرب الخاقان می داند که این معنی خلاف رأی اولیای
 [دولت] علیه است. علی هذا بجمیع مباشرین گمرکخانه تبریز قدغن اکید نموده که
 سوء سلوک و ایراد بیجارا موقوف نمایند. مثل تبعه سایر دول متحابه موافق قاعده و
 حساب با آنها رفتار نموده نگذارند اسباب رنجش برای آنها فراهم آید یقین است
 کوتاهی نخواهد نمود. فی ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷
 پشت نامه بزبان انگلیسی این مطلب نوشته شده است:

1860 Tehran 10 nov. Certified copy of letter from Mirza Saced
 khan to Mirza Abbas khan
 Tabriz
 to instruct the customs officiels at Tabriz not to annoy British
 merchants.

۶۹

نامه عزیزخان مکری سردار کل به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد
 در دودل و شکایت

فدایت شوم حالا که قرار بر این قانون سخت از جانب سنی الجوانب
 صادر می شود بر نوکرهم لازم است که درد کار و پیشرفت امر خود را عرضه دارد تا
 فردا مستوجب آن سخط^۱ و غضب نگردد، خاصه مثل من کسی که نه بستگی به
 دودمان سلطنت دارد و نه اصل و نجابتی. جمیع ایران می داند از سربازی بسررداری
 رسیدم و چنین آدم باید شانش بر دیگران برتری داشته باشد. اگر برتری نباشد -
 لا اقل مساوی شمارند. تا دیروز برخودم بلکه بر اهل ممالک محروسه مشتبه بود
 که در نوکری و سربازی و رجوع خدمات عمده ثانی اثنین کسی نباشم اگر بالفرض^۲

۱- در اصل : سخت ۲- اصل : بالفرض

در دوجا اسم ديگران مقدم افتد در يکجا هم اسم بنده پيش افتاده باشد و بر مردم معلوم شود اين نبوده مگر از راه خدمت. و خدمات مرا کسی نمی تواند انکار نمايد نوکری که از سربازی باين مقام رسیده و در راه ولی نعمت از صد و هشت هزار تومان بگذرد و پانزده هزار خانوار را در پهلوی دولت روس تخته قاپی کند و متعهد بر قراری اين امر شود اسمش بايد از همه شماها بالاتر باشد. حال می بينم که اين گذشت و اين خدمت در نظر همایون خدای نخواستہ جلوه خدمات نکرد حضورى شماها را نداشته و همگی شماها بر من با اين ريش سفيد و اين خدمات واضح تقدم داريد. صريح بگويم پيشرفت کار پارساله من در آذربايجان اين شد که احدى نتوانست اسم قشون آذربايجان را بياورد با آنهمه تحريکات که رفقای شما کردند و در هر منزل منتظر رسيدن خبر اغتشاش آذربايجان بودند گفتم بعد از اين خدمت البته بر مرتبه و شأن من افزوده می شود. شما که جناب امين الدوله هستيد در مراغه با من تعهد کرديد که اگر فرمانی در باب هر صاحب منصب آذربايجانی صادر شود در آخر فرمان خطاب بتو خواهد شد کو؟ چرا نشد؟ حالا بنده را حرفی نيست اگر ميدانيد با اين حالت امر مملکت و قشون برای من پيشرفت دارد بفراييد و الا تنبيه و سياست روز آخر را روز اول بفراييد آسوده ترم از امروز که مقرر داشته ايد و در قشون آذربايجان و نيک و بد صاحب منصب آنها با من گذارده شود هنوز از هيچ چيز او اطلاع ندارم همه را جا بجا کرده و قرار گذارده اند. فردا من بايد مثل يکی از نايب آجودانها دستور العمل برده باشم. العياذ بالله که من توانم زير اين بار روم. همه اين درد بيدرمان با من خواهد بود. فوج ۳ ده کمره و گلپايگان نقلی ندارد.

حاشیة نامه ظاهرآ بخط فرخ خان: مرحوم عزيزخان سردار.

۷۰

نامهٔ عزیزخان مکرری سردار کل به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسجج سردار کل ۱۲۶۹

محمد حسین اسکوئی کارمند سفارت انگلیس در تبریز اسباب زحمت است

فدایت شوم البته در نظر دارید اوقات توقف دربار همایون دو مطلب از جانب وزیر مختار انگلیس خواهش شد. یکی اخراجی میرزا آقا و یکی آوردن محمد حسین اسکوئی بطهران. در باب میرزا آقا انصافاً کوتاهی نکردند و آسودگی از آن فقره حاصل آمد لکن در باب محمد حسین هنوز او را اخضار بدارالخلافه - نکرده اند. تکلیف اینکه او نوکر نباشد به جناب ایشان نداریم نوکر باشد و در طهران باشد عداوتی باو نداریم. ولی بنمک شاهنشاه دزدی در تبریز نمیشود که اطلاع او از او نباشد در قوه ندارم حالت او را به عالیجاه جنرال قونسول حالی کنم شما از ایشان این خواهش را بکنید که محمد حسین را چنانچه قرار دادند در دارالخلافه نوکر باشد بلکه این ولایت قدری آسوده شود و جواب این فقره را زودتر اعلام فرمائید.

۷۱

نامهٔ عزیزخان مکرری سردار کل به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی بزرگ بسجج المتوکل علی الله عبده عزیز ۱۲۶۱

حاشیه بالای نامه بخط ناصرالدین شاه: بسیار خوب

ظرفداری از بنیچه بندی برای سربازگیری

فدایت شوم در باب قشون مأمور خراسان حسب الامر فرموده بودند که بخط خود مفصلاً بنویسم. امیدوارم از عرایض و تعهداتی که در خاکپای همایون کرده ام تخلف نکنم. انشاء الله بهمان موعدی که تعهد کرده ام قشون آذربایجان را

فوج بفوج در میدان مشق جناب سپه سالار بنظر همایون میرساند. در باب طلب پارسالۀ افواج که حوالۀ محل کرده بودم و بجهت آمدن بدارالخلافه و آن حرفهای بی معنی مردم که فلان کس مأمور خراسان است الی حال نداده اند جمعاً در اردوی اروق می پردازم که دیناری از طلب قشون باقی نماند. کسر افواج را تا هر قدر ممکن است موافق بنیچه خواهم کرد. در دوسه جای آذربایجان بنیچه بندی سرباز مشکل است. ارونق و انزاب مرند شقاقی که اینها در هریک از افواج قاهره سرباز دارند و از حد اعتدال سربازشان بیرون است سایرین را انشاء الله از روی بنیچه قرار خواهم داد.

در باب عمل سرباز عراق که موافق بنیچه و قرعه گرفته میشود تفصیلی خدمت جناب سپه سالار نوشته ام که اگر ملاحظه فرمائید گویا خالی از مصلحت نباشد. بنیچه صحیح است قرعه را موقوف کنند اهل ملک آسوده میشوند و سربار را بطیب خاطر میدهند. منظورها پاداری سرباز است قرعه بحال ما چه فایده دارد.

۷۲

نامه عزیز خان مکری سردار کل به فرخ خان

بشت نامه مهر بیضی بزرگ بسجج المتوکل علی الله عبده عزیز ۱۲۶۱

طرفداری از یکی از زیروستان

فدایت شوم رقیمه [ای] که بخط شریف مرقوم فرموده بودید رسید. جناب عالی حق داشته اید که اینطور مرقوم داشته اید. حالت آنجارا ملاحظه فرموده اید ولی در بنده هم فی الجمله راه شعوری میبایست گمان برده باشید. کاری که دیروز پادشاه بکند آنهم بمیل شخصی که شما باشید و حالت مراهم با شما دانسته باشد

بی اینکه بحقیقت مطلب رسیدگی شود دفعتاً بردارم انکار این کار را بکنم آنهم انکار از که کرده باشم از شما ، عجب عقل و فراستی دارم . راست است من زود گول میخورم گویا درین مدت بر شما معلوم شده باشد که از راه صداقت گول خورده‌ام چنانچه امروز هرچه شما بنویسید باید قبول کنم نه اینکه امروز که امورات این ملک با جناب عالی [است] باید قبول کنم . پیش تر هم اگر مینوشتید که مصلحت شما در این کار است لابد قبول میکردم و همچنین با هر کس اخلاص و راهی داشته‌ام هرچه گفته پذیرفته‌ام از این رهگذر خاطر شریف جمع باشد . بلی خیلی نوشتند و من ننوشتم وقایع گوشه‌ها زده بود که می‌گویند شما عریضه مخصوصی در این باب عرض کرده [ای] البته با اطلاع خان می‌بوده بلی عرض کرده‌ام تقصیر او را خواستم بدانم چه بوده چون روز اول که خبر رسید خبر مغضوبی او آمد، از آنجا که از او بد ندیده بودم و راه یگانگی بلکه اطاعتش به بنده زیاد بود از معزولی و خانه نشینی او دلتنگ شدم . در عریضه عرض کردم اگر تقصیر دولتی ندارد و تقصیرش جزئی است و می‌توان گذشت کرد، چون زحمت مرا زیاد کشیده اعلام بفرمائید تا من واسطه نوکری او شوم . تو بمیری بدون کسر همین بوده، جوابش را فرموده بودند بعد از مراجعت جاجرود می‌نویسم . اینقدر راهم اگر برای او نمی‌کردم منتهای بی‌حقوقی بود . اگر جواب بیاید صورت جواب را خدمت شما می‌فرستم من چطور بشما دروغ می‌نویسم .

تفصیلی در باب عمل قشون خدمت شما نوشته‌ام اگر صلاح دانید بنظر همایون برسانید . محرمانه خدمت شما عرض میکنم کار قشون با این مشورتها صورت نمی‌گیرد . تا پای من در میان نباشد و قرارش را من ندهم غیر ممکن است . اگر شما غیر از این میدانید بجان من بی تکلف و چشم پوشی بفرمائید خیلی ممنون شما می‌شوم .

۷۳

نامهٔ عزيزخان مكرى سردار كل به فرخ خان

نامه مهر و تاريخ ندارد

گرفتارى هاى سردار در آذربايجان

فدايت شوم دستخط سركار زيارت شد. در باب عمل رستم خان و ميرزا نصرالله هريك را شرح على حده نوشته ملاحظه خواهيد فرمود، اگر حضرات مخاديم بگذارند. نگذارند هم خدا كريم است. اگر ممكن شود در اين فقرات جزئى اينقدر اصرار نشود و سرما مشغول اين كارها نكنند يعنى امثال حرفهاى پرپوچ ميرزا نصرالله تا اينقدر كه بسلطانيه بيايم آنوقت هرچه ميرزا نصرالله سند آورد و جواب داده نشد من بدهم شما ببينيد من چه جنجالى دارم آخر سال پرداخته مواجب اينهمه نوكر، تدارك سفر سلطانيه، كسراين افواج، نبودن آدم در آذربايجان، مضمون گفتن حضرات. بشما چرا در دسر و غصه بدهم انشاء الله همه را درست ميكنم شما زنده باشيد. تمسك غله را گفتم حضرات بنويسند فرقى بحال آنها نمى كند پول شاهى اشرفى را بحاجى رضا مى رسانم خاطرا على جمع باشد. حالت طهران را هم درست فهميده ام نمى گذارم بشما ايرادى گرفته شود. از رفتن شاهزاده نايب الاياله لذت بردم خداوند شما را بسلامت بدارد جان جمعى را خلاص كرديد. حالا بعد از آمدن واسطه كار او كه خواهد شد. يقين آقاى مستوفى پولها همه پيش خودش است. باز دوباره جمع شويد او را پرت كنيد خودتان را آسوده كنيد ولايتى را به عذاب نيندازيد. خدمت خان از قول من عرض كنيد كه دوباره هم اين طور وزارتها نكند.

۷۴

نامهٔ عزیزخان مکاری سردار کل به فرخ خان راجع به کردستان

پست نامه مهر بیضی بزرگ بسجج المتوکل علی الله عبده عزیز ۱۲۶۱
قرار عمل کردستان

متن نامه از بین رفته و فقط حاشیهٔ نامه باقی مانده است.

حالت مردم آن حدود ناچارم هیچ چیز مضایقه نکنم ملاحظهٔ پریشانی این ولایت بر همه لازم است. خواستم این مطلب را بخاکپای همایون عرض کنید که قرار عمل کردستان را با نواب میرآخور اینطور داده‌ام. مراتب بخاکپای همایون عرض کنید که خاطر مبارک از این فقره آسوده شود و طوری انشاء الله مقرر شود که نواب مستطاب میرآخور هم در کارهای والی مراقبت بکند که او دلگرم و آسوده باشد و خیالش پریشان نشود. دیگر موقوف برضای خاطر مبارک است.

۷۵

نامهٔ عزیزخان مکاری سردار کل به حاجب الدوله

پست نامه مهر مخدوم مهربان حاجب الدوله مطالعه نمایند و مهر بیضی
بزرگ بسجج المتوکل علی الله عبده عزیز ۱۲۶۱

توصیهٔ حکیم ذوقی

هو

مخدوم مهربانا عالیجاء میرزا فتح الله مشهور به حکیم ذوقی که به تهمت بابی‌گری گرفته شده بود و بعد بی‌تقصیری او ثابت و معلوم شد مرخص گشت و پاره [ای] اسباب او نزد فراش‌ها مانده است چون مرد نجیب و درستی است و خودش هم سال‌ها خدمت به دیوان اعلیٰ کرده است خواهش دارم قدغن نمائید هرچه از او برده‌اند پس بدهند خودش را هم نزد شما فرستادم. زیاده زحمت است.

۷۶

نامه میرزا یحیی وزیرمازندران به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجیع یحیی ابن حسن ۱۲۶۰

محافظت میان کاله

فدايت شوم در باب نوکري کرد و ترک قرار دادم که سیصد نفر سواره آنها جهت محافظت سنگر و کناره مأسور و یکصد نفر در میان کاله به محافظت مشغول نوکر پیاده جمعی مقرب الخاقان رضا قلی خان سرتیپ را از گلبادی و عمران لو و یخکشی و طالش و اعراب نیز قرار دادم که به بخدمت میان کاله برقرار و مستحفظ باشند همچنان که حال تحریر آن مقرب الخاقان با نوکر جمعی نزد بنده و مشغول بخدمت و ممارست می باشد. دیگر اینکه سر کرده های کرد و ترک به دار الخلافه آمده اند. نوکر بی سر کرده بکار خدمت دیوان بر نخواهد خورد خدمت کناره و سنگر در عقد تأخیر خواهد بود. مستدعی است حکم و مقرر دارند سر کرده ها مراجعت [کنند] و بخدمت محوله بخود مشغول [شوند] که نقص در امر سنگر و کناره روی ندهد. امر امر سرکار بندگان عالی است. والسلام.

۷۷

نامه میرزا یحیی وزیرمازندران به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجیع یحیی ابن حسن ۱۲۶۰

مصالح و مخارج موقوف به موافقت و مخالفت باد است

فدايت شوم در باب عمل میان کاله عرض مینماید که بعد از فضل خدا و ائمه هدی و از تصدق فرق فرقدسای شاهنشاه اسلام پناه روحنا و روح العالمین فدا

۱- میرزا یحیی خواجه نوری که ابتدا نایب الحکومه نورو کجور بود و بعد نایب الحکومه مازندران گردید و در ۱۲۹ بدست یکی از نوکرهای خود کشته شد. آثار خیری از او باقی است.

مصالح قلبیه مبارکه را فراهم آورده که اسباب معطلی نشود لیکن کاری صعب تر و سرحدی از این بالاتر نمی شود. بعلت اینکه جمیع مصالح از آجر و آهک و غیره و حتی آب هم باید از هشت فرسخی بیاید و حمل شده بمیان کاله وارد شود. در حقیقت مصالح و مخارج موقوف بموافقت و مخالفت باداست، هر وقت موافقت نموده مصالح و مخارج آماده و مهیاست. چنانچه باد مخالف وزیدن نماید بهیچوجه از لطمه دریا ناو بکنار نخواهد آمد. من جمله دو روز و دو شب می شود که باد مخالف در حرکت [است] بردن ناو بدریا ممکن نیست. خود و اهل اردو از عدم مخارج معطل در میان بنده پی جو میباشند. والسلام.

۷۸

نامه میرزا یحیی وزیرما ندران به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی بزرگ بسجع یحیی بن حسن ۱۲۶۰

اطهار تشکر و اعلام حسن خدمت

فدایت شوم دستخط مبارک و ملفوفه فرمان که بافتخار خانه زاد شرف - صدور یافته بود بزیارتش سرافراز گردیده چنانچه لیلا و نهارا تا یوم النشور شکر گذاری این نعمت عظمی و عطیه کبری نماید از عهده بر نمی آید. خداوند انشاء الله بر عمر و عزت جناب جلالتماب دام مجده بیفزاید که عمری بفراغت و آسودگی صرف دعا گوئی و جان نثاری نماید. در باب عمل نوکر محض آقائی به بنده خود مفوض و موکول فرمودند واضح است اگر عمل ولایت را دیوانیان تجزیه و موضوع میفرمودند اختلال کلی در عمل ولایت و نوکر بهم میرسید و عمل نوکر و ولایت نیز بهیچوجه منتظم نمی شد. بعد از فضل خدا و از تصدق فرقدسای شاهنشاه اسلام پناه روحنا فداء و روح العالمین فداء و از مرحمت نواب اشرف و الاحشمة الدوله

روحي فداه و جناب جلالتمآب دام مجده خود را قابل اينگونه خدمات ميداند كه اسورات قشوني را از هر جهت مداخله نموده بطور خوش از عهده خدمت برآيد - همچنانكه در اين مدت يكسال كه باين خدمت مأسور و سرافراز شده برعيت و نوكر قسمي حركت و رفتار كرده كه همه مشغول دعاگوئي دولت ابدآيت مي باشند بهيچ وجه در عمل نوكر و رعيت نقصي روي نداده است. و نيز در باب نوكر مأمور سرحد استرآباد و متوقف ولايت اين مدت قسمي حركت نموده كه بهيچ وجه صدائي از كسي بلند نشده است كه از بابت جيره و مواجب خدمت كار گزاران ديوان عارض شده باشند. اميدوار است بعد از اين قسمي در عمل و رعيت عمل و رفتار نمايد كه جميع خلق كمال شكر گذاري و دعاگوئي را داشته باشند. بسر - مبارك جناب جلالتمآب چنانچه عمل ولايت و نوكر را تجزيه ميفرمودند و نوكر را بديري و اگذار مي فرمودند امر حكومت و نوكر و خدمت ديوان بهيچ وجه پيشرفت نمي نمود. محض دولتخواهي و بندگي جسارت ورزيده امر امر سركار بندگان پناهي است.

۷۹

نامه ميرزا يحيى وزير مازندران به فرخ خان

پشت نامه مهر بيضى بزرگ بسجع يحيى ابن حسن ۱۲۶۰

شكايت از درياييگي

فدايت شوم مصالحي كه از جهت قلعه مباركه فراهم آمده بايد از هشت فرسخي پيای قلعه مباركه بيايد آنهم بحمل ناو تركمان اغور حلي. ريش سفيدان آنها را خواسته قرار دادم كه يكهزارو پانصد تومان بآنها بدهم مصالح قلعه مباركه را حمل و پيای كار برسانند. بقدر يكهزار تومان از بابت اين عمل تحويل تركمان كرده دوست در دست است. اكثر اوقات بواسطه عاليجاه درياييگي كار در عقده

تأخیر و تعویق است بعلت اینکه ناوهای آنها را گرفته نگاه میدارد و بکلی باعث تأخیر این عمل می‌شود. تعلیق [ای] که جناب وزیر دول خارجه بکارگذار امور مهم خارجه مرقوم فرموده بودند حال تحریر که بیست و هفتم شهر حال باسترآباد فرستاده تا جواب چه برسد. الامرالعالی مطاع

۸۰

نامه میرزا یحیی وزیر مازندران به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسمجیحی ۱۲۸۵

در ساختن قلعه میان کاله کوشاست

فدایت شوم در این وقت که چاپار غره ذی حجة الحرام از استرآباد وارد میان کاله شده شرط عبودیت اقتضا نمود که به مختصر عریضه خاطر جناب - جلالتمآب اجل اکرم خدایگان اعظم دام اقباله العالی را از اسورات این صفحات اطلاع دهد که اولاً عموم اهالی ولایت از عنایات کامله شاهنشاهی روحنا فداه و توجهات بلانیایات جنابعالی در بستر فراغت آرمیده مشغول دعا گوئی وجود مبارک میباشند و از آنجائیکه فدوی محض انجام و اتمام قلعه مبارکه میان کاله بر خود مخمر کرده که تا فصل حواله و اطلاق مالیات دیوانی نشده و هشت برج را به انتها نرسانیده و از دیوار قلعه چند ذرعی از سطح زمین بالا نیاورده است از میان کاله حرکت نکند لهذا عالیجاه مجدت همراه محمد علی خان امیر دیوان که معروف خدمت جنابعالی و از کفایت و کفالت و صداقت آزموده است شهر ساری را بمشارالیه سپرده که در انتظام شهر کمال مراقبت و مواظبت را بعمل آورده از شرایط خدمتگذاری غفلت ننماید که انشاء الله از بخت جوان شاهنشاه جمجاه روحی و روح العالمین فداه

بطور دلخواه جنابعالی این خدمت محوله و مرجوعه را انجام نماید که بفضل خداوند خدمت جنابعالی روسیاه نشوم. استدعا آنکه باصدار تعلیقه جات و ارجاع خدمات سرافرازم فرمایند.

۸۱

نامه میرزا یحیی وزیرمازندران به فرخ خان

پشت نامه مهریضی بزرگه بسجیع یحیی ابن حسن ۱۲۶۰

راجع بمواجب علی خان خواجه وند

متن نامه از بین رفته و این فقط قسمتی ازحاشیه است :

.... که خان جانخان در همین مازندران مواجب خودرا بگیرد منال دیوان دهات گروس اورا همان حاکم آنجا دریافت نماید. خانجان خان دراسترآباداست امکان ندارد که مواجب خودرا از محل گروس بگیرد. عرض دیگر اینکه از قراری که میرزا مهدی سر رشته دار خواجه وند نوشته است مواجب علی خان - خواجه وند را شش ماهه نوشته اند. چون مشارالیه مأمور استرآباد و سر خدمت است جنابعالی التفات فرموده مواجب مشارالیه را سالیانه منظور دارند. چون لازم بود مراتب را عرض نمود. زیاده جسارت است والسلام.

* * *

۸۲

نامه پیرام میرزای معزالدوله^۱ به فرخ نغان

نامه مهر و تاریخ ندارد و مقارن ورود فرخ خان از اروپا نوشته شده است

مبارك باد ورود

هو

مقرب الخاقان جناب اجل اکرم دوست قدیمی مهربان امین الملک

دام اجلاله .

از ورود شریف و سلامتی ذات خجسته صفات کمال سرور و خوشحالی دارم
 بخصوص که بحمدالله از مراحم کامله اغلیحضرت اقدس شهریار روحنا قدها -
 مقضی المرام با انجام خدمات بزرگ که جمیع اسلام و همه چا کران ورغایای دولت
 علیه را منتی وافی دارید و هریک فراخورحال، هزاران هزار تهنیت باید گویند و
 کمال بشاشت خاطر خود را ظاهر سازند. باری این دوسه روز قضیه مصیبتی روی
 داده بود که نتوانستم خود زحمت دهم و بملاقات شما مستفیض شوم خواستم ایام
 عزای منقضی [شود] و با سرور خاطر زحمت افزا شوم که هیچ ملالتی نباشد و تهنیتی
 گویم باز از بابت مالایدرک کله لایترک کله متحض مبارکباد ورود با صد هزاران
 هزارانفعال کاسه نباتی و کلیات شیخ سعدی که همه حلاوتها در کلام آن مرحوم
 است باعالیجاه میرزا ابراهیم فرستادم و مگر عذر حقارت تعارف را حمل بر پریشانی های
 من که شمه [ای] از آن را در خاطر دارید که بر من چه گذشته خود قبول خواهید
 نمود. والسلام خیر ختام.

۱- پسر عباس میرزای نایب السلطنه و حکمران خوی، کرمانشاه و لرستان

و خوزستان (چند بار)، قزوین، فارس، طهران، آذربایجان و متوفی ۸ ذی حجه ۱۲۹۹

فجاء در طهران درستی حدود ۸

۸۳

نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسجع عبده الراجی بهرام ۱۲۶۰

تقاضای برقراری مجدد و مرسوم مستمری قطع شده

هو

مقرب الخاقان دوست مهربان جناب وزیر حضور همایون امین الملک

دام اجلاله.

مراسله سراپا مودت شما رسید خدا عالم است دلخوشی [ای] که دارم بان حسن اخلاق شماست که لساناً و تحریراً در این چند سال دیده‌ام و شنیده‌ام والان هم باز بهمین مشعوف هستم که اگر دردی باشد و چاره [ای] بجوئیم از محبت شما چاره خواهد شد. انشاء الله این قدر بر شما معلوم باشد که کمترین بنده دولت جاوید قرار محض امثال امر همایون شب و روز در جان نثاری و نظم و نسق ولایتی و تألیف قلوب منکسره و تعمیر خرابیهای باطن و ظاهر این مملکت مشغولم و بعون الله - العزیز از بخت بلند اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه نظم کامل باین زودی این ولایت گرفته بطوریکه مافوق آن متصور نخواهد بود. جناب امیر الامراء العظام سردار کل در خدمات آنی غفلت ندارد و معین الملک^۱ که تازه احوالش خوب شده درامورات محوله دقیقه [ای] فرو گذاری نمیکند. همه اینها التفات کامله اعلیحضرت قدر قدرت را آنآ فائاً لازم دارد تا آن فیض عظیم ساعت بساعت برسد، بدیهی است همه امور عاطل و باطل خواهد بود. بلی اخباری که می رسد گاهی قطع مرسوم و مستمر ایام انزوای من است که با آن عداوت های کامله میرزا آقاخان برقرار بود و حالا با این التفاتهای بزرگ جناب مستوفی الممالک اراده قطع و نقصان را دارند تفصیل را از میرزا ابراهیم اگر تحقیق نمایند من البلد والی الختم عرض می کند و

۱- میرزا ابوالقاسم تفرشی که مدتی وزارت فارس را هم داشت .

همچنین چهار ماهه مستمری حکام آذربایجان که بهمه اخوان در همه حال مرحمت شده نوبت بمن که رسیده مرحمت نمی شود از هر راه تصور می کنم تقصیری در این باب از خود نمی دانم یا منفعت و مداخلی از جزئی، کلی نمی بینم تا غرامت پیش خوری برادر عزیز رکن الدوله^۱ را نباید من یکشم تفصیل این راهم میرزا - ابراهیم عرض خواهد نمود ولی توقع دارم که پس از تحقیق در مقام انصاف، در موقع خاص بطوری که خود صلاح دانید محبت فرموده عرض نمائید و رفع هردو فقره را با التفات کامله چاره کنید و حکم اجرا و امضای آن را از مصدر سلطنت عظمی خلد الله ملکه و سلطانه صادر نمائید. زیاده عرضی ندارم. والسلام.

۸۴

نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط بسجع عبده الراجی بهرام ۱۲۶۰

شکایت از قطع حق الحکومه و ازدیاد تسعیر غله و تقاضای کمک

هو

جناب اجل اکرم افخم دوست معظم سر کار امین الدولة العلیة العالیة دام اجلاله العالی. اولاً از مراحم کامله و التفات جدیده که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت قدر قدرت اقدس شهریاری روحنا فداه نسبت بآن سر کار شده نهایت سرور و انبساط را دارم بحدی که از تقریر و تحریر آن کمال عجز و قصور واقع است ولی میدانم که قلب پاک خود آن جناب شاهد و گواه است و می دانند که در صدق و صفای خود چقدر غلو دارم.

ثانیاً همه روزه متوقعم که به ارجاع خدمات و تحریر نوشتجات یادم فرمائید

۲- اردشیر میرزا که زمانی حاکم طهران و زمانی حاکم آذربایجان بود.

و در بندگی و چاکری اعلى حضرت اقدس ظل الله روحنا فداه از سايرين ممتازم داريد و مرا از خود بدانيد چنانچه سالتهاست بوده ام و همه وقت اظهار تهربانی ها و تلطف ها دیده و شنیده ام. حالا بدیهی است وقت نتیجه و ثمر است که بحمد الله اختیار کلیه و ریاست عامه محول بکف کفایت آن سرکار است. دیگر چه بهتر از این خواهد همین شعر عرب در این مقال کافی است:

بشرى فقد انجز الامل ما وعدا و کوکب المجد و العلى صعدا^۱

انشاء الله کوکب بزرگی و اقبال شما سالهای تنال در ظل ظلیل تعدلت و جلالت شاهنشاه دین پناه جمجاه خلد الله ملکه و سلطانه تابنده و پاینده و مستدام باد .

ثالثاً عرض مختصری دارم سالهای سال در انزوای طهران و ایام وزارت میرزا آقاخان کمره تیول و پس از هنگامه صدمات حساب فارس و صدمه هائی^۲ که میرزا تقی خان مرحوم بمن وارد آورد مقرری برقرار و در آن مأموریت آذربایجان هم حضور داشتند که نان ابدی را حسب العرض مقرر فرمودند کما کان باشد حالا از قراری که بمن نوشته اند در هذه السنه قوی ثیل پانصد تومان از حق الحکومه - که در نفس الامر از بابت عوض قطع ثلث و مقرری بمن عنایت شده بود مقطوع کرده اند و خرواری پنجهزار هم بر تسعیر غله که سالها در یک تومان مسعر بود و من وجه نقدی گرفتم افزوده اند در حقیقت نهصد تومان ضرر بین و فاحش بمن وارد آمده، با همه پریشانی و قروض بسیار که داشتم و در این مأموریت آذربایجان هم قریب هفت هزار تومان علاوه شد، جا ندارد که از مقرری من قطع شود. اول تمنا که دارم این است شما خود عرض خاکهای مبارک نماید که این بی التفاتی را در حق من راضی نشوند. در فقره چهار ماهه پنجمه هرچه نوشتم بجائی نرسید و حال

۱- مژده باد که آرزوها برآورده شد و ستاره بزرگی و بلندی بالا گرفت . روایت دیگر این شعر که شاید صحیح همین باشد اینست :

اليوم انجزت الامل ما وعدا و کوکب المجد في افق العلى صعدا

۲- یعنی : نتجت گیری در امر حساب و کتاب مالیاتی

آنکه هیچ راه نداشت که حق خدمت کمترین بیجهت التفات نشود در آن فقره که ممنوع از عرض شدم و عرض دیگر نمی توانم کنم اما این بی التفاتی بالمره مرا در آذربایجان تمام نمی کند. چیزی که در انزوای طهران سالها مرحمت شده حالا در عین التفات و خدمت بزرگ سرحد قطع شود بیجه حمل کنم و مردم بیجه محمول دارند. خود میدانم و این محض بی مهری جناب مستوفی الممالک شده اما آن رای مستقیم سرکاری قطعاً بچنین بی حسابی راضی نمیشود. چیزی که میرزا آقاخان با آن همه عداوت اجرا داشته هیچیک از امنای دولت راضی نمی شوند که بیجهت مقطوع شود. فی ۴ شهر شوال المکرم ۱۲۷۵.

۸۵

نامه بهرام میرزای معزالدوله به فرخ خان

هشت نامه مهر بیضی متوسط بسج معزالدوله ۱۲۷۵

پنجاه تومان اضافه موجب مقرر را دوباره بپردازند

فهرست عرض و استدعای فدوی غلام فتح علی واد حاجی محمدخان.
قربانت شوم تصدقت کردم فدوی غلام پیرار سال در رکاب جناب جلالتماب امین الدوله دام مجده العالی بدار الخلافه رفته بود بتوسط جناب معظم - الیه مبلغ پنجاه تومان بر موجب فدوی غلام افزوده گردید و در دستورالعمل آذربایجان هم نوشته شد. بعد از تشریف بردن جناب امین الدوله پنجاه تومان را دیگر در دستورالعمل ننوشتند. چون فدوی غلام همان اوقات بهمراهی موسیو داود خان نامور تفلیس گردید و بعد از مراجعت به عتبات عالیات مشرف شد دیگر مجال اینکه خدمت اولیای دولت علیه عرض کرده حکم برقراری صادر نماید نبود. حال الحمدلله سرکار نواب اشرف والا روحی فداه تشریف دارند و بعراض همه

خانه زادان از راه رأفت رسیدگی می فرمایند و جناب جلالتآب امین الدوله که خود واسطه همین مطلب بودند بحمدالله استقلال تمام دارند مستدعی است که محض از راه مرحمت خدمت جناب امین الدوله اظهار بفرمائید که مقرر فرموده حکم برقراری همین پنجاه تومان صادر شده سرافرازی در میان امثال و اقران حاصل شود. زیاده چه جسارت نماید. الامرالارفع والامطاع.

در حاشیه نامه بخط بهرام میرزای معزالدوله:

هو

عرض میشود این فهرست عالیجاه فتح علی خان ولد ولد حاجی محمدخان باغمیشه دائی زاده برادر عزیز نواب نصرت الدوله است. خانواده [ای] هستند و همه وقت در این ولایت معزز و محترم و صاحب نان و در خانه گشوده [ای] داشته اند. تمنای بسیار جزئی است اگر لطف فرموده حکم برقراری آنرا صادر و ارسال فرمائید عین عنایت است بمشارالیه و کمال محبت است بمخلص. زیاده زحمتی ندارد. فی ۱۶ شهر رمضان المبارک ۱۲۷۵.

۸۶

عریضه بهرام میرزای معزالدوله به ناصرالدین شاه

عریضه مهر و تاریخ ندارد و شاید پیش نویس باشد

تقاضای انتظام امر معاش

هو

قربان خاکپای جواهرآسای مبارک شوم در هذه السنه بجهت پریشانی امر فوج کمره رأی مبارک قرار گرفت که محل مقرری کمترین با سیف الملک^۱ باشد. محض

۱- عباسقلی خان نوری پسرعمو و برادر زن میرزا آقا خان نوری که یکبارهم بسفارت ماسور روسیه شد.

امثال امر مبارك اطاعت کرده عرض نکردم جناب امين الدوله مطلع اند که مواجب کمترين را بچه مرارت و افتضاح داده و چه حرفهای رکیک و بی معنی بهر که رفته که مطالبه وجه نماید گفته با این حال دویست و پنجاه تومان از مواجب الآن نگاه داشته بهیچ طور نمی دهد فدوی هم ملاحظه احترام خود را نموده سه ماه است که او آمده و هیچ نوع مهربانی و دید و بازدید و ملایمت مضایقه نکرده باین طور امر فدوی از پیش نمی رود. حالا دوققره عرض دارم:

اول مرحمتی در نیاوران بالمشافهه العلیه فرمودند که مرحمتی خاص و التفاتی مخصوص در سنه آتیۀ توشقان ئیل فرمایند همین قدر جسارت میشود که از قرار فرمایش شاهنشاهانه بالتفاتی که مقرر فرموده اند سیرافراز و مفتخر فرمائید. ثانی اگر رأی مبارك بان مرحمت قرار نمی گیرد انتظام امر معاش و رفاه کمترين را مقرر فرمایند. یا همان کمره که سالهاست عوض مقرری مرحمت شده کمافی السابق محول باشد که بمالیات و حقوق دیوانی آن احدى مداخله ننماید. امر فوج هم بحمدالله مثل جناب سردار کل رئیس نظام و قشون هست همانطور که سالها بعهدۀ سرتیپ و سرهنگ بود باز برقرار باشد و ابداً مداخله [ای] آن سرتیپ و سرهنگ بعمل ولایت ننمایند. یا اگر رأی مبارك باین عرض و قرار داد قرار نمی گیرد تبدیل محل مقرری را باصفهان یا ولایت دیگر امر فرمایند بهمان حکمی که در سلطنت آباد حضوراً امر فرمودند که بدون استثنای دیناری ضرر بفدوی نرسد مرحمت فرمایند که از نقد و جنس و حق الحکومه برقرار شود منتها این است از کمره به دیوان اعلا برسد و از جای دیگر به کمترين ، غیر این دوشق عرضی ندارم. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

۸۷

نامه‌ای از یکی از شاهزادگان به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است و نویسنده آنهم شناخته نشد چنانکه هویت
حاتم خان نیز در باب یک هزار تومان تخفیف

هو

مخدوما مهربانا در باب یک هزار تومان تخفیف عالیجاه حاتم خان رقعہ [ای] نوشته بودید که سرکار جناب جلالت انتساب بندگان ولی النعمی اتابک اعظم امیر کبیر دام اجلاله العالی برگشت فرموده و مقرر فرموده اند وجه مزبور گرفته شود حکم حکم سرکار بندگان خداوند گاری است اشهد بالله در این معامله و ضمانت هیچ مقصودی و خیالی نداشتم جز اینکه خواستم خدمتی بسرکار خداوند گاری بکنم که این یکنفر نوکر زیاد خراب نشود و الا هیچ فکری نداشتم و بخود سرکار جناب ولی - النعمی معلوم است که بنده بقرار چهار پنج هزار تومان خسارت در این معامله کشیده ام.

از بابت ده هزار تومان، پنج هزار تومان املاک را به بنده دادند و دو هزار تومان عمارت و سه هزار تومان تمسک که از بابت مطالبات مشارالیه وصول کرده بردارم. هر سه فقره باستحضار و مهر سرکار جناب ولی النعمی شده است. عمارت را که سرکار جناب ولی النعمی قول فرمودند بمطالبات حاتم خان مقرر فرمودند مداخله نکنم اطاعت کردم مانده است املاک. گویا بعرض سرکار جناب بندگان خداوند - گاری رسانیده اند که املاک سی هزار تومان قیمت دارد بنده نه به بروجرد رفته ام و نه املاک را دیده ام که قیمت آنرا بدانم. املاک مال خود سرکار امیراست دخیل به بنده ندارد. یا دو سه روزی حوصله نمائید که پایم خوب شود خودم قباله جات را خدمت جناب ولی النعمی ببرم، یا آن مخدوم زحمت کشیده مراتب را عرض کند

که بنده صاحب ملک و مال نیستم همه متعلق بسرکار جناب ولی النعمی است. قبالة دهات را صحیح و معتبر بمهر علمای طهران باسم هرکس میفرمائید نوشته بندگی کنم. هریک از این دو فقره را که عمل می نمائید مختارید جواب مرقوم دارید جهت یک هزار تومان فراش فرستادن و محصل گذاشتن ضرور نیست قدغن نمائید فراش نیاید یا عرض کند یا خودم احوالم بهتر میشود عرض میکنم ضرور فراش نیست زیاده نگارشاتنی نبود. والسلام.

۸۸

نامه میرزا محمد صدیق الملک به میرزا حسین خان مشیرالدوله سپه سالار

پشت نامه دو جامهر بیضی نسبتاً بزرگ بسج صدیق الملک ۱۲۷۶

نامه روی کاغذ مارك دارسفارت ایران در بطر زبورگ است : این مارك عبارت است از شیر و خورشید خوابیده و عبارت سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در بطر زبورگ بطور برجسته. در گوشه نامه نوشته است : نوشته صدیق الملک به مشیرالدوله و معلوم می شود که نامه اساساً برای میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر ایران در اسلامبول نوشته شده است.

حرفی نیست که قطور مال ایران است

هو

فدایت شوم رقیمة کریمه مورخه شهر ذی قعدة الحرام در عشر آخر شهر مزبوره شرف وصول بخشید و از مضمون آن استحضار بلیغ حاصل داشت. سواد سؤال و جوابی که در باب قطور^۱ با وزیر امور خارجه انگلیس نموده ولفاً ارسال و فرموده بودند که بنده جناب پرنس کرچکوف وزیر امور خارجه و جنرال چریکوف^۲ رادیده در این باب گفتگو نماید. چون جنرال چریکوف در آن روزها میخواست بدعات خود

۱ اصل : بنده گی .

۲- قطور را عثمانی ها عدواناً تصرف کرده بودند .

۳- از مأمورین روسیه در کمیسیون تحدید حدود ایران و عثمانی که دو جلد کتاب هم راجع بایران نوشته و چاپ شده است.

برود و جناب وزير امور خارجه نيز در التزام ركاب اعليحضرت امپراطور بمسقو^۱ رفته و مراجعتش زياده از يكماه طول داشت ، لهذا اول جنرال چريكوف را ديده اظهار التفات و احوال پرسی كه كرده بودند بطور خوبي تبليغ نموده بسيار خوشوقت شد و خواهش كردم كه پيش از مسافرت خود زحمت كشيده در وزارت امور خارجه بطوري كه لازم است در اقرار خود در اين فقره مضايقه نكند مشاراليه گفت فردا رفته اظهار علم خود را در وزارتخانه مزبوره خواهم كرد و درين حرفي نيست كه قطور مال ايران است بعد بيافاصله از جناب مسيو تولستوي سنانور و معاون وزير خارجه وقت ملاقات خواسته در ۲۶ شهر ذي قعدة الحرام ملاقات نموده و چنانچه لازم بود گفتگو كرد بالاخره گفت كه اين بنده كاغذ رسمي در اين باب بوزارتخانه امور خارجه دولت بهيئه روسيه نگاشته و سواد سؤال و جواب انفادي را نيز لفاً ارسال دارم كه ايشان نيز معجلا بوزير مختار و ايلچي مخصوص خودشان مقيم اسلامبول بنگارند كه در اين باب كمال موافقت را با ايلچي دولت انگليس در اسلامبول بعمل آورده و همراهي در استرداد قطور بنمايد. بعد در ۲۷ شهر مزبوره كاغذ رسمي مختصر نوشته و سواد سؤال و جواب را ارسال وزارت خارجه نمود. اميدوارم كه انشاء الله از قراري كه گفتگو شده در سفارش به ايلچي مخصوص مقيم اسلامبول خودشان مضايقه نخواهند نمود و از او نيز در اين فقره كمال تقويت بعمل خواهد آمد. بجهت استحضار جناب عالي معجلا عرض نمود. في ۲۷ ذي قعدة ۱۲۷۷ والسلام.

در حاشيئه نامه: فدائيت شوم فرمايشي رفته بود كه اين بنده در اين اوقات بعرض حال و نوشتن اخبار لازمه بخدمت آن جناب نپرداخته. مخلص را از نوشتن جناب حسنعلی خان^۲ اعتماد قطعي اين بود كه آن جناب در مكه معظمه^۳

۱- مسكو.

۲- يعني امير نظام گروسي كه جانشين سپه سالار در سفارت اسلامبول بود.

۳- سپه سالار وقتي كه مأمور اسلامبول بود به مكه مشرف شد.

باشند. بعد که اعلام فسخ عزیمت الجائاً فرموده بودید بنده را نیز کمال افسوس حاصل آمد. اگرچه دل مرد عاقل دانا منزل خدای لامکان است. امرسرف^۱ را از قراری که شنیده‌اید گذرانده‌اند ولی رعیت و رعای مشغول و مواظب هستند که تا دو سال تصفویه اخلاط^۲ نمایند. معلوم است که این فقره و هر امر بدون اهتمام و صرف خیال صورت پذیر نمی‌شود الا ماشذوئندر و بطرف ورشاو^۳ یکماه است قشون جدید مأمور شد و از قفقازهم در مواظبت امر چرکس و لکزی عسکر مهیا و مأمور در سرکار موجود هست و فوت شدن حاکم ورشاو نیز البته مسموع آن جناب شده است. الامر منکم.

۸۹

نظر فرخ خان راجع به جبران شکست مرو^۴

پیش نویس بخط خود آن مرحوم است

هو

بسم الله خير الاسماء

چون در امر اتفاقیه مرو مقرر شده است که هریک از چاکران هرچه بعقل قاصرشان برسد بعرض خاکپای مبارک برسانند تا پس از ملاحظه عقاید آنها آنچه رأی صواب نمای همایون ملوکانه اقتضا نماید حکم باجرای آن بفرمایند مسلماً

۱- رعایای زرخید روسیه . ۲- معنی این عبارت معلوم نشد .

۳- همان ورشو پایتخت لهستان .

۴- شکست مرو یعنی شکست قشون ایران از ترکمانان یکی از دردناک‌ترین حوادث تاریخ ایران است . باین شکست ضعف ایران کاملاً آشکار شد و همه دانستند که کسی بفکر ایران نیست . برورفت و تمام ناحیه ماوراءالنهر و خوارزم یعنی مرکز اصلی و مهد تمدن قوم ایرانی هم به دنبال آن ، درحالی که این شکست اجتناب پذیر بود و بی کفایتی حمزه میرزا و بی تدبیری و شاید خیانت قوام الدوله و بی علاقه‌گی رؤسای قشون ایران آن را پیش آورد و هیچکدام هم مجازات نشدند .

باعتماد این چاکر بدلائل عدیده در هیچ حالت صرف نظر از کار مرو نباید کرد و حتی المقدور باید در مقام اصلاح و جبران آن برآمد و اگر از خارج و داخل استنباط کنند که دولت بالمره چشم از اصلاح این کار پوشید و دست از تنبیه و تلافی تکه کشید خواه حمل بر عدم قدرت کنند و یا تصور اهمال و غفلت، برای دولت خطرهای و ضررهای عاجل و غیر عاجل خواهد داشت. چون بنا بر اختصار نویسی است و یقین است عقول مستقیمه احاطه تامه بر ضررهای او میکند لازم نکرده است که در این ماده شرح داده شود و نیز با اعتماد این چاکر اگر بخواهد امروز برای این لشکر کشی راهی را اختیار کند که تا یک ماه یا چهار ماه یا بیشتر تغییر پذیر نباشد هم خلاف مصلحت، هم غیر مقدور است زیرا که در اجرای این کار باید دو ملاحظه عمده در نظر داشت یکی اینکه حتی المقدور راهی را انتخاب کرد که دولت بتواند به سهولت مقصود عمده خود را حاصل نماید و این منوط است اولاً به استحضار از عقاید اشخاصی که هم خود بصیرت کامل در این کار دارند و هم می توانند متعهد و متصدی این خدمت بیک اندازه [ای] بشوند و هم از حالت آینده ترکمان تکه و غیره و بقای سرخس و وضع داخله خراسان اطلاع کافی بهمم برسد. مثلاً اگر حالا دولت بخواهد بر خود حتم بفرماید که باید برای این کار چهل هزار یا بیشتر یا کمتر تدارک لشکر دید شاید فردا حسام السلطنه که قول و فعلش امروز محل اعتنا و اعتماد است بده و یا پانزده هزار لشکر با همراهی سلطان احمد خان^۱ این خدمت را به عهده بگیرد یا خود سلطان احمد خان برای انجام این خدمت طرحی ریخته باشد که پس از عرض آن مقبول طبع مبارک و پسندیده اولیای دولت بشود. دویم اینکه هر کس تعهد این خدمت را بکند لابد پیشرفت کار او بسبب لشکر منظم خواهد

۱- احتمالاً نظر فرخ خان در مورد سلطان احمد خان برای این بوده است که راه طبیعی مشهد به مرو از راه هرات است و گرنه خود سلطان احمد خان گرفتار مزاحمت و دست اندازیهای عمو و پدرزنش دوست محمد خان بهرات بود و بایست از قلمرو حکومت خود دفاع کند.

بود پس باید بدقت رسید و فهمید آن لشکری که باید مأمور این خدمت بشود دولت تا چند مدت می‌تواند اولاً خود او را بحالت انتظام بیاورد و دویم پس از آنکه عدد و مدت سفر او معین شد تا چند وقت مقدور است تهیهٔ اسلحه و ملبوس و قورخانه و آذوقهٔ او را بکند. پس باعتقاد این غلام تا حسام السلطنه احضار نشود و جواب سلطان احمدخان نرسد در کیفیت و کمیت لشکر و لوازم آن بطور صریح نمی‌شود قرار قطعی داد. پس کاری را که اولیای دولت بطور حتم و وجوب امروز میتوانند بکنند از این قرار است:

خریدن تفنگک شش خوان و غیره از فرنگستان.

در مشهد و طهران شروع بساختن عراده کردن.

جمع و خرج جنس خراسان را بدست آوردن و بعد از مخارج قشون متوقف و مأمور و مرخص خراسان اقلاً درامساله ده هزار خروار جنس موجود داشتن.

سواره و پیادهٔ مواجب خور خراسان را دلخوش و پادار نگاه داشتن و مضایقه از بعضی مخارج لازمهٔ این کار نکردن و طرح و تدبیری ریختن که از روی حقیقت این سواره و پیاده پادار شود نه مثل سابق که خود نمائی و تعهد کردند و پول دیوان را تلف نمودند و هیچ کاری نکردند^۱ و از نو هزار سوار پادار و پانصد شمشالچی گرفتن.

برای سرباز ملبوس آماده کردن.

بروج قراول خانه‌ها را از عاق دربند تا تومان آقا قراول هوشیار گذاشتن.

و معارف و عموم خراسان را دلخوش داشتن، و اگر از حکام سابق بعضی اجحافات مالا یطاق بردوش رعیت گذاشته‌اند برداشتن، و بهراندازه [ای] که مقدور است سرخس را مستحکم کردن، و اردو در عاق دربند گذاشتن. و چون بتجربه معلوم

۱- اشاره است بکارهای حمزه میرزای حشمت الدوله والی خراسان و میرزا محمد

قوام الدوله وزیر خراسان.

شده است که قشون کم یا زیاد بسدود وجود سر کرده رشید مذهب مجرب مصدر هیچ خدمت و روسفیدی نمی شود و این چند فوجی که به خراسان مأمور شده و میشوند یکشب این چنین سر کرده [ای] در میان آنها نیست، از همه چیز واجب تر این است که بدون اهمال و اغفال صارم الدوله^۱ یا مثل او آدمی هر چه زودتر میسر است احضار شده و بچاپاری روانه خراسان شود زیرا که اگر برای این قشون در خراسان کار صعبی واقع شود از این سر کرده های تازه مأمور شده بطور یقین مقصود دولت حاصل نخواهد شد، و همچنین لازم است که یک مأمور هوشیار معقولی بزودی روانه هرات شود و از امروز بعد بیشتر اوقات اولیای دولت باید صرف انتظام عموم لشکر ایران بشود و اول چیزی که برای این کار لازم است وجود صاحب منصبان فرنگی است که عبارت باشد از یک سرتیپ قابل و چند عدد صاحب منصب کوچک و بزرگ و درامر قشون از آنها حرف شنیدن و آنها را بقدر لزوم در کار خود مسلط کردن و اقدام کردن باین فقرات معروضه منافی نخواهد بود با هیچ خیالی که در آینده برای مرو بشود. مثلاً اگر بآمال اولیای دولت بالمره از صرافت لشکر کشی بمروهم بیفتند این فقرات از برای نظم داخله و سرحدات خراسان لازم خواهد بود و اگر باین عقیده راسخ بشوند باز وقت و فرصت را از دست نداده جای افسوس نخواهد ماند. و از جمله چیزهایی که بهمۀ ملاحظات خارجه و داخله بر اولیای دولت لازم است غوررسی در کار مأمورین مرو است که باید یک مجلس بزرگی مجتمع شده از اول حرکت اردو از ارض اقدس تا روزی که بهم خورده است بدقت رسیدگی شود و از سیر هنگ بیلا اگر کسی خدمت کرده مورد التفات شود و اگر غفلت و جبن و جلافت و فساد و ناخدمتی کرده گرفتار اعمال نالایق خود بشود^۲ و از یاور پیاپین را دلجوئی و تفقد و التفات نموده

۱- عبدالله خان قراگوزلو که از فرماندهان ومدتی مأمور کرمان وفارس بود. متوفی

ذی قعدۀ ۱۲۷۸.

۲- برای اطلاع از جریان جنگ مرو رجوع شود به کتاب «سه سفرنامه» از انتشارات

دانشگاه تهران.

خوشدل مرخص اوطانشان سازند مگر کسی که مخصوصاً مرتکب گناه بزرگی شده باشد. باعتقاد این چاکر اجرای اینکار واجب است و بسیار باید سخت و باعظم اقدام کرد.

حاصل عرایض چاکر اولاً از صرافت اردو فرستادن بمرو نباید افتاد، اینکه کی رود و کی برود و عدد قشون و تدارکش چه باید باشد، این فقره وقتی معلوم میشود که از عقاید حسام السلطنه و سلطان احمدخان استحضار کامل حاصل شود و خود اولیای دولت هم از روی تحقیق معلوم کنند که برای آماده کردن قشون مأمور و تدارک آن چقدر وقت میخواهند. اما تکلیف امروز خریدن تفنگ، جمع کردن غله در خراسان، خواستن صاحب منصب فرنگی، شروع بساختن عراده و غیره و غیره که در همین یادداشت عرض کرده‌ام.

۹۰

نامه فرخ خان به سردار سلطان احمد خان حاکم هرات از طرف ایران

پشت نامه بخط فرخ خان نوشته شده: حاکم هرات

ده خروار مس قریباً فرستاده خواهد شد

سواد ملفوفه رقیمه جناب جلالتمآب امجداعظم امین الدوله العلیه دام جلاله

عالی مخدوم مکرم مهربانا چون چاکر دولتی معجلاً عازم در دابه بود و چندان مجال و فرصتی نبود عجله ملفوفه فرمان عنایت ترجمان از مصدر خلافت کبری بافتخار شما شرف اصدار یافت زیارت خواهید نمود و چون امیرالامراء - العظام مقرب الخاقان ظهیرالدوله بعضی نوشتجات از شما و عالیجناب مولوی که به هرات خدمت شما آمده بود و سایرین از خراسان برای اطلاع و استحضار اولیای دولت قاهره بدارالخلافة الباهره فرستاده بود و در این ضمن یک فقره درباب ده خروار

مس بود که شما از ایشان خواسته و خواهش کرده بودید که از مشهد مقدس بدارالنصرت هرات بفرستند. همین که مطلع شدم و دانستم مس مزبور این اوقات بجهت شما لازم و ضروریست فوراً ملفوفه فرمان مبارک حسب الامر بعهدۀ نواب مستطاب شاهزاده اعظم کامکار حسام السلطنة العلیه والی مملکت خراسان صادر کرده با همین چاپار فرستادم و بخود امیرالامراء العظام مطاعی ظهیرالدوله نیز نوشته زحمت دادم و سفارش کردم که حسب الامر ده خروار مس را زودتر جابجا کرده از سبزوار یا مشهد مقدس بهرات بفرستند که بجهت ریختن توپ معطلی حاصل نباشد. جواب باقی فقرات را هم که از حضور همایون بیرون بیاید انشاء الله تعالی با چاپار آینده خواهم نوشت و زحمت خواهم داد.

در باب مستمری مرحوم جعفرخان که سابقاً شرحی اظهار کرده بودید همان مراسله شمارا بحضور همایون فرستادم دستخط مبارک شرف صدور یافت که دروجه پسرش ولی محمدخان برقرار باشد در کتابچه دستورالعمل خراسان بخرج منظور شده فرمان مبارک هم انشاء الله تعالی برای او صادر کرده خواهم فرستاد از این فقره مطمئن خاطر باشید. زیاده زحمتی و مطلبی نبود. باقی ایام بکام باد.

۹۱

نامه فرخ خان بخط خودش برای حسام السلطنة

یا فرهاد میرزا و با احتمال زیاد دومی درباره

سوء تفاهم راجع به حواله فرخ خان

مهر و تاریخ نامه مشخص نیست

هو

فدایت شوم خدا خود عالم و واقف است باندازه حالت خود فهمیده راضی نمیشوم حرکتی بکنم که مایه آزدگی خاطر سرکار باشد. از پس دادن

حواله‌های ثانی چنین استنباط کردم که ترک اولائی از مخلص صادر شده لهذا لازم دانستم که بیان عدم ترك اولای خود را نموده و هم از سرکار مستفسر شوم تا اگر فی الحقیقه غفلی شده در مقام جبران آن برآیم. اولاً خود استحضار دارید تنخواهی از جاهای معین جمع مخلص نمودند و درضمن آنها هم حواله فرمودند واصل این عمل هم بقلمداد سرکار شده و هم باستحضار سرکار. اگر همه این تنخواه از محل وصول شده و من خدمت شما نرسا--سدهام مقصرم. اگر غیر تنخواه سردار کل که کمال استیصال را داشته‌اند و بحکم جناب اشرف خداوند گاری رسانده‌ام از دیگران را داده‌باشم حتی تنخواه جناب اجل اشرف ارفع را باز مقصرم و اگر بخواهید بدانید چقدر از این تنخواه لاوصول است باین معنی که پاره [ای] را تخفیف داده و پاره [ای] هنوز وصول نشده صورت آن حاضر است بفرمائید انفاذ خدمت بدارم. از اینها گذشته این سه جائی که تنخواه سرکار را حواله داده‌ام ملاحظه بفرمائید همین سه جا جزو هفت هزار تومان تنخواه جمعی مخلص هست یا نیست، اگر باشد باز مقصرم. اگر بفرمائید وصول اینها مشکل است عراق سر راه سرکار است برای شما چه اشکالی دارد اگر بفرمائید زوارم. مقرب الخاقان قائم مقام هم در سفر زیارت ارض اقدس زوار بود و همچنین اسدآباد قریب براه شما است یک نفر غلام می‌رود یک روزه دو روزه وصول میکند. خلاصه اینها عذر نمیشود. صارم الدوله را هم که حواله کردم شنیدم مدتی است آمده است. و آنکھی کسی که باید ششصد تومان بدهد یکصد و کسری را بفرستاده سرکار با کمال آسانی میدهد. این حقیقت حالت منست. حالا مباحثه شمارا بصداقت قسم میدهم اگر من غفلی کرده‌ام متذکر بفرمائید و اگر قسم دیگر باید کرد مرقوم دارید تا اطاعت کنم. والسلام.

قبض ملایر را چون فرمودید صارم الدوله نیامده است از بابت مالیات امساله حواله کرده‌ام که بدون معطلی برسد بعد من عوض از آن محل انشاء الله دریافت نموده بجای این تنخواه می‌گذارم. والسلام.

جواب در پشت نامه فدایت شوم این خوبی هائی که شما مرقوم داشتید در صورتی بود که بنده ایرادی بسرکار شما وارد آورده باشم، چنین نیست. خواهش از راه دوستی و اخلاص از شما کردم، در سرراه هستم، قدری پول لازم است لطف کنید، شما فرمودید نقد ندارم حواله میکنم که در سرراه بگیرید. مراچه حرفی است. عبدالله خان نبود که دریافت نمایم از راه اسدآباد هم نمیروم که از خانلرخان - سرهنگ بگیرم. افواجی که باید در عراق نفری یک تومان فوج کزازی است، در عربستان است از آن بابت عرض کردم حواله را تغییر بدهید که اسباب معطلی دوستان نشود حالا هم همین عرض را میکنم و هیچ حرف حساسی بشما ندارم بفرمایش خودتان توقع دوستانه میکنم. اگر دویست تومان یا سیصد تومان تنخواه دیوان سه ماه یا چهار ماه تأخیر بیفتد حکایتی نیست وصول خواهد شد. اما تنخواه بنده در سرراه برسد مایه امتنان بنده از شما میشود. هیچ نقلی نیست اگر از شما هزار تومان هم قرض میخواستم که شما در عراق حواله نمائید بگیرم گویا مضایقه نمیفرمودید. خلاصه از شما توقع میکنم که قسمی حواله بفرمائید که مرا در سرراه معطل نکنند. از ابواب جمعی خودتان حواله بفرمائید هیچ ضرری بشما ندارد اگر چه رسم عالی اینطور هست که باید تنخواهی که محل صرف است به برات دار حواله داد. یک قبض را حفظ کردم دو قبض دیگر را خواهش میکنم حواله عراق بفرمائید. فقره دیگر پنجاه تومان طلب دستی از فضلعلی خان داشتم مطالبه کردم، بشما پول است که از بابت انعام او لطف کنید. آنرا هم اگر حواله نمیفرمائید مختارید والا از خودش مطالبه کنم هیچ رنجش از شما ندارم، کمال امتنان دارم، خواهشی است میکنم قبول میفرمائید مختارید، نمیکنید هم سلامت باشید، حکایتی نیست والسلام.

۹۲

اگر معزول شده‌ام پیشکش و اسباب را نگهدارید و ندهید

نامه بدون مهر و تاریخ است و نویسنده آن شناخته نشد

و

جناب جلالتمآبا اینجاها خبر عزل من بتواتر و توالی رسیده است واحدی در این مملکت مرا منصوب و حاکم نمیداند. اگر واقعاً در آنجا هم من معزول هستم این پیشکش و تعارف که بقرض ده پانزده سامان گرفته است پیشکش حکومت است. در صورت عزل، طلب تجار را از کجا میدهم لهذا باید شما مراقب باشید اگر خدای نکرده کار طور دیگر است ابداً خیال کنید که نصرالله بیک نیامده است و این اسباب هم فرستاده نشده. در همان خدمت خودتان امانت باشد و اگر انشاءالله عیبی در کار نیست بهرطور صلاح میدانید رفتار بفرمائید والسلام.

۹۳

نامه‌ای گویا از فرهاد میرزا بفرخ خان

راجع به پیشکش و حکومت

نامه مهر و تاریخ ندارد

و

خان فرخ جان مرا فارغ میکردید که قطع گفتگو میشد که چه باید پرسد و بکجا انجام بگیرد پس فردا بحول الله و قوته جان خودم را از قرارت خلاص میکردم. هفتصد و پنجاه هزار تومان اسم است. راست است ولیکن در حقیقت هیچ کدام دخیلی بمیرزا ندارد همان دستخط مبارک است که جواب بده، بچشم. جان کلام دیگر است. تعارف است، بچشم ولیکن حدی دارد. بسمبارک سرکار اقدس روحی فداه

که مختصر کلام این است که تعارف نرسد و برود و جان من خلاص شود .
والسلام .

۹۴

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

توصیه درباره فرهاد میرزا

نامه بدون مهر و تاریخ است

هو

عرض میشود که نواب مستطاب معتمدالدوله دام اقباله در مرسله [ای] که بمخلص مرقوم فرموده بودند از بی استعدادی خودشان و هرزه کاریهای لرستانی و سگوندها^۱ شرحی مبسوط آه و ناله کرده و دلتنگی زیاد نموده بودند که استعداد تنبیه الوار بقدری که لازم باشد نیست و چون عادت بشراوت و هرزگی و ندادن مالیات کرده اند تا گوشمال درستی باینها داده نشود نه ولایت بنظم میآید و نه مالیات دیوان بحیطه وصول میرسد . در حقیقت درست نوشته اند . خدمت شما زحمتی میدهم که از جانب من بنده بخاکهای مبارک اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه جمجاه روحنا فداه عرضه دارید که اول حکومت نواب معتمدالدوله است و چندین سال در کنج طهران خزیده بودند و از سر رشته نوکری و حکومت افتاده حالا که او را از خاک عزلت برداشته اند برای پیشرفت خدمت دیوان، تا از جانب سنی الجوانب اولیای دولت تقویت کامل در باره نواب معظم الیه نشود خیلی مشکل است که از عهده نظم آن ولایت برآیند و مالیات دیوان را بی کسر و نقصان بگیرند . امساله تا کار ایشان قوامی بگیرد فرضاً اگر یک فوج پانصد سوار علاوه بر معمول هم بعربستان و لرستان مأمور فرمایند که مایه قوت قلب ضعیف نواب معظم الیه باشد نباید

۱- در این باره نامه هایی از فرهاد میرزا نیز گذشت .

مضایقه بفرمایند. حالت ایشان که در دست شماس و هم واندیشه [ای] که در - ایشان است بهمان خیال که جمعیت کم دارم و نمی توانم از عهده سگوندها برآیم اقدام به تنبیه آنها نمی کند و کار ضایع میشود از خودشان هم آفندر آدم ندارند که بهر کاری مأمور فرمایند. خلاصه از خاکپای مبارک از عوض این غلام آستان بوسی کنید و مستدعی شوید که بر استعداد قشونی ثواب معتمدالدوله بیفزایند و امساله ملاحظه اینکه هر ساله زیاده تر از این جمعیت مأمور عربستان و لرستان نمیشد نفرمایند تا امسال اشرار ولایت را تنبیه بکنند و نظمی بدهند پس از آن باندازه سالهای گذشته استعداد مقرر فرمایند که در آن دو ولایت باشد و جمعیت زیادی برگردد. سرکار اقدس همایون ظل اللهی روحنا فداه اگر خود بنفس نفیس همایونی مراقب جزئیات و کلیات چاکران نباشند و به خود ماها کار را وا گذارند خدای داند که همه چاکران در زیر بار خدمت محوله خواهند ماند و کفایت و کارکنی هر کدام آن وقت معلوم میشود که کارشان بخودشان وا گذار شود. جناب امیر مؤمنان روحی و جسمی فداه که ولی مطلق بودند در عالم عبودیت و بندگی خود بدرگاه خداوندی استغاثه میفرمایند و عرض میکنند که رب لا تکنی الی نفسی فی محضرته یعنی مرا بخودی خودم وامگذار. چاکران هم مستدعی هستند که پادشاه مهربان ما را بخودمان وا مگذارند والا بقول مردم که پل آن طرف آب می ماند. والسلام.

۹۵

نامه حسام السلطنه بفرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است و گویا در طهران هم نوشته شده است
راجع به قسط مالیات

هو

فدایت شوم حقیقت اینست که بواسطه اخلاص و ارادتی که خدمت جنابعالی دارم هیچ شایسته نمیدانم که در بدایت کار از شما شکایت بنمایم.

وليكن بواسطه اين قانون و قاعده تازه كه در رسانيدن قسط خزانه بهمرسيده است حالت استيصال از براي بنده حاصل شده ده روز است كه همه روزه خدمت جنابعالي زحمت داده ام و روز [ی] يك دفعه آدمهاي من از جهت آوردن قسط فارس بخزانه بشهر رفته بالمره بي پا شده اند برات دارهم كه همه وقت اسباب اوقات تلخي و مزاحمت ميباشند. بعد از اين معطلی ها امروز آن شخص كه مودّی اين حواله نقد و شال است اظهار داشته است كه قبض خزانه را بنويسيد بياوريد تا تنخواه قسط را بدهم. خود شما تصور بفرمائيد كه هنوز شال را قيمت نكرده و تعيين قسط نشده چگونه می توان قبض خزانه داد. از اين گذشته جنابعالي هنوز صورت تقسيم قسط فارس را كه در حضور مهر ظهور مبارك فرموده اند و موشح بدستخط همايون است از جهت بنده نفرستاده اند كه معلوم شود قسط خزانه فارس چقدر است كه از آن قرار قبض داده شود. بالجملة هر قدر در اين چند روزه بنده اصرار در تحويل دادن قسط نمودم بجائی نرسيد. برات دارهم معطل است. فردا صبح روز يكشنبه هم بر حسب احضاری كه شده ام بايد در شكرآب شرف اندوز آستان مبارك شوم. جنابعالي هر طور كه قرار قسط فارس را مي فرمائيد مختاريد. زياده چه زحمت دهم. والسلام.

۹۶

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

مواقه تعالى

نامه مهر و تاريخ ندارد

در باب آباده و اقليد

عرض ميشود در باب آباده و اقليد بطوريكه فرمايش فرموده بوديد در ملفوفه جداگانه بخط منشی طبری عرض کرده ام تا چكند همت والای تو. بخدا كه ميسوزم هفت هزار تومان معامله را بهزار ميخواهد اين منافق مشته كند و اينهمه پول را بخورد. در معامله نطنز با اينكه بهمه معلوم بود كه من زياده از آنچه در كتابچه دستور العمل نطنز نوشته ام معامله [ای] نكرده ام معذاك اوليای دولت

رسوائی بر سر من آوردند که از زندگانی خود بیزار شدم و سه هزار تومان هم گرفتند. نواب مؤیدالدوله باین آشکاری هفت هزار تومان برد و بخواهد بهزار تومان بگذراند و اولیای دولت هم قبول کنند، خدا بخت بدهد و طالع. نمک شاهنشاه جمجاه را بحرایی خورده باشم که دروغ میگوید هفت هزار تومان میگیرد غیر از مخارج محمد شریف میرزا. گواه عاشق صادق درآستین باشد. مخلص شما دیوانه نیستم که پنجهزار تومان بدهم البته نفعی هست که این مبلغ را می‌دهم. دوهزار تومان پیشکش آباده بود که در جزو پیشکش دیوانی گرفته میشد. سه هزار هم بمؤیدالدوله میرسید حالا من پنجهزار تومان را میدهم بدیوان خود دانید. بمؤیدالدوله هرچه مرحمت میفرمایند مختارند هیچ هم مرحمت نمیفرمایند اختیار دارند. بجان عزیز جناهعالی که زیادتیر از دروغ و تحاشی این مرد میسوزم که دروغ می‌گوید و می‌نویسد و همه هم باور می‌کنند چه فایده که بحقیقت نمی‌رسند و دروغگورا بسزای خود نمی‌رانید والا عرض می‌کردم که از او بقیدقسم نمک پادشاه التزام بگیرید تا من تمام آباده را بشورانم و مثل حاجی علینقی یا علی عباس بیک فراش خلوت را استدعا کنم که مأمور فرمایند به آباده و اقلید که از رعیت توجیه را بخواهد و بعمل جزو برسد و بداند که هفت هزار تومان بلکه زیادتیر معامله میشود والله بالله تالله آتش میگیرم از دروغ و اشتباه کاریهای مردم که پذیرفته میشود و میگذرد. بر پدر دروغگوها و بدذاتها لعنت که نمک پادشاه و ولی نعمت قدردان مهربان را میخورند و دروغها میگویند و خیانتها میکنند. بخدا تعجب دارم که چرا نمک پادشاه این مردم خیانت کار را نمی‌گیرد. باری اگر این کار را نگذرانید بدانید که مشت من بالمره باز میشود. بخدا سه هزار تومان خودم را از بابت نطنز که گرفته‌اند از مالیات فارس بر میدارم. رجحان مؤیدالدوله بمن راهی ندارد. خواهید دید که آذربایجان را همه مغشوش و بی نظم کند که بسالهای دراز اصلاح آن ممکن نشود. با وجود آنهمه امتحانات فارس و خراسان معزی‌الیه باز نمیدانم بچه کفایت و بی‌طمعی و کارگذاری و عرضه، اورا بکارهای بزرگ مأمور

میفرمایند. بحق خدا که این عرضها از راه حسد نیست از فضل خدا و مرحمت باطنی و ظاهری سایه خدا روحنا فداه در اسباب عزت و حرمت مخلص چیزی کسر نیست و از معزی الیه زیادتى بر مخلص نبوده که مایه حسد شود بلکه از مرحمت سرکار شاهنشاه جمجاه روحنا فداه همیشه آنها بر من حسد برده اند و سوخته اند و البته این فضولیها از بابت دلسوزی است که خدمت جنابعالی زحمت داده ام و درد دلی کرده هیچ راضی نیستم که غیر از خودتان باحدی تحریر مرا بنمائید. والله اعتقاد قلبی خودم این است که هر کس با ولی نعمت خود صدق نداشته باشد قطعاً او حرام زاده است و حرام زاده و حرام زاده و ایضاً حرام زاده و حرام زاده. والسلام.

مبلغ یک هزار و پانصد تومان از بابت حقوقات جنابعالی برات انفاذ شد که از میرزا عبدالرحیم دریافت فرمائید.

تغییر حالت ظهیرالدوله مایه حیرت شد از بی مایگی آن جناب همیشه خدمت شما عرض می کردم قبول نمی فرمودید. بحمدالله که حالا معلوم شد. این بزرگوار ملاحظه بفرمائید چقدر بی مایه است که حکومت مثل فارس جائی را که مخلص دارد و میداند که باسانی از دست نمیدهد و قطع دارد که اگر گردن مخلص را را بزنند برقتن خراسان راضی نمیشود. از جنابعالی بواسطه التفات بمخلص که مآلاً شاید جنابعالی مایه خراسان را که موهوم است برای مخلص بزنند و ایشان از خراسان عزل شوند از حالا کناره میگیرند و تغییر وضع و حالت میدهند:

مایه از ماست پایه از مسلم سعی کن تاشوی بزرگ آدم

خوبی های جنابعالی عمماً قریب اورا چنان بزند که بدتر از آن غیر مرحوم بشود. انشاءالله خواهید شنید.

از سبکی هائی که در فارس کرده اگر شمه [ای] خدمت جنابعالی عرض کنم اورا بهتر از حالا خواهید شناخت. ریش سفید مملکتی که در کلاه فرنگی و کیل شراب بخورد و جنده بیاورد و بامولوی رقص کند و در عالم مستی کارهای خارج از تحت

قاعده و معقولیت از او بظهور برسد با وجود تشریف داشتن نواب اشرف و الایمن الدوله^۱ دام اقباله در خلوت مابین ارگ و عمارت خورشید که این ریش سفید باید ایشان را تربیت کنند. این فقره از هزار یکی است که عرض شد. بوحدت خدا قسم است که خیالی که مخلص نمی کند مأموریت خراسان است بجهات عدیده. کدام احمق است که نعمت نقدر را قدر نداند و خیال موهوم خراسان را بکند این کمال ناسپاسی است. «من لاف عقل میزنم این کار کی کنم»^۲. تازه رفته است که گوش مخلص و دوستان از تهمت های خراسان آسوده شود دوباره چرا خود را بتهمت نزدیک میکند. آخر بچه دلیل، مداخل اینجا کمتر است، آسودگی نداریم چه کم داریم. بعد از فضل خدا و مرحمت سایه خدا روحنا فداه که به خیال موهوم نعمت موجود را سپاس بگذاریم. مدینه باد به اهل مدینه ارزانی. خراسان برای ایشان باشد. ان شاء الله سالهای سال به اقتدار و شوکت و اجلال حکمرانی کنند. هیچکس طالب آنجا نیست. خدا می داند که آنقدر متغیرم که حد ندارد. عجب مرد فرومایه [ای] که هیچ ملاحظه حالت های شما را نکرده ظاهراً در این مدت مدید که با جنابعالی بوده راهی میرفت آنقدر شعور نداشت که درست بلدیت بمزاج شریف حاصل کند و شما را بشناسد. خواهید شنید که در خراسان باز طوطی جنده را بخانه خود خواهد برد و شراب هم خواهد خورد و سایر کارها را هم که امکان دست برداشتن را ندارد مواظبت خواهد داشت. جناب قاضی آنقدر از التفات جنابعالی و رعایت های که فرموده بودید نوشته بود البته چهار پاکت و هر پاکتی صفحات داشت، خداوند عمر طویل و عزت کثیر بجنابعالی مرحمت بفرمایند و در زیر سایه گرانمایه حضرت ظل الهی روحنا فداه محسود خاص و عام شوید. ان شاء الله تعالی آمین آمین بمحمد و آل الطاهرین.

(۱) سلطان مسعود میرزا پسر شاه که تحت تربیت و پیشکاری محمد ناصر خان ظهیر الدوله بود و والی فارس

(۲) - از حافظ. مصراع قبلی این است: حاشا که من به موسم گل ترک می کنم.

تنبيه يموتها از جمله واجبات بود انشاء الله مأمورين اين خدمت از عهده برآيند و استخوان لای زخم نگذارند خیلی خوبست .
 اينجاها مشهور است که دختر سهام الدوله را اعليحضرت اقدس همايون روحنا-
 فداه بخدمتگذاری پسند فرموده اند اينهم از الهامات و ارادات است که بقلب همايون
 شده انشاء الله مبارك است و خیلی هم مبارك . والسلام .

۹۷

نامه حسام السلطنه بفرخ خان

مداخله قونسول انگليس در بندر عباس و مسقط

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسج حسام السلطنه ۱۲۶۶
 موافقه تعالى شأنه

عرض ميشود که بعد از ورود اين بنده بمحال دارا بجرد از بندر عباسی خبر رسيد
 که صيد سالم امام مسقط از حرکت اين اقل چاکران دولت بآن ساحت اطلاع و
 آگاهی يافته و در طهران از سفارت دولت بهیه انگليس به باليوز ساکن بوشهر
 به تلگراف اعلام نموده او نيز بامام مسقط اخبار نمود که کیفیت از اين قرار است .
 چون امام مسقط ديد که شيخ سعيد خان بشير از آمده و خدمت کرد و با عزت معاودت
 نمود مایه وحشت او شد که مبادا با اين بنده ساخته باشد . حاجی احمد هم که
 بتوسط کاربرد ازان دولت انگليس پيشکار امام مسقط شد با شيخ سعيد خان کمال
 عداوت را داشت و دارد بتحریک کارکنان انگليسيه و اغوای حاجی احمد و سوءظن
 و وحشتی که امام مسقط از حاکم بندر عباسی بهمرسانيده او را بمسقط بردند که مبادا
 در بندر باشد و اسباب کار و راهنمای اين بنده شود .

باليوز دولت انگليس نيز در اين میانه زیاده آمد و شد مینماید و غافل است

که در جزو معاهده و اجاره، حکومت بندر عباس با اختیار اولیای دولت قاهره است بی رضای اولیای دولت نمیتواند با اختیار خود حاکم تعیین نمایند. پس از آگاهی از این اخبار از پیش نورچشمی مهدیقلی میرزا را با نوشتجات که بامام مسقط و شیخ سعیدخان و عموم اهالی و سکنه و تجار بندرعباسی و استمالت و استیمان ایشان و نوشتجات برؤسای شمل و میناب و عامه رعایا و برایا و عمال آن حدود روانه آن ساحات نمود و خود چندروز من باب ضرورت که تفصیل آن جداگانه عرض شده در داراب متوقف شد و اینک که این چاپار روانه شد این بنده نیز متوکلا علی الله عازم است تا فضل خدا و توجه بخت بلند سایه خدا روحنا فداه چه کند. والسلام.

۹۸

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسج حسام السلطنه ۱۲۶۶

در باب نظم ایل قشقائی

هوالله تعالی

عرض میشود در باب خان زاده های قشقائی فرموده بودید که در نوشتجات باختلاف نوشته ام. چنین نیست. مقصودی در کار آنها بهیچوجه نداشتیم که مختلف عرض کنم، نه با ایل خانی محبت زیادی داشته و دارم و نه با سهراب خان و علیقلی خان و قبادخان عداوتی. از بدو ورودایل خانی از بی نظمی کارش بسبب هرزگی آنها اظهار کرد، مدت ششماه گوش بحرفهای او نداده، سهرابخان بشیراز آمد، بلوک قیر و کازرین را باو دادم. علیقلی خان خواست از کنار شهر برود به ییلاق و هیچ اعتنا بمخلص نکند. میرزا محسن را فرستادم او را بشهر آورد و به او نوشتم و گفتم که از جان و مال و عیال آسوده باشد. بعد از آمدن شهر همراهان آنها ازطایفه قشقائی و تفرقه جات سایر ایلات که نزد خود جمع کرده بودند هریک از اینها هزارخانه متجاوز بود که همه هرزه و دزد بودند بنای دزدی و راهزنی را گذاشتند،

حاصل دهات مردم را می‌چرانند و آشکارا غارت اموال مردم را می‌کردند بحدی که عنان اختیار از دست رفت. ازایل خانی مؤاخذه کردم بدلیل و برهان ثابت کرد که کسان او نیستند و معلوم شد که متعلقین خان زاده‌ها اعتنائی بحرف ایلخانی ندارند. داراب خان برادر سهراب خان کدخدای ده ایلخانی را آنقدر زده بود که در زیر چوب مرده، نعش او را آوردند. آدم ایلخانی بهرجا رفت مخدولا و منکوباً برگشت. سه ماه تمام بهمین حالت محض ملاحظه خان زاده‌ها گذشت و رسوائی بحدی شد که مخلص از دست غارت زده و عرضچی بیرون نتوانست برود. باین جهت عرض کردم که ملفوفه فرمان تهدید، شرف صدور یابد که شاید امر اینها باصطلاح بگذرد. درین سه ماه مجالس عدیده فراهم آورد و اینها را دریکجا نشاند و مصلحین را بجان اینها انداخت که اصلاحی بشود نشد. حتی ایلخانی راضی شد که سالی - هشتصد تومان بآنها بدهد قبول نکردند، از بلوکات خود بلوک باینهاداد تمکین نمودند و کسان اینها برای بدنام کردن ایلخانی در بیرونها هرزگی افزودند. نصرالله میرزا از آواده نوشت که مردم اینجا از دست عملجات خان زاده‌ها قلعه بند شده‌اند و قطع تردد رعایا و قوافل شده، از دست دارب خان پسر علی قلی خان شکوه نوشت. علی عباس بیک خلوتی، خزانه میبرد نزدیک بود که خزانه را غارت کنند. علی عباس بیک چون مستحفظ زیاد داشت نتوانسته بودند که دست بردی کنند. مشارالیه از عرض راه کاغذ نوشت که از دست عملة سهرابخان و علی قلی خان عبور و مرور مشکل شده. از اصفهان جناب امام جمعه و تجار نوشتند و اموال قوافل را خواستند. ملفوفه فرمان همایون را که زیارت کردم مجلس منعقد نمودم. ایل خانی را باخان زاده‌ها و جمعی دیگر حاضر کرده ملفوفه فرمان همایون را دادم خواندند. ایل خانی راضی شد که شرفیاب شود. خان زاده عذر آوردند. دیدم که کار خرابست. درین اثنا چاپار دولتی را هم برهنه کردند و اما نتهای مصحوب او را بردند و نوشتجات را بچاپار پس دادند. آن بود که از دست قبادخان عرض کردم نسبت این حرکت را باو می‌دادند.

آخراً امر ناچار شدم محصل بر ایلخانی گماشتم که او را از شهر بیرون کند و ببرد میان ایل و دزدهای قشقائی را که در اطراف خان زاده ها جمع بودند آنها را بگیرد و پاره [ای] را خود تنبیه کند. بعضی را بشهر بفرستد. خان زاده ها را هم گفتم در میان ارگ مهمان باشند و بجائی نروند ایلخانی برود بیرونها را نظمی بدهد و برگردد. آن وقت خان زاده ها را مرخص کنم و در شهر نگاه بدارم.

هنوز ایلخانی کاری نکرده متهم شده ام که پیشکش از ایلخانی گرفته دونفر خانزاده را مهمان دار بجهت آنها تعیین کرده مخارج آنها را متحمل میشود به عیال و مال و ملک آنها ودواب و اغنامشان احدی دخل و تصرف نکرده است و در دست خودشان است اگر یک گوسفندشان تلف شده باشد صد گوسفند میدهم.

همراه چاپار سابق عرض کرده ام که واقعاً اگر نظم این مملکت و ایلات را میخواهید این خان زاده ها که برادر زاده های ایلخانی میباشند باید بدست خود ایلخانی سپرد که کوچکی او را بکنند و آسوده راهی بروند. با ایل خانی هم حرف زده ام پیشکش در این باب میدهد بحضور مبارک که چهار روزی بتواند نظمی در کارش بدهد و خدمات اجداد و اسلافش بباد نرود. خواستن خان زاده ها و بردن اینها بطهران سبب بی نظمی کار این بنده درگاه شاهنشاه جمجاه روحنا فداء میشود و رشته نظم از دستم بیرون میشود قطعاً. اسلم شقوق اینست که فرمایش کنید از ایل-

خانی پیشکش بگیرم و بحضور همایون انقاد دارم، حق الجعاله [ای] هم برای جنابعالی از این خسیس نان نخور ایل خانی بگیرم و حضرات را بدست او بسپارم و قراری فیما بین بگذارم که راهشان ببرد و رفع غائله بشود و اگر غیر از این بفرمائید بخاکپای همایون قسم است که کار ایل خانی و خان زاده ها منجر بفساد عظیم میشود و مملکتی بجهت هرزگی این طایفه تمام خواهد شد و از نظم طبیعی خواهد افتاد. اگر ایل خانی لامت ذاتی نداشت و گرفته گی نمیکرد کارش خیلی خوب میشد. بذات پاک خداوندی که مخلص مقصودی در این ولایت جز امنیت

و نظم و آسودگی رعیت و وصول مالیات ندارد و خان ایلخانی هم چنین آدمی نیست که به پیشکش زیاد کار بگذرانند. هیچ خیال نفرمائید شق ثالث در این کار نیست یا باید ایلخانی باشد و کارش منظم و مضبوط بشود و عیب و نقص قشقائی از او خواسته شود. یا ایلخانی را باعلاقه [ای] که دارد بدار الخلافه یا جای دیگر مأمور بفرمایند و از خان زاده ها یکی را اختیار فرمایند و رئیس ایل قشقائی نمایند و تقویت او را بفرمایند.

احضار خان زاده ها و بردن آنها بطهران محال است که ایل خانی در فارس بماند از عقب اینها لامحاله بی احضار شرفیاب خواهد شد که در مقابل اینها او هم حرف بزند و جواب بدهد. او که بطهران آمد این ایل هرزه قشقائی در گرسیرات قطع دارم که آبادی نخواهند گذاشت. مخلص هم با یکصد سواره قراچورلوی و رامین قوه نظم و سیاست آنها را نخواهد داشت، بدست خود مملکتی را از نظم خواهید انداخت. شش سال قبل مخلص در فارس بود، ایلخانی و ایل قشقائی هم تشریف داشتند، هیچ اسمی از اینها شنیدید که بی نظمی نمایند، از وقت جناب ظهیرالدوله تا بحال کار ایلخانی از نظم افتاده، خان زاده ها سروگوشی حرکت میدهند، طوایف قشقائی را محرک میشوند و پیش خود میبرند حمایت میکنند، مالیات نمی گذارند بدهند، تحریص و ترغیب بدزدی مینمایند، ایل را هرزه کرده اند، بهارلو که هزار خانه بودند مملکتی را بستوه آوردند، اینها که چهار و پنج مقابل بهارلو هستند. خلاصه از مخلص عرض کردن است. اگر بعد از این کار اینها بی نظم شد مراد مؤاخذه نشود. عیب کار را از حالا عرض کردم، اصرار ندارم، حاکم رد و قبول هرچه کند پادشاست، والسلام.

نامهٔ حسام السلطنه به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

مردم شهر شیراز اغلب مرا خراسانی میدانند و در معاملات دیوانی و حقوقات حکومتی دست بدست میکنند و بمسامحه و دفع الوقت می گذرانند. از این بابت هم خیلی امورات بتعویق می افتد، خاصه پس از مقدمه فوت آن جوان مرگ ناکام^۱ رحمه الله علیه. خلاصه حالت این بود که عرض شد تا تقدیر خداوندی چه باشد.

نامهٔ حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

راجع به معامله اسب دریائی و کسادى بازار آن

هو

جناب امین الدوله دام اقباله العالی در باب اسب دریائی تفصیلی قلمی داشته التزام مؤکد از من خواسته بودید. راستی شما چرا باید چنین بنویسید و حال اینکه از نقیر و قطمیر این کار مطلع و مستحضرید. عملی در اسب دریائی نشده و موسم حمل آن نرسیده که من التزام با آن قیودات که نوشته بودید بنویسم و بفرستم. اولیای دولت قاهره چنین میدانند که عمل اسب دریائی مثل عمل گمرک و عشور اجناس روز بروز است و درین هفت ماه آنچه باید معامله شده و منافع کلیه حاصل گشته

(۱) ظاهراً محمدعلی خان یا میرزا علی خان بیگلربیگی فارس

است که باید حمل به ممبئی^۱ شود. تا کنون یک اسب نبرده اند و یک دینار از این بابت دریافت نشده و مداخله نکرده ام. عمل پارسال هرچه بود بقید التزام سروجان گفته ام میرزا محمد حسین قلمداد کند و هر قدر از هیجده هزار تومان علاوه دریافت کرده بعد از وضع مخارج مباشرین و مستحفظین بدیوانیان عظام نقد کار سازی کند. امساله را از جمع خود موضوع داشته ام و بخرج قسط آورده ام چرا که زیاده از دوهزار - تومان عمل نخواهد داشت و من بی جهت هیجده هزار تومان ضرر نمیکشم. عمل شتوی وصفی نیست که من کوتاهی در زراعت و فلاحت کرده باشم. اسب از ممبئی و اخورد نمیخرند. اعلام کردند و بالیوز بوشهر اخبار داد که تجار اسب نبرند که نمیخرند، باعث گله تجار ایرانی نشود. در معامله پارسال پدر مردم سوخته شد. قریب دوست نفر از تجار شیراز نیست و نابود شدند که دوست هزار تومان زیاده تر ضرر کردند که دیگر از هندوستان مراجعت بشیراز نمودند که تفاوت کلی در عمل عشور و بوشهر و شیراز دست داد.

الحاصل یا امینی مثل حاجی علینقی یا خود او تعیین شود که عمل اسب دریائی را ضبط کند. هرچه شد از یک تومان تا بیست هزار تومان مال دیوان را وصول و ایصال کند، یا بمن واگذار^۲ میفرمایند دیناری زیاده از دوهزار تومان عمل نمیتوانم کرد. بهر کدام که قرار داده میفرمایند بفرمایند که موسم میگردد و درین دوهزار تومان هم خلل میرسد. مراتب را آن بار و این بار بمقصد بخوا کپای مبارک عرضه داشته ام بهر نوع صلاح میدانند مقرر فرمایند. دیناری مداخله و معامله نکرده ام و نمیکنم، مگر اینکه حکم صریح صحیح برسد که سند من باشد تا معامله نمایم، یا بهر که میفرمایند واگذارم. والسلام.

۱- همان بمبئی مشهور هند است.

۲- در اصل: واسیگذار

نامهٔ حسام السلطنه به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

در باب تزلزل وضع حکومت

از وضع حکومت مخلص مقرب الخاقان حاجی میرزا زمان خان تعریفی که کرده است و جنابعالی اطمینان حاصل فرموده‌اند چنین نیست. چون فطرت حاجی خان خوب است و هرچه به‌من و کار من ملاحظه نموده همه از روی مهربانی و خوبی بوده همه را خوب دیده :

اگر بر دیدهٔ مجنون نشینی بغیر از خوبی لیلی نبینی

از این است که آنطور عرض کرده‌اند والا امسال کار ولایتی من بهیچوجه خوبی ندارد. «آن مصرع‌دلت که شنیدی خراب شد!». حالی از همه چیز حالت مردم تغییر کلی هم‌رسانده و چشمان دریده شده، آن ترس و بیم که داشتند بالمره از میان رفته، خاصه با این جل و چو خواستن من که هر روزه از طهران ب مردم اینجا مینویسند و مردم انتظار رفتن مرا میکشند و روز و هفته و ماه بسی شمارند. بجان شما مضمون نیست که بسازم و از پیش خود عرض کنم. آقایان عظام نمی‌دانند که در منزل خود چه حرفها میزنند و چه تدبیرها میکنند. یکی از تدابیرشان این بود که قسط این ماه را میرویم قرض میکنیم که رفتن نزدیک است بلکه بخوریم و حساب بسازیم. آمدند و خواستند و من ندادم. دینساری از حقوقات حکومتی مرا نمیدهند و با امروز و فردا می‌اندازند. سخت‌گیری میکنم میگویند مشیرالملک تحریک میکند. در منزل فراشباشی هزار فحش عرض بمشیرالملک میدهند. من هم به هزار ملاحظه بسکوت میگذرانم. بهارلو دزدی میکند و قافله میزند و مردم را برهنه مینماید. میگویم که بهارلو چرا دزدی میکند، سخت میگیرم، میگوید که بهارلو دزدی نمی‌کند، این

اسبانهارا مشيرالملک فراهم می آورد که مارا روسياه کند، بنای گله های مادر قاسمی را میگذارند. بارواح مرحوم فرمانفرما^۱ که از عمرم بيزار شده ام. هيچوقت اينطور حکومت نکرده بودم و با هيچکس اينطور تحمل نکرده بودم. اينطور تحمل مایه جسارت ديگران شده خیلی هم جسور شده اند. حالت مردم اين ولايت را که ميدانيد به يکديگر نگاه میکنند و تقليد يکديگر را مينمايند. امکان ندارد که اينطور کار از پيش برود مگر اينکه ييايم بطهران و کار درستی خود را بکنم اگر بايد برگردم باستقلال تمام برمیگردم و همه حساب کار خود را میکنند و اگر نبايد ييايم البته صاحب مملکت غم ولايت را خواهند کشيد و اصلاحی خواهند فرمود غير از اين علاجی ندارم. بخدا و بجان عزيز شما که امسال حکومت من بماشات و مدارا گذشته يک حکم حکومتی نکرده ام و بسيار هم اوقات تلخ هستم و ان شاء الله اواخر ميزان و اواسط عقرب بطور چا پاری میآيم. پاره [ای] احکامات ضرور است که از حالا بنويسيد و بلاخط همايون مشرف سازيد و بمهر مبارک برسانيد و بدهيد چا پار بياورد. در باره دستخط همايون لازم است که مردم بدانند و بيدار کار باشند و ولايت را هرج و مرج نکنند و آرام باشند تا ببينند چه خواهد شد، والسلام.

۱۰۲

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

با اعتماد السلطنه کمال داد و اتحاد در میان است

هو الله تعالى شأنه

عرض میشود که در باب تومانی عباسی جناب مجدث انتساب اعتماد السلطنه^۲

(۱) یعنی فریدون میرزا والی خراسان و برادر حسام السلطنه که تازه در گذشته بود

(۲) حاج علی خان حاجب الدوله که در این تاریخ وزیر وظایف و اوقاف بوده است و

تومانی عباسی او هم مربوط به برقراری وظایف بوده است. همین طور در صفحه ۱۹ هم همین

شخص مراد است نه مصطفی قلی خان قراگوزلو که به اشتباه نوشته شده است زیرا در آنجا

صحبث از فوت میرزا محمدخان سپهسالار قاجار است که در وقت نماز صبح روز هفدهم صفر

۱۲۸۴ در مشهد در گذشته است و در آن تاریخ حاج علی خان زند بوده است.

دام عزه قلمی فرموده بودید اطاعت کرده دویت تومان این بار مصحوب چپار دولت جاوید مدت قاهره از وجه مزبور ارسال خدمت جنابعالی دام اقباله شد که بایشان برسانید و قبض الواصل دریافت بفرمائید. سابقاً در طی مراسلات معروض افتاد که با جناب مشارالیه کمال و داد و اتحاد درمیان استراهی ندارد که از طرفین نامهربانی ظاهر شود و گله بمیان آید. ایام عزت و اقبال پر دوام باد.

۱۰۳

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسج حسام السلطنه ۱۲۶۶

و عبارت: سیاهه برآورد دیده شود

راجع به آباد ساختن دوباره بهبهان

مراقه تعالی شانه

عرض میشود که در باب بنائی و کار قنات بهباهان فقره [ای] که فرزندی سلطان اویس میرزا در زمان مأموریت جناب قوام الدوله نوشته بود تعمیر همان که سابقاً در آنجا این بنده مبلغ دوهزار تومان خرج کرده و بیرون آورده است یکدو پشته آن قنات شولات است که در وقت ساختن ملتفت نشده اند و مشکل است که تعمیر شود که آب را عبور توان داد و هرگاه تعمیری شود دو روزه خواهد بود باز بزمین فرو می رود و ریزش میکند و استمرار نخواهد داشت. هرگاه مستمر جاری بود احتیاج به قنات جدید نبود. مرحوم محمد ابراهیم خان قاجار چندی اوقات مصروف داشت، کار بی دوامی بود، منظور آنها این بود که چهار صباحی همانجا را کاری کرده آبی جاری نمایند و وجهی که مقرر شده مداخل کنند و بعد از چند روز بحالت اصلی خود برگردد و وجهی از میان برده شده باشد، لهذا این تعهد و عرض را کرده اند. اما این بنده محض امتثال فرمایش سرکار همایون ظل الهی روحی و روح العالمین فداه که

بالمشافهة العلية مؤكداً مقرر فرمودند كه بهباهان را از نوآباد كرده ميخواهيم، مشغول آباداني هستم كه ان شاء الله تعالى سالهاي سال پاينده و برقرار بماند و منفعت هم هر ساله عايد ديوان همايون اعلى شود وقتاتي از دوفرستگي بهباهان در كار بيرون آوردن هستند . بنمك بامحك شاهنشاه جهان پناه روحنا فداه و بجان عزيز جنابعالي كه ديناري خيال مداخل و خرج تراشي در اين عمل خير ندارم، سهل است كه علاوه از آنچه برآورد شده و ديوانيان عظام التفات مينمايند از خود مبالغ خطيري خرج خواهد كرد، چرا كه زايد بر برآورد و بازديد مخارج دارد و اين بنده روي آنرا ندارد كه ادعاي غبن نموده آن علاوه را از جنابعالي بخواهد . لابد من باب استحكام عمل بايد از خود بر روي آن بگذارد كه اجراي حكم همايوني شود . انصافاً در دولت قاهره دريغ است ولايت سرحدي مثل بهباهان ، مردمان آن سامان در ميان دودريا كه يكي از بالاي بهباهان ميگذرد و يكي از پائين تشنه باشند و قطره [اي] آب نداشته باشند . آب انبار بسيار بزرگ سرپوشيده اين بنده در وسط شهر ساخته بود كه حال مشغول تعمير و نا تمامي آن است براي غربا و اشخاصي كه قادر بر ساختن جوي آب و حوض نيستند از آنجا مشروب شوند . ان شاء الله تعالى بعد از اتمام و اجراي قنات احداثي ساليان دراز آب به شهر و اطراف شهر جاري خواهد بود و باغات و بساتين احداث و زراعت در اطراف بلده بهباهان خواهد شد كه هم خيرات جاريات است كه عامه خلق بدعا گوئي وجود مقدس شاهنشاه مشغولند و هم منافع زراعت عايد ديوانيان عظام در سال دويم و سويم خواهد شد و هر ساله بر منافع افزوده ميشود كه بعون الله تلاقي اين مخارج بشود . سياهه برآورد مخارج را فرستادم اينها خرج واجب است پول هم داده ام و در كار مخارج و كار هم هستند . زياد از اين بنده قبيح است كه در عمل خير كه مقرون بفرمايش شاهنشاهي است خيال مداخله نمايم ، لا والله مقصودم آباداني ولايت و حصول دعاي خير است و بس .

در باب عمارت حاكم نشين و سربازخانه و جاي سوار و اسب و توپخانه و سوار بهباهان مقرر فرمودند كه قدری را حاكم بدهد و قدری را رعيت، ضحاک

با آن حالت و آدم کشتن. مستمر خانه نزول نکرد و علت خرابی بهبهان همین شد که هر حاکم و صاحب منصب که بهبهان رفت نزول کرد و مردم خانه‌ها را گذاشتند و تفرقه شدند و باطراف رفتند حاکم بهبهان و رعیت آنجا چه استطاعت دارد که تواند خانه حاکم نشین بسازد و از آن گذشته سرباز و صاحب منصب و اسب توپخانه و اسب سوار همه جا می‌خواهند تا اینها ساخته نشود امید آبادی بهبهان نباید داشت. همین امسال که معین شد که در کارند برای سرباز و سایر نوکرها جا و مکان می‌سازند، از طرف بهبهان پاره [ای] که صاحب خانه خرابی بوده‌اند مراجعت نموده و آبادانی مینمایند. بموجب حکم محکم بندگان اقدس همایون روحنا فدا آنچه بنائی و اجرای قنات و ساختن عمارات و اصطبل و غیره که بجهت آبادانی بهبهان لازم میدانسته در ساختن آن مشغول است و بانجام میرساند و اجرای حکم همایونی خواهد نمود و بدون خرج ولایت آباد نمیشود.

۱۰۴

تلگراف حسام السلطنه به فرخ خان

پنجهزار تومان حواله شد

مخابره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره ۱۷ از شیراز، تلگرافخانه طهران، گوینده خبر میرزا محمد، گیرنده خبر سید حسینخان، مخاطب جناب امین الدوله، عدد کلمات... قیمت کلمات...
یوم یکشنبه ۱۶ شهر محرم سنه ۱۲۸۵.

زحمت کشیدن شما لازم نیست. من هم مشغول تحریر نوشته جات چاپار هستم. پنجهزار تومان که فرمایش کرده بودید حواله شد که باز یافت فرمایند. حسام السلطنه. مهر تقریباً مربع تلگرافخانه مبارکه با شیر و خورشید خوابیده و پشت تامه مهر بیضی اخبار تلگراف.

۱۰۵

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

راجع به تعویض تیرهای تلگراف

هو

عرض میشود که در باب تیر تلگراف شرحی مرقوم داشته بودید که کیفیت آنرا معروض دارم. چون سنجان صاحب^۱ تعلیق از جناب عالی آورد که نزد این بنده ضبط است که از بابت تیر تلگراف و تعمیر عمارات تلگرافخانه هر قدر ضرورت کار سازی نمایم، بموجب همان تعلیق تنخواهی داده شد و چوبی خریدند و قدری هم تعمیر کردند و در کارند. نمیخواهند که تیر تلگراف را دوتا کنند لیکن میگویند که این تیرهای سابق پوسیده شده و بیمصرف است و دو سیم نمیتواند کشید باید بموجب تفصیلی که داده اند تیرهای محکم قوی خریداری و کشیده شود. چون دیدیم که قیمت و کرایه آن زیاد بر زیاده است مراتب را بجناب عالی عرض کردیم و سخن این بنده این است که در این عمل بهیچوجه من الوجوه مداخله نداشته و ندارم و نخواهم داشت. محض امثال حکم جناب عالی هر چه بفرمائید که از بابت مخارج تیر تلگراف و تعمیرات بدهم نقدی قبض گرفته خواهم داد و میفرمائید ندهم هم دیناری نخواهم داد. اگر دیگران در این عمل تلگراف منفعت کردند بنده خیال منفعت ندارم و راضی بضرر دیوان همایون هم نمیشوم. این فردی که سنجان صاحب داده و مخارجی که قلمداد مینماید البته ده دوازده هزار تومان است و این بنده بر حسب تعلیق سرکار عالی تخمیناً زیاده از دو هزار تومان نداده ام. این مبلغ در هر حال خرج داشته و دارد هر نوع مقرر میفرمائید حکم مجدد بفرستید که سنجان صاحب مطابق همان تعلیق سابق بندگان عالی وجه نقد خواهد خواست و تا سندی مجدد از بندگان عالی در

(۱) از مأمورین انگلیسی تلگراف در ایران.

دست نباشد نمیتوانم بمضمون تعلیق مزبور عمل نکنم. اجمالا اینقدر بدانید که برای من درین عمل غیر پول دادن و بیگار کشیدن فایده ندارد، معجلاً منتظر جوابم که همانطور رفتار و سلوک نمایم و علی العمیا کاری نکنم. ایام عالی مستدام باد.

[در حاشیه صفحه دیگر بخط فرخ خان] ظهیرالدوله، قوام الدوله، اعتماد السلطنه حاضر شده تحقیق شود که چرا تیرهای سابق اینقدر بی ثبات بودند که حالا باید عوض شود.

[پشت همان صفحه بخط فرخ خان] نوشتجات فارس است که تازه رسیده است.

۱۰۶

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

راجع به فرستادن قسط مالیات

هو الله تعالی شاله

جناب جلالت نصاب امین الدوله دام اقباله در باب فرستادن قسط خزانه عامره و وجوه تحویلداران دیوانی هیچ کوتاهی ندارد و انشاء الله تعالی بوقت و موقع وصول و ایصال میشود. این بار بواسطه ناخوشی مزاج من فرستادن قسط معوق ماند. این دوروز که فی الجمله حالتی دارد اهتمام نموده مبلغ ... سرانجام و انشاء الله تعالی روز بیست و پنجم شهر صفر المظفر فرستاده میشود و صورت تقسیم آنرا هم خواهد فرستاد که بهر یک چقدر از این وجه باید برسد و بعد از این ان شاء الله تعالی اگر صحت باشد معوق نمی ماند. والسلام خیر ختام.

۱۰۷

نامه حسام السلطنه از خراسان به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶
راجع به ایل هزاره

هو

جناب امين الملك سلمه الله تعالى مختصري که با چاپار غره نوشته بودید رسید موجب انبساط خاطر گردید اگر چه ظاهراً مختصر بود باطناً و معنأً شرحی بود مطول. حمد خدا را که بعد از سه سال خط شمارا دیدم و چشم مرا روشن کرد. با اینکه میدانید چه قدرها طالب و راغب شمول الطاف خسروی در باره شما بوده و هستم و از رسیدن و نوشتن اینگونه اخبارات چه قدرها محظوظ و خرسند میشوم. از شرفیابی آستان همایون و حضور آفتاب ظهور مبارک و مورد التفات شدن^۲ هیچ نوشته بودید. در هر صورت ان شاء الله سلامتی در زیر سایه همایون بخیریت و خوشوقتی اوقات مصروف دارید.

در باب احضار اینجانب بدربار همایون بآنطور که نوشته بودید مستحضر شدم. با کمال شوق و شغف عزیمت آستان بوسی دربار همایون را داشته و دارم و در تهیه و تدارك کار خود هستم و ان شاء الله غره شهر جمادی الاولی از شهر بیرون میشوم و تا پانزدهم در مصلا میمانم و بعدها شرفیاب آستان همایون میشوم و این تأمل برای اینست که سابقاً مصحوب چاپار غره در باب کوچانیدن ایل هزاره عریضه بخاکپای مبارک عرض کرده بودم و احتمال این معنی میرفت که بعد از وصول آن عریضه بخاکپای مبارک حکم صادر شود که آنها را بکوچانم و بعدها شرفیاب شوم. اکنون هم در این باب بخاکپای مبارک عریضه عرض کردم اگر مأمور میفرمایند که این خانوار هزاره را از باخرز و محمودآباد کوچانیده بعدها

(۱) در اصل : خورسند (۲) این نامه مربوط به دوره پس از تبعید فرخ خان به کاشان است که بحکم شاه دوباره سرکار آمده است.

شرفیاب شوم از قرار حکم اطاعت مینماید و اگر الان موقوف میفرمایند بعد از رسیدن حکم سوار شده شرفیاب خواهم شد و این فقره را حمل بر تعلل و طفره ننمایند اشهد بالله که خیالی و مقصودی از این عرض بجز دولتخواهی ندارم. اینکار لازم و واجب است. حاصل زحمات و خدمات و مخارج سفرهات همین ایل هزاره میباشد، از انصاف دور است که بهدر برود. در هر صورت اگر منظور کوچانیدن ایل هزاره است وقتی بهتر از این نیست که بساسم سیستان قشون به تربت فرستاده شود و بعدها خود اینجانب سواره برداشته علی الغفله برود و خانوار هزاره را بکوچاند که اگر غیر این باشد هروقت قشون بتربت برود ایل هزاره بوحشت می افتند و میکوچند و میروند در این فقره بجز خیرخواهی دولت مقصود دیگر ندارم. حکم میشود که این خدمت را انجام بدهم و بعدها شرفیاب شوم، از قرار حکم عمل میکنم و اگر عجلتاً موقوف میدارند تا شرفیابی آستان همایون که بعد از شرفیابی حکم و دستور - العمل التفات شود، بعد از رسیدن حکم راه افتاده و خواهم آمد و تا زمان راه افتادن اینجانب حکم مبارك ان شاء الله خواهد رسید و از آن قرار اطاعت و بندگی خواهد شد. زیاده زحمت نمیدهم والسلام.

۱۰۸

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

اسب دریائی امسال ضرر دارد

هوالله تعالی شانه

عرض میشود که در باب اسب دریائی و عمل آن این معامله بلوکی و بنیچه و جمع پردازی دیوانی نیست که آدمی تعدیل نموده از عهده برآید. یک سال عمل دارد و اسب را در هندوستان میخرند و تجار زیاد میبرند عشور زیاد بهم میرساند چنانچه

يکک سال آن جناب مطلع است که زياده از هيچده هزار تومان ديوان همايون رسيد .
 پارسال به مبلغ پنجهزار تومان باجاره داده شد . مشهدي محمد باقر ولد حاجي زال
 بيک قسمها ميخورد و موافق ثبت بنادر و گمرکخانه مينمايد که سه هزار تومان
 کسر عمل از کيسه در معامله سال گذشته دادم امسال هيچ عمل ندارد بعداگر
 از گوشه و کنار چند رأس اسب ببرند مشخص است و عشور آن هرچه شود از
 ديوان همايون است اينکه براي بنده جمع نمايند ديناري را قبول ندارم ديوانيان
 عظام خود ضبط فرمايند اين بنده در چنين سالي قوه اين ضرر را ندارد . عمل اسب
 دريائي هوائي است يکک سال عمل دارد واسب را خريدار هست . از هندوستان به
 تجار و اسب فروشها اعلام ميکنند اينها هم ميخرند و ميرند مال الاجاره آن هرچه
 هست عايد ديوانيان عظام ميشود امسال سالي است که خريدار ندارد براي بنده
 با اين مخارج و عدم مداخل و شکستگي حال رعايا اسب دريائي جمع کردن و وجه
 آنرا خواستن ستم است و قوه آنرا ندارم اينقدر بار من کرده ايد که نميتوانم از زير آن
 بر خيزم ديگر توانائي و قوه ندارم که بي سبب اين بار را بکشم .

۱۰۹

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر نسبتاً بزرگ نستعليق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

راجع به مخارج نوکر و قورخانه

هوا الله تعالى شانه

عرض ميشود که جناب جلالتما ب برادر با احتساب سردار کل عساكر
 منصوره دام اقباله در باب نوکر و قورخانه و غير ذلک از متعلقات امر عساكر نظام
 و غيره به تلگراف يا در طی نوشتجات شرحي مينويسند که خرج بايد از مال ديوان
 و قسط کرد و همچنين مقرب الخاقان معين الملک . درين خصوص تکليف اين بنده

چیست هرگاه بخرج مجری است فبها اعلام دارید والا اخبارکنید تا این معنی واضح شود و از روی بصیرت بعمل پرداخته شود و در حین حساب هم مرارت حاصل نگردد.

۱۱۰

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

راجع به خان زادگان قشقائی

هو الله تعالی

عرض میشود در خصوص سهراب خان و علی قلی خان که آنها را در قراول نگاه داشته ام فرمایش سرکار اقدس همایون روحنا فداء را مرقوم داشته بودید که این کار گرفتن حضرات بی پیشکش نمیشود افلا پانزده هزار تومان گرفته اید و نصف باید بحضور همایون پیشکش کرد. در این باب حقیقت اینست که مخلص چون کاری نکرده بودم بخیر سال پیشکش نیفتادم. ایلخانی خیر... علی دلش میخواست که اینها را بگیرم و بدست او بدهم پیشکش خوبی هم میداد بجان شما من جرأت نکردم که اینها را بدست او بدهم و پیشکش بگیرم خوب شد که جنابعالی حسب الامر اینطور مرقوم فرمودند و رشته [ای] بدست دادند. ایلخانی در این خصوص پیشکش خوبی میدهد هم بخاکپای همایون و هم بجنابعالی و هم بمخلص. دو کلمه [ای] مرقوم فرمائید و اذن بدهید تا قرار کار را بدهم و پیشکش خوبی از ایلخانی بگیرم و انفاذ حضور همایون نمایم. واقعاً خالی از عرض نفعسانی و حمایت ایلخانی بسر مبارک سرکار اقدس همایون و بارواح ولیعهد مرحوم که این خان زادگان اربعه که سابق عرض کرده ام تادردست ایلخانی نباشند و مطیع او نشوند و گوشمالی درستی نپسندند امکان ندارد که کار قشقائی نظم بگیرد. جنابعالی

میدانید که ایل قشقائی بزرگترین طوایف فارس است. اینها که دست بدزدی و هرزگی زدند، عرب و باصری و نفر و بهارلو، اینانلو، بوالویردی، توللی البته ده طایفه کوچک هستند که هر کدام دویست و سیصد خانوارند و در بلوکات و ولایات فارس ریخته‌اند و بنای دزدی را میگذارند چنانچه امسال همین طور کرده‌اند و مخلص هم بعضی را گرفته و بعضی فراری شده و بعضی را سوار دنبالش روانه کرده‌ام که بگیرند و بعضی را از بی استعدادی بسکوت و طفره گذرانده‌ام و منتظر وقت هستم. عمده اینها قشقائی است که باید کارش منظم باشد. ایلخانی بالصراحه میگوید و التزام میدهد که هرچه دزدی در فارس واقع شود ایلخانی از عهده برآید. البته زود زود با تلگراف جواب عرض مرا التفات کنید که اینها را بدست ایلخانی بدهم و التزام دزدی را از او بگیرم و اموال مسروقه را هم گرفته بصاحبانش برسانم و آسوده شوم و پیشکش حضور همایون را هم زود گرفته انفاذ خاکبای همایون نمایم. ان شاء الله- تعالی .

۱۱۱

نامهٔ حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه دو جا مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسج حسام السلطنه ۱۲۶۶

قنصل انگلیس بحرین را غصب کرد

و من الاخبار بالیوز^۱ بوشهر که بشیراز آمد و حاجی احمد مینابی بهمراه داشت، بعد از تجدید اجارهٔ بندر عباسی و توابع باسم امام مسقط معاودت ببوشهر نمود و از آنجا مستعجلاً کالبرق^۲ انخاطف والریح العاصف^۳ بطرف بحرین تاخت.

(۱) یعنی قونسول و در آن زمان جز قونسول انگلیس، قونسول دیگری در بنادر جنوب

ایران و فارس و کرمان نبوده است .

(۲) یعنی برق جهنده و باد وزندهٔ تند.

شیخ بحرین که شیعه بود الفرار ممالایطاق^۱ خوانده گریخت و بحرین را بالیوز بوشهر تصاحب کرد و همان علی بن خلیفه را بحکومت در بحرین گذاشت کتصرف الملاك فی املاکهم وذوی الحقوق فی حقوقهم^۲ چون تازگی داشت کیفیت را نگارش داد که مطلع باشید . اقل چاکران دولت حسام السلطنه جمادی الثانیة ۱۲۸۵ مبلغ ده هزار تومان نقد پیشکش از علی بن خلیفه گرفت^۳ و قرار مالیات داد و رفت . معدن مروارید کذائی را تصاحب می کند . رنگ مروارید را بعد از این کسی نخواهد دید . بحکام بنادر فارس بعد از این تحکم مشکل است چرا که بحرین مأمن خوبی است . زیاده از این چه بنویسم که مایه ملالت است .

۱۱۲

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

مصلحت جوئی در فرستادن یا نفرستادن پول

همراه علی عباس بیگ قبل از استحضار از قرار و مدار جدید برای جناب مستوفی الممالک میخواستیم که پانصد تومان بفرستیم چون در وزارت کل باجناب سپهسالار^۴ شرکت داشتند برای اینکه سد جوعشان شود تدارک مبلغ مزبور را دیده بودم بعد که خبر تغییر اوضاع آمد موقوف داشتیم و خدمت شما عرض میکنم که اگر بایست داده شود صلاح میدانید بحاجی عمو بفرمائید که از اندرون بگیرد و بدهد . در

(۱) اشاره است به مطلبی که بعنوان خبر و حدیث شهرت دارد و معنی آن اینست که در آنجا که طاقت نباشد فرار [از سیره پیمبران است] یعنی من سنن المرسلین هم دنباله عبارت است (۲) یعنی تصرف صاحبان املاک در املاکشان و صاحبان حقوق در حقوقشان که همان تصرف کامل باشد .

(۳) معلوم میشود وضع قونسول هم بهتر از حکام ایران نبوده است پیش آنها هم همان آتش بوده است و همان کاسه .

(۴) یعنی میرزا محمد خان قاجار که باز هم از او ذکر می خواهد شد .

محاسبات اقسام حاجت بایشان خواهیم داشت هرطور که مقتضی حالت حالیه مخلص و جنابعالی و فارس است ملاحظه فرموده از آن قرار رفتار بفرمائید. باوجود جنابعالی نباید سروکاری با دیگری داشته باشیم چنانکه جنابعالی در کار دیگران دخالت نخواهند فرمود آنها هم بآن طور دخیل نخواهند شد. در هر حالت اختیار من و کار- های من خواه حکومت باشد یا نباشد باجنابعالی است. هرطور بفرمائید از آن قرار معمول خواهند داشت.

جناب آقای مستوفی الممالک در سر مأخوذی قوام الدوله و بعضی کارهای حساب امسال با ما درست راه نرفتند. ندانستم از چه بابت بود من که نسبت بایشان خلافی نکرده بودم و خیال خلاف هم نداشتم. نمی دانم چه واقع شده همین قدر جناب عالی مستحضر باشید تفصیل را از حاجی عمو تحقیق بفرمائید تا تفصیل را عرض کند. والسلام.

۱۱۳

نامه حسام السلطنه به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع حسام السلطنه ۱۲۶۶

با دو چاپار هزار تومان برای آقای مستوفی الممالک فرستاده شد.

هو الله تعالی شأنه

عرض میشود که آن بار چاپار مبلغ پانصد تومان نقد خدمت آقای مکرم مستوفی الممالک دام اقباله العالی ارسال شد، با این چاپار هم مبلغ پانصد تومان دیگر برای آقای معظم الیه نزد حاجی عمو فرستادم که خدمت ایشان بدهد. بعدهم هرچه جنابعالی بعد از ترضیه و حصول مقصود قرار بگذارید اطاعت میشود. در هر حال اختیار با جنابعالی است مرا اختیاری نیست و نخواهد بود.

هو

جواب مطالب نواب حسام السلطنه است که حسب الامر چاپار

نیمه شهر صفر نوشته میشود

در باب خرابی باغات و عمارات دیوانی شیراز تفصیلی که نوشته بودید، با افرادی که بهر و برآورد هر محل را نموده بودید از نظر مهراثر همایون گذشت، استدعای والا را قبول فرمودند و بر طبق استدعای والا ملفوفه فرمان مهر لمعان صادر گشت و بدستخط مبارک مزین شد و مخصوصاً باین بنده مقرر فرمودند خدمت والا بنویسم که این کار تعمیرات را مثل ازنه سابق رجوع باشخاصی ننمائید که تنخواه دیوان را تلف نمایند و تعمیرات را ناقص و نا تمام بگذارند. باید خود نواب والا هم مراقبت مخصوص بعمل بیاورند و هم رجوع بشخص امینی نمایند که تنخواه بدون عیب بمصارف تعمیرات برسد که در آخر سال که معمار مأمور میشود موافق افراد انفرادی از تعمیر عمارات چیزی باقی نمانده باشد.

در باب قسط مالیات و گمرک مقرر فرمودند که کمال اطمینان را بکفایت نواب والا داشته و داریم که آنی غفلت از خدمات محوله بخود ندارد چنانکه به تلگراف هم خبر داده بود که بقایای سال قبل را با قسط اول مالیات و گمرک بصحابت علی عباس بیگ روانه داشته است ولی بسبب مخارج کلیه دولتی که هر ساعت لازم میشود باید ان شاء الله بطوری مراقب باشند که این وجوهات بوقت و موقع برسد که بهیچوجه تعویق و تأخیری در وعده قسط حاصل نشود بخصوص تنخواه گمرک فارس که مخصوص مخارج خادمان حرم است که ماه بماه باید برسد و یکروز نمیشود بتعویق انداخت. فرمودند که اهتمام کنید که وجه بیست هزار تومان تمسکی را که مخصوصاً معین شده که بمصارف قلعه جات گرگان و غیره برسد زود برسانید که کار بنائی آن سرحدات بتعویق نیفتد.

* * *

تفصیلی که در باب بنائی و قنائی بهبهاان نوشته بودید معروض افتادولی فرد برآورد آنجا هنوز بنظر مبارك نرسیده هرچه جستجو شد هنوز بدست نیامده اگر پیدا شد بنظر همایون خواهد رساند و جوابی که مقرر خواهند داشت خدمت والا خواهد نگاشت احتیاطاً با این چاپار نواب والا فرد جدیدی انقاد دارند.

* * *

تفصیلی که در باب نزاع مقرب الخاقان محمد قلی خان ایلخانی باعلیقلی خان و دیگر برادر زادگانش نوشته بودید بعرض حضور مبارك رسانید مطبوع و پسندیده آمد حسب الامر ملفوفه فرمان مبارك صادر شده انفاذ گشت زیارت مینمائید یارفع تقار طرفین را نموده یا روانه دربار گیتی مدارشان مینمائید.

* * *

۱۱۴

دنباله جواب مطالب نواب حسام السلطنه است که حسب الامر چاپار

نیمه شهر صفر نوشته میشود

در باب بعضی ازایل افشار که بتحریرک غلامرضا و مصطفی قلی ریش سفیدان ایل فراری بخاک فارس شده سابقاً مقرر داشتیم که آنها را روانه کرمان نمائید به تلگراف هم تأکید فرمودیم اگر چه شما خبر دادید که به مهدیقلی میرزا سپرده اید آنها را روانه نماید باز مؤکداً میفرمائیم که وکیل الملک این تفرقه را اسباب بی-نظمی کارکرمان میدانند باخدمات مشارالیه حین است برای این جزئیات دلخور بشود و یا کارش غیر منظم بماند البته هرطور هست آن تفرقه را مراجعت به کرمان بدهید.

* * *

در باب مأموریت فوج و سواری که بتأکید نوشته و تلگراف نموده بودید مفصلاً معروض خاکپای مبارک داشتم. سوار شاهسون افشار که چند روز بود وارد دارالخلافه شده بودند بجناب سپهسالار اعظم^۱ فرمایش شد که معجلاً آنها را روانه شیراز نمایند و عنقریب در کمال آراستگی روانه میشوند و اینکه مقرر شده بود فوج شقاقی روانه شوند بسبب بعضی معاذیر لازمه مأموریت آن فوج موقوف شده مقرر شد که محمد ابراهیم خان سهام الملک بچاپاری روانه اصفهان شده فوج سه دهی را بسرهنگی میرزا عبدالوهاب خان که مرد رشید با نظمی است روانه شیراز نماید و فرمودند پانزدهم ربیع الاول فوج از اصفهان روانه شیراز خواهد شد و نیز مقرر فرمودند که یکی از افواج آذربایجانی که عنقریب میرسند بعد از این فوج و سوار روانه شیراز خواهند گشت.

* * *

تفصیلی که در باب ملخ خوارگی و سن خوارگی و غیره و غیره که نوشته بودند معروض خاکپای مبارک افتاد مقرر فرمودند اغلب اوقات این گونه حوادث وارد شده و رعیت از عهده مالیات خود برآمده است چه مضایقه که امسال قدری زیادتیر شده باشد ولی نظر بکمال وثوق و اعتمادی که به امانت و کفایت و درستکاری شما داریم از خود شما سؤال میکنیم که چه باید کرد؟ آنچه در این باب بخاطر شما میرسند بعرض برسانید تا جوابی که لازم است مقرر گردد.

* * *

در باب مخارج تلگرافخانه فارس از قبیل تیر و غیره تفصیلی که نوشته بودید بعرض اقدس اعلی رسید مقرر فرمودند علی الحساب آنچه داده اید کفایت می کند علی الحساب دست نگاهدارید تا خبر ثانی برسد. به تلگراف هم خدمت والا اعلام نمودم هرقراری که داده شد یا به تلگراف یا با چاپار خدمت والا خواهد نگاشت.

* * *

(۱) یعنی میرزا محمد خان قاجار پسر امیرخان سردار و متوفی ۱۷ صفر ۱۲۸۴ در مشهد

در باب ذغال سنگ تفصیلی تلگراف نمودم حالا هم حسب الامر مینویسم که باید بهرطور هست از حد محمره تا بندرعباس سعی کامل بفرمائید که ان شاء الله معدن ذغال سنگ بدست بیاید ، میفرمودند شما خوب میدانید که پیدا شدن ذغال سنگ در کنار بحر عمان چه منفعت ها برای دولت علیه دارد . یکی از منفعت [ها] این است که دولت صاحب کشتی جنگی و تجارتی میتواند بشود و بدون این غیر مقدور است که دولت بتواند کشتی نگاهدارد . فرمودند اگر ان شاء الله شاهزاده این معدن را پیدا کند هرگز این خدمت از نظر مبارک محو نخواهد شد .

[زیر همین متن بخط ناصرالدین شاه نوشته شده] دوفرهیم از این جا مهندس قرارشد برونند پی ذغال سنگ ازراه محمره و بندرعباس .

تلگرافی که در باب هرزگی مهابادیها نسبت باهالی نطنز بسبب حمایت حاجی آقا و آقا گل فرموده بودید مطلع شدم پیش ازاین تلگراف نوشته آقا سفار نایب نطنز رسیده بود و تفصیل را معروض خاکپای مبارک داشته فرمایشی برای دفع حاجی آقا و گل آقا فرموده بودند . ان شاء الله تعالی عنقریب رفع شر این دومفسد میشود و اهالی نطنز و اردستان آسوده میگردند .

یکصد تومان پیشکش عید مولودهم در همان روز عید از حضور مبارک گذشت مقبول و مستحسن افتاد .

نامهٔ نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان

نامه بدون مهر است

توصیه در بارهٔ صادق خان

هو

عرض میشود دیشب آخر مجلس بر حسب تقاضا صحبتی از صادق خان ولد مرحوم یحیی خان خدمت سرکار بمیان آمد و از حالت و تشریح احوال او آنچه میدانستم عرض کردم. امروز صبحی مشارالیه بدون اینکه از این تفصیل اطلاعی داشته باشد پیش من آمده بود که در باب او عرض و اظهار نمایم. گفتم نعم انوفاق^۱ که دیشب حرف تو بمیان آمده باری در اینکه این جوان بسیار آرام و مستعد خدمت است سخنی نیست خودش هم که خانه زاد دولت است و از طرف مادر هم از وابستگان خانوادهٔ سلطنت است^۲ بدیهی است که شغلش چاکری است بقالی و بزازی نمیتواند نماید. متوقع هستم که شما توجهی و التفاتی کامل فرمائید خدمتی برای او معین نمایند و در زیر سایهٔ مرحمت و التفات خود سرکار تربیت نمایند. من متعهد هستم که بزودی ترقی نماید و مصدر هر نوع خدمت که سزاوار دانید شود و الا باین حالت ول و سرگردان متصل کنج خانه بنشیند و تربیتی نبیند بدیهی است که هیچ نخواهد شد. علی ای حال بسته بمرحمت کامله و توجه شاملهٔ سرکار است. زیاده عرضی ندارم. فی دوم شهر محرم الحرام ۱۲۷۹.

(۱) کذا و ظاهراً صحیح آن: الوفاق

(۲) گویا پسر یحیی خان چهریقی برادرزن محمد شاه مراد است

۱۱۶

نامهٔ نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان

نامه بدون تاریخ است

تقاضای سیصد تومان پول

هو

عرض میشود آن چند روز که از شرفیابی حضور محروم شدم پریشانی حواس مانع بود. دختر نورچشمی اسحق میرزا بشدت ناخوش شد و جمیع خیال باو مشغول، لهذا نتوانستم زحمتی بدهم. میرزا هادی وعدهٔ وجهی داده بود که غرهٔ ماه برساند اخراجات لازمه دارم. بعلاوه جمعی از اصحاب طلب که امان را قطع کرده اند. اگر چه این وجوه کفایت آن ملزومات را ندارد ولی باید ساکت کرد و از نفع طلب چیزی داد که بآن مست شوند. قبض سیصد تومان نوشتنم ارسال خدمت داشتیم مقرر فرمائید که امروز وجه را بھر که محول مینماید بنویسد تسلیم نمایند. این قدر بر رأی شریف معلوم باشد که تا بسیار بسیار واجب نباشد ابداً زحمتی نمیدهم مختارید. والسلام. از تشریف فرمائی موکب همایون و روز ورود اگر خبری صحیح خدمت سرکار باشد مقرر دارید و همچنین از تشریف آوردن خود سرکار بشهر اطلاع دهید. زیاده عرضی ندارم. والسلام.

۱۱۷

نامهٔ نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان

نامه بدون مهر است

ظاهراً تقاضای مأموریت تازه است

هو

عرض میشود با این چاپار نیمهٔ ماه شرحی ننوشته و مطلقاً توجهی نفرموده بودید. نمی دانم با اینهمه صدق و صفا که دارم چرا اینقدر تغافل مینمائید و از یادآوری مضایقه میفرمائید. اگر از راه فراموشی باشد خوبست والا خدای نکرده از راه

بی‌لطفی باشد زهی بی‌سعادت و بدبختی است. میرزا ابراهیم پاره [ای] فرمایشات شفاهی که در نفس الامر امر همایون بوده و به تقریر سرکار مقرر بوده است نوشته بود. منتهای افتخار را از هر مقوله امر مبارک دارم. لله الحمد شکر می‌نمایم که در این دو سال و نیم مأموریت ذره [ای] بر خلاف امر همایون قدم بر نداشتم و در مأموریت آنطوری که مقرر بود اطاعت کرده خدمت خود را بانجام رساندم. حالا هم که این مرحمت خاص را فرموده آقا و ولی نعمت زاده [ای] را مأمور این خدمت فرموده اند کمال مفاخرت را دارم که جان نثاری نمایم و خدمتگذار باشم و لازمه بندگی را در خدمتشان معمول دارم. اما در فرامین مبارکه و احکام دولتی مطلقاً امری در احضار و شرفیابی خاکپای مبارک نشده بود. بکاغذ میرزا ابراهیم هم که تکلیف نبود حرکتی شود. الان را منتظر حکم و وصول فرمانم ولی در چاکری و بندگی دولت ابد مدت عرض خود را اگر کتمان نمایم چنین میدانم که از طریقه عبودیت خارج است و این هم بدیهی است که نقیر و قطمیر را در چاکری از ولینعمت و شاهنشاه باید خواست. پریشانی امور من بر شما واضح تر از همه است و بهمان یک مجلس باغ - سوسوک خان' که شب خدمت سرکار رسیدم تشریح احوال و اوضاع من کما هو - حقه معلوم شده الان خیلی از آن روز بدتر است و کار پریشان تر. خلاصه این قدر متوقعم که مرحمتی در حقم فرمائید که اقلاً قوه و استطاعت حرکت باشد. تفصیل این مجمل را در نوشتجات جناب سردار و مقرب الخاقان معین الملک نوشته‌ام که عرض نماید بجهت اطلاع کاملی که داشته‌اند و دارند. در این صورت بی‌پرده‌تر از این و مفصل‌تر از این عرض کردن محض زحمت سرکار است. وعده مرحمت بزرگتر و خدمت بالاتر از این راهم که بمیرزا ابراهیم مقرر داشته بودید مزید مفاخرت شد. بدیهی است اگر چنین مرحمتی شود از رو سیاهی این ضرر هم که الآن متمنی شدم بوجه تکمیل ان شاء الله برمی‌آیم که ابداً ضرری بدیوان اعلیٰ نرسد. شما توجهی فرمائید که این ساعت امر بگذرد و الا بروج پاک و لیعهد رضوان مهد، طاب ثراه که اگر قرضم میدادند و

این راه برایم مسدود نبود قطع بدانید که ابداً اظهار این عرض را نمیکردم اما کاری اضطراری والضرورات تبیح المحظورات زیاده عرضی ندارم. تفصیل را میرزا-ابراهیم عرض نمایند فی ۲۱ شهر شوال المکرم ۱۲۷۷.

۱۱۸

نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به میرزا محمدحسین خان دبیرالملک

پشت نامه مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع المتوکل علی الله

عبده فیروز و تاریخ مشخص نیست

در باب سنگ فرش کوچه های ارگ و اراضی بیرون دروازه شمیران

هو

سرکار مقرب الخاقان دبیرالملک دام عزه را زحمت میدهد در باب سنگ بند کوچه های ارگ دارالخلافه که امر و مقرر شده بود عالیجاه محمودخان احتساب آقاسی^۱ وارد شد و احکام و کتبیچه^۲ او را زیارت نمودم و ان شاء الله نهایت اهتمام در پیشرفت خدمت مزبوره خواهد شد. معلوم است انجام این خدمت در عهده بنده است، چگونه کوتاهی میکنم. صورت سنگ تراشانی که الی حال از ولایت خارج آمده اند و در دارالخلافه مشغول کارند از قرار تصدیق عالیجاه محمودخان و حاجی جعفر-خان معمار^۳ بقراریست که نوشته اند و در جوف مراسله گذاشته ارسال داشتیم مطلع خواهید شد بعد از این، روزه هم نیستند کارخوب خواهند کرد.

در باب مترجمین که مقرر شده بود در خلوت سرپوشیده مشغول کار باشند، از قراری که مقرب الخاقان ناصرالملک^۴ میگوید در آنجا جای آنها تنگ است و آنها اطاقهای متعددی می خواهند که جدا جدا هریک مشغول کار باشند. خود ناصرالملک گفت مراتب را با ادله و برهان باولای دولت به اردوی همایون نوشته عرض کرده ام

(۱) اصل: کوچهای. (۲) عموی فرخ خان که بعداً لقب او احتساب الملک شد

(۳) معمار باشی دولت، پیش از محمدتقی خان پدر بزرگ کامران میرزا.

(۴) میرزا محمودخان قراگوزلو.

البته عریضه او رسیده اگر جای دیگر برای آنها معین میشود در آنجا ساکن خواهند شد و اگر مقرر میشود در همان خلوت منزل داشته باشند اطاعت خواهد شد. ایام عزت مستدام باد.

هو

[در حاشیه نامه] در ثانی زحمت میدهد من جمله احکام کتابچه دستورالعمل عالیجاه احتساب آقاسی تشخیص اراضی بیرون دروازه شمیران است که مال دیوان است. در یک فقره اراضی باغ مرحوم میرزا محمدعلی خان قرار شد قباله جاتی که مرحوم میرزا محمدعلی خان از مالکین سابق خریده بوده است و بکوچ او منتقل شده بوده ابراز کنند و با قباله [ای] که بحاجی میرزا آقاسی مرحوم فروخته است بسنجند و معلوم کنند تفاوت آن قباله جات چه میشود. عالیجاه محمودخان آن قباله جات را حاضر کند و درست رسیدگی کند و تفاوت آن اراضی را معلوم نموده معروض خدمت اولیای دولت دارد تا در ثانی هرچه در آن خصوص حکم اولیای دولت قاهره صادر شود از آن قرار اطاعت کنیم. ایام عزت مستدام باد.

[دستخط ناصرالدین شاه] در باب اراضی باطلاع امین الدوله جواب نوشته شود.

۱۱۹

نامه نصرت الدوله فیروز میرزابه فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

ارسال وجه مبارکباد و چشم روشنی

قربان وجود شریفتم در دنیا چاپ و چاپول و خصوصیت رسم است و متداول و هر کس موقعی را ملاحظه کرده بمضامین مختلف اسبی میخواهد بتازد. اما در مرحله من و شما و حکایت تهنیت ها خودتان را شاهد میکشم که هنوز هیچ نشده و اثری ظاهر نگشته تهنیت خود را به قزوین فرستاده بودم اینهم بفال همایون بود و

داخل معجزات. بعد از این شما پیکره ادراك را از آن قرار از مخلص داشته باشید و بی شعورم در خدمات دولت و ملت و شور و صلاح دوستان بجا نیاورید. برای منم علی الرسم چاپ و چاپول بی مزه لازم افتاد ه بود اینهم دو قسم است یکی تهنیت آن است طوری بعمل بیاورم که مافوق نداشته باشد یکی هم ظاهری و مختصر است. در دنیا هست و نیست من و وجود و حیات من الآن منحصر بیک پسر است که حمید^۱ است. مبلغ پنجاه تومان برای تهنیت و مبارکبادی که از حقارت او خودم شرمسارم حمید را حامل او قرار دادم که در دست گرفته بخدمت شما مشرف شده عذر بخواهد و تربیت خودش را و ادب و آداب و نکات انسانیت را از آن وجود شریف مستدعی باشد که همیشه شامل حال او باشد کفایت میکند. والسلام.

[در حاشیه]

مراسله شیرین شمارا دیدم مکرر خواندم آفرین گفتم نکات فهمیدم خودم هم تربیت یافتم. صد هزاران آفرین. کبر و غرور نخوت آخرش اینست که می بینم روزهای آذربایجان را و رفیق را یاد بیاور و حالت حالارا ببین آخر چه ضرور بحق خدا هر ساعتی هزار عبرت میگیرم و از حالت شکسته نفسی که میدانی دارم باز هزار مرتبه توبه و استغفار میکنم خدا شمارا ان شاء الله بسلامت بدارد که از حالت خوشی و خوب شما که سرتاپا دوستی و محبت است لذتها ببرم بلکه ان شاء الله بی غرضی های شما این مخلوق را هم اندکی از غرض و مرض بیندازد که اندکی در فکر آدمیت و خیر خواهی باشند...^۲ مرا فراموش نفرموده باشید فرمایش خود را بی ساخته بگوئید که قلباً محب و دوست شما هستم و دوستی منم مخصوصاً خالی از میمنت نخواهد بود. درین باب تجربه ها کرده ام طمع و توقعی ندارم مگر محبت قلبی و دوستی که همه چیز هم در ضمن این متضمن است و باز نکته را از دست نداده در کمال پختگی بیان و ادا نمودم که در پولتیک فرنگستان هم و عجمستان هم نبود. والسلام.

(۱) یعنی سلطان عبدالحمید میرزا فیروز نصرت الدوله

(۲) چند کلمه نامه پاره شده است

حمید را مراقب بوده مورد مرحمت های ملوکانه فرمائید. والسلام.
 نکته جاندارا حکایت حکومت عیسی خان بیگلریگی بوده که میخواستیم
 اشاره دارم و شما ملتفت همه اقسام و نکات او شدید. صد هزار آفرین. جانم بقدرت
 ادراک باد. چنین کنند بزرگان که کرد باید کار.

۱۲۰

نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

در باره روابط دوستانه اداری

عزیزتر از جانم خان نامهربان را سلام میرسانم خوب من هیچ ننویسم
 شما هم باید مرا یاد نکنید نوشتن من سببش خجالت است شما چه میگوئید. باری
 سلامتی را دارم آقا بالارا فرستادم گذراندن پیشکش را از حضور مبارک هر قسم که
 دوستی مقتضی است معلوم است کوتاهی نخواهید کرد و اگر زحمت را قبول کنید
 باقای حقیقی و نامهربان از مخلصان قدیم خود این دو کلمه را عرض کنید. زیاد
 کم مرحمتی فرموده و زیاد بی التفات شده اید. من هم که ازدست رفتم رسم بزرگی و شیوه
 دوستی شما کرد یا اینطور نبود از بدبختی من در حق من گویا اینطور است و شکوه
 و شکایت هم بخدا از کسی ندارم مگر از بخت و اندکی از بی توجهی جناب آقا. من که
 تا هستم مخلصم میخواهند لطف فرمایند یا قهر. خلاصه پاره پاره شوم دست از
 ارادت برنخواهم داشت.

بعضی فقرات از جهت خانه های طهران و مطالب خدمت آقا عرض شده گویا
 وقت توجه و التفات باشد که زیاد ازدست نروم شما هم گوشه اورا بگیرید ممنون
 خواهم شد و اگر حکایت نفرت اوطاق حاجی جعفرخان است نمیخواهم.

لعبت شیرین اگر ترش ننماید مدعیانش گمان برند به حلو^۲

(۱) در اصل بدون حرف راء. (۲) از عنصری و مصراع اول آن اینست:
 چنین نماید شمشیر خسروان آثار (۳) از سعدی است.

ناقابل سوقاتى فرستاده شد كه خود از اظهار او شرمنده ام. مرد بسيار بزرگ باشيد و بزرگى بگذرانيد.

فقره قبض را كه پارسال نوشته بود محبت سركار را زياده از اين ميدانم ضرور نيست بفرمائيد بخدا كه ميدانم قلباً به من محبت داريد اگر اورا لطف فرمائيد چنين نيست كه منم تلافى نكنم زيرا كه بزرگ هستيم اندكى توجه از دوستان لازم است مختاريد.

۱۲۱

نامه نصرت الدوله به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاريخ است

عذر خواهى از ملاقات نكردن

خدمت جناب امين الدوله سلام ميرسانم عيد و رمضان دست بهم دادند. روز عيد ميخواستم خدمت برسم گاهى سلام و بعد سرور و بعد حضور مهد عليا فرصتى نداد و كمال خجالت به مخلص حاصل شد. ديروز هم در اول رمضان بخدمت ميرسيدم بسيار كار شيرين ميشد ميبايست شما هم توصيف نماييد. خلاصه كلام اين است كه روز عيد و بعد از آن ميبايست بخدمت شما برسم فرصت نشده و عذر موجه است بخيالتان چيز ديگر نرسد منم از اين جهت خجلم و حاضر بهرچه رآى شريف قرار - گيرد. حاضر هستم در در خانه عمارت خورشيد روز شب و يادر شهر بهرچه بفرمائيد اطاعت كنم. براى مطلب مختصر اينقدر طول كلام من بواسطه روزه و بهت اوست حالت شما چيست. والسلام.

۱۲۲

نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

اظهار نگرانی از نبودن فرخ خان در سلام

هو

فدایت شوم امروز در سلام تشریف نداشتید، محل تشویش شد، انشاء الله وجود جنابعالی را تکسری نیست، سبب تشریف نیاوردن را مرقوم فرمائید. الآن جواب حکم از نواب والاحسام السلطنه بیجناب آقا باتلگراف رسید. مظنه از قرار مرقوم امروزیا دیروز بایشان خبر رسیده جناب آقا تلگراف را التفات فرمودند مخلص خواندم. چون حال موقع نبود شرفیاب نشدم. اگر مجالی و دماغی دارید عصر را شرفیاب بشوم. والا میفرمائید صبح خدمت برسم. زیاده عرضی ندارم والسلام.

۱۲۳

نامه نصرت الدوله فیروز میرزا به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است

توصیه در باره بهاء الدوله

قربان وجودت حکایتی از جهت نواب بهاء الدوله مذکور شد و محقق کرده و راجع بمنزل سرکار کردند. خلاصه کاری است شده توقع دارم که در تلافی این کار بکوشید و رفع بدنامی و تهمت را از او بفرمائید که به آبرو بشهریباید این توقع را مسلماً از سرکار دارم بلکه جمعی دارند. زیاده زحمت ندارم. والسلام.

۱۲۴

نامه نصرت الدوله فيروز ميرزا به فرخ خان

نامه بدون تاريخ ولى استثنائاً امضاء دارد
راجع به حكومت برادرش لطف الله ميرزا احتمالاً براى كاشان

فداى وجودت بنده الى حال عادت به تكليف شاقى نكرده ام و ندارم و
اين... اج است و ميل خاطر جنابعالى سركار معزالدوله حاكم شدند و امير
راهم از كاشان ميبرند. نواب اخوى لطف الله ميرزا^۳ كه با شما هميشه رايجان بوده
و مخلص بوده و التفاتى داشته ايد درعوض او اين را ميل داريد بگنجانيد يانه بى-
پرده و رويابى محرمانه اشاره فرمائيد. اگر لطف فرمائيد از كسالتش بيرون آورده ايد
و سرموئى از اطاعت و رضاى شما تخلف نخواهد كرد. والسلام نصرة الدوله.

۱۲۵

نامه نصرت الدوله فيروز ميرزا به فرخ خان

پشت و روى نامه نوشته شده است و مهر و تاريخ ندارد
راجع بكارهاى آذربايجان و وراث ملك قاسم ميرزا

هو

عرض ميشود حال تحرير كه ۱۷ شهر شعبان است چاپار روانه است به
تحرير اين مختصر زحمت افزا مى شوم. اولاً نهايت امتنان از لطف هاى سركارى دارم
و از حفظ الغيب ها و تلافى ها كه همه روزه ميفرمايند كمال شرمسارى. خداوند
فرستى دهد كه خدمتى توانم نمود. ثانياً از احوالات مستفسر باشيد پريروز روز ۱۵
جناب سردار عازم قراچه داغ شدند. همان روز به باغميشه خانه حاجى ميرزا مهدى

(۱) چند كلمه در نامه پاره شده است

(۲) يعنى اسماعيل ميرزا پسر بهرام ميرزا معزالدوله كه حاكم كاشان بود.

(۳) پسر عباس ميرزا كه گويا نامزد و يا داوطلب حكومت كاشان بوده است.

کلا نتر رفتند و فردای آن روز را روانه شدند. معاون الوزاره هم همراه ایشان روانه شدند. مقرب الخاقان معین الملک^۱ و امین نظام^۲ و ساعد الملک^۳ در تبریز هستند. قرار دادم که همه روزه در، درخانه حاضر باشند و خدمات دولتی را انجام دهند. چاکر ارادت شعار دولت جاوید قرار هم که من الغدو والاصال حاضر خدمت همه وقت بوده اگر بعضی اوقات مهجور و محجوب بوده ام بمقتضای تکلیف و تبعیت بوده و الاتقاعد و تکاهل هیچگاه از خدمت ندارم. حالا که حسب التمنای جناب سردار اینطور خواسته حاضر بر خدمت و جان نثاری هستم و منتظر رجوع فرمایشات. وزیر مختار پروس^۴ که از قرار اخبار از دارلخلافة مبارکه می آیند، عالیجاه تقی خان ولد حاجی حسین علی خان حاکم خوی که تبریز است مأمور به پذیرائی و مهمانداری شد. تشریفات او را از قرار دستور العمل معاون الوزاره که نوشته معمول میداریم. انشاء الله بطور خوش و دلخوش روانه خواهد شد تا حالا که از آمدنشان اثری و آثاری نبوده. تقی خان فردا از تبریز روانه است رشمه و اسباب لازم داشت دادم و ملزومات که لازم بود قرار شد تدارک نماید. دیروز همه اعیان و بزرگان را خواسته مجدداً تأکید در نظم و نسق شهر و حفظ و حراست شبها در محلات و امورات اهتمامی نمودم که خیلی منظم تر و مضبوط تر در امر خود باشند. فقره نان راهم باز تأکیدی که لازم بود نمودم و در غیاب جناب سردار بدانید که دقیقه [ای] غفلت انشاء الله نمی کنم و نمی گذارم که تغافل نمایند.

دیگر شرحی مخصوصاً جناب سردار خدمت شما همان روز حرکت که بملاقات ایشان و وداع روانه کردنشان رفتم نوشتند و در مرخصی آقا دامت... نمودند که اگر صلاح دانند عرض خاکپای مبارک نمایند و استیذان حاصل کرده خود

(۱) میرزا ابوالقاسم مستوفی پیشکار آذربایجان.

(۲) محمد صادق خان شامبیاتی قاجار از رؤسای نظام

(۳) میرزا احمدخان پسر امیر کبیر و برادرزن عزیزخان سردار کل

(۴) با احتمال قوی کنت پروکش

(۵) یک جمله دعائییه خوانده نشد.

لطف فرموده همان جا مقرر داريد كه اخبارى شود واين مرحمت ميشود بدانند كه بلطف شماس و بمن هم اعلام فرمائيد تا در تهيه و تدارك باشيم كه انشاء الله پس از انقضای ماه صيام روانه شوند.

ديگر شاهزاده محمد رحيم ميرزا را روز پانزدهم كه در منزل سردار برخاستم ديدن نمودم و نهايت مهربانى كرده لطف هاى سركارى را بايشان حالى ساختم. نهايت سرافرازى از مرحمت هاى بيكران شاهنشاهى روحنا فداه دارند و كمال امتنان از تلطف هاى آشكارا و نهانى سركار، تكليف مراغه و ايالت آن جاها هم شد. چون احضار بدر بار معدلت مدار شده بودند باينجهت زيارت خاكپاى مبارك را مقدم بر همه امور دانسته روانه اند. البته بمقتضای حسن طينت شريف كمال تفقد و نهايت توجه در اصلاح امور فاسده ايشان خواهند فرمود. هيچ حاجت بعرض من نبوده مقصود تذكر خاطر عاطر بود والا همه را بهتر از همه ميداند. والسلام.

زينب خانم زوجه خان عموى ملك قاسم ميرزا طاب ثراه و بعبارت آخرى خانم ششوان پريوزها شرحى بمن نوشته بودند و در باب كسر مقررى خود نالیده بودند نوشته ارسال شد. پارسال هنگام مأموريت من كه امر و مقررشد قرارى در مقررى بازماندگان خان عموى مرحوم شد و در آن تقسيم سيصد تومان باسم زينت خانم معين شده بود. اين سفر كه نورچشمى امامقلى ميرزا باستان مبارك مشرف شده تغيير كلى در آن تقسيم داده اند. ظاهراين است كه شاهزاده اميرآخور آن طور تمام كرده اند و در اين تقسيم يكصد و بيست تومان باسم زينت خانم معين نموده سهل است عبارتى در آن ضمن قلمى شده كه اين مبلغ بشرط اين كه ادعاى ملكيت عجب شير نمايد برقرار است.

اولا عجب شير را عالم ميدانند كه خود مشاراليتها خريده ملك شخص اوست. ثانياً سالها، عمرى بعزت و نعمت و بزرگى در خانه خان عموى مرحوم صرف نموده

(۱) پسر بيست و چهارم فتحعليشاه كه چند سال حاكم تبريز و رضائيه بود و شوهر

خواهرش قائم مقام و شاهزاده اى تربيت شده و متجدد.

حالا که آخر عمر که آفتاب لب بام است برای یکسال و دو سال بسیار بی انصافی است که نان او مقطوع شود. ثالثاً همان قراری که پارسال داده شده بود قراری بود تمام والا از وراثت خان عمو بریده شود و بامامقلی میرزای تنها افزوده شود. بالمره پایمال میشوند. تلک اذا قسمة ضیزی^۱ بمن هیچ حرجی نیست ولی عرضی که از روی حقیقت و انصاف لازم است نوشتم اختیار با سرکار است بهتر این است که در این باب قراری از روی انصاف شود. دیگر مأموریت میرزا رضای مستوفی ولد مرحوم میرزا احمد است به پیشکاری و واری امور امامعلی میرزا. نهایت سرافرازی است برای نور چشم مشارالیه که چنین مرحمت حاصل شده حالا که منظور مرحمت و استحکام امور وراثت خان عمو است، اگر صلاح دانند عرض خاکپای مبارک نمایند و قرار دهند که کل امورات ملکی خان عموی مرحوم از تیول و اربابی در ضبط و تصرف میرزا رضا که مرد متدین و امین است باشد مال دیوان را بقاعده برساند و ضبط املاک را از روی صدق و صفا نماید که هم مال دیوان بقاعده وصول شود و هم حقوق وراثت تلف نشود و هم قروض خان عموی مرحوم برسد و الا مداخله سایرین راهی ندارد و اتلاف مال این صغیرها. از مرحمت کامله شاهنشاهانه بسیار بعید است که بدست عمرو و زید بشود. این سنه فوی ثیل که بالمره خوردند و بردند و هر کس یک بهره [ای] برد الا صغیر و وراثت و چندین دست گشت. میدانم این عرض من خلاف رأی امیر آخوَر است اما خدا میداند که نه غرضی دارم و نه طمع و نه اگر صد هزار امر مقرر شود - مداخله [ای] در این کار بخصوص میکنم ولی آنچه دانستم از روی دولت خواهی و محض دعای بقای عمر دولت که بعقل ناقصم رسید عرض کردم حالا حکم آنچه توفرمائی رأی آنچه تواندیشی زیاده زیاد است. والسلام خیر ختام.

(۱) آیه ای از قرآن: سورة ۳۰ آیه ۲۲ یعنی در صورت این قسمت کم و کجی است

۱۲۶

نامه نصرت الدوله فيروز ميرزا به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجج المتوکل علی الله عبده فیروز
و نوشته شده: مقرب الخاقان دوست مهربان فرخ خان مطالعه نماید

آقا بالابک را در گذرانیدن پیشکش راهنمایی فرمایند

هو

مقرب الخاقانا دوستا مهربانا چند گاهی است که از احوالات سلامتی شما
استحضاری ندارم اکنون که عالیشان آقا بالابک را بجهت رسانیدن پیشکش
ویارخانه عیدی روانه میداشت لازم دید که بدین چند کلمه در مقام احوال پرسی
آن دوست مهربان برآید و ضمناً اظهار دارد که چون مشارالیه درست از رسوم گذرانیدن
پیشکش و بارخانه استحضار ندارد بر شما لازم است که قدری زحمت قبول کرده
قدغن نمائید که بطور شایسته و نیکو و بموقع بگذرانند و بهرنحو مصلحت دانند
بمشارالیه حالی کنید، بدیهی است که مضایقه نخواهید کرد. دیگر محض یادآوری
و رسم معهود قدری اشیاء از قرار تفصیل جدا گانه که در جوف مراسله است بجهت
آن دوست عزیز ارسال شد باز یافت داشته و همه روز احوالات را مع هر گونه مهمی که
باشد اظهار دارد. زیاده چه نگارد، والسلام.

۱۲۷

صورت پیشکشی های مبارکباد نصرت الدوله فیروز میرزا

برای فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

تفصیل اشیاء مرسولی : ماهوت جبه دار دوقباره ، خارای درلمی حمام
قباسوار دوقباره ، خارای پنبه ای حمام ایضاً دوقباره ، قند و کله ،
چای و گروانکه، والسلام.

۱۲۸

نامه میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک وزیر فارس به فرخ خان

پشت نامه مهر مربع متوسط نستعلیق بسجع ابوالحسن بن محمدعلی الحسینی و نوشته
فرخ خان که: میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک باین غلام فدوی نوشته بنظر انور همایون برسد
راجع به محاسبات فارس

هــو

فدایت شوم به زیارت رقیمة جات التفات آیات که بمصحوب عالیجاه میرزا
موسی نایب الحکومة نیریز و مصحوب چاپار دولتی مرقوم فرموده بودید مشرف گردید
و از ظهور استقامت مزاج بندگان عالی کمال شکرگذاری بجای آورد. حمد خداوند
محمود را که دعاهائی که دراین ایام تعزیه داری جناب خامس آل عبا علیه السلام
دراین بلد شد خداوند باجابت مقرون فرمود.

در باب صورت محاسبه سنه ماضیه مرقوم داشته بودید که دیوانیان عظام تفصیل را
نوشته اند هشت هزار تومان علاوه بر باقی فرموده بودند، شش هزار تومان از بابت مخارج
بنائی و دو هزار تومان از بابت جواز گمرکخانه شیراز. اما شش هزار تومان مخارج
بنائی را تا حکم صادر نشده و ارادت شعار زیارت نکرد که از بابت باقی قسط -
پنچی ثیل مبلغ شش هزار تومان خرج بنائی نمایند ارادت شعار این جسارت را نمی نمود
که از تنخواه قسط بعوض مخارج بنائی تحویل معمار باشی میرزا حسن نماید
و باو این مبلغ را ابواب جمع کند. حالا مرقوم میفرمایند از بابت بقایای سنواتی داده
شود و حال اینکه حکم آن راهم در دو ساله مرحمت کردند و سرکار والا مؤید الدوله
قراری که با مردم باقی کار گذاشتند سه ساله و چهار ساله و هرگز این تنخواه بعوض
مخارج بنائی موجود نخواهد شد و بخصوص دو هزار تومان جواز عبور گمرکخانه
شیراز، این مبلغ را مقرب الخاقان بیگلریگی بخرج خود داده که چنانچه دیوانیان
قبول نمایند از عهده برآید. حال مرقوم میشود گمرکخانه بوشهر منافع داشته است.
ارادت شعار مکرر عرض نمود که تکلیفی که دارد نگاهداری محاسبه دیوانی است.

از يك محل دو ماليات نميشود گرفت و ديگري رعيه بيجاره فارس پارساله خواستند قدری زيادی بحضرات نيريزی نمايند. الحال از متوجهات سنه ماضيه مبالغها باقی محمد رضا خان است که طلب محمدحسن بيک. بار را که زياد بستند اصل هم بمنزل نميرسد والا از فضل خداوند و مرحمت بندگان عالی نه دخل و تصرف در تنخواه ديوان کرده و انشاءالله بعد از اينهم نخواهد کرد و نه از محال و بلوک فارس جائی را عاملی خواهد کرد يا ميکنند که خدای نکرده گرفتار پاره [ای] حکايات شود با آنهمه اصرارها و فرمايشات بندگان عالی و صدور فرمان و قرار مقاطعه دار. ابجرد بعد از اينکه بشيراز آمد و حالت حالیه حاکم و محکوم را ملاحظه و مشاهده کرد بکلی بکلی از اين خيالات کوچيد. حال هم عرض مخلص همین است دو حاکم درسنه ماضيه در اين ولايت بوده مطابق متوجهات ديوانی سند حکام معزول و منسوب را نخواهد اگر چنانچه از ماليات اضافه نخواهد تا تغيير و تبديلی در باب ماليات مقرر فرمايند ميمايد مطالبه اين را از حاکم مملکت فرمايند. پيوسته چشم به راه وصول تعليقه جات و رجوع خدمات لايقه ميباشم. امر کم مطاع.

۱۲۹

نامه ای از شيراز ظاهراً از مشير الملک به یکی از حکام فارس احتمالاً حسام السلطنه

نامه مهر و تاريخ ندارد

راجع به امور فارس

هو

روحي فداك بهمهرا چاپار قبل شرح حالات را بتفصيل نوشته ارسال داشت انشاءالله رسیده است. اينک که بيستم شهر ربيع الاول است چاپار روانه می باشد اين مختصر را مينگارد که انشاءالله الرحمن با وصول اين نوشته بسلامتی وارد دربار معدلت مدار شده مورد تففدات شاهنشاهی و اولیای دولت عليه شده ايد، بخصوص جناب جلالتماب العالی آقائی مستوفي الممالک و جناب جلالتماب امين - الدوله العليه بصد هزار زحمت که خود ميدانند دو قسط اسد و سنبله بحمدالله والمنه

در روز بیستم شهر ربیع الاول روانه شد، تفصیل را به همراه چاپار بعدخواهم نوشت. در اصفهان بسیار منتظر بودیم که شرحی قلمی از سلامتی حالات خود نمائید معلوم است فرصت نکردید. از بابت برات بقایا هم آنچه موجود شده بود حسب الحکم به همراه خزانه روانه شد. حامل خزانه، سواران و صاحب منصب فوج قرچه داغی است. امورات این جا به همان حالت هاست که بودید و دیدید تغییر و تبدیلی واقع نشده است، هر کس هم مشغول شغل و کار خودش میباشد. در باب مواجبی حاجی رضا سواد فرمانی آوردند که حکم شده است به پسر داراب میرزا کاوس میرزا داده شود، البته حتی المقدور سعی در باب برقراری مواجب مشارالیه با سم خود حاجی رضا در حضور جناب آقائی و جاهای دیگر داشته باشید، بخصوص یکصد تومان مواجبی شاهزاده حاجیه انشاء الله سعی خواهد کرد. مقرب الخاقان سهام الملک^۱ جمعه ۱۸ روانه شدند، سیورسات عرض راه را هم دادم ماه ربیع^۲ الثانی گرفتند. بجهت استحضار شما قلمی شد. جنس در گرمسیرات وجود ندارد و تسعیرات آنجا یک برده علاوه شده چاپار بحالت نوکر مأمورین آنجا باید بشود. شش بار صدف از غوص دریای - بحرین آوردند به همراه خزانه انقاد شد. ششصد دانه صدف هم از غوص جزیره خارک آوردند به همراه چاپار یک مال کرایه داده روانه شد. در باب اسب دریائی و سایر مطالب سرکار نواب اشرف والا روحی فداه مرقوم داشته اند مطلع میباشید تنخواه استصوابی مقرب الخاقان میرزا زمان را به همراه خزانه روانه داشتم مطلع باشید. بند رامجرد خرجش زیاده از اینها شده و لیکن بخوبی بحمد الله بسته شد، قلیلی که باقی است در کار اتمام آن میباشد. میرزا نعیم^۳ بعلت باقی فرار کرد مراقبت در کار او داشته باشید که بی جهت تنخواهی بیسای رعیت بیچاره قلمداد نکند که عاقبت ضرر و خسارت بسی دامنگیر سرکار والا روحی فداه شود. تنخواهی که باقی مانده بود از هزار و پانصد تومان حاجی علینقی و پانصد تومان شجاع الملکی از میرزا عبدالله

(۱) ظاهراً پسر محمد ولی میرزا که زمانی متصدی امور پست هم بوده است.

(۲) در این کلمه دست برده شده و بصورت مم بدون نقطه در آمده است

(۳) ظاهراً میرزا نعیم لشکر نویس نوری از کارکنان دولت در شیراز.

خان گرفته شد پول قسط عبدالله خان هم در این دو قسط نرسید که باقی است در بندر بوشهر بشرح ایضاً. مقرب الخاقان حاجی قوام روز بیست و چهارم وارد میشوند بعد زحمت افزا میشود. پیوسته متوقع است که سلامتی حالات خودتان را مع روی داد مهمات قلمی و ارسال دارید که استحضار حاصل [شود] هر فرمایشی باشد بلا مضایقه مرقوم دارند. چون زیاد مطلبی نبود باختصار کوشید. زیاده چه زحمت دهم. چو با هم نشستید دارید صحبت زما یاد آردای و صلتان خوش غنیمت شماریدای. هجرتان بد. بجان خودت بوالله که از شدت گرفتاری به تنگ آمدم از دست مردم این ولایت والسلام.

۱۳۰

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان پیشکار اصفهان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسجع عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۱

راجع به اهالی هرنند و محمد رضاییک

هوالله

فدایت شوم درابتدای هذه السنه جمعی از رعایای هرنند بدار الخلافه آمده به آن تفصیلات که در نظر جنابعالی است از محمد رضاییک شکایت کردند و احکام مؤکد صادر نموده معاودت کردند. بعد از آمدن آنها محمد رضاییک فوراً بدار الخلافه آمد و احکامی بر نقض احکام مدعیها صادر نمود و مراجعت کرد. چندین مجلس اوقات صرف کرده و به گفتگوی طرفین رسیدگی شد. آخر الامر قرار بر مصالحه دادند باین شروط که محمد رضاییک قرار بدهد که من بعد از این بهرند نرود و مداخله در امر آنجا نکند و بعضی شرایط دیگر. مشارالیه راضی شده طرفین در محضر جناب شریعتآب حجة الاسلام سلمه الله حاضر گردیده و بهمین نحو صیغه شرعی خواندند و طرفین آسوده شدند. در اوایل ماه مبارک رمضان محمد رضاییک مجدداً نقض عهد و پیمان کرده فراراً بهرند رفت. بعد از استحضار او را احضار کردم نوشتم که قرار اینطور نبود مهلت

خواست که بعد از رمضان بشهر بیاید. دوشنبه شب بعد از شبهای احیا آتش فتنه افروخته یک جوان مردم را بکشتن داده فرار نموده بکوههای نائین رفت. آدمی روانه داشت که او را بگیرد که تا بحال هم دردنبال اوست. مقصود از این عرایض اینست که اهل اصفهان عموماً و اهل هرند خصوصاً مردمان فضولی هستند. همینکه بدربار معدلت مدار همایون می آیند و از اولیای دولت قاهره مرحمتی نسبت بآنها میشود چون ظرفیت ندارند بعد از معاودت باصفهان بواسطه اینکه در حق آنها التفاتی شده است دیگر بهیچ قسم جلوآنها را نمیتوان نگاهداشت. فضولی فطری هم که دارند، اینست که رفته رفته منشأ اینگونه مفاسد میشوند و درهذه السنه ضابط قبول نکردند، از خودشان آدمی تعیین نمودند، بعضی راضی هستند و برخی شکایت دارند، نمیدانم چه قسم باید بآنها راه رفت. زیاده عرضی ندارم والسلام.

۱۳۱

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان

پشت نامه در دوجا مهر بیضی نستعلیق بسجع عبده الراجی فتحعلی. ۱۲۷۰

در مورد ادعای نواب اکبر میرزا اختیار با سرکار است

هواش

فدایت شوم در باب ادعای نواب اکبر میرزا شرحی مرقوم فرموده اید ، خدا گواه است که ادعای نواب معزی الیه بیجا و بیجهت است و در اوقاتی که مخلص در دار الخلافه بود چندین مرتبه همین ادعا را کرد و جواب وافق و شافی شنید . حال من باب قطع گفتگوی ایشان جنابعالی مصلحت دانسته اید که به نصف مصالحه شود اختیار با جنابعالی است. البته از طرف مخلص از هر جهت اختیار کلیه دارید. تنخواه آن را ایفاد خدمت جنابعالی میدارم که بابت مایطلب او داده شود. زیاده عرضی ندارد والسلام.

[در حاشیه] فدایت شوم اختیار کلیه کار مخلص با جنابعالی است
 ضرور بفرمایش به مخلص نیست در هر کار هر چه صلاح میدانید صاحب اختیارید
 بفرمائید بنده مطیع و منقاد هستم والسلام.

۱۳۲

نامه دوستانه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسجعه عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۰

فدایت شوم انشاء الله تعالی در زیر سایه اعلیحضرت قدر قدرت گردون
 بسطت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه این عید سعید سلطانی بر جنابعالی
 مبارک و میمون است چند روز قبل از عید که عالیجاه میرزا رضا را بدربار معدلت
 مدار همایون روانه میداشت عریضه خدمت جنابعالی عرض نموده است. اکنون هم
 که آدمی مخصوص فرزندی حسین روانه میداشت لازم آمد که بدین مختصر عریضه
 زحمت افزا شود که بحمد الله امور ولایت از هر جهت کمال انتظام را دارد و عامه
 رعایا باسودگی و فراغت مشغول دعا گوئی وجود مسعود اقدس همایون پادشاهی
 روحنا فداه هستند. سایر مطالب را میرزا رضا خدمت جنابعالی عرض مینماید. زیاده
 عرضی و زحمتی ندارد. همواره بصدور رقیعات مطاعه از صحت مندی مزاج شریف
 مسرورم فرمائید.

۱۳۳

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان

پشت نامه و در انتهای مطالب مهر بیضی نستعلیق بسجعه

عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

شکایت از محمد علی خان از مقربان ظل السلطان

هو

فدایت شوم حالت تحمل و سکوت بنده را امیدوارم شناخته باشید تا

بوسائل و تدابیر عملیه ممکن باشد ، خوش ندارم از احدی شکایت بنویسم یا دردی که در دل داشته باشم اظهار کنم . چندی قبل چون دیدم محمدعلی خان زیاده از اندازه حالی خود و فضای این ولایت حرکت می کند آن بود که محرمانه آن تفصیل را عرض کردم و معالجه را یک چند در آن دیدم که استدعا کنم بطور تجاهل که از بنده نداند بآن مضمون شرحی مرقوم دارید فی الجمله افافه کرد در ظاهر تغییری یک چند در وضع خود داد اما از فتنه میان بنده و نواب مستطاب والا بیکار نبود و آن مراقبت شبانه روز او را در حضور نواب والا مسلم است بنده ندارم . جاسوس هم نمی گمارم که واقف حضور باشد . در این مدت تکلیف ظاهر و باطن خود را از هر جهت درین دیدم که بخلاف جناب مجدالدوله و قوام الدوله و نواب والا کنار بیایم نه در مداخله کار حکومت عرصه را تنگ کنم و نه در مداخل و توقعاتی که دارند منع و جنگ نمایم موافق فردی که فرستادم و ملاحظه میفرمائید یازده هزار تومان بنواب والا و عملجات در این مدت ششماهه با همه مخارج وارده پرداخته و راه انداخته ام . مقرری که داشته اند بالتمام گرفته اند . حالا محمدعلی خان دست بنغمه [ای] که زده است اینست که برای خود شیرینی و دلربائی از نواب والا و اینکه ابقای کدورت دائمی کرده باشد روز و شب وامیدارد اسباب طلا و نقره و یراق متعدده و گل و کمرالماس و ظروف نقره حتی سیخ و میخ از نقره بسازند و تنخواه آنرا زور آورده از بنده می خواهد چون میداند این مقصود نواب والا بواسطه عدم امکان بعمل نخواهد آمد و از بنده خواهد رنجید او بمقصود خود رسیده است . اولاً از کجا و چه جا بدهم و درین ولایت با آن مخارج که خود جنابعالی بهتر از همه میدانند دیگر چه باقی مانده است و ثانیاً چرا بدهم باز کاش میسر بود و میدادم که میان بنده و نواب والا پرده در نشود . اگرچه از هر در معالجه کنم این شیطان از در دیگر اغوا خواهد کرد . و امکان ندارد تا هست آرام بگیرد و دست بردارد . اگر واقعاً جناب مجدالدوله و قوام الدوله هم بهمین تقصیر بد شدند حق داشتند و

حال آنکه در عهد آنها در یکسال دوهزار تومان علاوه بر مقرری بحضرت والانمیرسید ونوکرها برای پول حمام معطل بوده اند. حکومت داده ام. استصوابی داده ام. دستی بندگی کرده ام. این تفصیل نوکرها. بخود نواب والا هم بهمه جهت خدمتی که کرده ام آن است که در فرد معین است. حالا با این تفصیل تکلیف مخلص چه خواهد بود. تا شب نوروز شش ماه مانده است مقرری خود را برده اند. تفاوت و مداخل هرچه ممکن بود بندگی شده است حالا دیگر هر توقعی بعمل بیاید اسباب کدورت تازه خواهد شد. هر اسباب تجمل و احتشام خیالی را میخواهند درین اندک زمانی که بنده مأمور شده ام تمام کنند و محمدعلی خان خوب تدبیری کرده است از این مقوله راهنمایی و تنظیم، ابداً نواب والا از انمیرنجد و هر کدام صورت بگیرد مایه کدورت از مخلص است. اینها غیر مداخله در کلیه کارهایی است که شخصاً خود محمدعلی خان دارد و داخله و خارجه این ولایت را بشکایت واداشته و همه را متحمل هستم آنچه حسینقلی خان ایلخانی از تعدد محصلین او بسمت چهارم حال که بدون اطلاع میفرستد نوشته و رقعۀ شکایات جناب امام جمعه را که درین مدت نزد مخلص جمع شده است خجالت می کشم بفرستم و حکمهای او را که از هرجا آورده اند اگر روانه کنم حمل بر کمال بیعرضگی خود بنده خواهید فرمود لکن چکنم همه را کردم و متحمل شدم که بنده قوام الدوله و مجدالدوله نباشم آخر میترسم همه اینها از جیب بنده رفته ممنون بنده نباشد سهل است بکلی نواب والا را هم از مخلص متنفر کند و قطعاً خواهد کرد. مردم به تجربه [ای] که حاصل کرده بودند متفق. الکلمه از آشنا و بیگانه مخلص را در دارالخلافت از این مرد تحذیر میکردند و حق داشتند بامثال فرمایش جناب جلالتمآب عالی تمکین کردم و اسم از تغییر احدی از عملجات هرزه و جسور نبردم حالا دیگر طوری پیش آمده که یا باید از نواب والا چشم بپوشم و بنده هم بشکایت استعفا کنم یا هرروز در گفتگو باشم. این مرد بهتر این است که دخیل وزارت مطلقه نواب والا شود و آرام بگیرد تا امروز بنده قوه تحمل داشتم و هنوز هم بروی او واحدی نیاورده و فقط خدمت جناب جلالتمآب است که

عرض کرده‌ام. گویا کار از این گذشته باشد که دیگر از تهدید بنوشتجات محرمانه آرام بگیرد یا نواب‌والا را آرام بگذارد. هر وقت حرکت می‌کنند یکجا از فراش و عمله خلوت نواب والادر جلو و رکاب او هستند حتی با حضور مخلص که دورباش او هست قدم می‌رود و مردم و کسبه را بعنف برمی‌خیزانند و کتک می‌زنند و هرگز بنده در حکومت این کار را بر خود نپسندیده‌ام. زیاده عرضی نمی‌کنم.

۱۳۴

نامه میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسجع عبده‌الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

شکایت از محمد کریم خان نامی

هو

روحی فداک با این دوچاپار مراسله [ای] از سرکار زیارت نشد. امیدوارم که سلامت باشید. نگرانی مخلص در این مدت همه بواسطه بروز ناخوشی در طهران بود. حمد خداوند را که نزدیک با تمام شده‌است. رقیمه به عالیجاه میرزا محمد - حسین مرقوم داشته بودید خط شریف را ملاحظه کردم مایه اطمینان قلب شد. فقراتی که در باب محمد کریم خان مرقوم داشته بودید واقعاً درست و بقاعده بود. حق مقام. مخلص که از اوضاع روزگار مأیوسم شما تصور بفرمائید هر آدم بی پدر و مادر دیوانه می‌آید درب خانه مبارکه هرچه می‌خواهد می‌گوید و میکند و سبب این است که حالت بیم‌و امید در میان نیست. بحق خدا میدانم که جناب جلال‌تآب تاجه اندازه در باب این دیوانه زحمت کشیده‌اند. گویا خلاف گفته‌های او را دانسته باشند و دیوانگی او را مطلع شده باشند. تا کی باید متحمل حرکات او بشوند. عباسقلی میرزا هم وارد شد. تفصیل حرکات او را بیان کرد. باری مکرر عرض کرده‌ام تا این پدر سوخته صدمه نخورد محال است آرام بگیرد. اینکه حرکات طهران اوست متصل کاغذپرانی می‌کند آخر می‌ترسم اسباب زحمتی هم در اینجا فراهم

بیاورد. متصل مینویسد که کاری بکند که کار امساله از پیش برود و طرف اعتنائی. هم بجز امام جمعه ندارد. باری کار همان بود که در گرفتاریش پدرش را بسوزانند و آنچه مأخوذ او بود بگیرند. ده هزار تومان بیادشاه جمجاه روحنا فداه بدهند. هفت هشت هزار تومان امنای دولت ببرند. چهار پنج هزار تومان بنده ببرم و این مرد که آدمی بشود مؤدب'. حال هم بخسداوندی خدا آرام نخواهد گرفت تا صدمه نخورد. شما از حالت دربخانه اطلاع دارید. عملۀ خلوت ماشاءالله زیاد هستند و بجهت مداخل خودشان با هر کس یکشب نشستند هزار قسم اطمینان میدهند که تشویش مکن چنین و چنان بخاکپای مبارک عرض کردیم و فرمایش شاهنشاهی روحنا فداه چنین باشد. مرد که را دیوانه می کنند، مثل اینکه سرکار آجودان مخصوص برادرهای مرا در طهران نزدیک بود دیوانه بکند برای مداخل خودش و مداخل از آنها کرد. باری تا بحال که بحمدالله طوری راه رفته ام، آخر سال است مردم این ولایت شیطان و مفسد هستند، تقویت زیاد لازم دارد. باری اوقاتم از پاره [ای] فقرات و کارهای خودم زیاد تلخ است نمی توانم مفصل عرض کنم. زیاده زحمت است والسلام خیر ختام.

۱۳۵

عریضه میرزا فتحعلی صاحب دیوان بناصرالدین شاه و بتوسط فرخ خان

پشت نامه در بالا مهر بیضی نستعلیق بسج فتحعلی ۱۲۵۸

سپاسگزاری از توجهات شاهانه

هو

قربان خاکپای اقدس همایونت شوم از ورود چاپار غره جمادی -
الثانیه و وصول ملفوفه فرمان قضا ترجمان همایون فدوی خانه زاد قرین سرافرازی
و مفاخرت بیرون از شمار گردید و نهایت امیدواری از تفقادات ملوکانه حاصل نمود

و در هرباب بر مراتب بندگی و شرمندگی افزود. از انفاذ قسط و انتظام امور این ولایت که در طی ملفوفه عنایت مألوفه اشارتی از رضامندی و خرسندی خاطر مبارک رفته بود مزید شرمساری فدوی گردید. زیرا که هنوز آنطور که در دل دارد خدمت شایسته نکرده و با توجهات کامله اعلیحضرت قدر قدرت همایون شاهنشاهی روح-العالمین فداه امیدوار بعنایت خداوندی است که اگر زنده بماند قسمی آقا زاده خوب نواب مستطاب شاهنشاه زاده اکرم این ولایت را راه برد که از هر رهگذر مرضی خاطر عنایت مظاهر اقدس گردد و در امر خالصجات دیوانی که عمده اسباب آبادی ولایت و منفعت دولت قوی شوکت است و از بی مبالاتی حکام سابقه از نظم طبیعی بیرون رفته است قرارهای مستحسن و خوب بدهد و اینکار موقوف باندک تقویت و توجه دولتی است. لله الحمد چنانکه بیرکت وجود مسعود نواب والا تا بحال قسطها را بموقع بلکه قبل از موعد پرداخته و ولایت و طرق و مسالک را از هر گذر منظم نموده بعد از این بمراتب امیدوار است بهتر از عهده برآید. زیاده جسارتی نبود. الامر الاقدس الاعلی مطاع.

۱۳۶

مخابره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره ۸۴ ، اصفهان ، تلگرافخانه طهران ، گوینده خبر - گیرنده خبر نصرالله خان ، مخاطب - عدد کلمات - قیمت کلمات - يوم ۲۹ جمعه جمادی الاولی سنه ۱۲۸۵

احوال پرسی صاحب دیوان از فرخ خان

خدمت جناب امین الدوله عرض میکند که با چاپار مرقوم فرموده بودید که تکسر مزاجی روی داده است امیدوارم که رفع شده باشد. دو کلمه از صحت مزاج شریف اعلام فرمایند. صاحب دیوان. مهر تقریباً مربع تلگرافخانه مبارکه با شیرو خورشید خوابیده. پشت ورقه تلگراف: مهر بیضی اخبار تلگراف.

۱۳۷

نامه‌ای احتمالاً از میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

احوال پرسی و دعوت منزل سپهسالار

هو

مخدوما مهربانا اولاً دیشب که اینجا بودید صدای داشتید نمیدانم
الی‌حال رفع آن شده‌است یا خدای نخواستہ بهمان حالت میباشید. مختصری از احوال
خودتان اظهار نمائید که استحضار حاصل آید. ثانیاً نانهای موعودی انفاذ شد
به سلامتی صرف نمائید. ثالثاً فرداشب را به امیرالامراء العظام مخدوم مکرم
سپهسالار^۱ امروز وعده داده‌ام که بایشان زحمت داده شود. البته شما هم باید بیایید
که از جانب شما هم بمخدوم معزی‌الیه وعده داده‌ام. زیاده زحمت ندارد. باقی
والسلام.

۱۳۸

نامه^۲ میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان در زمان پیشکاری ولیعهد

در آذربایجان به فرخ خان

نامه مهر و تاریخ ندارد

راجع بوضع یحیی خان آورنده^۳ خلعت ولیعهد

هو

فدایت شوم مقرب‌الخاقان یحیی خان^۱ حامل خلعت ولیعهدی مراجعت
کرده روانه شد. با اینکه از جانب نواب مستطاب ولیعهد روحی فداه دوهزار -
تومان نقد بانضمام سرداری ترمه^۲ اعلی که یکصد تومان قیمت شال آن بود باقبای
زری زیاد ممتاز و شلوار خوب با و مرحمت شد و از جانب جناب سردار کل^۳ زید مجده

(۱) یعنی میرزا محمدخان وگویا قبل از صدارت او که با امین الدوله و برادرش میرزا

هاشم خان اختلاف پیدا کرد.

(۲) پسر میرزا نبی‌خان و برادر حاج میرزا حسین خان سپهسالار که لقب معتمدالملک

و مشیرالدوله یافت. (۳) عزیزخان مکرری

پانصد تومان خلعت بها و از ساعدالملک^۱ معادل دویست و پنجاه تومان و از مخلص نیز بعنوان تعارف دویست و پنجاه تومان و یک طاقه شال کشمیری هریک در نهایت رضا و رغبت باو دادیم و حال آنکه حکم اقدس همایون بهمه جهت دوهزار تومان نقد بود. معهذا بعد از آن بخیال این افتاد یا اورا باین خیال انداختند که باید تقسیمی هم از حکام آذربایجان و صاحبمنصبان قشونی باید برای من بشود. میرزا عبدالوهاب خان^۲ پسر پدرش رافع پیغام شد و این فقره را بجناب سردار کل و مخلص ابلاغ نمود. مخلص جواب دادم باید بجناب سردار اظهار شود حکم این فقره با ایشان است. خود مخلص هم بجناب سردار کل اظهار کردم. حق مقام جواب فرمودند که ما مبالغی خلعت بها از خود داده ایم. حال که قسمتی هم در میان مردم بشود اینطور شهرت خواهد کرد که خلعت بهای ولیعهد را تقسیم کرده از مردم گرفتند و مایه بدنامی است. مخلص هم بعد از صدور این جواب بعینه برای یحیی- خان پیغام کردم.

میرزا عبدالوهاب خان و غیره باو القای شبهه کردند که سردار کل حرفی ندارد و راضی است مضایقه و ممانعت از فلان کس است. اگر او بخواهد جناب سردار کل حرفی ندارد. بعد باصرار تمسک هشتصد و پنجاه تومان بحکام و هشتصد و پنجاه تومان هم بارباب مناصب نظامی حواله کرده بضرب فراش گرفته شده و باو رسید. رقم پانصد تومان استمراری هم از مواجب نواب مستطاب ولیعهد میخواست بهزار مرارت دویست و پنجاه تومان از مقرری مخصوص ولیعهدی رقم باو مرحمت شد و از اینجا مراجعت کرد. اگر چه کاغذی که از عرض راه بمخلص نوشته بود ظاهراً اظهار کمال رضامندی را کرده بود ولی آنچه شنیدم و کسی برای مخلص خبر آورد او را قلباً از مخلص رنجانیده بودند هر چند بفضل الله تعالی و از

(۱) پسر امیر کبیر و برادر زن سردار کل.

(۲) احتمالاً نصیرالدوله و آصف الدوله بعدی که در زمان سپهسالار از خواص او

بود. وی شیرازی و همشهری صاحب دیوان بود و این تعبیر «پسر پدرش» خیلی ایهام دارد.

تصدق سر مبارک پادشاه جمجاه روحنا فداه از کسی اندیشه ندارم .

تو پاک باش و مدارای برادر از کس باک

زنند جامه نا پاک گازران برسنگ^۱

راه بدگوئی از مخلص ندارد ولی احتمال می رود چیزی بگویند ملتفت این فقره باشید و اگر ممکن باشد چنانکه خود یحیی خان مطلع نشود که از مخلص اظهار شده است مختصری بعرض حضور اقدس برسانید بسیار خوبست که هرگاه در جزو عرضی بکند بدانند از چه بابت است و دیگر استدعایم اینست مضمون این رقعہ را غیر از خودتان احدی مستحضر نشود. زیاده عرضی نیست. امرالعالی المطاع .

۱۳۹

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان پس از مأموریت یافتن به اصفهان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسجع عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

شکایت حاجی میر محمدعلی اردستانی وارد نیست

بعد از مرخصی از خاکپای مبارک و خدمت جناب جلالتاب دروابع از حضرت عبدالعظیم علیه السلام بچهار منزل بکاشان رسیده شرفیاب حضور نواب مستطاب اشرف والا شد. الحمدلله در کمال خوبی وارد کاشان شده بودند بقدری در این راه بانظم و درستی تشریف آورده بود و بعموم مردم و بزرگان و علماء اظهار التفات فرموده بودند که جمیع مردم دعاگو بودند و در همه جا تعریف میکردند امروز که دویم است از کاشان حرکت فرمودند از راه قهرود تشریف فرما میشوند یک دو روز در جزو باغ قوشخانه توقف میفرمایند و صبح هشتم انشاءالله وارد مقر حکمرانی خواهند شد. اما تفصیل عرض را متصل رعیت اصفهانی است که در راه و بیراه هستند و عارض از تعدی مباشرین کلارا برگردانیدم و امیدوار

کردم. حاجی میر محمد علی اردستانی را آنچه کردیم چه مخلص و چه مقرب الخاقان حاجی میرزا زمانخان بیرون نیامد از بست. لابد مایوس شده آمدیم. بکاشان که رسیدیم البته بقدر پانزده نفر از حاجی های معتبر و کدخدایان و سادات اردستان بحضور نواب مستطاب و الامشرف شدند و اظهار رضامندی زیاد از مصطفی قلی خان حتی در جزو از علمای کاشان مثل جناب امام جمعه و غیره را رسانیدم که از آنها تحقیق نمایند که مبادا تقیه باشد و از ترس باشد معلوم شد که کمال میل و رضامندی را از مشارالیه دارند. از بس که از تعدی و شرارت حاجی میر محمد علی و همه دارند دو دستی مصطفی قلی خان را گرفته اند و می خواهند. یقیناً عرض حاجی میر محمد علی و متعلقان او محض غرض و شرارت است. حضرات را امیدوار کرده مرخص کردم. مصطفی قلی خان هم حسب الامر نواب مستطاب و الا مرخص شد که برود به اردستان و چهارصد تومان باقی خود را انجام داده چند نفر از کدخدایان را برداشته بجهت قرار امسال بیایند باصفهان و نیز باینها اکتفا نخواهد کرد در جزو آدم تاجر مسلک درستی را میفرستم دردهات اردستان و نزد رعایای خود که مجدداً از عمل و معامله و سلوک او مطلع شده بعد عرض خواهیم کرد. زیاده عرضی ندارد والسلام.

۱۴۰

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسجع عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

جریان کار چار محال و خان بابا خان و مهدی خان چار محالی

فدایت شوم در باب عالی جاها خان بابا خان و محمد مهدی خان شرحی مرقوم فرموده بودید چهار محال که در واقع خانه موروثی آنهاست بخودشان واگذار شود این بنده گواه است کمال میل را دارد که تا در اصفهان است بقدر امکان از آنها رعایت و حمایت بکند بجهت اینکه خانواده و سلسله بوده و هستند

و باز در سرخانه موروثی خودشان باشند و لیکن دوسه معایب در کار آنها هست که خدمت جنابعالی عرض میشود. اولاً اینکه هر یک بقدر بیست و سی هزار تومان مدیون و مقروض مردم هستند و قسمی هم حرکت کرده اند که دیگر برای آنها اعتباری باقی نمانده است. همینقدر که دخیل عمل حکومت شدند و به چارمحال رفتند هر روز ارباب طلب است که دور آنها جمع میشوند و تنخواه طلب خودشان را مطالبه مینمایند. آنها هم از مالیات و تنخواه دیوان بر میدارند و لابداً بارباب طلب میدهند. چنانچه مکرر این کار را کرده اند که اکنون هم محمد مهدی خان گرفتار بقایای زمان حکومت مجدالدوله است. آخر سال که می شود مبلغی از تنخواه دیوان تفریط و تلف شده است که باید از عهده برآیند و اسباب زحمت و مرارت میشود.

ثانیاً با رعیت چارمحال در این مدت بدسلوکی و کج رفتاری کرده اند که عموماً رعیت از آنها عاری و بری شده اند که بقدر امکان در حکومت مشارالیهما راضی نیستند. ثالثاً فیما بین آنها و مقرب الخاقان حسینقلی خان ایلخانی^۱ مدت ها است که کدورت و نقار است چنانکه مکرر جنگ و جدال کرده اند. بمحض اینکه عمل چارمحال با مشارالیهما شد هر روز هنگامه و نزاع است که فیما بین آنها و ایلخانی درگیر است و مبالغی کلی ضرر بر رعیت بیچاره از هر جهت وارد می آید و چندین قتل نفس میشود. عناد و لجاج حسینقلی خان و مشارالیهما اسباب تمامی رعیت چارمحال شده است. مثل اینکه در سنه ماضیه هم میان خان باباخان و ایلخانی نزاع شد و مبلغی مال رعیت بیچاره تفریط و تلف شده که بیغما و چپو بردند و قتل نفس هم اتفاق افتاد که تفصیل آن بعرض جنابعالی رسیده است

مقصود اینست که از نقار و ناخوشی آنها بمرور کار بزرگ میشود و این نزاع

(۱) پدر سردار اسعد بزرگ که بفرمان ناصرالدین شاه و بوسیله ظل السلطان کشته شد

و خودش نیز آدم متعدی و ظالمی بود

دولتی میشود اگر از مشارالیهما تقویت نشود کار از پیش آنها نخواهدرفت ومالیات دیوان بر زمین میخورد و اگر تقویت بشود لابد باید توپ و سرباز روانه چارمجال بکند آنوقت هم باز اسباب ضرر و خسارت و تمامی رعیت بیچاره است . هرگاه مشارالیهما در خدمت جنابعالی متعهد میشوند که اولاً درباب مالیات ضامنی معتبر بدهند که بقسط مالیات و تنخواه دیوان را پردازند که موجب تأخیر و تعطیل نشود و اگر بقسط نرسد ضامن از عهده برآید . و ثانیاً قسمی با رعیت سلوک کنند که مایه شکایت آنها نشود و ثالثاً بملاحظه عداوت و نزاعی که فیما بین آنها وحسینقلی خان است هرروز اسباب نزاع و فساد فراهم نیاورند . این بنده بهیچ وجه مضایقه ندارد سهل است کمال میل را دارد که در سرخانه و محل موروثی خودشان باشند . اینکه این بنده امضا بحکومت آنها نداشته است بهمین ملاحظات است هرگاه دراین فقرات که عرض شد قراری در خدمت جنابعالی بدهند درهذه السنه عمل چارمجال بخود آنها واگذار میشود . زیاده عرضی . نیست

مجدداً عرض میشود بالتفات جناب جلالتمآب جمیع این امورات آسان است که مراقبت و مواظبت نماید که مال دیوان تفریط و تلف نشود ولیکن باحسینقلی - خان بهیچوجه نمی توان برآمداگر مرحمتی میفرمودند که تیول مزوج برگشت میگردودست تعدی مشارالیه از چارمجال کوتاه می شد جمیع کارها سهل وآسان بود . زیاده عرضی نیست .

۱۴۱

نامهٔ میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسجع عبده‌الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

قوام مطیع حسام السلطنه و خدمت گزار است

فدايت شوم در مراقبت از اخوان خاصه قوام‌الملک از رضاجوئی خاطر -
 مبارک نواب والا حسام‌السلطنه که مرقوم فرموده بودید مخلص حتی‌المقدور غفلت
 نکنم و در نوشتجات محرمانهٔ خود مؤکداً بنویسم وبا سرکار والا نیز طوری گرم
 بگیرم که بنده را خیرخواه صرف خود بدانند شهدالله تعالی وبسر مبارک عالی بنده
 در هر عالم و هرولایت هرچه بکسان خود نوشته وهر وصیت وسفارش که کرده‌ام
 همه دراین باب بوده بلکه آن قسم که بنده ضرب بقوام بیچاره زده‌ام قسمی شده که
 نزدیکست بنده را مدعی خود بدانند ودر رسوم ارادت کیشی از نواب والا هم هیچ -
 وقت کوتاه نینداخته‌ام اما چکنم باحالت مشیر وآنهمه شیطنت و تزویر که سحری
 دارد که با اعجاز برابر است وجود خود را محتاج‌الیه حکومت قرار داده از خدا
 اندیشه وپروا ندارد هزار نفس از سادات علوی و هاشمی را مضایقه ندارد که
 در یک روزیتلف بدهد ودونفر قشقائی که در حمایت خود دارد سالم بمانند . قوام -
 الملک تا امروز گویا قدمی بی‌رضای نواب والا برنداشته وحرکتی بخلاف میل ایشان
 نکرده باشد وبعد از حرکت مقرب‌الخاقان حاجی میرزا زمان خان هر قسم دستورالعمل
 داده‌اند رفتار نموده در شهر آنقدر زیست نکرده که وجود [او] مخل امر حکومت یا
 حرکات او منافی برای ایالت واقع شود وامیدوارم ده سال دیگر نواب والادرفارس
 باشند هرنوع بفرمایند از همان قرار حرکت کند معالجهٔ این فقره را بفرمائید که
 مکرر آزموده‌ایم هر خدمتی که برحسب حکم و دستخط بعهدۀ او مقرر شد مطابق و
 موافق از عهده برآمد وباز باغوا و اطرای مشیرالملک در همان خدمت مقصر شد .

خداوند آن وجود را از فارس و شر او را از سر فارسی کم و گم کند علت و آلت کار همین یکنفر است والا قوام از حکم و امر نواب والا و آنچه مرضی خاطر ایشان باشد تخلف ندارد. چنانکه تا میرزا احمدخان بفارس نرفته بود هرچه نواب والا در سر و ظاهر مینوشتند و میفرمودند رضامندی از او بود. تدبیری که مشیر کرد این بود که میرزا احمدخان را پیش کشید و بالقای لجاجت و احتجاج آنها بمقصود خود فایز شد و از این است که قوام از نظر باطنی مبارك افتاده است مع هذا باز تاجان دارد جان میکند و خدمت می کند تا خواست خدا چه باشد. بدیهی است بعد از فضل خدا مراقبت باطنی جناب عالی اگر نبود اینقدرها نمی توانست راه برود. بنده که روز و شب در کار مراقبت هستم و بخدا متوسل حسین الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم - النصیر. والسلام.

۱۴۲

خلاصه شکایت محمد کریم خان سرهنگ از میرزا محمد حسین پیشکار اصفهان

روی کاغذ، مهر برجسته شیر خورشید ایستاده

هو

خلاصه نوشته عالیجاه محمد کریم خان سرهنگ است که در باب سوء سلوک میرزا محمد حسین پیشکار اصفهان شرح مبسوطی اظهار داشته است. گذشته از خدمات آباء و اجدادی، پانزده سال است ساعتی از خدمتگزاری دیوان غفلت نکرده همه حکام از مراتب خدمتگزاری چاکر باولیای دولت جاوید مدت اظهار رضامندی کرده اند. اوقات حکومت جناب مجدالدوله تاملیرا زکی بود بواسطه اینکه چاکر با میرزا حسین خصوصیت داشت اسباب خصومت او شد و در مقام کارشکنی برآمد. متدرجاً تارفع خصومت میرزا زکی را نمود میرزا حسین فراراً به تهران آمد و او بنای عداوت را گذاشت که چرا درآمدن طهران با من همراهی

نكردى آن بود كه مبلغ و مقدارى مواجب و خانوار چاكر باهتمام مشاراليه مقطوع و هر قسم توانست اسباب اتهام فراهم آورد چنانچه عداوت او بر جناب مجدالدوله هم معلوم شده. سال گذشته خواست جنس خود را به قيمت اعلا به يزد و فارس بفروشد و اسباب قحطى شد. چاكر تعهد نان شهر را کرده دوهزار تومان ضرر كشيده و دعا - گوئى حاصل نمود. آن زمان موسم زمستان بود كه از شدت برف و سرما راهها مسدود گشته بود. حالا وقت خرمن است چند روزى نان چنان تنگ شد كه مردم اجماع کرده بداد خواهى آمدند و سبب آن است كه جنس لنجان و رودشت و برآن و قهاب و قهپايه و جرقويه با خود ميرزا است ابدآ به شهر نمى آيد جنس مستمرى را خريد و فروش مى كند بمردم نميرسد كه حمل به شهر نموده بفروشند. يك ماريين و برخوار است كه با فدوى است و جنس برخوار هم جزو عمل ديوان نقدى معامله ميشود. حالا شش ماه است از اين دوبلوك امر ميگذرد. جنس چهار محال را هم ميرزا حسين بخان باباخان فروخته است و مايه توحش مردم شده. باز مجدالدوله چاكر را خواسته از اطراف قدرى گندم فراهم آورده فى الجمله از نان فراغت بهمرسيد كه گرفتار قحطى آب شد. چون لنجان با ميرزا حسين است و سراب ميباشد بزور وزارت پنجروز آب ماريين و جى را بردند رعيت باجماع بشهر آمده عارض شدند. مجدالدوله آدم فرستاد تحقيق كردند معلوم شد محصول ماريين را خشك کرده اند. بعلاوه وزارت ضابطى اكثر بلوكات را هم ميكند. مجدالدوله هم بملاحظه اينكه ميرزا زكى را نخواست و او را آورد عرضى نخواهد كرد.

آخر اين بندگان را خدا و سايه خدائى هست از آقاى امام جمعه و حاجى سيد اسدالله وساير مجتهدين جويا شويد تا صدق و كذب معلوم شود. اگر فدوى بايد در سر خدمت وزارت ديوان باشد، اين مرد خيالش تمام كردن چاكر است. استدعا آن است كه فدوى را بخواهيد و خدمت ديگر رجوع نماييد.

۱۴۳

نامهٔ میرزا فتحعلی صاحب‌دیوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسج: عبده‌الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

راجع بکارهای میرزا محمد حسین پیشکار اصفهان

فدایت شوم اینکه در باب محمد کریمخان و صورتی که بخاکپای همایون داده بود مرقوم فرموده‌اید من خالی از تجربه نبودم که اصرار داشتم او باصفهان بیاید بنده و همهٔ اهل روی زمین در تجربهٔ جناب جلالتمآب عالی اقرار داریم و این در صورتی است که مخلص تحاشی از آمدن او باینجا یا اصرار درماندن آنجای او کرده باشم. مگر هرچه درحق آن سفیه مجهول‌النسب لایعقل در این مدت عرض شده است فراموش فرموده‌اید یا از بدو معاملهٔ او تا آمدن بدارالخلافت از خاطر مبارک رفته است. بندهٔ بیچاره پنج ماه است در طهران و اصفهان بسر زبانها افتاده و خوب مدعی و هم‌چشمی پیدا کرده‌ام که از هر جا اسم بنده و او باهم مذکور است. مردی که بلوک معتبر از ولایت پادشاه را خراب کرده و پنجاه هزار تومان متجاوز باسم و رسم از رعیت بتعدی گرفته بود بفرمایشات شفاهی و احکام اکیدهٔ شاهنشاهی او را گرفتیم، مأخوذ او را با آنکه حسب الامر بود که بگیرم باطاعت میل و رقیمجات جنابعالی و توسط جناب امام جمعه با سندی که سپرده‌اند دهیک مأخوذ خود را نداد و بطهران فرار کرد. سند در دست بنده ماند و او مطلق‌العنان و آسوده در طهران هر فتنه که بکند بر مخلص چه جای بحث و ایراد است چندین نوبت همه قسم عریضه در طی مطالب خود عرض کردم که اولیای دولت قاهره او را بفرستند و قراری در باب طلب من از او که در واقع طلب دیوان است بدهند تا امروز آنچه در باب بدهی او عرض کرده و هر قدر جسارت نمودم که این تنخواه قسط است که در نزد او مانده یا دیوانیان بگیرند یا عوض قسط محسوب دارند یا حکم بدهند که از رعیت که سند داده و در قسط جوزا با

بنده محسوب داشته‌اند پس بگيرم ابدآ جواب اين عرض بنده را هيچ چاپار اعتنا نفرمودند و برای او نياوردند خود او را نه به اصفهان فرستادند که مخلص خود با او طوری کنار بيايم و نه در اينجا از اين گونه هرزگی منع کردند که بداند احتسابی در کار است و جرأت اين هرزگی را نکند. در باب صورت قلمدادی او با هر کس که اين کار را کرده است شرحی خدمت جناب جلالتمآب اجل آقا دام اقباله العالی عرض کرده و صورت تفاوت عمل راهم فرستاده‌ام بفضل الله تعالی ديناری کم و زياد ندارد بلکه تا آخر معامله احتمال سوخت و لاوصول درباره محل ميرود که تخفيف بگيرند و کسر کنند اما احتمال افزونی بهيچوجه نمی‌رود اما همه مستدعیات بنده که درين مدت به اجابت نرسيد مصالحه باين میکنم که هر کس مدعی اين تفاوت گزاف است ديوانيان عظام مخصوصاً با يکنفر امين از ديوان همایون بفرستد و هر بلوک را از قرار قلمداد مدعی مطالبه کنند هر قدر مخلص معامله کرده و گرفته باشم معلوم خواهد شد. بنده اگر از قلمدادی خود زيادتر معامله کرده‌ام بالمضاعف با ترجمان بگيرند و اگر مدعی خلاف عرض کرده از عهده برآيد و قسمی تنبيه شود که ديگر بعد از اين احدی جرأت اين گونه عرض خلاف را در آستانه همایون نکند. بنده از اين معامله نمی‌گذرم و برای اجرا حاضر. امر العالی المطاع.

۱۴۴

نامه ميرزا فتحعلی صاحب ديوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسج: عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

درباب محمدعلی خان بهررض رسانیده نشود

هو

فدايت شوم برای مخلص درسرا و ضرا هرچه پيش آيد ناچارم خدمت جناب جلالتمآب عالی عرض کنم. در باب محمد علیخان و فقراتی که عرض کرده‌ام مقصود کلی باز استحضار خاطر مبارک عالی است و راضی نیستم که بعرض اقدس

همایون برسانید. عجالتاً بدانید و مطلع و شاهد باشید که بر بنده چه میگذرد و متحمل هستم. تا آخر سال پنج ماهی مانده است شاید بالطاف خفیه خداوند این چند ماهه را هم هر قسم باشد راه بروم و مخالف و مؤان را راه ببرم. حالات اینجای حضرات وجدانی است. آن نیست که در دار الخلافه دیده‌اید و طوری نیست که بنده از عهده تلویح و تشریح آن برآیم. خداوند انشاء الله بفریاد برسد. ممکن است بنده هم یک هفته با اخلاق قوام الدوله و امساک جناب مجدالدوله با همه سلوک کنم اما نمی‌خواهم بنده هم بعبادت آنها باشم. حالا ملاحظه فرمائید بنده باین ملاحظات از شأن و عظم و نفع خود کاسته‌ام و مع هذا شاکر نیستند و بنده را بحالت خود نمی‌گذارند و قناعت ندارند آنها انما اشکوبشی و حزنی الی الله امر العالی مطاع.

۱۴۵

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسج: عبده الراجی فتحعلی ۱۲۷۷

راجع به عباسقلی میرزا

مراقه

فدایت شوم در حق نواب عباسقلی میرزا سفارشی مرقوم فرموده بودید که مثل سابق تیولی باو داده شود و مراقبت در امورات متعلقه بایشان مرعی شود. اولاً عرض میشود که نواب معزی الیه از دیوان همایون اعلی تیول برقراری دارند و کسی مداخله نکرده است کما فی السابق متصرف می‌باشند ولیکن جناب مجدالدوله اوقاتی که در اصفهان بودند دهی از دهات ماریین را بایشان واگذار کرده بودند در عوض موجبی که اضافه بر تیول دستی‌گیر هستند و تفاوت عمل را می‌گرفتند محض امثال فرمایش جنابعالی در سنه آتیه کار مناسبی که دیگر محل

(۱) پسر حاج محمد ولی میرزا که مقیم اصفهان و از دانشمندان و متبحرین در

ریاضی و نجوم قدیم بود

حرف و گفتگو نباشد رجوع میشود که بی مداخله نباشند اما ملاحظه بفرمائیدتوابع اصفهان چهارده پانزده بلوك است جمعی از اهل اصفهان و جمعی چه از نوکر های نواب مستطاب والا روحی فداه و چه از بستگان مخلص همه خیال عاملی و ضابطی دارند. مخلص نمی داند چه بکند و بکدام یک جواب بدهد همه توقع دارند مقصود از این مزاحمت استحضار خاطر جنابعالی است. زیاده عرض وزحمتی ندارد. ایام عزت و اقبال مستدام باد. والسلام.

۱۴۶

نامه میرزا فتحعلی صاحب دیوان به فرخ خان

پشت نامه دوجا مهر بیضی نستعلیق بسجع عبدالراجی فتحعلی ۱۲۷۷

راجع بدعوی عبدالله خان و مأموریت سلطان بیك

هوالله

فدایت شوم در باب امر عبدالله خان و مأموریت سلطان بیك شرحی مرقوم فرموده اید که باسم پیشکش جنابعالی از عبدالله خان چیزی مطالبه نموده است. مخلص که مطلع و مستحضر نشدم ولی سلطان بیك دویت و پنجاه تومان تمسک شرعی از عبدالله خان در دست دارد که میگوید در دارالخلافة به مشارالیه تنخواه داده ام چون سلطان بیك رفته بود بفریدن همان رقیمه جنابعالی را برای اوفرستادم و شرحی جداگانه باو نوشتم که اگر باین اسم و رسم چیزی میخواهد بگیرد البته مطالبه ندارد و در باب امر خود عبدالله خان از اینکه امر آنها ممکن نبود که بمرافعه تمام شود ویر یکدیگر ادعاهای کلی داشتند قراردادم که املاک عبدالله خان در تصرف خودش باشد و پنجاه خروار از محصول هذه السنه او را که لطف الله خان برده بود گرفته رد نمود و املاک سیف الله خان بموجب احکام جناب شریعت مآب حجة الاسلام و جناب

(۱) احتمالا آقا سید اسدالله پسر حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی

حاجی شیخ محمد باقر^۱ سلمه الله در تصرف صغار مرحوم فضل الله خان باشد که تقاص^۲ اموال خود شانرا بکنند و بهمین قسم امر آنها گذشته است. زیاده عرض ندارد. والسلام.

[درحاشیه]

فدایت شوم بوحدت خدا که مخلص هرگز در مقام حکومت از احدی حمایت نکرده ام و از نزاع اینها سابقها ضرر بمخلص وارد آمد اینها به یکدیگر ادعاها دارند که باین آسانیا تمام نمی شود. سلطان بیک بیچاره خسته شد. دویست و پنجاه تومان تمسک شرعی دارد و یکصد و پنجاه تومان هم از بابت خرج و خدمتانه او است که یکصد تومان باسم خدمتانه و پنجاه تومان از بابت مخارج قرارداد باو بدهند. یعنی عبدالله خان بدهد و همچنین لطف الله خان هم یکصد و پنجاه تومان بدهد این وجه خدمتانه او از طرفین نرسیده است مگر قلیلی از طرف عبدالله خان باقی است چیزی که سلطان بیک می خواهد دویست و پنجاه تومان تمسک است اما در قرار کار اینها مکرر عرض کردم که مرافعه اینها هر سال بیشتر طول خواهد کشید مخلص قرار دادم بموجب حکم شرعی آنچه دهات سین الله خان در عوض مال و اموال فضل الله خان در دست لطف الله خان باشد و آنچه املاک عبدالله خان است بامحصول هذه السنه در تصرف خود عبدالله خان باشد و همین طور هم کردم حال سر صبر بردند بمرافعه آنچه مجدد حکم صادر شود مخلص معمول میدارم بجهت اطلاع عرض شد.

۱۴۷

پیش نویس فرمان مربوط به قوام الملک

مرحوم مغفور حاجی قوام الملک همیشه اوقات انتظام مهام شهر شیراز و وصول متوجهات دیوانی بلده و گمرکخانه و وجوهات را متحمل میبود از هذه السنه بارس

(۱) پسر آقا شیخ محمد تقی و پدر آقا شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی

(۲) در اصل : تقاص

ثیل خیریت دلیل و مابعد نیز همان خدماتی که بعهده مرحوم حاجی قوام الملک بود چه از نظم شهر شیراز و چه از وصول مالیات دیوانی و رسانیدن قسط دیوانی بقدر الحصله از وجوه شهر مرجوع و محول به قوام الملک فرمودیم که در انتظام عمل شهر از هر جهت و وصول و ایصال مالیات دیوانی کمافی السابق اهتمام تمام بعمل آورد. والسلام.

[در حاشیه]

عرض میشود که فرمان مبارک در خصوص مداخله قوام الملک در عمل شهر اگر باین مضمون باشد برای مفاخرت او بهتر است اگر صلاح بدانید باین مضمون فرمان مبارک را صادر نمایند والسلام

۱۴۸

نامه امیر اصلاخان مجدالدوله پیشکار مسعود میرزای پسر شاه

در اصفهان به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق بسج: مجدالدوله ۱۲۷۶

راجع به برقراری مواجب محمد کریمخان سرهنگ

فدایت شوم عالیجاه محمد کریمخان سرهنگ و نایب برخوار و ماربین شخصی است خدمتگذار و مباشری است عامل عاقل صداقت شعار. ایکاش ازین ده نفر دیگر می شد بنده یکباره آسوده میگشت دیگر کاری نداشت مگر اینکه متصل خدمتگذاری ایشان را عرض کند که قسط را خوب دادند زراعت در خالصجات موافق قاعده کردند مثل خانباباخان پنجهزار تومان بالفعل باقی ندارند حال که ده نفر سهل است و نفر هم نیست منحصر بفرد است، در باب فرد مرحمت لازم است میشود لطف آن ده را باین یک کرد. دویست و پنجاه تومان مواجب فرمانی از بابت مباشری دو بلوک داشت، در سنه ماضیه قطع فرمودند آنجناب میدانند و قطع دارند که این قطعها بجهت خیانتی، تقصیری نبود جهتی نداشت بعد که بنده بخاکپای

مشرف شد، مستدعی گشت وعده فرمودند که امسال مرحمت شود. حال عرض می شود مباشر قزوین و همدان هریک مبلغی میبرند این مرد مباشر نود هزار تومان است مثل حاکم آن دو بلد ابواب جمعی دارد و از عهده بطور خوب برمی آید. مواجب نمی خواهد زیاده ازین عرض نمی کند.

۱۴۹

نامه امیر اعلان خان مجدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق: مجدالدوله ۱۲۷۶

راجع به خانباخان و محمد مهدی خان

فدایت شوم از بابت اینکه در باب عالیجاهان خانباخان و محمد مهدیخان زیاد زحمت به آن جناب جلالت نصاب داده شد و مایه خجالت و شرمساری این بنده و حضرات گشت لهذا مبلغ دویست تومان از بابت رفع شرمندگی پیشکش و بندگی میکنند که التفاتی درباره این دو خادم از کرده و کردار سابق نادم بفرمائید عهد کرده اند که دیگر بایکدیگر مخالفت نکنند. چون آنجناب رضا بتمامی احدی نیستید از آنجهت عرض شد. ارادتمند هم نخواست که بدستکاری بنده خانواده بزرگی منهدم شوند هرگاه منقصتی هم در این ضمن بود چشم پوشید امیدوار است لطفی درباره هردو بفرمائید باتلگراف جواب اعلام شود. زیاده عرضی ندارد.

۱۵۰

نامه امیر اعلان خان مجدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق: مجدالدوله ۱۲۷۶

در باب مواجب ضباط خالصجات

فدایت شوم در باب یک هزار تومان مواجب ضباط خالصجات که سالهاست برقرار است در سنه ماضیه قطع کردند بعد بنده بجناب سپه سالار عرض کرد قرار دادند

که در هذه السنه برقرار نمایند حال بآنجناب زحمت میدعد که درین باب التفاتی بفرمایند قطع نان در هیچ زمان خوب نبوده هرگاه درین خصوص قراری بگذارند پانصد تومان پیشکش می کنند بنده خود متعهد است که مبلغ معروض را ارسال دارد. در اول صاحب اختیاری مملکتی را راضی و خوشنود فرموده اند دعا گو تر و ثنا جو برگشته اند ارادتمند عرض و یادآوری است هر نوع صلاح دانید مختاریه جواب را مرقوم فرمایند که حضرات مباشرین در خیال انجام باشند زیاده عرض چه شود. مستوفی الممالک علت و ا زدن مواجب ضباط را در پشت عمین کاغذ بنویسد معلوم شود چه بوده است تا مجدداً حکم شود والسلام.

۱۵۱

نامه امیر اصلا ن خان مجدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی نستعلیق: مجدالدوله ۱۲۷۶

در باب تعمیر مسجد شاه و تنقیه قنوات خالصه

فدایت شوم در باب تعمیر مسجد شاه و عمسارات و غیره سابق عرض شد و صورت مخارج ارسال گشته چون وقت میگذرد و هرگاه امسال تعمیر نشوند خرابی کلی میشود و ضرر بدیوان اعلی وارد می آید لهذا مجدداً زحمت میدهد و صورت باز دید ملا احمد معمار را عالیجاه میرزا محمد حسین ایفاد داشت جواب را مرقوم فرمائید که تکلیف معلوم گردد. دیگر در باب قنوات خالصه و من الماء کل شی حی دو نلث مالیات اصفهان از خالصجات است آنهم آب میخواهد برف و برد امسال قناتی دایر نگذاشته هرگاه تنقیه نمی شد ضرر از چهل و پنجاه میگذشت لهذا خودداری نشده هم جا مقنی گذاشت صورت مخارج بعد از اتمام ایفاد می شود هرگاه امینی هم بجهت باز دید میفرستند عرضی ندارم بل مستدعی هستم که روانه فرمایند صداقت و خدمت بنده هر دو معلوم می شود بهتر است دیگر در باب اقساط دیوانی محصلی لازم نیست بنده پیش از قسط میدهد. پیش از قسط میدهد چرا دست محصل باشد که بجهت

پنجشاهی مداخل خود هر روز اسباب واوضاعی فراهم آورد بنده را از خدمت بازدارد کدام محصل بهتر از تلگراف است که خود اعلام میفرمائید سوای خیامخانه و ملبوس نظام که تنخواه را در اینجا باید بگیرند محصل دیگر نفرستید بنده ایفاد میدارد چشمه وسط پل مارنون هم دوسه روز است خراب شده که سواره نمی توان گذشت تعمیر نشود حاصلی ندارد باقی خراب میشود.

دستور شاه ظاهرا بخط میرزا هاشم خان برادر فرخ خان

درباب تعمیرات بامین الدوله حکم شد بشما خواهد نوشت.
خرابی پل مارنون را معجلا بسازد نگذارد خرابی بهم برسد.
مستوفی الممالک آدم بفرستد تنقیه قنوات را بازدید نماید و صورت مخارج آنرا بیاورند بنظر برسد والسلام.

۱۵۲

نامه امیراصلاحان خان مجدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک نستعلیق: مجدالدوله ۱۲۷۶

تقاضای خلعت برای امام جمعه اصفهان

فدایت شوم ارادتمند هرگاه بخواهد از هزار یک و از بیش اندک از مودت باطنی و ارادت جناب افاضت نصاب آقای امام سلمه الله تعالی بجناب جلالتماب معروض دارد، صحیفه صفحه گردون و دوده جرم کیوانش کفایت نکند. برآنجناب واضح است که خیرخواه مسلمین حافظ شرع مبین در اصفهان که سواد اعظم است منحصر بجناب امام است بعضی بخیال اینکه شاید بدین واسطه نقصی در کار آنجناب روی دهد غافل از اینسکه والله متم نوره ولو کره المشرکون خواستند از خس در برابر دریا سدی بندند و ایستادگی کنند. در طهران نزد غیراهل خبره خود را از علمای عهد قلم دادند درین روزها خلعتی بافتخار آنها صادرشد. در انظار طور

ديگر جلوه كرد. حال تلافی آن خلعت آفتاب طلعت برای جناب آقا سلمه الله بجهت رفع بعضی خیالات لازم است درین باب انشاء الله التفاتی خواهند فرمود [دستخط] عباى ترمه برای امام جمعه فرستاده شود والسلام^۱

۱۵۳

نامه امیراصلاحان خان مجدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک نستعلیق بسج: مجدالدوله ۱۲۷۶

در باب شلوغی و نظم اصفهان

فدایت شوم در باب اغتشاش شهر و اطراف شهر که بعرض آن جناب رسانیده اند تفصیل آن اجمال این است که بعد از آنکه نواب والا بقهپایه تشریف بردند بنده احتیاط کرد که در آنجا تعدی به رعیت نشود، خود رفت دوروزی مانده قراری در کاشان داده مراجعت نماید. اهل اصفهان از بس هرزه هستند فوراً گفتند خدای نخواستہ طوری شده که مجدالدوله شاهزاده را روانه کرد، بعد خودش گریخت. بهمین جهت خباز دکانها را بست. همان شب ده نفر از الواطمجلس فراهم آوردند نزاعی هم کردند. از قراری که چیت سازها میگویند قسم هم میخورند سرباز همدانی که مرخص شده اند بجهت سوقات خانه شب را بکنار رودخانه که مستحفظی و در بندی ندارد بقدر دویست و پنجاه تومان چیت بردند. خبر به بنده رسید پانزده فرسخ را در هوای گرم تظاهر تاخته بشهر آمده همان روز الواطرا گرفته بعد از تنبیه گوش و بینی برید^۲، مهار کرد. سه نفر دزد و قاتل هم بدست آورده هر سه را بقتل رسانده مردم آرام گرفتند. شهر همان روز منظم شد. تا بحال دیگر بهیچوجه خلافی از احدی دیده و شنیده نشد. امر خباز را بعد از تنبیه، هزار و دویست

(۱) گویا فرخ خان بعرض رسانیده و شاه دستخط داده است. نوشته دستخط ظاهراً

بخط میرزا هاشم خان است.

(۲) در اصل بی

خروار گندم و آرد دادم. عصارخانه‌های شهر را قرار دادم که تا آب نیست روغن-گیری و حنا سابی را موقوف کنند. بهمه‌جا آدم فرستادم آرد آوردند و می‌آورند. نان بحدی فراوان است که منبر از ملابی عظم تراست. قرار دادم، نوشته گرفتم و نوشته سپردم که تا ده ماه دیگر چهارده هزار خروار گندم بنده بآنها ماه بماء بدهد. شانزده هزار خروار هم خودشان بخرند که بهیچوجه تنگی دست ندهد. اما چیت چیت ساز قسم می‌خورند که نزد سرباز است. آدمی هم از طرف میرزاربیع از گلپایگان بجهت راهداری آمده به بنده گفت چند توپ چیت از بار سرباز دیدیم خواستیم بگیریم چون مأمور نبودیم متعرض نشدیم دوسه توپ هم در اینجا به کاروانسرا داری سپرده بودند استرداد شد. حکم سرباز بادولت است. از جهات دیگر بحمدالله بهیچ وجه دیگر بعد از دیروز بی نظمی روی نداده و نخواهد داد. دیگر اینکه قدغن شده بود که شب بخانه کسی نروند باین جهت مهمانی می‌کردند. اواسط شب که دماغها از کشیدن ایاغها ترمیشد فتنه‌های خفته برمیخاست. قبیل از طلوع هریک در مسجدی بستی بودند لهذا قرار داده شد که هر کس از اشخاصی که شری از او برپا می‌شود مجلس داشته باشد شبانه بگیرند. بهمین جهت مجلس شراب یکباره برچیده شد. در امر شهر و بلوکات آسوده باشید.

۱۵۴

تلگراف صاحب‌دیوان به فرخ‌خان راجع به بقایای مجدالدوله

مخابره تلگرافی دولت علیه ایران، نمره ح ۳۱ اصفهان، تلگرافخانه طهران، گوینده خبر، ... گیرنده خبر- نصرالله‌خان، مخاطب جناب امین‌الدوله، عدد کلمات ۶۷، قیمت کلمات - یوم ۱۰ شهر محرم سنه ۱۲۸۴.

جواب جناب امین‌الدوله در باب بقایای جناب مجدالدوله این قدر را عرض کنم که پنمک شاهنشاه جمجاه روح‌افاده که باقی و مالیات. هذه السنه نزد بنده

تفاوتی ندارد که هر دو مال ولی نعمت بنده است چگونه کوتاهی میشود. در عرض یکماه ورود بنده کوتاهی نشده محمدحسین خان دوروز است وارد شده هفت هزار - تومان باقی دارد. قرار دادم ماهی سه هزار و پانصد تومان بدهد. محمد مهدیخان را هم فرستادم آوردند بدست سرهنگ دادم. ولی مشکل است از او وصول شود مگر ملک او را ضبط نمایند. از روی انصاف دوهزار تومان باقی لنجان محمد مهدیخان را بی جا و بی پا باو جمع کرده اند. دیگر اینکه دوازده هزار تومان از قرار تقریر زین العابدین بیک قورخانه چی طلب قورخانه است. صریح عرض می کنم تا طلب قورخانه که طلب دیوان است نرسد دیناری باحدی نخواهم داد. متصل جناب مجدالدوله حواله میدهند معادل دوازده هزار تومان هم بیشتر طلب ندارند. قدغن کنید بگذارند که این طلب دیوان پرداخته شود. اگر باز چیزی برای ایشان ماند - بگیرند والا فلا. صاحب دیوان.

مهر تقریباً مربع تلگرافخانه مبارکه با شیروخورشید خوابیده. [پشت تلگراف]

مهر بیضی اخیار تلگراف

۱۵۵

تلگراف مجدالدوله به فرخ خان راجع به تصدی کارهای چهارمحال

تلگرافخانه دارالخلافه طهران، شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۳، نمره ج ۲ از اصفهان، عدد کلمات ۵۰ حرف، ظهر یکشنبه ۲، مخاطب تلگرافچی، گیرنده مخابره محمد جعفر میرزا.

خدمت جناب امین الدوله عرض میشود در باب چهارمحال هرگاه خانابا - خان میشد بکسان و املاک محمد مهدی خان تعدی میکرد. هرگاه با محمد مهدی خان میشد همینطور. این بود که بخاکپای همایون عرض شد. همین که عزل خود را مشاهده کردند هریک پمک خود راضی شدند، نوشته سپردند. در این صورت

رعایا کلاآسوده ودعاگو خواهند بود. دراین باب عریضه عرض شده هرگاه اذن می دهند بهمین طور که قرار شده هریک در سهم خود باشد بی اجازه هنوز قراری داده نشده و الا بطوری که بناصرقلی خان واگذار است باشد، بی اذن بنده آب نخورده ولی چون هردو صلح کردند و بحق خود راضی شدند رعیت آسوده خواهد شد. مجدالدوله والسلام.

مهر تلگرافخانه مبارکه با شیرو خورشید خوابیده.

۹۵۶ حرف از قرار یکشاهی ۷/۸ ریال بعلاوه قیمت کاغذ ده شاهی ۸/۳

ریال. پشت تلگراف مهر مربع نستعلیق رئیس تلگرافخانه های ایران

۱۵۶

نامه مجدالدوله به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع: مجدالدوله ۱۲۷۶

اطهار خوشوقتی از سمت جدید فرخ خان

هو

فدایت شوم چاپار واصل واز زیارت ملفوفه فرمان قضا جریان همایون مباحات حاصل شد. اگر چه قبل از ورود چاپار عالیجاه میرزا عبدالرحیم به توسط تلگرافخانه مبارکه بشارت تفویض اختیار اصفهان را بابعضی دیگر از ممالک محروسه بآن جناب داده و بدین مژده ابواب مسرت برخاطر اخلاص ذخایر گشاده ولی وصول فرمان جهانمطاع زیاده موجب اطمینان ضمیر مودت تخمیر گشت. حقیقت این است که بعد از این هم خدمات بنده بطوری که باید در حضور باهرالنور همایون اعلی جلوه بروز و ظهور خواهد کرد وهم انشاءالله تعالی از راه کمال لطفی که جناب سامی را با مخلص بوده سهولت امور اتفاقیه بانجام وانجاح مقرون خواهد شد واز برای مخلص یک نوع اطمینان و دلگرمی مخصوص حاصل شده که بعد از فضل خدا من جمیع الجهات آسوده خواهد بود وبالعمله بعضی مطالب در طی

ملفوفجات مزاحم شده مترصد جواب و رجوع خدمات میباشد. ایام عزت و دولت مستدام.

۱۵۷

نامه برخی از تجار و کسبه و مستوفیان و کدخدایان اصفهان به فرخ خان

سیاسگزاری از وجود مجدالدوله در اصفهان

خدمت جناب جلالتمآب امین الدوله العلیه العالیه دام اقباله معروض میداریم که خداوند سایه شاهنشاه آسمان جاه اسلام پناه را از سر ما دعاگویان ضعیف و خدمتگزاران کم نفرماید که از روی رعیت پروری و عدالت گستری جناب فخامت نصاب مجدالدوله را دام مجده بسرپرستی و محافظت و نگاهداری ما رعایا و دعاگویان مأمور فرموده اند که سال بسال بلکه روز بروز با ما بهتر راه میرود و بیشتر مهربانی می کند. اگرچه قدر او را میدانستیم در این چند روز که بجهت انجام خدمات نواب اشرف والا روحی فداه بقهپایه تشریف بردند معلوم و اظهر من الشمس گشت چرا که در دوروز الواط بنای شرب و شرارت گذاشتند. خباز خانه ها بسته شد و نان بدست نیامد. دزد آشکار گشت که اگر دوسه روز دیگر آن طور می گذشت ولایت بهم می خورد. آن جناب را مستحضر ساختیم فوراً آمده همان روز نظمی داد که همه شب را آسوده خوابیدیم. الواط را تنبیه و نسق کرد. خباز را بعد از تنبیه گندم کلی داد مردم از هرجهت آسوده شدند. نوشته داد که چهارده هزار خروار گندم به خباز ماه بماه بدهد که مردم آسوده شوند. فاما بنعمة ربک فحدث چون اعلی حضرت قدر قدرت چنین مرحمتی در باره ضعف کرده باید عرض کنیم و اظهار شکر گذاری نمائیم و ان شکرتم لازیدنکم که مراحم شاهنشاهی روحنا و روح العالمین له الفداه مزید شود و چنین پرستار مهربانی را از ما نگیرند که ساعت بساعت بر رفاه ما بندگان و دعاگویان بیفزاید. امر امر کار گذاران اقدس همایون است.

[در پشت عریضه] مستوفیان و ارباب قلم اصفهان

مهر مربع کوچک نستعلیق بسجع محمد ابراهیم - مهر بیضی نسبتاً بزرگ
 نستعلیق بسجع یا ابا عبدالله الحسین - مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع عبده محمد
 حسین بن محمد باقر - مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع عبده محمد حسین - مهر
 بیضی متوسط نستعلیق بسجع عبده الراجی محمد اسماعیل - مهر بیضی کوچک
 نستعلیق بسجع یا علی - مهر بیضی نسبتاً متوسط نستعلیق بسجع محمد علی - مهر
 مربع نسبتاً بزرگ ثلث بسجع العبد المذنب محمد حسن - مهر بیضی متوسط نستعلیق
 بسجع یاموسی - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع عبده نصرالله الحسنی الحسینی -
 مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع عبده محمد علی گلستانه - مهر بیضی کوچک نستعلیق
 بسجع عبده محمد باقر - مهر مربع بزرگ نستعلیق بسجع لاله الله الملك الحق المبین
 عبده محمد - مهر مربع بزرگ ثلث بسجع العدل فی الحساب والنظم فی الاحتساب -
 مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع عبده الراجی حبیب الله الانصاری - مهر مربع
 نسبتاً بزرگ بسجع اسد الله الحسینی - مهر مربع بزرگ ثلث بسجع العبد المذنب
 حسن بن محمد رضی - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع عبده الراجی رضاقلی - مهر
 بیضی متوسط نستعلیق بسجع الراجی الی الله عبده اسد الله - مهر بیضی نسبتاً بزرگ
 نستعلیق بسجع عبده الراجی مصطفی - مهر بیضی کوچک بسجع محمد هاشم - مهر
 مهر مربع متوسط نستعلیق بسجع یا ابا الحسن .

خوانین و نوابها

مهر مربع بزرگ نستعلیق بسجع عبده الراجی رضاقلی - مهر بیضی بزرگ
 نستعلیق بسجع لاله الله الملك الحق المبین عبده ابوالحسن - مهر مربع متوسط
 نستعلیق بسجع افوض امری الی الله عبده شکرالله - مهر مربع بسیار بزرگ نستعلیق
 بسجع لاله الله الملك الحق المبین عبده محمد ابراهیم - مهر بیضی کوچک بسجع
 کلانتر و عبارت میرزا محمد رحیم کلانتر - مهر بیضی کوچک بسجع محمد حسین بن
 ابراهیم و عبارت محمد ابراهیم عیاقچی خاقان خلد مکان .

کدخدایان

مهر مربع بزرگ نستعلیق بسجع عبده محمد کریم و عبارت کدخدای باغ
 همایون - مهر مربع متوسط ثلث بسجع یا امام حسین و عبارت آقا حسین کدخدای
 چهارسوق قندیان؟ - مهر بیضی بسیار بزرگ نستعلیق بسجع المتوکل علی الله عبده
 ابراهیم و عبارت حاجی ابراهیم کدخدای محله سید احمدیان - مهر تقریباً مربع متوسط
 نستعلیق بسجع هستم ازجان و دل غلام حسین و عبارت غلام حسین کدخدای -
 لطف - مهر مربع متوسط ثلث بسجع عبده المذنب کریم و عبارت حاجی کریم
 کدخدای جوباره - مهر مربع بسیار بزرگ نستعلیق بسجع لا اله الا الله الملك الحق -
 المبین عبده محمد ابراهیم و عبارت آقا محمد ابراهیم کدخدای نیم آورد - مهر
 بیضی نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع عبده الراجی محمد علی و عبارت محمد علی -
 کدخدای خواجو - مهر مربع بزرگ نستعلیق بسجع پیرو دین محمد قاسم و عبارت
 کدخدای درب مسجد حکیم - مهر بیضی کوچک بسجع یا محمد و عبارت کدخدای
 درب جدید - مهر مربع نسبتاً بزرگ ثلث بسجع یأتی من بعدی اسمہ احمد و عبارت آقا
 احمد کدخدای محله نو - مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع عبده حسین علی
 و عبارت مشهدی حسین علی کدخدای محله شمس آباد - مهر بیضی بزرگ نستعلیق
 بسجع عبده الراجی محمد حسن و عبارت حاجی حسن کدخدای لبنان - مهر بیضی
 خیلی بزرگ نستعلیق بسجع المتوکل علی الله عبده محمد صادق و عبارت آقا محمد
 صادق داروغه - مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع سید محمد الحسینی و عبارت
 میرزا سید محمد نقیب - مهر مربع کوچک نستعلیق بسجع اذا جاء نصر الله و عبارت
 نصر الله کدخدای احمد آباد - مهر مربع نسبتاً بزرگ نستعلیق بسجع یا امام حسن
 و عبارت سید حسن کدخدای شیخ ابومسعود - مهر مربع نسبتاً بزرگ بسجع ابوالقاسم
 الحسینی و عبارت سید ابوالقاسم کدخدای بید آباد - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع
 یا امام موسی کاظم و عبارت آقا محمد کاظم کدخدای شاه شاهان - مهر بیضی بزرگ
 نستعلیق بسجع رجبعلی ابن محمد و عبارت رجبعلی کدخدای باب الدشت - مهر

بیضی بسیار بزرگ نستعلیق بسجع یا امام موسی کاظم و عبارت آقا محمد کاظم کدخدای باب القصر - مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع عباسقلی و عبارت آقا - عباس کدخدای میدان کهنه - مهر بیضی بسیار بزرگ بسجع ادرکنی یا امام حسین و عبارت آقا سیدحسین کدخدای پاقلعه - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع محمد اسماعیل و عبارت محمد اسماعیل کدخدای ترواسکان - مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع بنده آل محمد جعفر و عبارت محمد جعفر کدخدای محله جماله کله - مهر بیضی بسیار بزرگ نستعلیق بسجع محمد طاهر بن عبدالحسین شهیر به آقا کوچک و عبارت عبدالحسین کدخدای دروازه نو .

کدخدایان صباغ و چیت ساز

مهر مربع متوسط ثلث بسجع سلام علی ابراهیم و عبارت حاجی محمد ابراهیم مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع یا امام حسن و عبارت حاجی محمد حسن - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع عبده الراجی محمد صادق و عبارت حاجی محمد صادق مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع محمد باقر و عبارت حاجی محمد باقر - مهر مربع متوسط نستعلیق بسجع ابوالقاسم بن ابوطالب و عبارت آقا ابوالقاسم حاجی ابوطالب - مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع محمد اسماعیل و عبارت حاجی آقا کدخدای صباغ خانه - مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع یا امام حسین و عبارت آقا محمد حسین ریش سفید صباغ - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع عبده الراجی محمد حسن و عبارت آقا محمد حسن صباغ - مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع حسین الحسینی و عبارت آقا سید حسین صباغ .

جماعت بزاز

مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع یا غفار الذنوب - مهر مربع متوسط نستعلیق بسجع یا صادق الوعد - مهر بیضی کوچک نسخ بسجع یا کریم - مهر مربع کوچک

حاجی آقا محمد - حاجی قاسم خان - مهر بیضی بزرگ نستعلیق بسجع محمد مهدی بن محمد جعفر و عبارت حاجی میرزا مهدی شیرازی .

۱۵۸

نامه میرزا محمد حسین عضدالملک متولی باشی آستانه قدس رضوی به فرخ خان

[پشت نامه] مقرب الخان مخدوم مهربان فرخ خان مطالعه فرمایند

و مهر متوسط بیضی نستعلیق بسجع عبده محمد حسین بن فضل الله الحسینی ۱۲۶۵

شایعه انتصاب میرزا صادق قائم مقام باعث دلسردی است

فدایت شوم چند روز است در اینجا بعضی اخبار منتشر است که باعث پیش رفتن خدمت از چاکران دولت است مثل آنکه میگویند سرکار مقرب الخاقان قائم مقام مأمور خراسانند اگرچه اینگونه اخبار معلوم است که اصلی ندارد ولی آنقدر هست که جهال میگویند تا در طهران حرف نباشد اینجا منتشر نمی شود . لااقل طوری بکنید که گوینده های اینگونه سخنان بی پا ممنوع باشند تا اقلاً - خدمتی که در دست هست پیشرفت نماید و کسانی که شب و روز آسایش را بر خود حرام کرده در فکر خدمتند از شنیدن این حرفها افسرده نگردند . هیچ میدانید که مقرب الخاقان مخدومی قوام الدوله^۱ در فرستادن نوکر و قورخانه و سیورسات و سایر لوازم اردو چه زحمت کشیده و میکشد بچه طور رضای خاطر این مردم سرحدنشین را در دست دارند که بارضا و میل خاطر^۲ عموم خلق این ولایت آنهمه غله و غیره را میفرستند و نظم ولایت را بنوعی نگاه میدارند که یک نفر دزد پیدا نمی شود و کار سرحدها بنوعی بحمد الله منتظم و کار اردو منسق است که وصف ندارد با این احوال آیا انصاف هست که این خبرها گوشزد من شود تا به ایشان چه رسد . مختارید . زیاده چه نویسم که خود همه رسومات را بهتر میدانید . والسلام .

(۱) یعنی میرزا محمد آشتیانی پیشکار خراسان که در سر قضیه مرو هنر و خدمت او معلوم شد

(۲) اصل: خواطر

۱۵۹

نامهٔ میرزا محمد حسين عضدالملک متولی باشی آستانهٔ قدس رضوی به فرخ خان

پشت نامه دوجا مهر مربع متوسط نستعلیق بسجع «الوائق بالله الغنی محمد حسين الحسيني ۱۲۷۵»

اگر صحبت تغییر نیابت تولیت است کاری کنید که مرا به احترام، احضار به رکاب نمایند

فدایت شوم گویا باهمه التفاتهای قلبی جناب جلالت نصاب عالی و ارادت قدیم ارادت شعار آنچه برسوم وظایف باظهار آن پردازم عرضی است بدیهی و حکایتی است اظهر من الشمس زیرا که ضمیر صافی ملازمان عالی را مرآت تمام نمای ارادت خود میدانم و وظیفهٔ خود را جز دعای ذات اقدس بی همال بندگان اقدس اعلی حضرت همایون شاهنشاه جمجاه اسلام پناه روحنا فداه چیز دیگر نمیدانم زیرا که امثال ما بندگان جان نثار صد سال بخواهیم اگر مراتب جان نثاری خود را در حضرت سپهر بسطت خسروانه نمائیم نمیتوانم چنان از عهده برآمد که بمحض اندک توجهی منظور نظر مرحمت اثر خسروانه میشود وبدون واسطه و شفیع در خور لیاقت و شایستگی هریک بذل مرحمتی میفرمایند که تا دامن قیامت از ادای شکرش عاجزیم شکرراً للآله حمداً علی نعمائه باقتضای ارادت خود ولطف جناب عالی عرضه میدارد این اوقات از قراریکه مذکور شد گویا باین چاپاری که آمد و خبر مأموریت جناب سپه سالار را بخراسان آورد اگر چه حکم دولتی در باب خود زیارت نکرده و کسی هم باین بنده ننوشته است ولی بتواتر شنیدم که بعضی خراسانی ها از طهران نوشته اند که در امر تولیت هم تغییری بهم رسیده و این خدمت بغیر محول شده است باینجهت لازم دید علی العجاله مختصراً خدمت عالی رحمت افزا شده عرض کنم که این فقره از دو حال خارج نیست یا کذب محض است یا صدق اگر کذب است واضح است که از انتشار اینگونه خبرها امر آستانه و پیشرفت خدمت محوله چه قدر سست و بی معنی میشود لابد در اینصورت باید اوایای دولت قاهره سد راه اینگونه کذب نویسی ها

را فرموده و اسباب استقلال چاکر مأمور را فراهم آورند و اگر مقرون بصدق باشد چه فرمان یزدان چه فرمان شاه: زهی شرف و سعادت که بار دیگر به تقبیل عتبه علیه وسده سنیه خسروانه مشرف شده ریتن سفید خود را بغبار تمام عیار آستان معدلت تبرک کنم. در اینصورت استدعائی که از جنابعالی دارم این است اگرچه بحمدالله بهیچ وجه من الوجوه امر ناتمام و محاسبه نگذشته در آستانه نیست بلکه محاسبات متولیان سابق را که اصلاً نگذشته بود همه را خود گذرانیده‌ام ولی چون سالها زحمت کشیده و جانها کنده در فدویت و جان نثاری دولت فی الجمله آبرو و عزتی تحصیل کرده‌ام در این آخر عمر بملاحظه نمک خوارگی و فدویت نمی‌خواهم باسم معزولی از این ولایت برآیم بلکه مستدعیم که التفاتی فرموده قرار دهند ملفوفه فرمانی خطاب بنواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهنشاه زاده اعظم جلال الدوله العلیه العالیه^۱ روحی فداه مشعر باحضار ارادت شعار برکاب همایون صادر شود که این هم مایه یکنوع اعتبار و بقای عزت و احترام خواهد بود و ضمناً امروز مقرر خواهد شد که نواب معظم‌الیه بمقرب الخاقان حاجی شهاب الملک^۲ امیر تومان حکم فرمایند دو روزی اوقات صرف کرده از محاسبات زمان تشرف ارادت شعار استحضاری بهم رسانیده تا شاهدهی برصدی عرایض شده قبل از ورود متولی مراقب بوده در کمال عزت و احترام روانه شوم. در این باب آنچه رعایت بقای عزت و اعتبار بنده شود پس از ادای شکرگذاری و دعا گویی ذات اقدس همایون روحنا فداه مادام الحیوة دعا گو و ممنون بندگان عالی خواهم بود. یکنفر جلودار خود را بچاپاری محض برای ابلاغ این عریضه روانه نمودم و منتظر التفات باطنی جناب عالی هستم بهر نحو سزاوار دانند در حدود حکم مطاع لطف خود را مضایقه نخواهند فرمود.

فدایت شوم چون مقرب الخاقان امیر تومان در وضع امور آستانه و محاسبات

(۱) پسر ناصرالدین شاه و حاکم خراسان که در جوانی در مشهد درگذشت

(۲) حسین خان جارچی باشی شاهسون که بعداً نظام الدوله لقب گرفت و والی خراسان

آن کما هو حقه مستخضر [است] بلکه اطلاع معزی الیه کمتر از ارادت شعار نیست خیلی دلم میخواد مخصوصاً حکم مؤکدی به معزی الیه صادر فرمایند که رسیدگی در محاسبات گذشته و عمل آستانه نموده مراقب حرکت دادن ارادت شعار باشند چون معزی الیه را غرضی با احدی نیست باینجهت زحمت افزاشد. زیاده عرضی ندارد والسلام.

۱۶۰

نامه میرزا محمد حسین عضد الملک متولی باشی آستانه مقدسه رضویه به فرخ خان

پشت نامه عبارت : جناب جلالت نصاب مقرب الخاقان مطاع مکرم مهربان

امین الدوله العلیه ملاحظه فرمایند و مهر بیضی شکل متوسط

نستعایق بسجع محمد حسین بن فضل الله الحسینی ۱۲۶۵

شفاعت از میرزا علی رضای مستوفی

فدایت شوم پس از رسیدن مؤده شمول مراحم شاهانه وعواطف خسروانده
اعلی حضرت قدر قدرت ظل الهی روحنا فداه و تعویض منصب جلیل و خدمت نبیل
باقترضای رأی اقدس همایون بجناب جلالت نصاب عائی بمقاد : ویؤت کل ذیحق
حقه ظاهر است که سجدات شکر خداوندی و دعای دولت جاوید عدت سلطانیه خلد الله
ملکه در جمیع موارد عموماً و در این فقره خصوصاً برچا کران دولتخواه واجب و از
مقتضیات بندگی و نمک خواری دوست و اخلاص و ارادت بجنابعالی است و مراتب
مسرت و ابتهاج مخلص دیرین و دعای در روضه مقدسه و تحت قبه منوره امام علیه
السلام را قلب صافی شاهد است و کفی به شهیداً حاجت بعرض و بیان نیست. کنونکه
عالیجاه محمد باقر بیگ تفنگدار خاکبوسی آستان مهرلمعان اقدس اعلی روحی فداه
را مصمم بود و عرض و تحریر مختصر را از لوازم مخالفت و یک جهتی شمرده زحمت
افزا میشود که عالیجاه مشارالیه فرمان مهرلمعان مبارک مزین بدستخط همایون

اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه روحنا فداه را ابلاغ نموده از زیارتش سرافرازی حاصل کرد.

در باب هرزگی سابق بعضی اجامه ارض اقدس که امر قدر قدر خسروانه عز نفاذ یافته بود بجهت نوشتن آن مصراع در ایوان مبارک طلا یا نویسنده پیدا شود و یا اهل آن کشیک از فیض خدمت محروم گردند. جنابعالی مطلعید که مخلص از این مردم چندان خوشنودی ندارم که نعوذ بالله اگر خیانتی کرده باشند در مقام سترو پرده پوشی قبايح اعمالشان برآیم و نه چنین است که همه این مردم را متقی و پرهیزکار و مصلح دانم. بلکه همانطور که زشت و زیبا همه جا هست در آستانه مقدسه نیز صالح و طالح هستند بلکه بحکم حدیث شریف معروف طالح آن بیشتر از صالح است و تصدیق هم دارم که طلوع اغلب مفاسد سابقه ارض اقدس از آستانه و مسجد جامع بوده است ولی در این مقدمه بخصوص بذات^۲ یا ک خدا و روح مطهر حضرت رضا صلوات الله وسلامه علیه بنده از رؤسا و صاحبمنصبان آستانه مقدسه که مصدر کارند تا این ساعت رضای باین فساد راندانسته ام چه مضایقه بعضی از مردمان بی سروپا قلباً بدشان نمی آمده است که تماشائی کنند ولی جرأت باظهار مافی الضمیر و یاهمراهی باالواط از تصدیق فرق همایون روحنا فداه ابداً نداشته و ندارند و از مرحمت بندگان اقدس اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی روحی فداه در این ولایت تا این ساعت بحمدالله باکمال اقتدار و تسلط راه رفته و بنوعی مراقبت در خفایای امور و احوال این جمع داشته و دارم که کسی را جرأت باظهار مخالفت نبوده و نیست. بعد از آنکه از طلوع صبح تاشش ساعت از شب گذشته مخلص در بیرون خانه با این مردم محشور باشم چگونه جرأت به فساد میتوانند کرد و ظهور مفاسد سابقه هم نبوده است مگر از غفلت حجاب آستانه مقدسه. چنانچه مرحوم حاجی میرزا موسی خان تاسلامت حال داشتند و مراقب کار بودند هیچگونه فساد در آستانه مقدسه و مسجد ظاهر نشد همانکه آن مرحوم بستری [شد] و مرضش طول کشید و نتوانست درست بکار

(۱) گویا اشاره به این قول است که خدا منشا رالناس (۲) در اصل: بذاک

برسد مردم دست پیدا کرده و آن مفاسد ظاهر شد و امیدم آنکه به مسامع علیه رسیده باشد که نظم و شکوه آستانه مقدسه در این عصر به نیروی بخت همایون خسروی بهیچوجه نسبت بزمان خان مرحوم هم ندارد و در این مقدمه اهل آستانه بجان و دل مشغول خدمت و رفع فساد بودند و آن یک سطری را که عبدالعلی نام مجهول نوشته و در ایوان چسبانیده بود وقت ازدحام خلق در آن یکشب و دو روز واشتغال مستحفظین بمحافظت اموال آستانه مقدسه و اطفای شراره شرارت و فساد بوده است که خود بنده و اهل آستانه از طرفی در خیال حفظ جان خود و نفوس خلق و اموال آستانه و از طرفی در فکر رفع فساد از دربخانه مخدوم مکرم قوام الدوله بوده ایم نه آن بوده است که برای متولی آستانه آن حالت بوده است که نتوانند باینگونه امور پرداخت و غفلت کرده باشند. الحمدلله برخود محمدباقر بیگ و عالیجاه رحیم خان پیشخدمت خاصه شریفه و آقا علی معلوم شد که کار آن مجنون بود و خودش اقرار کرد بلکه در حضور محمد باقر بیگ بادریان باشی دعوا میکرده است که چرا کنده [ای] دو مرتبه همان مضمون را نوشت و به محمد باقر بیگ داد و گفت بیر و البته به نظر شریف میرساند نزدیک باین مضامین در هر جا که دستش رسیده نوشته و مینویسد تخصیص باین یکمرتبه و یکجا ندارد و مخلص معض اطاعت حکم قضا توأم دونفر مستحفظ ایوان طلا و جمعی از زیارت نامه خوانها را که قابل تشرف به آستانه نبودند اخراج کرده چند نفر دیگر هم بنظر گرفته و مراقبت در اعمالشان بیشتر از دیگران دارم که اگر بروز کند که باطنشان غیر ظاهر است در مقام تنبیه و اخراج برآیم و الافلا.

در خصوص چهار نفری که در خاکپای اقدس همایون اعلی حضرت شاهنشاهی روحی فداه بخیانت و تحریک جهال منسوب شده بودند و امر قدر قدر باخذ و قید و روانه داشتن آنها به پایه سریر معدلت مسیر خسروانه شرف صدور یافته بود تفصیلش را البته مخدوم مکرم و الامتنام قوام الدوله العلیه بخاکپای مبارک عرضه داشته و ملازمان مقامی مستحضر خواهند شد مجملاً مخلص زحمت میدهد که سه نفر از آنها را

مخدوم معزی الیه بر حسب امر قدر قدر مغلولاً بهمراهی محمد باقر بیگ روانه دربار معدلت مدار نمود ولی در خصوص میرزا علیرضای مستوفی^۱ از روزی که محمد باقر بیگ وارد و دستخط همایون پرتو و وصول افکنده است، عموم اهالی ولایت از اعیان و اشراف و علماء و فضلاء بجهت بودن مشارالیه و خانه اش در بست امام علیه السلام آغاز شفاعت و توسط گذاشته که بخاکپای مبارک عرض و استدعای شمول مرحام خسروانه و الطاف ملوکانه مشعر بر عفو و اغماض از مشارالیه کنیم و خود او بالطوع والرغبه محض برای تصدق ذات اقدس همایون روحی فداه ناقابل پیشکش داد که تفصیل آن در عریضجات مخدوم معزی الیه عرض شده است بالجمله معزی الیه و مخلص لزوماً بالقسمی که میبایست عرض نمود در عریضه خاکپای همایون عرض و استدعا نموده ایم متوقعیم که جنابعالی نیز بهر زبان عجز و نیاز که باشد از درگاه اعلیحضرت ولی النعم روحی فداه مسئلت و درخواست نمائید و محض ترحم و عواطف ملوکانه در حق اهالی این بلد و این بندگان دولتخواه و ازدیاد دعاگوئی دوام دولت جاوید آیت قاهره و مزید امیدواری عموم چاکران عرض بندگان را بشرف اجابت مقرون و دستخط مبارک مشعر بر انجام این عرض و تمنا که مایه اطمینان و امیدواری مشارالیه گردد از مصدر خلافت کبری صادر و این بندگان را قرین مفاخرت و مباحات فرمایند زیاده عرضی ندارم والسلام

۱۶۱

نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک نستعلیق بسجع قهرمان ۱۲۷۵
توقع خدمت

خداوند گارا بدیهی است هر کس بهر درجه و مقام باشد در صدد آن است که تحصیل مقام دیگر و حالت ثانوی نماید و بر حالت سابق بیفزاید. جناب عالی

(۱) ظاهراً برادر میرزا محمد رضای مستشار که خودش هم از کارکنان دولت وزمانی حاکم کاشان بود.

بهتر از همه کس از حالت خدمت و صداقت اجزای اینجا استحضار دارند و هریک را بیک نوعی بجا آورده‌اند تصور نفرمائید برای بنده آسودگی و راحتی غیر از انجام خدمت دیوان باقی مانده یا همه را در خیال این است که نوعی شود در خاکپای همایون و خدمت جناب عالی خدمتی ظاهر کند. حالا کار هم اینطور شده از استدعائی که دو سال است فدوی داشت استخصار دارند حالا عرضی که دارد اینست هر قسم و هر طور شایسته بدانند و صلاح بدانند درین باب دستور العمل بدهند این التفات را مخصوصاً از جناب عالی استدعا دارم خواستم این دفعه از جناب سردار کل عریضه [ای] که مشتمل بر استدعای این مطلب باشد گرفته بفرستم. چون عنوان این کار خدمت جناب عالی نشده بود خلاف قاعده دانست لهذا جسارت نموده عرض میکند که هر طور و هر قسم راه این فقره را بدانند مستدعی هستم که دستور العمل مرحمت شود تا از آن قرار معمول بدارد. حالت بستگی و نوکری بنده خدمت جناب عالی چیزی نیست که حالا جسارت نماید. منتظر حکم جناب عالی است که اعلام فرمایند.

۱۶۲

نامهٔ میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی کوچک نستعلیق بسج قهرمان ۱۲۷۵

راجع به عمل مالیات آذربایجان

خداوند گارا خدا میداند که بنده قلم حواله گرفتن و دخیل معامله شدن را هرگز بخیال خود راه نمیداد. و قایع نگار درست استحضار حاصل کرده‌اند. چون سرکار سردار کل دام مجده ببعضی ملاحظات اینطور صلاح دیدند که این سال را خود مداخله کلی در معامله داشته باشند و این کار را محول به بنده کردند، بنده هم ناگزیر تمکین این فقره را نموده چون در حقیقت وصول وجوهات و راه انداختن

مطالبات و کارهای دیوانی اکثر بعهدۀ بنده بود امسال این عمل را دخیل میشود. اولاً بامیدواری خداوند. ثانیاً از بخت بلند شاهنشاه روحنا فداء والتفات جنابعالی مستدعی است که فی الجمله تقویت و مراقبت مخصوص بشود. در این سال نوعی رشته این کار را منظم بکند که انشاءالله در آخر سال هر کس مأمور این کار شود زحمت گذشته را نداشته باشد و از وصول وجوهات دیوانی و رساندن قسط و غیره خاطر مبارک راضی شود. اول قراری که داده شد این بود که تنخواه نظام و مالیات را جدا بکنند. تحویل داری معین مینمایند که قسط ولایات همه پیش او حاضر بشود و از قرار برات برساند و تنخواه قشون را باحضور سردار کل در اطاق نظام برساند و قسطهای طهران را بموقع بفرستند. برات دار موقه را واریز بدهند. انشاءالله در ظرف دو ماه حالت معلوم خواهد شد و پسند خاطر عالی میشود. استدعای فی الجمله تقویت دارد که رشته عمل مستحکم بماند و از عهده انجام خدمت بتواند برآید. والسلام.

۱۶۳

نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع الواثق بالله العزیز قهرمان ۱۲۷۵

اظهار خدمت و فعالیت

فدایت شوم رقیمه [ای] که باچاپار غره شهر رجب بافتخارم مرقوم فرموده بودید زیارت کرده از سلامت وجود شریف کمال شکر گذاری کردم. فقراتی که مرقوم شده بود همه را درست و بجای مرقوم فرموده بودید ولی از حالت اینجا و ما هم استحضر درست ندارید که بحق خدا خودستائی نمیکنم ولی طوری خدمت کرده ام که میتوانم عرض کنم بقدر ده نفر آدم کافی کار میکنم. شما ملاحظه بفرمائید در زمستان سرد هشت نه هزار آدم را در کمال بی پولی که باید از باقی یونتئیل وصول گردد موجب گذشته و هذه السنه و سنة آتیه را داد و روانه کرد چه قدر زحمت دارد و وقت کار هم

همه رفقا میروند باستراحت و ریاست میرزا قهرمان مثل سنگ باید پول بدهد و تلاش کند مبادا کار به تأخیر انجامد و مردم مضمون بگویند.

از یک طرف از حکام که پول مطالبه شود مثلاً میرهاشم خان میگوید من حاکم شقاقی هستم و منشی باشی وکیل من است نباید پول بدهم، میرزا قهرمان برود قرض کند قوج و برات‌دار را راه بیندازد.

خلاصه جان‌کلام زیادست اینکه تاب آورده‌ام برای این است که انشاءالله شب عید که می‌آیم بتصدیق شما با امین صره و امین شوری دام مجده مرافعه دارم. اول حرف و عرضم این است که میرزا آقاخان یک وقتی میگفت یک خط جناب سردار کل این است که کارهای بزرگ را به میرزا قهرمان که بیست سال عمر دارد رجوع میکند. خلاصه حالا که این عریضه را عرض میکنم در اطاق نظام هستم سرکار خداوندگاری هم تأکید در زود روانه کردن چاپار دارند بخط خودشان جواب مرا سله سرکار را نوشته‌اند. بنده هم اگر خدا بخواهد پنجم ششم شعبان از اینجا حرکت میکنم. اگرچه زیاد آلوده‌ام تا ببینم چه میکنم. باقی فدایت شوم.

۱۶۴

نامه میرزا قهرمان امین لشکر به فرخ خان

نامه بدون مهر و تاریخ است ولی فرخ خان در گوشه آن نوشته است: «میرزا قهرمان نوشته است»
راجع به کارهای آذربایجان

خداوند گارا دیروز بجهت رسیدگی پاره [ای] محاسبات و غیره باحضور مقرب الخاقان معیر الممالک خدمت جناب مستوفی الممالک دام مجده رفته دو فقره حساب که متعلق بمیرزا نصرالله بود یکی بقایای ادعائی از میزان بود طوماری که همراه بنده بود موقوف براین شد که دوسه روز دیگر میرزا جعفر مباشر میزان که برای اتمام همین کار می‌آید برسد. بعد از ورود او عمل و حرف میرزا نصرالله قطع شود تفصیل را جناب مستوفی الممالک فی الجمله حالی شدند.

فقره دیگر ادعای دو هزار و یکصد و کسری است که میرزا نصرالله از جناب سردار کل دارد و به خرج پول ضرابخانه منظور نموده قرار شد امروز میرزا نصرالله با بنده ملاقات نماید. اگر حرف بقاعده [ای] داشته باشد تمام کند و الا خود مجدد آعرض خواهم کرد.

در باب حساب سنه ماضیه تخاقوی ثیل میزان که نوزده هزار تومان باقی منظور شده بود چهل و چهار هزار و پانصد تومان آن برگشت کرد و چهارده هزار و پانصد تومان دیگر بانضمام وجه پیشکشی دو ساله باید بدیوان اعلیٰ برسد بمقرب الخاقان معیر الممالک ابواب جمع شد نه هزار تومان آنرا دیروز دادم همه راهم بمروور تا در رکاب هستم میرسانم.

در باب حساب تمسک شصت هزار تومان غله بیچی ثیل از آن بابت هم بقدر ده هزار تومان بمقرب الخاقان معیر الممالک امروز وفردا خواهم پرداخت تا حساب آن بمنظر مبارک برسد. چند فقره عرایض و مطالبی که مصحوب بنده سردار کل بخاکهای همایون نوشته اند یکی کتابچه ایست مشتمل بر چند مطلب که بمنظر جناب عالی رسید و دادم خدمت جناب مستوفی الممالک نگاه داشتند که بدقت ملاحظه فرمایند استدعای سردار کل این است که قبل از فرستادن دستور العمل آذربایجان احکام مطالب کتابچه بشود.

دیگر عریضه محرمانه سردار کل بخاکهای همایون مصحوب بنده عرض کردند در باب افواج افشار ارومی و مراغه جواب آن لازم است که زود برود. دیگر در باب عمل بیگلربیگی گری شهر تبریز است که جناب عالی پیشتر حسب الامر بسردار کل مرقوم فرموده بودید که قرار درستی داده شود. استدعا کرده و صلاح اینطور دیده اند که فرمان مبارک بعهدۀ محمد رضا خان صادر شود. این چند فقره را سردار کل لازم میدانند که زودتر جواب و حکم همایون صادر شود. پاره مطالب دیگر بمروور

بعرض ميرسد. لازم دانست در انجام اين فقرات جسارت نمايد. ايام مرحمت بردوام باد. والسلام.

۱۶۵

نامه ميرزا قهرمان امين لشكر به فرخ خان

پشت نامه دوجا مهر بيضی كوچك نستعليق بسج قهرمان ۱۲۷۵

راجع به كارهاي يحيى خان آجودان حضور

خداوندگار! دستخط مبارك جناب عالي را كه بيشتر اظهار مرحمت و تربيت بود زيارت نموده مائۀ ازدياد اميدواری فدوی شد. شرحی هم كه بخط شريف جناب جلالت مآب سردار كل دام مجده مرقوم فرموده بودند ايشان نظر بالتفاتی كه بفدوی دارند دادند زيارت كردم.

در باب مقدمۀ صاحبديوان^۱ حالا ديگر برجناب عالي ميزان حالت ماها هيچيك پوشيده نيست. اصل مسئله در اول اين بوده كه يحيى خان^۲ وقتی اينجا بوده در خانۀ ساعدالملك^۳ منزل داشته وباو معااهده و خصوصيتي كرده كه از بعضي مردم تعارفي براي او جابجا نمايد. ساعدالملك هم از جناب سردار كل حكمي صادر كرده از صاحب منصبان وغيره تقسيمي كرده اند سواي دوهزار تومان خلعت بهاي حضرت وليعهد روي فداه بقدر دو هزار تومان هم از حكام وصاحبمنصبان براي او گرفته اند كه بقدر چهار هزار تومان باو رسيد و در اين بينها سردار كل زاهم به بعضي زحمتها وسؤال وجوابها انداخته بودند. ميرزا عبدالوهاب خان نايب الوزاره^۴ هم نظر باينكه باصاحبديوان اهل يك مملكت ويك زبان هستند تقار و نفاقي

(۱) ميرزا فتحعلي شيرازي پسر ميرزا علي اكبر قوام الملک كه پيشكار وليعهد بوده است

(۲) يحيى خان برادر حاج ميرزا حسين خان سپهسالار كه حامل خلعت براي وليعهد

بوده است

(۳) پسر امير كبير و برادر زن سردار كل وصاحبمنصب قشون تبريز

(۴) همان نصيرالدوله و آصف الدوله بعدی

دارند. تقار اینها مایهٔ این شده بود که با ساعدالملک خصوصیتی داشته باشد و یحیی‌خان را برانگیزانند که بعضی حرفها بگوید. در این بینها هم مابین جناب سردار کل وصاحب‌دیوان را بحرفهای خنک بی‌پایه برودتی می‌اندازند.

صاحب‌دیوان هم نظر باینکه پاره [ای] حرفها بلند پروازیا داشته گویا پیغام داده که یحیی‌خان طوری بکند که مرا احضار کنند. این سؤال وجوابها را بطورهای مختلف بطرفین گفته بودند. بنده که وارد اوجان شدم دیدم این حرفها در میان است. صلاح دیوان اعلی و ملاحظه و صرفه جناب سردار کل را اینطور دیدم که بر مهربانی سابق خودشان نسبت بصاحب‌دیوان بیفزایند. غرضی که امثال ماها با یکدیگر داشته باشیم دخلی به عالم ایشان و نظم کار و خدمت دیوان ندارد. ایشان را به چادر صاحب‌دیوان ترغیب نموده و تحجیبات کردم. نایب‌الوزاره را هم محرمانه گفتم پاره [ای] ملاحظات را اینجا بکار نبرید. جناب جلالت‌آب سردار کل با کمال لطف و مهربانی با همه اجزای اینجا حرکت میفرمایند. بروز و ظهور این فقره از یحیی‌خان بوده. اینجا هم پاره [ای] تعهدات از تفویض مناصب و درجات کرده و فسادی در میانه شده و رفته بودند. حالا هیچ حرفی و نقلی نیست، دو سه روز دیگر جناب سردار کل بسمت اردبیل تشریف میبرند، ماها بشهر میرویم ملاحظه بنمائید. بدیهی است راه بردن اضداد مختلف چقدر برای رئیس کل زحمت دارد و جناب سردار کل بطور خوب باید آنها را راه برند.

خداوند گارا فرمایشاتی که فرموده‌اید که در کارها امسال مراقبت داشته باشد خدا خود میداند اگر خواب و آرام دارم همه اوقات من مصروف این است که در خاکپای همایون به التفات جناب عالی امسال روسفید شوم. در همه خدمات و فرمایشاتی که شده آنچه باید سعی و تلاش میکنم خود جناب عالی ملاحظه بنمائید بالاخلال ساعدالملک و دیوانگی او و غروری که دارد و رسوخی که با جناب سردار

كل دارد چه قسم بايد حركت كنم كه مايه زحمت جناب سردار كل و تأخير پيشرفت خدمت ديوان نشود و اميدوارم نكذارم زحمتي حاصل شود. تنخواه ديوان را بوقت و موقع ميرسانم. ساير خدمات را هم انشاء الله بطوريكه پيشرفت باشد انجام خواهم داد. استصوابي جناب عالي را هم انشاء الله بزودي جابجا کرده انقاد ميشود.

دو فقره خلعت بهاي هذه السنه كه ميدانم مايه زحمت كسان عالي است با چاپار نيمه ارسال ميدارم هنوز شهر نرفته ام و اينجا كاري از پيش نميرود. والسلام.

۱۶۶

نامه بي مهر و تاريخ راجع به تعديلات مجدالدوله دائي شاه

هو الله تعالى شانه

تصدقّت شوم بسر مباركت، نمك پادشاه هر دو چشم مرا كور كند از تعدی و ظلم زياد سر كار مجدالدوله، گيلان خراب و رعيت از دست رفت. در اين سفر كه مراجعت كرد بنمك قبله عالم، فرعون واقعي شده است. احدي از شر او ايمن نيست ميرزا زكي ترياك فروش تفرشي^۱ خباثت ذات را بنهايت رسانيد. دو شيطان كامل شرور خود را ممزوج بهم کرده بي محابا بجان اين مردم ضعيف القوي افتاده اند فوق الطاقه خلق را اذيت مينمايند گويا اين دفعه اذن صريح از پادشاه و امنای دولت قویشوكت در خراب كردن مردم گرفته اند فاقد هيچ مرتبه از مراتب تعدی نمي باشند يا آن تفصيل كه در باب مساحت شفت و گرفتن تنخواه از مردم در اردوي همايون اتفاق افتاد و نسق كامل هريك فرموديد گويا چاك قبای آنها را ميدوزند، همه را فراموش کرده بي آنكه احدي از اهل شفت اظهار ستم شريكي نمايند مساح و مميز بشفّت

۱- ضياء الملک بعدی که ابتدا نوکر در خانه امير اعلان خان مجدالدوله بود و بعد با زن او سروسري بهم رسانيد و بعد از مجدالدوله او را گرفت و از معتبرين دستگاه دولت گشت

روانه کرده نه مقصودشان مساحت و تعدیل است بلکه بهانه چاییدن و اسباب اخذ و جراست در ظاهر می گویند قرار ما بر تعدیل است. اما در باطن بمردم شفت میرسانند اگر دوهزار تومان پیشکش بدهید مساحت موقوف است. اهل شفت در مهلکه عظیمه و احتمال قوی در جلای وطن میرود هرگاه بهمین طور باقی بماند بالقطع والیقین بکلی شفت خالی خواهد شد خصماء و معاندین دولت هم در خانه ما نشسته از این معنی مشعوفند یوماً فیوماً براستیصال خلق می افزاید و در همه محل گیلان بعلت نیت فاسد حاکم و پیشکار او خلق را باضطراب و واهمه انداخته اند. اکنون قریب بچهل و پنج سال است فدوی در توی کارها هستم و باید بی اغراق بسی حاکم برخورد و سروکار بهم رسانیده ام. این حالت و این استیصال و این تعدی در این مدت مشاهده نشده است. باوصف آنکه بندگان عالی زحمت تمام اهل ایران را متحمل هستند و فرستاده آن سرکار محض رفاه و آسایش مردم با احکام متقن محکم باین ولایت آمده است یکجا بی حاصل و بی معنی شود کمال بی انصافی است و اگر باز خیال استحکام همان احکام بتوسط محمد کریم بیگ بوجود مبارک طاری شود از آن خیال در گذرید که حرکت بل حرکات ناهنجار او احکام را از عظم انداخته است. اولاً او نمی فهمد بر فرض آنکه خود را فهمیده انگار کند با آن بی عظمی که بهم رسانیده است دوباره نظم این کار کلی باوجود او مشکل است. فکر آدمی دیگر بفرمائید بفرستید بیاید بحساب هر بلوک و هر محل از محال گیلان رسیدگی کند ببیند چه در میاید و با مردم چه شده است بشرط آنکه حکم شود برود در خانه میرزا محمد علی خان لاهیجی که در رشت هست و خالی است بنشیند و مأموریت داشته باشد که بهر ولایت و هر بلوک دست بیندازد، مردم را بیاورد بحساب هر یک رسیدگی کند آنوقت معلوم خواهد شد چه شده است اگر میل به واری احوال این مردم دارید و میخواهید رعیت پادشاه از تعدی و ظلم خلاص شود باید چنین آدم فهمیده بی غرض باین ولایت زود بیاید تا این امور منتظم شود و مردم فقیر آسوده گردند و دگر فرمایشات امنای دولت علیه محض قول است و میخواهید قولا

بمردم حالی بفرمائید که ما رعیت پروریم و مصداق نداشته باشند فرستادن محمد کریم بیک کافی است هرچه شده است بس است و کافی است. امرکم مطاع. والسلام.

۱۶۷

نامه حاجی میرزا عبدالحمید به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجج المذنب عبدالحمید ۱۲۶۳ و نوشته شده عریضه خدمت ذیموهبت بندگان خدایگان معظم مقرب الخاقان فرخ خان معزز باد
نامه دوستانه

هو الله تعالى شأنه

تصدقت شوم خداوند انشاء الله تعالی وجود مسعود مبارک بندگان عالی را از عامه آفات و بلیات محافظت فرماید و سایه بلند پایه شما را از این بنده فدوی ابدآ کم نگرداند به محمد واله الطاهرین صلی الله علیه واله در حینی که عالیشان عزت نشان اسد الله بیک را با عریضه جات مفصله و مطالب کلیه روانه حضور مبارک مینمود چکمه پوشیده روانه بود تعلیق شریفه بتوسط فرستاده عالیشان سعادت نشان محمد کریم بیک که از حضور مبارک مراجعت کرده بود زیارت شد مطالعه نموده مایه مفاخرت و مباهات گردید و از فقره ای که از جانب جناب مستطاب جلالتماب اجل افخم اعظم سرکار صدارت کبری روحی فداه اعلام فرموده بودند استحضار حاصل گردید. این مطلب را مایه امیدواری فدوی جان نثار دیده با کمال شوق و وجد فکر حرکت شده از همان قراری که بندگان عالی فرمایش فرمودند تهیه کرده انشاء الله تعالی روز سه شنبه که سه روز بعد از تحریر عریضه است بانهایت تأکید و تعجیل روانه خواهد بود چون این بی سروت در این اوقات زیاد از حد بنده فدوی را بیجا و بیجهت اذیت کرده و خرابی کلی در امورات فدوی بهم رسیده است که قدرت بر حرکت نمیدیدم یعنی آب و ملک بنده را زیاد خرابی کرده است املاک بنده بلازارع است مال مردم را که انصاف نیست عوض نیاورم نه مردم را از فدوی چنین توقعی است و

نه در بنده چنین حالتی است که ملک خود را آباد و از مردم را بایر و خراب بینم در فکر احیای این ملکها بودم بلکه تدبیری کرده بقدری که مقدور است رفع ضرر و خرابی از بنده فدوی نماید. حال، که این حکم مطاع رسیده است مجال احیای آن ملکها عاجلاً ندیده‌ام. اولاً اتکاء بالتفات و عنایت خداوند جلت عظمته کرده. ثانیاً با خیال شمول مرحمت کامل بندگان‌عالی که باب استفاضه فیوضات صادره از مصدر کبری هستند از این خیالات گذشته چشم از احیای مخروبات خود پوشیده حسب الامر روانه‌ام و از قرار همان فرمایش دستورالعمل انشاءالله تعالی حرکت خواهد شد و بسر منزل راحت و خانه امید خود فرود خواهد آمد. خدا بخواهد چندان طول نخواهد کشید عالیشان اسدالله بیگ را از انصراف و باز نداشته معجلاً راهی داشته عریضه جات بنده فدوی را زود برساند و کمترین از الشت سر حرکت نمایم. انشاءالله تعالی خیر است. خداوند انشاءالله تعالی بحرمت خانواده محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وجود مسعود محمود جناب جلالت‌آب اجل اعظم و خانواده آن بزرگوار را با عزت و اقتدار متصل بقائم آل محمد عجل الله فرجه فرموده دشمنان ایشان را کور و مهجور از مقاصد آنها نماید. علی بیگ نام میرآخور بندگان والی در این ساعت بچاپاری از خدمت والی مراجعت کرده وارد رشت شده است بنده را که مجال ملاقات باین زودی نشده است از قراری که مذکور است اخبار خوب و خوشوقتی آورده است. انشاءالله تعالی بازخیر است. بالجمله حسب الامر بنده فدوی روانه است. انشاءالله تعالی زود خواهم مشرف شد. عالیشان سعادت نشان اعزی محمد کریم بیگ را دور نیست همراه بیاورم بزیارت بندگان‌عالی مشرف شود. امر کم‌العالی مطاع مطاع والسلام

۱۶۸

نامه حاجی میرزا عبدالحمید از دوستان و وابستگان فرخ خان در
گیلان به فرخ خان

نامه بی مهر و تاریخ است
شکایت از میرزا زکی پیشکار گیلان
هوالله تعالی شأنه

تصدقت شوم از وقتی که میرزا زکی به رشت پا گذاشت بی سبب و جهت
بسر مبارک در عیب جوئی از بنده فدوی و کارشکنی از کارهای بنده مشغول شد
او هم فهمید میرزا سمیع خان باینده معاند است او را پیش کشید بروی بنده واداشت
در هذلسنه صاحب زراعت اهل دهاتی هستند که از نهر فدوی مشروب بودند.
جاهای دیگر هیچ زراعت نشد من جانها کنسدم نگذاشتم دهسات مشروبه از
نهر خمام رود که نهر بنده است مخروبه بماند. الحمدلله زراعت اینجا بسیار خوب
شده است. استشهاد در دست است. چا پار تعجیل داشت ناتمام بود نتوانستم بفرستم
انشاءالله تعالی هفته دیگر خواهد بنظر مبارک رسید. باین تفصیل بهانه کرد آدم
فدوی را آورد بست ده ناخن او را ریخت. مردم حیرت کردند. این مرد که ششماه
است دوندگی کرده خدمت کرده است بایست خلعت بگیرد چوب مرا خورده است.
جوابی نداشت بگوید بعد از آن کم کم اسباب چید نهر خمام رود را از من انتزاع
کند. فدوی دیدم که اسباب افتضاح در کار است فراهم می کند می خواهد اول
افتضاح بروی کار بیاود بعد به بهانه [ای] نهر را خود متصرف شود. آخر همین طور
شد بیست روز است خود آدم بسر نهر فرستاده است. آدمهای بنده را بیرون کرده اند
من از این حرکات او حیرت کردم که یعنی چه واز چه بابت است آخر معلوم شد
چون عبدالحسین خان اینجا است وگماشته دییرالملک است می خواهد باو حالی
کند من با امین الدوله راه ندارم. فلانکس که آدم اوشان است اینطور کرده ام، کسی

باو گفت سخت جری شده با فلانکس و آنگاه بسته بجناب مستطاب امین الدوله میرزا زکی برگشت گفت جای تو در اصفهان خالی بود باعموهای امین الدوله چه کردم الحمدلله هیچ حکایت اتفاق نیفتاد. این جا هم نقلی نخواهد شد. کار که از دست آدم برمیآید باید فرصت ندهد. سیصد تومان پول میرآبی بنده را در محل قدغن کرده است ندهد. این است حالت بنده در امان خدا هستم. لازم بود یکدفعه را عرض کنم. شاهزاده قدرت التیام نداشت از او نمی شنید. بعد از آمدن استشهد اگر صلاح دانستید اقدام خواهید فرمود والا دیگر عرض نخواهم کرد. میرزا سمیع خان نهر خود را دارد. در انتزاع نهر از بنده با میرزا عبدالوهاب و میرزا حسن داماد میرزا عبدالوهاب مهمل بود بمیل خاطر آنها هم شده است میرزا زکی با میرزا عبدالوهاب زیاد خصوصیت دارد هر دو هم دیگر را و می پابند و ریشخند مینمایند. از میرآبی خمام رود که معاش شش هفت نوکر می گذشت از من گرفت خود متصرف است. بجهت استحضار عرض کرده ام اختیار دارید والسلام.

[پشت نامه] تصدقت شوم این راهم در مجلس در غیاب بنده گفت که امین الدوله از حاجی زیاد تنفر دارد. گاهی که آنجا می رود لابد با او چم و خم جزئی میکند. یکوقت امین الدوله با من حرف حاجی را [زد] از حالت ایشان اینطور استنباط شد مرا اعتقاد این است اگر حاجی میرزا عبدالحمید را در اینجا با انواع مختلف مفتضح نمایند ابداً نخواهد گفت چرا شده است. حاجی از پیش خود خیال التفات امین الدوله را نسبت بخود در دل دارد آنجا غیر این است. به نمکت بسر مبارکت این حرف را میرزا زکی در اینجا گفته است که بنده را رسواتر کند من که میرآبی را گرفتم تا بینم چه خواهد شد. شماها هم خواهید دید و فهمید والسلام.

تصدقت شوم حاجی میرزا عبدالحمید مقصر است. اینطور اسباب بجهت او فراهم میآید. میرزا صادق خان سید عزیز جلیل القدر مهمان بی آزار با احدی کاری ندارد. او را چرا میرزا زکی عقب کرده است. آدم ناخوش را اذیت میکند و نسبت جنون باو میدهد اینقدر گفت تا او را در ولایت بی عظم ساخت حتی یکروز

بنده حضور داشتم میرزا زکی گفت ولایت من بهمین لفظ مثل این وقایع نگار مصروع لازم ندارد، فردا او را بیرون میکنم برود، از عهده جواب پادشاه من برمیآیم. بعد یحیی خان وارد شد، میرزا زکی قدری زبان بست مردم را اینقدر جری ساخت در خانه میرزا محمد علی خان حاکم لاهیجان میرزا زکی هم حضور داشت تمام مردم گیلان بودند. میرزا عبدالوهاب کمال بی ادبی و بی اعتنائی نسبت به میرزا صادق خان کرد. میرزا زکی تبسم میکرد هیچ نگفت. بیچاره میرزا صادق خان با کمال پریشانی بمنزل خود رفت. اصلاحی در احوال او هم نخواهد شد. میرزا عبدالوهاب از پیش برد. وقت لازم بود که یکدفعه را بشما عرض کنم. آخر من باید بدانم، بدانم میرزا صادق خان حاجی میرزا عبدالحمید در این ولایت متعلق بکجه خوانده میشوند یا همان است که میرزا زکی گفت اختیار دار شمائید. والسلام.

۱۶۹

نامه حاجی میرزا عبدالحمید گیلانی به فرخ خان

پشت نامه مهر بیضی متوسط نستعلیق بسجع المذنب عبدالحمید ۱۲۶۳ و نوشته شده است: عریضه حضور مهر ظهور جناب مستطاب جلالت مآب خداوندگار معظم ولی النعمی امین الدولة العلیه مفتوح و ملاحظه فرمایند.

راجع بتعهدات طرز رفتار میرزا زکی و عبدالوهاب مامورین دولت در گیلان

هو الله تعالی شانه

تصدقت شوم فدوی چند روز است مبتلای برمد^۱ شدید گشته بیرونها نمیروم. امروز چهاردهم شهر جمادی الثانی جناب فضائل مآب خیر الحاج الکرام برادر عالی مقام حاجی میرزا نصیر منزل فدوی آمد بامراسله [ای] که بندگان خداوندگار ولی النعمی روحی فداه خدمت مستطاب اشرف والارکن الدوله مرقوم فرموده بودید

که مثل خطمنشی بود هاشم دوسه سطری دستخط مبارک جناب مستطاب جلالتماب ارفع اعظم خداوندگار معظم مدظله العالی بود. در آن دوسه سطر اظهار مرحمت در حق این جان نثار صداقت شعار قدیمی شده بود. از اتفاق جناب حاجی میرزا نصیر خدمت نواب والامشرف شده بود. سرکار معظم‌الیه همان نوشته را بجهت فدوی فرستاده بود مطالعه کرده اسباب امیدواری کمترین چاکر عقیدت کیش شما شد از جانب سنی‌الجوانب خداوندگار ولی النعم روحی فداه که حاجت بمطالعه دستخط مبارک ندارم وشهود و پینه نمیخواهم. سالهاست به نمک جناب مستطاب امجد اشرف ارفع مدظله العالی پرورش یافته با هفتاد هشتاد نفر اهل و عیال و غلام زادگان و کنیز بچگان شب و روز نان آن ولی النعمی را میخوریم و با اجتماع و جمعیت حواس اولاً شکر خداوند را بجای گذارده دعا بدوام دولت و شوکت و عزت و اقتدار و بقای عمر پادشاه دین پناه ظل الله روحنا و روح العالمین فداء مینمائیم که خداوند جلت عظمته انشاءالله تعالی این دولت قویشوکت را متصل بدولت قویمه قائم آل محمد عجل الله فرجه بفرمایند و از لغزشهای دنیویه مصون و محروس بدارد و پس از آن که از ادعای اصل اصیل فارغ شدیم دست تضرع بدرگاه حضرت بی‌نیاز دراز کرده از خداوند استدعای بقای عمر و ازدیاد عزت و اقبال و فوزی جاه و شوکت آن خداوندگار ولی النعم را مینمائیم که «شکر نعمت نعمت افزون کند» و اگر حرص و آز میرزا زکی سبب تفرقه حواس و اختلال احوال و اوضاع نشود و اکتفا و قناعت بصد هزار تومان پول اصفهان نماید تحمل پنج روزی باحالت پریش مختل خود بتوانیم بر سر اهل و عیال خود بود و مشغول دعا گوئی گردید و موافق قاعده نسبت و خویش و قومی همین بود که حالتها فی الجمله روبه بهبودی بگذارد اگر باری از دوش بر ندارد اقلاً سربار نشود. از این قرار کار همه کس خیلی بدتر شده است خیال نفرمائید که باز حاجی کم تجربه بنا گذاشته است. از میرزا زکی تفرشی مینالید، الحال از میرزا زکی خویش و قوم رشتی هم بداد آمده است. این همان حکایت سنگ آشناست که زیاد بدرد می‌آورد انشاءالله تعالی عنقریب از اشخاص معتبر معقول گیلان نه

یکچیز بلکه چیزها خواهید شنید و حیرت فرمود و خدا بخواهد شهود معذله خدمت بندگان عالی می آورم که بدانند آنقدر احسان در قوه بود بجا آوردم و برخلاف، اسائه و اضرار دیدم. خداوند چنان خواست مقرب الخاقان میرزا محمد علی خان اسنان سراسر در رشت ماند و از جزئیات و کلیات اوضاع فدوی و او با خبر شد و انشاء الله تعالی شفاهاً خواهد تفصیل را عرض کرد. همچنین جناب حاجی میرزا نصیر که اهل کسمائیة خودشان است همچنین میرزا نصر الله مستوفی همچنین صدنفر دیگر که سروپای برهنه از دست او و دونفر دیگر خواهند بدار الخلافه آمد. این جوانک اتفاقاً یحیا و یمعنی بود و مردم او را نشناخته بودند. حکایت صواحب عظام اعمام کرام را فراموش نخواهید فرمود. شاهزاده بیچاره^۱ بنده خدای مفلوک اسیر است و محبوس. از ایشان چه برمی آید که بندگان عالی به ایشان تکلیف بفمایند. از شدت جوع هوش ندارد. مگر یکدانه تخم مرغ سی گذارد بشاهزاده از ولایت برسد. خود و پدر و برادرهای او و میرزا عبدالوهاب و یک نفر دیگر کسی دیگر را رخمه نمی خواهد بدهد. در حق نواب شاهزاده عرض همان است که پنجاه قبل کرده ام. سفارشات بسیار خودشان لازم دارند. خدمت و زیر شکم زربفت بشود. خیلی نجابت و معقولیت بکار برده اند تا بحال مهاجرت از این ولایت اختیار نفرموده اند. بحق خداوند پسر - های بیست و پنج ساله شاهزاده رنگ حصارخانه [ای] که نشسته اند می توانم قسم - بخورم ندیده اند کجا قدرت نفس کشیدن دارند. همه از ترس پادشاه است که بلکه وزرای یمعنی ایشان را بدنام نمایند که یک دفعه بردارند بنویسند فلان حرکت شاهزاده مایه اخلال مال دیوان است. نمی گذارد مال دیوان وصول شود. کدام پول دیوان؟ گیلان مگر خراسان است یا اصفهان است که بهانه سن خوارگی و ملخ پول پادشاه را از میان ببرد. با هزار قحط و غلا رعیت دولتخواه گیلان به منت پول خود را از همه زودتر میدهند. اگر بر هر کس از امنای دولت قوی شوکت امر گیلان مشتبّه

۱ - اردشیر میرزای رکن الدوله عموی ناصرالدین شاه که حاکم گیلان بوده است.

باشد بر سر کار خداوندگار ولی النعم هم که یکسال در این ولایت تشریف داشته‌اند از هر امری بحق‌الیقین آگاهی بهمرسانیده‌اند در سیصد و چهل پنجاه هزار تومان تنخواه گیلان سیصد و پنجاه شاهی کسر ندارد. اینها همه پیرایه است. این شعبده - بازها بروی کار می‌آورند. بندگان عالی‌چرا بایست غفلت از کار گیلان و تنخواه گیلان داشته باشید. چرا پادشاه باید در سر مرو پنج کرور متضرر شود.

میرزا زکی و میرزا عبدالوهاب^۱ لاطی زانی بنگی و چرسی و قمار باز بیست هزار - تومان از گیلان از مال پادشاه منافع ببرند بکیسه خود بریزند. یکی صرف هوس بکند دیگری جام بلور بنوشد. از اصفهان کم جمع شده است. باین حالت پادشاه که امروز ده تومان بکار صد تومان می‌رود اینها چه محلی از اعراب دارند که محل رعایت باشند مگر اعتماد الدوله^۲ است و مجد الدوله^۳ که مثل سرکار شوکت‌مدار مهدعلیا و سترکبری حایل شوند و از برادر و انتساب نتوانند بگذرند و آنگاه در دول خارج هم بدنامی داشته باشند مع هذا با آنها هم شد آنچه لازم بود اینها چیستند و کیستند. دونفر بقال شاگرد و پینه دوز که اگر نه غلاف شمشیر سربازی که محصل اینها می‌شود بیاید بیست هزار تومان منافع را بگیرد بیای سرباز یا نعل چکمه سرباز بر خورد صدا کند زهره اینها می‌رود. بسر مبارک فوراً می‌میرند نه استعدادی نه بستگی با کسی و نه محل اعتماد در نزد احدی، یک سرباز از آن سواره نظام بی‌شرم بیاید یکروز در سر فرش آنها بنشینند ملاحظه بفمائید ببینید پول از کجا داده میشود. بحق خداوند شاگرد نانوا و بقال از اینها باعرضه تر است.

سرباز پادشاه بگیرد بخورد، زن و فرزند اینها را حفظ کند مثل آنکه مورا از کره بردارند میرزا عبدالوهاب اوطاق آئینه ساخته است محل عیش او است. دوسه هزار تومان خرج کرده است. میرزا زکی یک طویل ساخته است هزار تومان خرج کرده است

۱) پیشکار گیلان و اهل آن منطقه که در سال ۱۲۶۷ به این سمت منصوب شد.

۲ و ۳) عیسی خان و امیر اصلان خان دائی‌های ناصرالدین شاه

وهرگز جدش حاجی میرزا خان رنگش را ندیده بود. جواهرآلات وشالها امسال تحصیل کرده است. نوکر پادشاه در مرو و سرخس عور و برهنه راه بروند قوت نداشته باشند، رکن الدوله نواده سلطان شبها با کوکوی سبزی آبپز طعام سیری نداشته باشد بخورد، میرزا زکی کیسه های مشین را دوهزار دوهزار تمام وزن درست کند در صندوق آهن بگذارد و در مجلس بخندد. الحمدلله پادشاه تکالیف پیشکش عید وبارخانه را موقوف فرموده است. رکن الدوله، میرزا زکی و ملا میرزا حسن و میرزا عبدالوهاب هستند نه اردشیر میرزای نواده خاقان مغفور رحمه الله علیه دروغ میدانند بیايند برشت بچشم خود ببینند کتابچه قانون برای ملا میرزا حسن خورشهای قرقاول است که از دهات خالصه پادشاه پنجاه پنجاه برای او میبرند. رکن الدوله رنگ گوشت گربه را نمی بیند. شمارا بنمک پادشاه با این حالت رکن الدوله میرزا حسن است که گردنش از خوردن قرقاولهای بقدر ستون دیوانخانه است نه اردشیر میرزا که از خجالت بی بضاعتی از اوطاق خود قدرت بیرون آمدن ندارد مع هذا سفارش فدوی بچنین فقیر بی بضاعت می نویسد هیئات هیئات لما توعدون بس است و کافی است. اگر باید مطلب نوشت همین قدر کافی است مگر خدای نکرده امنای دولت از قدرت افتاده باشند. پناه بر خدا این نامربوط را هم عرض کردم دایه از مادر مهربان. تر نشده است امر کم العالی مطاع.

این عریضه را بسبب زیادتی تحریر دور نیاندازید مطلب دارد. لازم است بدقت مطالعه فرمائید و خوب ملاحظه فرمائید مبادا سوادش برشت بیاید.

[پشت نامه]

تصدقت شوم مودی شما مثل میرزا محمد علی خان و نصرالله خان و میرزا فلان و حاجی فلان است یعنی مودی سیصد و پنجاه یا چهل هزار تومان شمارعیت جزویی یا یکنفر یک تومان ندارید که محل خطر باشد بحق خداوند بنمک پادشاه با حاجی علی نقی فراش خلوت و سالی دوسه دفعه برای هشت ده نفر این تنخواه

را در چهار ماه چنان وصول و ایصال می‌نمایم که صدا از احدی بیرون نیاید. شاهزاده هم شکوه سلطنت است‌قدری با وسعت‌تر در سرحد پادشاه باشد اینها چاپ است خود را معطل نفرمایند. میرزا زکی کیست پول شاه را وصول کند ولایت پادشاه ورعیت پادشاه معتبر است. صدقش را عرض کرده‌ام راه راست را نموده‌ام.

بیست و پنج سال است از حالت فدوی خبردارید ندیده و نفهمیده حرف‌نمیزم قدری زیادی گویم این عیب هست اما از راه دلتنگی است، والا عیب دولتی نیست. بیست هزار تومان را بجهت مخارج مرو بخواید برای مرگ بگیرند تا به تب راضی شوند ده هزار تومان را بدهند محل رعایت اینها نیستند. دوفتر غلام سواره نظام از آن نظامیهای بی‌چشم‌ورو یکدفعه ببینند از دوفتر مطالبه کنند بگیرند مال پادشاه است از ولایت متاخرة العمل آورده‌اند کور بشوند بدهند. ابریشم خالصه را شانزده هفده تومان فروخته‌اند برنج را یک تومان تونی^۱ را فروخته‌اند. میرزا زکی مجدالدوله آنجاست از او ثبت خالصه و دهات قورخانه و شهرستان آغا بهرام و اخلاف و مستقالات و ماسوله و گمرک را و عمل ولایت را بخواید ثبت عمل آنها ده یکم و نیم بل‌ده دو علاوه بفرمائید. اینها عمل کرده‌اند. یا همان میرزا زکی را محصل بفرمائید هم محاسب است و هم سواره نظام دوسه نفر همراه او باشد تنخواه را پامیدهد می‌گیرد روانه می‌کند. بعد از آنکه او اینجا آمد البته دوسه ملفوفه فرمان باسم هر که صلاح است همراه او بفرستید باتفاق او عمل پادار خواهد شد.

شاهزاده بر قرار باشد بلکه او را قوت و قدرت خیلی بدهید ببینید چه درمی‌آید. میرزا زکی خیلی زرنگ است اگر میرزا محمد نوری زنده بود او بهتر بود حالا که نیست میرزا زکی آگاه است یا کار را واگذارند بمیرزا سید یوسف که اینجاست همراه عمل بوده است از هر چیز واقف است. فرمان غلاظ و شدادی باو مرقوم بفرمائید که اگر دیناری حیف و میل شود خون تو هدر است او چون همراه است از هر عملی

۱- در اصل چنین است. ظاهراً ص پوتی که واحد وزن مبادلۀ شمال است.

آگاه است همه را بیرون میآورد غلامها هم در تحت امر و نهی او باشند. پولهارا بگیرند اگر پادشاه علاوه بر عمل مداخل برای مخارج قشون میخواهند اینجا حاکم با اسم و رسمی ندارد که از او خجالت بکشند. علاوه بر عمل و اجاره از او بخواهند اینها چه کاره اند نه قدرت حرف زدن را دارند و نه کسی آنها [را] داخل آدم حساب می کند که بیرون دور او جمع شوند. ولایت آشوب شود همه مردم خوشوقت میشوند. بسر مبارك خدايگانی دیروز بزور خواهشنامه گرفتند فرستادند هرچه در حق شاهزاده بنویسند بجاست. آن بیچاره گوشه نشین است. از برای خدا یا اورا از این ولایت ببرند. اینطور زندگی موجب بدنامی پادشاه است یا امر ایشان را مضبوط بفرمایند که این میرزا زکی نمی گذارد آن نان پیدا کند. اختیار- دارید. امرکم العالی مطاع.

تمسك ها و امور مالی

۱۷۰

عهد مورخ محرم ۱۲۵۸

پشت قبض مهر بیضی نسبتاً کوچک بسجع یا علی الاعلی ۱۲۶۲

راجع به اقساط گلبایگان

هو

یک طغرا فرمان قضا جریان که از مصدر خلافت کبری در باب باقی قسط جدی ودلو و حوت گلبایگان شرف صدور یافته بود از عالیجاه مقرب الخاقان فرخ خان باقل کمترین رسید که فرمان مبارك واحکام انسانی دونت علیه را خدمت شاهزاده احمد میرزا حاکم گلبایگان و خوانسار و فریدن فرستاده که بزودی باقی قسط را روانه دارند و اقل بنده درگاه هم متقبل است که تا آخر سال موافق قسط دیناری از بابت مالیات باقی نگذارد در دار الخلافه طهران عاید خزانه عامره سازد فی شهر محرم الحرام ۱۲۶۸

۱۷۱

تمسک مورخ شعبان ۱۲۶۷ راجع به وجه اجاره ضرابخانه کرمانشاه

زیر قبض مهر مربع بزرگ بسجع الواثق بالله الغنی اسکندر ابن فتحعلی^۱ ۱۲۵۵
مبلغ یک هزار و پانصد تومان رایج از بابت وجه اجاره ضرابخانه کرمانشاهان
بر ذمه بند درگاه آسمان جاه است که انشاء الله تعالی از حال تحریر که اول سرطان است
الی آخر سال بدفعات کار سازی نموده قبض حاصل سازد. تحریر آ فی شهر شعبان ۱۲۶۷

۱۷۲

راجع به تمسک عبدالرحیم صراف خزانه

مهر و تاریخ ندارد

بالای قبض: عرض عبدالرحیم صراف خزانه

هو

در باب یک هزار تومان صاحب دیوان که مقرر فرموده اند از فدوی بگیرند، چون
این دوسه روز از برای تنخواه قدری تنگی حاصل است، استدعا دارم که هفت هشت روز
مهلت مرحمت فرمایند که خود فدوی کیسه سریمهر آورده تحویل کرده تمسک
خود را بگیرد. زیاده عرض وجسارت نمی کند. امر عالی مطاع.

۱۷۳

تمسک میرزا زکی راجع به هزار تومان عمل گمرک همدان

زیر قبض مهر بیضی متوسط بسجع محمد زکی الحسینی ۱۲۷۶

هو

مبلغ یک هزار تومان وجه رایج دیوان اعلی از مال کار گزاران جناب
جلالت آجمل افخم بند گان ولی النعمی سپه سالار اعظم^۲ مدظله العالی از بابت پیشکش

(۱) اسکندر خان سردار است از رجال معتبر دوره محمد شاه و ناصرالدین شاه

(۲) یعنی میرزا محمد خان سپه سالار قاجار

عمل گمرک همدان از بابت هذه السنه بارس نيل علاوه بر عمل معمولی سنواتی دیوانی بر ذمه و رقبه اقل السادات و بنده درگاه محمدزکی ثابت و لازم است که انشاء الله از قرار حواله کارگذاران جناب بندگان معظم الیه کارسازی نموده همین سند خود را دریافت کند. بر سبیل تمسک قلمی گردید فی شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۸۲.

۱۷۴

راجع به اقساط مالیاتی و بی نظمی فارس

نامه مهر و تاریخ ندارد

هو

خداوند گارا الان جناب آقا احضار فرمودند معیر الممالک با فصاحت بودند حساب قسط را ششماهه آقانوشت هشت هزار و چهارصد و ده تومان خرج فوج قشونی- موضوع کرد از این قسط هم دوهزار تومان پای خزانه نوشت پس از اینها شش- هزار و پانصد تومان باقی قسط معین کرد و عرض کرد که مخارج ما همه سرگردان است شاه یا باید پول قرض بدهند و یا خودشان خیالی در مطالبه قسط بفرمایند و یا هر کس عارض شود بدانند که قسط همه جا رسیده سوای فارس.

در جزو روزنامه تلگرافی هم شرحی عرض کرده بودند که جمعیت بر سر علی قلی خان قشقائی فرستادند اگر چه خودش نبود ولی پسرش زخم دار شده است با چهل پنجاه نفر و مذکور است قتل هم واقع شده است بیرون دروازه شیراز چنان بی نظم است که کسی قادر بر عبور نیست چهارصد تومان پول قسط می آوردند بیرون دروازه بردند. بجهت اطلاع عرض شد و این راهم دوهزار تومان بخزانه دادند چهار هزار تومان قوام الدونه شش هزار تومان دیگر بماند که عوض پول رخت شاهزادگان حواله خواهم کرد حسابی که نوشت از این قرار است: ۳۰۴۲۵ تومان.

قسط خزانہ ۲۰۲۶۲۵ تومان - پیشکش ۲۲ هزار تومان - انباقی ۲۶۹۲۱۵ -
تومان منها خرج فوج ۸۴۱۰ تومان .
مقرر ششماه اول ۱۴۸۱۰۷/۵ از این قسط شصت و دو رسیده است باقی
۶۰۰۰ باقی است .

درباب اسناد تحویلدار خودش شکایت به آقا کرد گفتم میرزا عبدالرحیم
چندروز آمد بالا خدمت شما نرسید گویا دروغ است وقتی که پیشکش را جمع کردند
عرض کردم دوهزار تومان این از بابت آباده است . فرمود وقتی که شما فارس
میرفتید این پیشکش همان پیشکش قوام الدونه بود بخرج نیاوردند .

۱۷۵

صورت پیشکش واردی ۱۲۷۰

مهر و تاریخ ندارد

هو

پیشکش واردی بتاریخ غره شهر رمضان لغایت ۲ شهر مزبور بارس نیل
۱۲۷۰ نقد ۴۰۰ تومان . سایر : مخمل واطلس و غیره ۵۸ ذرع ، صوف کجراتی ۸
ثوب ، چتر تناویز فرنگی دوعدد ، ظروف بلور ۴ پارچه
پیشکش کلانتری فومن عالیجاه میرزا مهدیخان فومنی بتاریخ دویم شهر
مزبور ۵۰ تومان .

پیشکش میرزا موسی وزیر خراسان بتاریخ ایضاً ۱۵۰ تومان .
پیشکش عالیجاه چراغعلی خان انفادی از اصفهان ، بتاریخ ۱۴ شهر مزبور
۱۰۰ تومان .

پیشکش حاجی مهدی تاجر تبریزی نقد از بابت پنجهزاری که ضبط سرکار
همایون شد ۲۰۰ عدد فی ۱۰۰ تومان .

سایر:

مخمل و غیره ۵۸ ذرع، صوف کجراتی ۸ ثوب، چتر قناویز دو عدد، اقمشه که بتوسط آقا سلمان تسلیم اندرون شد.

مخمل و غیره ۵۸ ذرع

مخمل فرنگی برجیسی، ۲۲ ذرع	حریر گلدار ۲۴ ذرع
گلی ۱۰ ذرع لیموئی ۱۲ ذرع،	سبز ۱۲ ذرع چهره [ای] ۱۲ ذرع

کجراتی ۸ ثوب

قباوار ۴ ثوب	طرح نو ۴ ثوب	اطلس گلی ۱۲ ذرع	چتر ۲ عدد
--------------	--------------	-----------------	-----------

ظروف بلور ۴ پارچه

ظروف بلور که بتحویل سرایدارباشی شد ۴ پارچه

کاسه بوشقاب بانضمام سرپوش

۴ دست فی ۳ پارچه

سبز دودست	سفید دودست
-----------	------------

میوه خوری	۴ پارچه
-----------	---------

تنگ تمام تراش ۱۲ پارچه

سبز باب اول	سفید ایضاً
-------------	------------

دوزوجان	زوجان
---------	-------

۴ پارچه	دوپارچه
---------	---------

سبز دوپارچه	سفید دوپارچه
-------------	--------------

گیلاس مرصع ۱۰ پارچه	گندان مرصع زوجان
---------------------	------------------

قرمز وسط زوجان دوپارچه	سفید وسط دوزوجان ۴ پارچه
------------------------	--------------------------

۱۷۶

راجع به ۲۷۹ تومان که عمیدالملک رد کرده است

مهر و تاریخ ندارد

هو

فدایت شوم نوشته دوست و هفتادونه تومان سرکار را جناب عمیدالملک از بابت باقی تحت کتابچه محاسبه خود رد کرده است باید وجه نقد این نوشته را کارسازی دارید و از بابت کاه هم اگر سند از دیوان صادر نموده‌اید بدهید و تمسک خودتان را دریافت کنید چون چند فقره حواله از خزانه عامره از بابت بقایا شده باید امروز فردا وجه تمسک را بپردازید که به برات داران داده شود زیاده زحمتی ندارد. والسلام.

در حاشیه : بعلاوه سیصد و پنج تومان باقی قنات است که در مجلس ختم شده باید بپردازید این دو فقره را امروز فردا قطع نموده وجه دو فقره را کارسازی دارید. والسلام.

۱۷۷

صورت برآورد و ثوب کلیچه از زمان امیر کبیر

مهر و تاریخ ندارد

صورت برآورد و ثوب کلیچه ماهوت گلی و سرمه [ای] بجهت صاحب منصبان و سربازان افواج قاهره: دو ثوب ۲۲ ریال ماهوت گلی یکدست ۱۲/۵ ریال، ماهوت گلی نه ریال و نیم، سردست و یقه نهصد دینار، پولک دو عدد دوازده شاهی، نوار ابریشمی ذرعی سیصد دینار، ریشنه ابریشمی خوب سیصد دینار، کرباس دوزرع

دهشاهی، سنبله یکشاهی، اجرت دوعباسی، ماهوت سرمه [ای] وقهوه [ای] یکدست ماهوت ذرعی شش ریال ونیم، سردست و یقه نهصد دینار، پولک دوعدد یازدهشاهی نوار ابریشمی ذرعی سیصد دینار، ریشۀ ابریشمی خوب سیصد دینار، کرباس بجهت آستر دو ذرع فی پنجشاهی: دهشاهی، سنبله یکشاهی، اجرت دوعباسی. قیمت کلیچۀ ماهوت گلی و سرمه [ای] موافق برات که گذشته و مرحوم امیر نظام با ملک التجار تمام کردند کلیچه های بسیار خوب ماهوت خوب از قرار تفصیل فوق است. حال هر قسم مقرر فرمایند البته باید دقت شود. موافق تصدیق امین لشکر و برآورد عالیجاه فرخ خان این بندۀ درگاه نیز کلیچه های آقاسید کاظم را دیدم موافق قیمتی که عالیجاه فرخ خان کرده بسیار خوب است.

۱۷۸

صورت وجه ده هزار تومان عالیجاه حاتم خان

مهر و تاریخ ندارد

انگلیس از بابت قیمت تفنگ سه هزار تومان - سرکشیکچی باشی از بابت مواجب غلامان پنجهزار تومان - دروجه میرزا بابا مسیح ' از بابت قورخانه پانصد - تومان - در وجه ابوالملوک پانصد تومان - از بابت تخفیف سرکار امیر اتابک اعظم هزار تومان.

۱۷۹

تمسک هزار تومان آقای مهدی ضابط نیاسر

زیر قبض مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجیع یا امام محمد مهدی

مبلغ یکصد تومان وجه تبریزی رایج از مال خالص سرکار مقرب الخاقان

خداوند گاری ولی النعمی فرخ خان بر ذمه ورقبه این بنده درگاه آقا مهدی ضابط
نیاسر ثابت و لازم است که انشاء الله تعالی مبلغ مزبور را بقسط الشهور در وجه -
گماشتگان ایشان کارسازی نمایم و عذری که خلاف شرع بوده باشد نیاورم. پس از
رسانیدن تنخواه همین نوشته خود را باز یافت دارم. این چند کلمه برسبیل تمسک نامه
قلمی گردید. تحریر فی شهر شعبان المعظم ۱۲۷۰.

۱۸۰

صورت جمع و خرج وجوه خارجه

مهر و تاریخ سال ندارد

هو

خلاصه جمع و خرج عالیجاه مقرب الخاقان فرخ خان صاحب جمع وجوه
خارجه بتاريخ ۸ شهر رجب لغایت ۳ شهر شعبان.
نقد : ۲۷۷۹۸ تومان سایر : شال ۸ طاقه ، انفیه دان طلای مینا عدد
نقد : ۱۴۵۰ تومان سایر شال ۶ طاقه انفیه دان عدد
منها : نقد ۲۸۵۶/۵۲۵۰ تومان سایر : شال ۸ طاقه انفیه دان عدد
از قرار برات بمهر مهر آثار و دستخط مبارک نقد ۲۴۶۹/۴ تومان ، سایر : شال ۴
طاقه ، انفیه دان عدد. از قرار برات ۶۲۸/۸۵ تومان ، از قرار فهرست مزین
بدستخط همایون نقد ۱۸۴۰/۵۵ تومان . سایر : شال ترمه ۴ طاقه ، انفیه دان
طلای مینا عدد از بابت پیشکش روز تشریف بردن خانه جناب جلالتمآب
صدراعظم نقد ۸۷۵ تومان - سایر : شال یک طاقه انفیه دان مینای طلا عدد
از بابت پیشکش واردی عید نوروز بتوسط کربلائی تقی نقد ۷۵۰ تومان
شال ترمه راه پهن و زمردی دو طاقه . شال ۴ طاقه انفیه دان ، مینای طلا عدد.
از قرار فهرست که بصره همایون میرسد ۳۸۷/۱۲۵ تومان ، شال ۴ طاقه .
نقد ۱۳۲۹/۸ تومان - شال راه پهن دو طاقه

بتاریخ يوم جمعه سلخ شهر رجب ۳۴۷ تومان. تحویل رضاقلی خان
 ۲۰۰ تومان. انعامات و تسلیم اندرون ۱۴۷ تومان. از بابت شان ترمه که تسلیم
 اندرون شده بتاریخ شهر رجب ۴ طاقه نقد: بتاریخ غره شهر شعبان ۱۲۵۰/۴
 تومان.

پیشکش حکومت سراب و گرم رود عالیجاه میرزا هاشمخان که بخدمت
 جناب جلالتعاب پیشکش کرده بود و جناب معظم الیه به سرکار همایون پیشکش کردند
 ۵۰۰ تومان. از بابت پیشکش حکومت نهاوند عالیجاه محمدرحیمخان بتاریخ يوم
 شنبه ۷ شهر رجب ۵۰۰ تومان. از بابت پیشکش موقوفی سرباز ساوه بتوسط عالیجاه
 میرزا زکی ۲۷۹/۸ تومان. از بابت باقی پیشکش استمراری سنه ماضیه گروس
 ۵۰۰ تومان. شال پیشکش نواب سیف الله میرزا روز تشریف بردن سرکار همایون
 بمنزل جناب حاجی ملارفع رشتی طاقه. آقا موسی تاجر که حاجی ملارفع درخانه
 او منزل دارد طاقه. زیاده از بابت اضافه عالیجاه فرخ خان. ۷۶/۷۲۵ تومان.

۱۸۱

صد تومان بجهت مخارج مسجد چاله میدان

پشت نامه مهر بیضی متوسط سه بار مکرر بسجع محمدجواد الطباطبائی ۱۲۵۶
 مبلغ یکصد تومان رایج بجهت اخراجات بنائی مسجد از اندرون مرحمت شد
 که تحویل عالیشان استاد اسمعیل معمار کرده از او قبض رسید بگیرم و در حساب
 عالیشان مشارالیه جمع شود. حرر فی ۲۹ شهر صفر المظفر ۱۲۸۶.

۱- بالای قبض یادداشت آقای معاون الدوله: بنائی مسجد چاله میدان که حالا دبیرستان
 شده [گویا هنرستان بهبهانی] پشت قبض: مهر مرحوم حاج میرزا جواد منشی و پیشکار مرحوم
 امین الدوله.

حاشیه : سوی متن مبلغ ده تومان از بابت مواجب عمله دواب است که از
شهر محرم و قدری از شهر صفر باید قبض ساریان را بگیرم فی التاریخ
 سوی متن و حاشیه بجهت کسری جیره شهر صفر ساریان مبلغ پنج تومان
 رایج دریافت شد که مجموع متن و حاشیه ها یکصد و پانزده تومان است. حرر
 فی التاریخ

۱۸۲

قبض خزانۀ فرخ خان

پشت قبض مهر مربع کوچک بسجع یا رحیم ۱۲۴۲

صورت قبض خزانۀ بتوسط مقرب الخاقان فرخ خان ۲۱۵۰ تومان. مواجب
 خزانۀ ۳۱۳/۲ تومان.

مواجب آقا سید محمد معلم نواب والا محمد تقی میرزا بتاریخ شهر جمیدی
 الاول تنگوزئیل ۳۵/۲ تومان. مواجب و تفاوت نشان عیسی سلطان حوالۀ گروس از
 بابت تنگوزئیل ۳۸ تومان. مواجب عالیجاه محمدخان بغایری حوالۀ ملاباشی از بابت
 تنگوزئیل ۲۴ تومان. بروات دیوانی ۱۸۴۱/۸ تومان. قیمت نشان سرهنگی
 مرتبۀ اول عالیجاه علیرضاخان سرهنگ از بابت قیمت جنس خمسۀ ۵۰ تومان. عوض
 رسوم تومانی یک عباسی ارباب قلم و عمله جات میرزا ابوالقاسم مستوفی بتاریخ
 شهر ربیع الاول از بابت قیمت جنس ۸۸ تومان. اخراجات منزل و اوطاق کشیک خانه
 از بابت هذه السنۀ تنگوزئیل توسط شهباز خان ۵۰۰ تومان. مواجب صاحب منصبان و
 سربازان فوج جدید افشار حمل خان باباخان از بابت جنس کنگاور ۴۱۱/۸ تومان.
 منها ۱۱۳/۲ تومان. حوالۀ خمسۀ قیمت نشان مرتبۀ اول سرهنگی علی رضاخان
 ۵۰ تومان. از بابت حوالۀ دماوند در وجه نواب محمد تقی میرزا ۳۵/۲ تومان. حوالۀ

گروس از بابت تفاوت نشان عیسی سلطان ۳۸ تومان. الباقي ۲۰۳۱/۸ تومان. یک طغرا قبض خزانہ از عالیجہ مقرب الخاقان سرور معظم فرخ خان در نزد بندہ است از قرار تفصیل فوق کہ ہرچہ سند از معظم الیہ از ولایات دریاید عوض بدہم، ہرچہ باقی ماند قبض خزانہ رد نمایم. فی شہر جمادی الثانی.

۱۸۳

تمسک پنجهزار تومان ساوہ وشاہسون بغدادی

ظہر و زیر قبض مہر نسبتاً بزرگ بسجع عبدہ رمضان ۱۲۴۰
و در حاشیہ نویسی مہر متوسط بسجع عنایت اللہ الحسینی

ہو

مبلغ پنجهزار تومان رایج دیوان اعلی از بابت مالیات ہذہ السنہ تنگوزئیل ساوہ ویلوکات و جماعت شاہسون بغدادی کہ دیوانیان عظام در کتابچہ و دستور العمل ہذہ السنہ منظور کردہ اند بقسط شہور بخزانہ عامرہ برسد انشاء اللہ تعالی. مبلغ مزبور بعہدہ چاکر در گاہ آسمان جاہ می باشد کہ وصول نمودہ از قرار قسط شہور مفصلہ ذیل :

جوزا . . . تومان. سرطان. . . تومان. اسد. . . تومان. سنبلہ. . . تومان.
میزان . . . تومان. عقرب. . . تومان. قوس. . . تومان. جدی. . . تومان.
دلو. . . تومان. حوت. . . تومان.

در دارالخلافة الباہرہ طهران تحویل تحویلدار خزانہ عامرہ نمودہ و برات جملہ سند خرج خود اخذ و دریافت نمایم و تخلف در قسط شہور مفصلہ فوق نمایم. این چند کلمہ [بر] سبیل یادداشت تحریر شد. تحریراً فی شہر جمادی الاول ۱۲۶۷ مہر عبدہ رمضان.

در حاشیہ : از قراری کہ رمضان یک نوشتہ است صحیح است و انشاء اللہ

در قسطهائی که معین شده خواهد رسانید و تخلف نخواهد شد و تومانی یکصد دینار معمولی رسوم عالیجاه فرخ خان را هم علاوه بر مبلغ متن باید عالیجاه رمضان یک کارسازی دارد انشاء الله خواهد رسانید. مهر: عنایت الله الحسینی.

۱۸۴

پشت قبض مهر مربع بزرگ بسجج لاله الا الله الملك الحق المبين عبده فرخ الغفاری

و مهر مربع متوسط بسجج: خاك نعلین محمد^۱ برسر و چشم رحیم ۱۲۱۹

خدا یگانا

چهارصد خروار غله از جناب جلالتآب آقائی صدر الممالک سلمه الله از قم بکاشان آمده قدغن بفرمائید که خرج گمرگ اورا مطالبه نمایند البته بطوری که عرض کرده ام قدغن بفرمائید بگذرانند و مزاحم نشوند. والسلام.

پشت قبض: خداوند گارا چهارصد خروار دیوان که هشتصد شتر باشد جو سرکار صدر الممالک تحویل حقیر شده و گمرگ اورا که از قرار شتری یک ریال و دو عباسی سفید می باشد خرج ندادم بگمرک چون واجب بود عرض شد.

۱۸۵

برات ۳۵. تومان ۱۷ رجب ۱۲۶۳

زیر برات مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجج عبده الراجی فرخ ۱۲۶۹

پشت برات مهر بیضی بزرگ بسجج عبده مهدی الغفاری^۲

وجه نقدیکه در دارالخلافه ضرور شد و عالیجاه رفیع مکان دوست مهربان

۱- تا اینجا قطعی و قسمت دوم به احتمال قوی است.

۲- پدر فرخ خان

آقا سيد جعفر قبول نمود كه نيست روزه برساند و حجت ذمه [اى] سپرد حال عوض،
حواله بمحال مفصله ميشود بتاريخ يوم پنجشنبه ۱۷ شهر رجب المرجب .
۵۰ تومان منها . ۱۰ تومان كه داده شد باقى . ۳۰ تومان ارسال ماليات اصناف
۸۰ تومان از بابت مزارع صالح آباد وغيره . ۷۰ تومان مزرعه لنجر وغيره . ۲۰۰ تومان:
لنجر . ۱۰۰ و صفى آباد . ۵۰ تومان .

در حاشيه: عاليجاه اخوى محمد جعفر خان همين برات نور چشم اكرم مقرب الخاقان
فرخ خان را ضبط نموده مبلغ سيصد و پنجاه تومان متن را حواله محال مفصله متن
نمايد كه از قرار همين برات بخرج جمعى هذه السنه قوى ئيل آن عاليجاه مجرى است .
تحريراً فى ۳ شهر شعبان المعظم ۱۲۶۳ .

بتاريخ قوى ئيل . ۳۰ تومان مبلغ سيصد و پنجاه تومان رايج خزانه عامره
است . گماشتگان سركار خدايگانى آقا همين برات را دريافت و عوض قبض حواله
بمحال مفصله بدهيد كه قبول است فى تاريخ فوق ۱۲۶۳ .
بخط فرخ خان سيصد و پنجاه تومان است از اصناف و لنجر و صفى آباد البته
بزودى بايد برسد . والسلام .

۱۸۶

قيمت دو طاقه شال ابره ذى قعدة ۱۲۶۷

زير قبض مهر بيضى نسبتاً كوچك بسج محمد حسن ۱۲۶۱

الواصل بمعرفت عاليجاه مقرب الخاقان فرخ خان از بابت قيمت دو طاقه
شال ابره . ۱۶۰ تومان . گلى يك طاقه . ۸۰ تومان . لاکى [يك] طاقه . ۸۰ تومان .
سنه تنگوز ئيل . ۱۶۰ تومان . مبلغ يكصد و شصت تومان وجه رايج ديوان
اعلى است . والسلام . تحريراً فى شهر ذيقعدة الحرام سنه ۱۲۶۷ .

۱۸۷

قبض مستمری ملا رمضان جمادی الثانی ۱۲۶۲

پشت قبض مهر بیضی بزرگ بسجع عبده محمد مهدی الغفاری^۱ ۱۲۲۲
و مهر بیضی کوچک بسجع عبده احمد الحسینی و علامت ثبت سر رشته شد
و در بالا یادداشت: فین سفلی

عوض حواله دیوان اعلی که از بابت مستمری هذه السنة عالیجناب مقدس
القاب ملا رمضان از... که حسب فرمان مبارک در ضمن دوهزار تومان مستمریات
جدید فضلاء و سادات برقرار است یک تومان منها سی شاهی از بابت تومانی یک ریال :
یک ریال . از بابت تومانی ده شاهی : ده شاهی سال یونت ئیل . باقی هشت ریال ونیم .
مبلغ هشت هزار و پانصد دینار وجه تبریزی است . عالیجاه اخوی محمد جعفر خان
از بابت جمعی خود برساند . فی شهر جمادی الثانی ۱۲۶۲ .

۱۸۸

قبض مستمری میر عبدالکریم کلهری رجب ۱۲۶۱

پشت قبض مهر بیضی بزرگ بسجع عبده محمد مهدی الغفاری^۲
و مهر بیضی کوچک بسجع یا محمد ادرکنی و علامت ثبت سر رشته شد
۱۲۲۲ و ثبت شد .

عوض حواله دیوان اعلی از بابت مستمری هذه السنة عالیجناب سلاله -
السادات الاطیاب آقا میر عبدالکریم کلهری که حسب فرمان مبارک مطاع در ضمن
دوهزار تومان مستمریات جدید فضلاء و سادات کاشان برقرار است بموجب طومار
مهور که ضبط میشود: نقد ۴ تومان منها ۴ ریال : و تومانی یک ریال کوچ منسوبان مرحوم

(۱) یادداشت آقای معاون الدوله : مهر پدر فرخ خان

(۲) همچنین: مهر مرحوم آقا میرزا مهدی پدر مرحوم فرخ خان

وزير ٤ ريال . تومانی ده شاهی میرزا احمد وغيره دو ريال الباقي سه تومان و چهار ريال .
بتاریخ ئیلان ئیل مبلغ سه تومان و چهار هزار دینار وجه رایج خزانه است .
عالیجاه اخوی محمد جعفر خسان از بابت جمعی خود رسانند . فی شهر
رجب المرجب ۱۲۶۱ .

۱۸۹

تمسك ۱۲۵۰۰ تومان گلبایگان و خوانسار و

فریدن جمادی الثاني ۱۲۶۷

زیر قبض و هاشم آن سه مهر مکرر بیضی بزرگ بسجع عبده الراجی احمد ۱۲۴۷
مبلغ دوازده هزار و پانصد تومان رایج از بابت مالیات هذه السنة تنگوزئیل
گلبایگان و خوانسار و فریدن بر ذمه این دعاگوی دولت ابد مدت است که از قرار
قسط شهور بتفصیل ذیل :

قسط جوزا . ۱۲۰ تومان . قسط سرطان . ۱۲۰ تومان . قسط اسد . ۱۲۰ تومان .
قسط سنبله . ۱۲۰ تومان . قسط میزان . ۱۲۰ تومان . قسط عقرب . ۱۲۰ تومان .
قسط قوس . ۱۲۰ تومان . قسط جدی . ۱۲۰ تومان . قسط دلو . ۱۲۰ تومان . قسط حوت
۱۲۰ تومان .

به عالیجاه فرخ خان محصل مالیات کارسازی و بندگی نماید یا از قرار برات
صندوقخانه مبارکه بهر کس که حواله بشود برساند انشاء الله تعالی . تحریراً فی غره
شهر جمادی الثاني تنگوزئیل خیریت دلیل سنه ۱۲۶۷ .

بعلاوه متن مبلغ یک هزار تومان از بابت شاهی اشرفی است که اگر کسان
نواب خاتلر میرزا دریافت نکرده باشند کارسازی نماید والا قبوضات کسان ایشان را
[در] عوض بدیوان اعلی رد نماید . فی التاريخ المتن ومهر

سوی متن مبلغ یکصد و سی و پنج تومان رایج از بابت تومانی یکصد دینار
رسوم حسب الحکم جناب اتابک اعظم افخم مدظله العالی است که از قرار همین
نوشته تحویل نمایم فی التاریخ المتن سنه ۱۲۶۷ و مهر.

۱۹۰

قبض طلب فراهه ارمنی ۱۰ رجب ۱۲۶۳

زیرقبض مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع عبده الراجی فرخ ۱۲۶۱
عوض طلب فراهه ارمنی که در دارالخلافة ثلاثه و مواجهه عالیجاهان
دوستان مهربان آقاسید جعفر و آقا محمدرضا شده. ۱۵ تومان.
بتاریخ قوی نیل مبلغ یکصد و پنجاه تومان تبریزی است.
عالیجاهان دوستان مهربان آقاسید جعفر و آقا محمدرضا از بابت تنخواه وجوه
و اجارات رسانید که قبول و مجری است التاریخ فی ۱۰ رجب المرجب ۱۲۶۳.

۱۹۱

طلب فرخ خان بابت محمد حسن خان صندوقدار رجب ۱۲۶۹

زیرنامه مهر بیضی متوسط بسجع فتحعلی ۱۲۵۸
طلب مقرب الخاقان مخدومی فرخ خان از بابت یک طغراقبض مقرب الخاقان
آقا محمد حسن صندوقدار از بابت وجه گمرک شیراز و بوشهر از معامله سیچقان نیل
دو هزار تومان: از حال تحریر لغایت ۲۰ یوم تمام هزار تومان از حال تحریر لغایت
پنجاه یوم تمام هزار تومان.
بتاریخ اود نیل مبلغ دو هزار تومان تبریزی نقد رایج است التاریخ فی
هشتم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۶۹. مهر.

۱۹۲

خلاصه جمع و خرج كارخانه مباركه^۱

مهر و تاريخ ندارد

خلاصه برآورد جمع و خرج كارخانه مباركه از بابت هذه السنه اودئيل
 سواى جنس ۱۰۰ [دينار] ۱۰۸۰۳ [تومان]^۲ موافق سيچقان ئيل ۱۰۰۶/۹۰۰
 حواله طهران شد ۱۲۰۰ تومان حواله خزانه شده بود ۳۰۰۶/۹۰۰ منها
 حواله خزانه شده ۶۲۶/۸ تومان. تدارك تحويل حمل ۳۲۶/۸ تومان. موجب عمله
 برسم مساعده ۳۰ تومان. اخراجات نهار و شام و عصرانه از قرار مقاطعه : ۴۰۰
 تومان. صرف سوخت كارخانه هيمه ۷۳ خروار: خروارى يك تومان ۷۳ تومان.
 اخراجات چورك خانه سواى آرد كه حواله ولايات ميشود ۳۳ تومان. تدارك تحويل
 حمل ۳۲۶/۸ تومان. قيمت شيرينى اعياد و ايام صيام ۶۱/۲ تومان. مقاطعه ظروف
 و غيره ۲۰ تومان. اجرت صفارى مسينه آلات كارخانه بالمقاطعه ۵۰ تومان. فطره
 ايام صيام ۲ تومان. گوسفند عيداضحى ۳۰ تومان. صرف تعزیه دارى ايام عاشورا
 ۵۱۶/۵ تومان. صرف چراغ خانه ۱۰۷ تومان. اخراجات شش خانه جوارى سركارى
 ۱۰۲۹/۳۵ تومان. اخراجات سيف الملوك ميرزا ۲۱۶ تومان. لاله باشى اندرون ۷۲
 تومان. اخراجات كشيك چيان درب خانه ۵۲۰/۰ تومان. صرف آيدارخانه سركارى
 ۲۱/۲۵ تومان. موجب ناظر و عمله جات كارخانه مباركه بعد از وضع رسوم
 ۲۹۱۲/۲۸ تومان. مخارج اتفاقيه غرض سال ۲۰۰ تومان. اضافه هذه السنه
 ۷۶۶/۱۵ تومان. از بابت اخراجات سه خانه جوارى ۵۱۴/۶۰۰ تومان. اخراجات
 چراغخانه سابقاً بخزانه حواله مى شد ۲۸۱/۵ تومان:

يك مشعل مستمرى ساليانه ۱۸۷ تومان. از بابت يك مشعل ايام سفر

(۱) كارخانه: مراد دستگاه آشپزخانه شاهى است.

(۲) در همه موارد به اين صورت خوانده ميشود

۹۴/۵ تومان الباقی. ۱۰۱۷۶/۳۰۰ تومان: از بابت کیا کلاه و غیره ۳۶۰۰ تومان.
دارالخلافه ۱۱۵۷۶/۳۰۰ تومان.

۱۹۳

قبض پنج تومان خرج قنات همت آباد جمادی الاول ۱۲۴۳

بالای قبض هفت نوع مهر بشرح زیر وجود دارد و این عبارت هم نوشته شده

اقر بمارقم عندالاقل ابن مرحوم رمضانعلی
مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع اللهم صل علی محمد وآل محمد
مهر مربع بزرگ بسجع یأتی من بعدی اسمہ احمد ۱۲۳۶
مهر مربع متوسط بسجع محمد هاشم الرضوی ۱۲۴۱
مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع عبدهالراجی علی محمد الحسینی ۱۲۱۱
مهر بیضی بزرگ بسجع محمد صادق بن علی اکبر ۱۲۳۶
مهر بیضی متوسط بسجع پیرو دین نبی محمد مهدی
مهر بیضی بزرگ بسجع محمد علی ابن محمد محسن الحسینی

مبلغ پنج تومان روپیة فضی فتحعلی شاه فی صاحبقرانی از قرار عددی یک هزار دیناری
فی عددی یک مئثال ونیم صرفی فی ده عدد یک تومان تبریزی بمعرفت کارگذاران
عالیجناب معالی القاب قدسی انشاء سلاله الاطیاب کهنه الحاج والزوار الحاج حاجی
علی اکبر وفقه الله از بابت وجه اجرت قناتی قنات همت آباد که یک رشته قنات مزبوره
بسمت مزرعة درم ورشته دیگر بسمت مزرعة نیق است که فیما بین شهاب آباد و
علی آباد است واصل وعاید ملاعلی فناء نصر آبادی گردید که در وجه قناتی قنات
مزرعة مرقومه محسوب نمایند وکان تحریراً فی غرة شهر جمادی الاولى من شهر
سنه ۱۲۴۳ .

۱۹۴

صورت حساب اصفهان

مهر و تاريخ ندارد

بايد بدهد ۹۸۹ تومان منها جمع برات دار.

محمد جعفر خان . . . تومان حواله ناظر . . . امامقلي بيك ياور توپخانه ۱۱۰۳
 تومان. برات توپچي حواله شود . . . تومان. ابوالفتح خان سرهنگ ۱۴۳۳
 تومان - ۷۱۷ عوض مواجب فوج سربند حواله شود آقا باباييك تفنگدار ۳۷ تومان
 از بابت وجه تفنگدار حواله شود. آقا قربانعلی شهوربی . . . تومان. محمد جعفر بيك
 ضابط اردستان . . . تومان. بی پابوده بايد عوض داده شود. ۳ تومان. ميرزا عبدالوهاب
 مستوفي . . . تومان - ۲۰۰ تومان علی اکبر خان روی دشتی ۸/۸۸۷ - ۴۰۰ تومان
 تمسكات فريديني ۲۱۶ تومان - ۱۰۰ تومان. قمشه . ۷۴ تومان. ۲۰۰ تومان و ۳۰
 تومان. چراغ علی خان از بابت انبار روی دشتی . ۸ تومان يكساله است. لطفعلی خان
 بانضمام جنس . . . ۱۰۰ تومان - . . . تومان. ميرزا فضل الله نوائی ۱۹ تومان. حاجی
 كيك اووس ميرزا ۶۳۶ تومان. برات مواجب شاهزاده گرفته شود. ميرزا بابا از بابت
 برگشت تخفيفات ۷۸۸ تومان - ۲۸۸ تومان. آقا محمد كاظم چهارولد . ۱ تومان
 محمدخان هزاره ۷۲ تومان. عوض مواجب غلام هزاره محسوب شود. كدخدایان
 نجف آباد ۱۲۴ تومان - . . . تومان ، ابرقوه ۵۰۰ تومان - ۲۰۰ تومان عبدالله -
 بيك ۱۲۹۷ تومان - ۶۰۰ تومان ۹۸۹/۴

دارالمنظاره . . . تومان مهاجرين ۴/۲۴۷۴ تومان تفنگدار ۳۷۹ تومان
 . . . ۳۰۰ تومان. خوانين قاجار ۷۲۲ تومان داده شده. كشيكيچي باشي . . . ۲۰۰
 تومان. ميرزا رضاميرزا عبدالباقي ۵۴۰ تومان. زين العابدين خان شاهسون .
 ۹۰ تومان. ميرزا كاظم نوری ۱۹ تومان. يساولان . ۶ تومان. لطفعلی خان
 بزچلو ۸۸ تومان. عملۀ زنبوركخانه ۲۷۵ تومان. محمدخان هزاره ۸۶۱/۴ جمع

۸۶۱۰/۴ تومان منها ۱۲۶۷ تومان : قاجار ۷۲۲ تومان. میرزا رضا ۵۴۵ تومان
زیاده ۱۶۰۲/۴ منها ۷۹۰ تومان از بابت تفنگدار الباقی ۸۱۲/۴ تومان.

در حاشیه بخط میرزا آقاخان نوری

جمع فرخ خان از بابت باقی اصفهان ۸۹۸۰ تومان که باید طلب برات -
داران را بپردازد. بقایای اصفهان از قرار فرداین فیم ورق ۷۰۰۰ تومان. جنس
کمره ۱۳۳۰ خروار ۱۳۰۰ تومان. باقی گیلان ۶۸۰ تومان.

۱۹۵

راجع به کتابچه مفاسا حساب شاهرود

زیر نامه دو مهر بیضی متوسط بسجع یا شفیع المذنبین و عبده عیسی الحسینی ۱۲۸۴
ویک مهر بیضی کوچک بسجع امین حضور ۱۲۸۴ پشت ورقه مهر کوچک مربع
بسجع عبده نصرالله.

کتابچه مفاسا حساب قوی ئیل شاهرود و بسطام ابوابجمعی عالیجاه رستم خان
تفنگدار و حسب الحکم در مجلس محترم بقایا رسیدگی نمود. چون مأخوذ رستم خان را
جمع کرده اند و مخارج دیوانی را بخرج منظور داشته اند مبلغ ۲۹۸۹/۷۸۸۱ فاضل
اورا کتابچه مفاسا حساب مسئولیان عظام مشخص و معین نموده اند جناب وزیردقتر
۹۸۹/۷۸۸۱ ازفاضل نقدی و در تحت فاضل پیشکش دیوان همایون اعلی نموده اند
و مبلغ دوهزار تومان فاضل آورده اند. در مجلس رستم خان تفنگدار را حاضر نموده
مبلغ یکهزار تومان دیگرهم اهل مجلس باو تکلیف نمودند که پیشکش دیوان
همایون اعلی نماید و در ازای ۱۹۸۹ تومان و کسری که پیشکش دیوان نموده است
از جانب دیوان اعلی خدمتی بعهده رستم خان رجوع شود که از کسالت بیرون آید
و موجب مزید امیدواری او شده مشغول خدمت گردد و یکهزار تومان برات فاضل

صادر واز بابت بقاياحواله شود كه اخذ ودريافت نموده آسوده شود. موقوف بحكم اوليای دولت جاویدعدت قاهره است. حرقفی شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۹۵ مهرهای سه گانه.

در حاشیه: کتابچه محاسبه قوی ئیل بسطام دادوستدی عالیجاه رستم خان که نوشته شده است بمهر جناب اجل اعظم آقا نرسیده است کتابچه را بنظر جناب آقا برسانید. در باب زیاده هر قسم قرار بدهند از آن قرار معمول خواهد بود.

۱۹۶

صورت خلعت از شالهای ایتاعی

صورت مهر و تاریخ ندارد

از شالهای ایتاعی تازه خلعت داده شده: شال ابره ۲۸ طاقه. ساده تمام دوره طاقه. جبّه ترمه ۱۳ ثوب. جبه ساده ۸ ثوب. جبه کوسه گل ۳ ثوب.^۱ حسب الامر... شال ابره ۲۲ طاقه تمام دور طاقه... جبّه ترمه ۹ ثوب جبّه ساده ۶ ثوب... جبّه کوسه گل ۳ ثوب.

نواب ایل خانی جبّه ترمه ثوب. پسرهای مرحوم محمد رحیم خان قاجار از بابت تعزیه ابره دو طاقه. پسر جناب ملا عبدالباقی از بابت خلعت تقویم جبّه ترمه ثوب. برادر جناب مشارالیه جبه کوسه گل ثوب. آقا محمد رضا نقاش شال ابره طاقه. استاد نصرالله طباخ ابره طاقه. سرکار اقدس ابره دو طاقه. حاجی فرامرز بیک جبّه ترمه ثوب. میرزا رحیم جبّه ترمه ثوب. سرکرده کاه کلائی ابره دو ثوب. ملا ابوالحسن تعزیه گردان ابره طاقه. امام خوان جبّه کوسه گل ثوب. دروجه آقا علی خواننده طاقه. شیخ الاسلام ساوجبلاغ جبّه ساده ثوب. حاجی هاشم خان جبّه ترمه ثوب. شکار جاجرود ابره طاقه. میرزا عبدالباقی خان

۱- کلمات همه بی نقطه است. بسیاری به حدس خوانده شد.

حاکم قم جبه سادۀ ثوب . طالب بیک تفنگدار جبه سادۀ ثوب . مطالب بیک تفنگدار
 ابرۀ طاقه . میرزا ابراهیم جبه سادۀ ثوب و میرزا مهدی شال ابرۀ طاقه . آقا محمد حسن
 زین دار جبه کوسه گل ثوب . کلیچۀ ترمه حسب الامر دو ثوب و ابرۀ طاقه . حاجی
 شاهقلی میرزا جبه ترمه ثوب . آقا سیدرضا خطیب قزوین جبه سادۀ ثوب . آقاسید -
 ابوالحسن شبیه امام ابرۀ طاقه . پسر وکیل طبسی جبه ترمه ثوب . پسر صدرالممالک
 شال ابرۀ طاقه . میرزا عبدالرحیم منجم جبه سادۀ ثوب . آقا سید باقر انزلجی شال
 سادۀ طاقه . حاجی حسن مراغه [ای] ابرۀ طاقه . علی پاشایک صاحب منصب توپخانه ابرۀ
 طاقه . میرزا محمدعلی میرزای محب علیخان ابرۀ طاقه .

و در حاشیه طرف چپ : جلودار که اسب آورده از جانب آصف الدوله
 دو عدد شال ابرۀ دو طاقه . یحیی خان خالوی نایب السلطنه^۱ جبه ترمه ثوب . محمدخان
 ولد کرم خان چاردولی ابرۀ دو طاقه ... هماخانم ابرۀ طاقه . زن احمدعلی میرزا ابرۀ
 طاقه .

از قرار نوشتجات جناب آقائی سلمه الله شال ابرۀ ۴ طاقه . جبه^۲ ترمه ۴ ثوب .
 جبه سادۀ دو ثوب . جمعاً ۸ ثوب . محمودخان کلانتر جبه ترمه ثوب . [یک قلم سیاه شده
 است] . برادر عبدالمحمدخان سرهنگ درخانه ابرۀ طاقه . خانانان جبه ترمه ثوب .
 حاجی نجفقلی خان صاحب جمع جبه ترمه ثوب . باقریک یاور توپخانه ابرۀ طاقه .
 پسر میرزا باقر تاجر^۲ جبه سادۀ ثوب . مرادقلی خان نانکلی جبه سادۀ ثوب . فضل الله -
 خان جبه ترمه ثوب . حسین پاشا خان جبه ترمه ثوب . جعفرقلی خان سرتیپ جبه ترمه
 ثوب . محمودخان سرهنگ ابرۀ طاقه . شهبازخان سرهنگ ابرۀ طاقه .

۱- با احتمال قوی - یحیی خان چهریقی برادر زن محمد شاه و در این صورت این فهرست
 مربوط به زمان محمد شاه است. زیرا در زمان ناصرالدین شاه، عباس میرزای نایب السلطنه و مادر و
 کسانش مغضوب بودند

۲- یک کلمه دیگر هم به دنبال آن هست که خوانده نشد.

۱۹۷

صورت مأخوذی و قرار معامله

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجج محمد مهدی ۱۲۷۶

هو

صورت مأخوذی و قرار معامله که در هذه السنه ییچی نیل باستحضار این چاکر داده شده که بعد از وصول بقایا این عمل مأخوذ خواهد بود سوای خدمتانه و غیره که این چاکر استحضار ندارد ۲۲۱۰/۳۰۰ تومان.

از بابت مالیات ۷۱۸۴ تومان منها ۳۴۹۰ تومان

از بابت دهات بناب مردقان و راسفحان^۱ و املاك محمد مراد خان سرتیپ ۸۹۰ تومان ... از بابت تیولات زرند و دهات شهریار و املاك علما و سادات ۵۴۰ تومان جمع شهری و تیولات توابع و دهات جعفرآباد و غیره ۲۵۰ تومان. از بابت تیولات و املاك علماء و سادات بلوکات و دهات سکست^۱ ۸۵۰ تومان الباقی ۳۶۸۹ تومان

منها تومانی سی شاهی ۵۵۳/۳۰

۹۱۲ تومان

تعارف نواب ۲۵۷ تومان. تعارف کدخدایان و تفاوت عمل ۶۰ تومان. علی اکبر بیک از بابت زرند ۹۰ تومان. علی نقی بیک ۱۲ تومان. کهک از بابت مزارع ملا محسن و تفاوت سرانه ۷۰ تومان. کدخدایان بلوک مردقان و مراغه و غیره ۶۰ تومان. میرزا محمد بیک / ۱۱۰ تومان. محمد جواد بیک ۱۳۰ تومان — ۴۰ تومان کدخدایان حرمان^۲ و مهاره^۳ و غیره ۱۵۰ تومان. زرند ۱۰۰ تومان سامان و غیره^۳ ۱۲۰ تومان.

۷۰ تومان . ۴۰ تومان

از بابت صندوقدار و غیره . ۲۰ تومان . از بابت تفاوت قیمت کاه و مستمری
۲۰۰ تومان . از بابت تعارفات متفرقه و دهیک دیه و سر و دست شکسته و غیره . ۳۰۰
تومان .

هو

قرار کامله که در هذه السنه ییچی ٹیل باستحضار این چاکر داده شده که هنوز
پرداخت نشده سوای وجه اخراجی سرباز که از دوده قدری تنخواه امانت داده اند که
حکم او با اولیای دولت قاهره است چنانچه اختلافی در این عمل ظاهر شود چاکر
بالمضاعف از عهده برآیم و مورد مؤاخذه و سیاست دیوان اعلی باشم . این قرار است که
از بابت پیشکش دیوان اعلی و سایر مخارج داده شده حال حکم او با اولیای دولت
جاوید آیت است چنانچه امر و مقرر میشود که بدیوان اعلی برسد اولیای دولت علیه
رمیدگی فرمایند هرگاه زیاده بر این معامله شده بالمضاعف دریافت داشته به رعیت
رد نمایند و چاکر را تنبیه و سیاست فرمایند والا عمل همین بلکه کمتر از این است
و در مقابل زیاده بر این پیشکش و مخارج هست تقصیر نایب و مباشر چه خواهد بود
هرگاه پیشکش و مخارج را موقوف میدارند امینی مأور فرمایند که از این قرار هرچه
دریافت شده به رعیت رد شود و هرچه دریافت نشده مطالبه شود والا حکم با اولیای
ابد مدت است .

۱۹۸

صورت معامله با حاج عبدالکریم

صورت مهر و تاریخ ندارد

صورت معاملات با خیرالحاج حاجی عبدالکریم.

اصل تنخواه با دوهزار تومان که اصل و فرع است موافق تفصیل . ۸۶۰۰

تومان. تنزيل تنخواه موافق تفصيل ۱۷۲۰ تومان. فقره اول معامله از بابت بيع شرط سوره و بهره مند و حمام بتاريخ غره شهر صفرا المظفر^۱ سنه ۱۲۶۵.

اصل تنخواه ۲۰۰ تومان. تنزيل يكساله ۵۰۰ تومان.

از بابت معامله ثانى از بابت بيع شرط قاسم آباد وغيره بتاريخ شهر ربيع الاول سنه ۱۲۶۵ بموعده شش ماهه.

اصل تنخواه ۱۲۰۰ تومان. از بابت منافع شش ماهه ۱۰۰ تومان.

معامله ثالث بتاريخ شهر ذى قعده سنه مذکور از بابت بيع شرط اندرون بزرگ و خلوتهاى جنب ديوانخانه: اصل تنخواه ۱۴۰۰ تومان. از بابت منافع^۲ شش ماهه ۵۷۵ تومان.

معامله رابع بتاريخ شهر صفرا المظفر^۱ سنه ۱۲۶۶ بدون رهن كه خود سركار خان حجت داده و معامله نموده باطلاع جناب شيخ عبدالعلى و شيخ آقا از بابت قيمت گندم و شال و وجه نقد بموعده ششماه اصلاً و فرعاً مع منافع ۶ ماه ۲۰۰ تومان^۳.

معامله خامس بتاريخ شهر شعبان سنه ۱۲۶۶ از بابت وجه استقراضى از اوصيا از بابت سود ثلث تنخواه هندوستان بموعده يكسال. اصل تنخواه ۲۰۰ تومان^۲ منافع^۳ يكسال ۵۰۰ تومان. عرض ميشود كه اصل تنخواه كه باين خانه زاد رسیده است: اصل تنخواه ۸۳۰۰ تومان. منافع الى بيست و پنجم شهر شعبان سنه^۴ ۱۲۶۷- تنگوزئيل^۴ از قرار ده دوونيم ۲۰۰ تومان.

۱- اصل: المصفر

۲- اصل: منافع

۳- ۲ سيقاى كشيده است و ده هزار هم خوانده ميشود.

۴- مربوط به ماههاى آخر سلطنت محمد شاه است تقريباً سه ماه به مرگ پادشاه مذکور

مانده بوده است.

اسناد خرج آقا محمد رضا

زیر فهرست مهر متوسط بیضی بسجج عبده عبدالحسین
و در حاشیه مهر نسبتاً بزرگ بسجج عبده محمد رضا

فهرست اسناد خرج عالیشان آقا محمد رضا از بابت مصارف دیوانی سرکارخان
که عالیشان مشارالیه در سنه ماضیه یونت ئیل باطلاع بنده داده و حال حسب الفرمایش
سرکارخان مستندات خرد گرفته می شود و فهرست داده می شود بتاریخ شهر
رجب المرجب.

۲۳ طغرا.

دروجه آغامحراب خواجه جبه ماهوت، سجاف ترمه: ثوب. دروجه نایب
فراشخانه جناب حاجی سلمه الله جبه ماهوت سجاف ترمه: ثوب. پرده جهت سرکار اقدس
دوطاقه. چیت ابره پرده ۳ ذرع، چیت آستری. ۳ ذرع. چیت لحاف ۶ ذرع.
صرف آسترقاب تفنگهای سرکار اقدس ۶ ذرع. دروجه میرزای عبدالصمد میرزا
جبه ماهوت ثوب. دروجه جلوداران جناب حاجی سلمه الله ۳ ثوب: محمد آقا. اسمعیل بک
جبار بک: کرمانی محرمات... خودم طاقه. در وجه میرزا بابای مشرف قورخانه ثوب.
در وجه ترکمانان داده ۲۷ تومان منها آقاسید غفاره ۴ ریال. قلم کار جهت آسترقبای
نواب بهمن میرزا آصف الدوله ۳. زنجیره صرف چو خای دوم سردار ۱۶... (؟) بتوسط
آقاسید غفار جبه سلسله لیموئی ثوب. بتوسط آقا حسن فراشباشی بوقچه قلم کار ۱۷ طاقه.
اجرت تشک سرکار اقدس ۵/۴ ریال. چلوار ساروق ۱ ذرع. دروجه استاد حاجی
بابای خاصه تراش چلوار ثوب. صرف جبه اردشیر میرزا: ترمه سجاف: ۴... بوقچه
دارائی: طاقه. بتوسط آقا حسن فراشباشی چلوار ساروق ثوب. بوقچه قلم کار
طاقه جبه و شال: جبه ترمه ۵ ثوب. شال ساده دو طاقه. شال کرمانی مصنوعی^۲

۱- یعنی پارچه ای که روی تشک رختخواب می کشند. این کلمه را در نزد سارخ
بروزن چادر تلفظ می کنند

۲- عین این کلمه یا از نظر رسم الخط نزدیک به آن

طاقه. خودم گرفته جهت مصرف ساروق دادم : چلوار ۵ ذرع زنجیره بدل جهت مصرف دیوان ۲۴... دروجه یساول تفنگداران بتوسط آقاسید غفار ترمه ۵/۸ ریال. صرف متکاء سرکار اقدس: جهت رویه متکاء کتان فرنگی قلاب دوز دو ذرع ونیم. چیت جهت آستر ۲ ذرع قدك ۳ ذرع. قدك ۳ ذرع...

۲۳ طغرا پیچی ئیل موازی بیست و سه طغرا سند است بالمضاعف چهل و شش طغرا شهر فوق سنه ۱۲۶۴ مهر

درحاشیه : از بابت همین فهرست قبض جزو چنانچه بعد از این سندی از سرکار صاحب اختیاری خان و یا مباشرین سرکار خان این بنده یا کسان بنده ابراز نمایم از درجه اعتبار ساقط میباشد. بتاریخ شهر رجب المرجب سنه ۱۲۶۴. مهر

۲۰۰

هو

صورت شال و چارقد ترمه موجودی

صورت مهر و تاریخ ندارد.

در صندوقخانه :

شال ترمه ۹ طاقه ۲ - ۱ طاقه کشمیری راه پهن ایتیعی از آقا سید عبدالرزاق
 ۵ طاقه رضائی ایتیعی از ایضاً ۳ دو طاقه. ایتیعی از حاجی عبدالرزاق کشمیری -
 راه پهن ۵ طاقه. رضایی گلی ایتیعی از ایضاً دو طاقه. رضایی ایتیعی از آقا محمد -
 جعفر کاشی ۶ طاقه. چهار حاشیه ایتیعی از ایضاً طاقه. متفرقه ۸ طاقه. شال کشمیری
 بتوسط میرزا زمان خان از اندرون داده اند طاقه. شال حاجی حسنعلی خانی ترمه
 راه پهن طاقه. شال قائم مقامی طاقه. شالهای نواب نصره الدوله دو طاقه. شال نواب

۱- بایک قلم دیگر که خوانده نشد

۲- این رقم مجموع است و ۲ و ۸ جزاء آن

۳- یعنی همان آقا سید عبدالرزاق.

محمد رحیم میرزا کشمیری زمردی طاقه . شال پسر حاجی حسنعلی خان محرمات
راه پهن طاقه . در اسلامبول تجارت آورده طاقه

شالهای نصره الدوله دو طاقه . جهت سجاف بریده اند طاقه . آقا میرزا علی نقی
طاقه . در وجه زن خلیفه قلیخان شال قائم مقامی طاقه . در وجه حاجی محمد حسین تاجر
ایروانی طاقه . شال چهار حاشیه در وجه واپورچی دریای سیاه طاقه . در وجه حسین پاشای
میرپنج شال رضائی ابتیاعی از حاجی عبدالرزاق طاقه . شال راه پهن در اسلامبول
دو طاقه قباشده طاقه . عوض با شال دیگر شده جهت کلیچه طاقه . در وجه
کابی دان دریای سفید شال ابتیاعی در تبریز طاقه . در اسلامبول قباشده ایضاً
طاقه . در پاریس در وجه نریمان خان شال تجارت اسلامبول طاقه
۱۸ طاقه .

شال مشهدی و کرمانی ۲۴ طاقه : ابتیاعی از حاجی عبدالرزاق مشهدی
راه پهن ۲۳ طاقه ، کرمانی راه پهن . طاقه منها ۳ طاقه . در وجه سلیم بیک میرآلا
در ارض روم شال مشهدی طاقه . در وجه آدمهای پاشا در طرابوزن که مهماندار بودند
دو طاقه . الباقی ۲۱ طاقه .

چارقند ۱۹ طاقه : ابتیاعی از آقا سید عبدالرزاق - ۱۳ طاقه : کوچک کشمیری
۶ طاقه ، چهار فصل طاقه ، گلی طاقه . سفید و گلی دو طاقه . گلی کرمانی ۳ طاقه : ابتیاعی از
حاجی محمد رسول ۵ طاقه . ترسه زنگاری ابتیاعی از حاجی عبدالرزاق طاقه . در وجه
صاحب منصب دریای سیاه دو طاقه : چهار فصل طاقه . گلی طاقه - الباقی : ۱۷ طاقه .
برك ۱۴ ثوب . سفید ۴ ثوب . شکری ده ثوب . منها در وجه حافظ آقا ثوب .
الباقی ۹ ثوب

خطائی ۱۱ لوله . منها دولوله : در وجه حافظ آقا لوله . در پاریس بریده اند
جهت سجاف لوله . الباقی ۹ لوله .

۲۰۱

هو

صورت اشیاء موجودی در صندوقخانه

صورت مهر و تاریخ ندارد

سوزنی روی میز ه تخته : صدراعظمی تخته با آستر دوتخته . بی آستر دوتخته .
 صندلی ' خاتم ه عدد . قالیچه کردستانی ه تخته . قالیچه فراهانی دوتخته .
 میز خاتم ه عدد : ایتیای در کن ه عدد . از شیراز آورده دوعدد . مجری خاتم ه عدد .
 قلمدان : قلمدان سفید ه عدد . کارخوانسار ه عدد . قلمدان بزرگ ه عدد .
 جلد کتاب ایضاً عصا [ی] خاتم ه عدد . عرقچین ترمه و شب کلاه بتوسط میرزا زمان خان
 خریده شده ه طاقه : عرقچین ه طاقه . شب کلاه طاقه . شمشیر ۱۷ قبضه منها در
 ارض روم داده شده یک قبضه . الباقی ۱۳ قبضه . قاشق جعبه انگشتر فیروزه ۱۱۶
 حلقه . رویه فرش جاجیم ابریشمی ه تخته .

۲۰۲

موجب محمد علی نامی بحواله صنف گازرکاشان ۱۲۴۵

زیر قبض مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع عبدهالراجی محمد علی ۱۲۳۳

الواصل : حسب الحواله سرکار قبله گاهی فرخ خان از بابت موجب
 اینجانب بحواله صنف گازرکاشان که قبض از اینجانب در دست دارند ه ۷ تومان
 سنه بیچی ثیل .

مبلغ هفتاد و پنج تومان نقد رایج خزانه است . . . التاريخ شهر جمادی الثاني

۰۱۲۴۵

۲۰۳

تعهد محمد باقر راجع به تعلیقات چراغعلی خان^۱ شوال ۱۲۶۷

زیر تعهد نامه مهر بیضی کوچک بسج محمد باقر ۱۲۶۰

۲۰۸۰ تومان

تعلیقۀ اردستان ۲۰۰ تومان هشت روزه - تعلیقۀ قهپایه ۳۰۰ تومان پنج روزه
تعلیقۀ نجف آباد ۵۰۰ تومان چهار روزه تمسک گرفته شد و به خودشان حواله شد.
ایرقوه ۶۰۰ تومان ده روزه - قمشه ۳۰۰ تومان پنج روزه - سمیرم ۱۸۰ تومان
پنج روزه.

متعهد شدم که موافق تفصیل فوق که موعده معین شده است تعلیقات عالیجاه
چراغعلیخان را بدهم محصل ببرد یا مؤدیان فوق را حاضر^۲ نموده یا تنخواهی که
حوالۀ بلوک مفصله شده خود قبول نموده از بابت مواجب تنگوزئیل قاجار محسوب
داریم. تحریراً فی ۵ شهر شوال سنۀ ۱۲۶۷.

۲۰۴

صورت بارهای امین الملک ۱۲۷۴

پشت صورت مهر بادامی بسج علی اصغر ۷۳

صورت محاسبۀ بارهای جناب مستطاب خداوند گاری امین الملک دام اجلاله
واقباله عالی بدین ترتیب^۳ است.
مورخه ۲۳ شهر ذی حجه الحرام از واپور نمسه وارد شده و رسیده است سنۀ
۱۲۷۴: صندوق ۲۱۳ عدل. پیش کرایه ۲۴ تومان. صد عدد امپریال فی ۲۵ ریال و
پنجهزار و دو عباسی.

۱ - نایب الحکومت اصفهان در زمان امیر کبیر

۲ - در اصل حافظ

۳ - نقطه ندارد به حدس خوانده شد.

بتاریخ ۲۰ شهر صفر از واپور نمسه رسیده است ۱۲۷۵ صندوق ۱۰۰ عدل .
پیش کرایه ۱۴۲ تومان . پنجاه عدد مجیدیه طلا: فی ۲۸/۸۸ ریال . جملتان دو فقره
بارها میباشد ۳۱۳ عدل ۲۰ فقره پیش کرایه ۳۹۶ تومان .

آنچه که از بارخانه مذکور کرایه داده و روانه ارض روم [= ارز روم] خدمت
عالیشان حاجی علی تاجر دیلمقانی شده که از آنجا کرایه داده روانه تبریز و مقصد دارند:
در حمل ابراهیم نام کرایه قطار از قرار سیصد غروش الی ارض روم :
۲۸ شهر ذی حجه سنه ۱۲۷۵ صندوق ۱۹۴ - عدل ۶۳ قطار و ۲۶ من فی ۶ تومان
۳۸۵/۲ تومان وجه پیش کرایه داده شده - ۲۳۴/۱۶ .

در حمل داود نام: صندوق ۴۴ بار فی ۵/۵ تومان ۲۴۲ تومان . بحساب باری
ارسال شده ۲۰ شهر صفر : سحضا ۶ بار فی ۷/۹ تومان ۷/۴ و وجه پیش کرایه داده
شده ۱۳۶/۵ تومان . جمع ۵۰ بار ۲۸۹/۴ .

باید در ارض روم سنات از قرار چهار هزار دینار داده شود ۱۰۵۱/۰ . باید در
ارض روم سنات را از قرار چهار هزار دینار داده باشند ۱۰۲/۹ تومان .

جملتان : دو فقره محموله و پیش کرایه که داده شده و مصارف نموده ایم .
صندوق ۲۹۴ عدل . پیش کرایه داده شده ۶۶/۰۳۷ تومان . مصارف ۲۹۴
عدل بدون حق سعی که پیش کش است ۱۷/۷۲ تومان جمع ۳۸۸/۳۸ تومان .
بار و پیش کرایه که در نزد فدوی موجود است امروزها ارسال خواهد شد .
صندوق ۱۹ عدل . بقیه مانده است ۷/۶۲ تومان .
جمع بارهای رفته و موجودی و پیش کرایه : صندوق ۳۱۳ عدل . پیش کرایه
۳۹۶ تومان .

صورت حساب صحیح با قاعده می باشد . من جانب فدوی علی اصغر تبریزی .
خداوند گارا فدایت شوم صورت حسابی که در هنگام تعجیل قلمی و بخدست

داده شد بعد ملاحظه نمودم که با حساب ارض روم و تبریز مطابق نمی آید زیرا که در پول تفاوت دارد مجدداً قلمی و صورت صحیح همین است که ارسال خدمت با سعادت گردیده شد. زیاده چه عرض شود. شب و روز در سر جای نماز مشغول بدعا می باشد. خداوند عالم وجود مبارك خداوند گاری را محفوظ فرماید و سایه بلند پایه شمارا از سرماها کم نفرماید.

۲۰۵

صورت وجه مالیات اصفهان

صورت مهر و تاریخ ندارد

وجه مالیات و متوجهات اصفهان و تنويع از قرار عمل ولایت در معامله ماضیه تخاقوی تیل و ایت تیل . . . ۳۶۶ تومان منها ۳۴۵۲ تومان با تخفیفات موضوعه در حشو موافق سنوات : الباقی ۳۶۲۵۴۸ تومان فی دوساله - ۷۲۵۰۹۶ تومان المقرر موافق معمول ولایت بموجب جزو علی حده ۵۶۶۳/۱۱/۷۲۵۷۱۱ منها کسر ولا- وصول ۶۵۷۶/۶۹۷۶۴ الباقی : ۶۵۵۹۴۶/۹۱۰۷.

ابواب جمعی و مأخوذی سپهدار ۵۵۶۵۶۸/۰۳۴۵ مخارج که الی حال تحریر معلوم شده و بعد بکم و زیاد آن رجوع شود ۴۱۴۵۷۵/۰۳۴۵

تخاقوی تیل - ۱۷۹۰۲۰/۹۲۷۰ ایت تیل ۲۳۵۵۵۵/۰۴۷۵

الباقی که مخارج آن معلوم شود و آنچه باقی بماند از عهده برآید ۱۴۱۹۹۲/۰۶۰ سایر مردمان ۹۹۳۵۸/۷۰۲۶

خان خانان ۵۷۱/۰۴۸۴۰۲ فرخ خان ۵۸۵۵/۵۷۶۶۵ منها ۱۳۳۱۸/۷

تومان که دخلی به مالیات ندارد. الباقی ۴۴۳۴۶/۸۸۵۵ تومان

چراغ علی خان ۷۶۰۰/۷۴۸۴ تومان منها ۱۵۷۵ دخلی به مالیات ندارد.

تومان . الباقي ۶/۷۹۰۹۰ تومان . شفيع خان و محمود خان از بابت دهات بروجن
۷۰۰ تومان .

۲۰۶

تعهد يک هزار تومان و ششصد خروار غله

پشت تعهد نامه مهر بيضی بزرگ بسجع عبده الراجی فضل الله ۱۲۴۹

بنده درگاه متعهد و متقبل ميباشم که مبلغ يک هزار تومان وجه نقد که از
بابت ماليات و متوجهات هذه السنه تنگوزئيل ابواب جمعی خود کمتري حواله از قرار
تعليقه فرموده اند با مقدار ششصد خروار غله که از قرار تفصيل حواله به عاليجاه
رمضان يک نايب ساوه نموده اند بحضرات زارعين قم و شمس آباد از بابت بذرو
مساعده سنه آتیه تقسيم نموده حجت معتبر از اشخاص پادار دريافت ساخته که در
رفع محصول شتوی از عهده برآيند و مبلغ دوست و پنجاه تومان کرایه سيورسات
ملتزمين رکاب نصرت انتساب را تمام و کمال بحاملين جنس مزبور کارسازی نموده
قبض رسيد از اينها دريافت کرده بنظر رسانيده باشم . في التاريخ شهر ذی حجة الحرام
سنه ۱۲۶۷ .

۲۰۷

صورت مواجب حاج فرهاد ميرزا ظاهرآ و پسرش سلطان اويس ميرزا

قبض مهر و تاريخ ندارد

مواجب اين بنده درگاه و سلطان اويس ميرزا که از ديوان همايون مرحمت
ميشود ۱۰۰ تومان : بنده درگاه ۶۰۰ تومان - سلطان اويس ميرزا ۱۰۰ تومان
منها رسومات ۲۰ تومان . الباقي ۸۰۰ تومان .

۲۰۸

راجع به برات فتح الله میرزا

مهر و تاریخ ندارد

۵۰۱۸ تومان برات صادر نموده از بابت باقی نواب فتح الله از بابت مواجب دو ساله معظم الیه ۲۷۸۷ تومان. از بابت مواجب تنگوزئیل ۱۳۹۳ تومان. سیچقان ئیل ۱۳۹۴ تومان. تعلیقہ صادر نموده از بابت کاه و هیمة عاشق لو - ابواب جمعی آقاخان بک تفنگدار ۲۳۱ تومان : تعلیقہ اول ۲۳۱ تومان. درثانی بدون اطلاع بنده صادر نمود ۱۰۰۰ تومان.

بخط فرخ خان:

هو

مطاع مکرم من عالیجاه میرزا فتحعلی خان بعرض بندگان خداوند گاری رسانید که باین تفصیل برات وتعلیقہ بشما رسیده وشما قبض نداده اید حسب الامر بشما مینویسم که اگر در مقابل این بروات قبض نداده اید البته بدهید و اگر قبض داده اید حقیقت را بنویسید.

مطاعاً مکرم وجه همدان از قرار تعلیقہ است. هرچه پول بدهد قبض خواهد گرفت چنانکه در تعلیقہ بهمین مضمون [ن] حکم شده است. بروات مواجب نواب فتح الله میرزا حواله فارس [و] کرمان است سند داده از خزانه گرفته ام کیفیت از این قرار است.

مخدوماً معظماً بلی وجه همدان از قرار تعلیقہ است ولکن باید قبض بدهد وبرات تحویل بدارد هرگاه از آن تنخواه برگشت نمود دیوان اعلیٰ عوض میدهند. در باب مواجب نواب فتح الله میرزا قبض به خزانه نداده اند برات صادر شد همان برات را بخزانه سپرده اند وقبض درخانه صادر نموده اند حال هم که قبض بدهید

که برات تحویل صادر شود و بخرج نواب فتح الله میرزا خرج باقی نوشته شود.

۲۰۹

قبض پول تفنگ

زیر قبض مهر کوچک بسج زکی ۱۲۶۹

الواصل بمعرفت گماشتگان جناب جلالتآب امین الدوله العلیه العالیه از بابت تفنگ دنگی خاندانار ابتیاعی دیوان اعلی. تفنگ دنگی خاندانار تمام اسباب ۱۶۰۰ قبضه. گلوله کش و کهنه کش ۱۵۷۶ عدد و در حاشیه به خط شاه: «این قبض صحیح است» سنه ایت ثیل موازی یک هزار [و] ششصد قبضه تفنگ دنگی. خاندانار تمام اسباب و یک هزار پانصد [و] شصت [و] هفت عدد گلوله کش و کهنه کش است التاریخ فی ۲۰ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۷۹ مهر. [دو برابر آن را هم از باب محکم کاری در سند نوشته اند].

۲۱۰

قبض پول چقماق تفنگ

زیر قبض مهر سریع بزرگ هشت گوش دولتی باشیر و خورشید ۱۲۶۴

و پشت قبض مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسج عبده آقاخان بن اسدالله ۱۲۶۹

عالیجاه حاجی محمد حسین جبه دارباشی. چقماق انگلیسی بجهت تفنگ سربازی که در جبه خانه ساخته می شود و عالیجاه محمدخان مصلحت گذار در اسلامبول ابتیاع نموده و در اینجا بتوسط عالیجاه حاجی میرزا جبار تحویل جبه دار باشی شده از قرار قبض که در نزد مقرب الخاقان میرزا اسماعیل مستوفی ضبط است. ۱۴۹۷ عدد. حاجی میرزا جبار ۱۴۹۵ عدد. مقرب الخاقان آجودان باشی دوعدد

۱- میرزا آقاخان نوری چنانکه آقای معاون الدوله هم متذکر شده اند و مربوط به ماههای اول صدارت اوست.

۱۱۲۲/۷۵ منها ۷۵. تنگوزئیل مبلغ پانصد تومان تبریزی رایج خزانه است.
تحریراً شهر جمادی الاول سنه ۱۲۶۸.

حاشیه بخط میرزا آقاخان: پول این برات بتوسط حاجی محمدحسین تاجر
درارز روم رسید بعد حواله داد بتوسط امین لشکرکه میرزا تقی خان مرحوم پول
داد. این بحواله حاجی محمدحسین داده شد. حالا باید آن تنخواه جمع خزانه
شود بعد این برات بخرج خزانه بیاید. بخط شاه: صحیح است.

۲۱۱

قبض قیمت نشان شخص دومی نظام الملک

پشت قبض مهر بیضی بزرگ دولتی با شیر خوابیده در وسط بسج

صدر اعظم دولت علیه ایران اعتمادالدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸

قیمت نشان درجه شخص دویمی مکمل بالماس در وجه جناب میرزا کاظم -

خان نظام الملک.

قطعه ... ۴ تومان سنه لوی ئیل مبلغ چهارصد تومان وجه رایج است [نصف

رقم هم در ذیل آن نوشته شده است] التاريخ فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۷۲.

۲۱۲

تمسک یکهزار تومان از یوسف بن محمد حسن

زیر قبض مهر بیضی بزرگ بسج یوسف ایها الصدیق ۱۲۷۸

هو الله

مبلغ یکهزار تومان وجه رایج خزانه عامر از مال خاص خالص سرکار جناب

۱- یوسف خان پسر بزرگ محمد حسن خان سردار و نواده دختری عباس میرزا

جلالتآب اجل اکرم خداوند گاراعظم امين الدوله العليه ادام الله اقباله العالی در نزد این فدوی ایشان یوسف ابن محمد حسن است که تادوازده یوم دیگر از حال تحریر که پانزده شهر صفر است تحویل و تسلیم کارگذاران سرکار ایشان نمایم و عذری در میان نباشد. تحریراً فی ۱۵ شهر صفر المظفر ۱۲۸۳.

۲۱۳

قبض انعام میرزا جعفرخان مشیرالدوله

پشت قبض مهر بیضی متوسط بسجع محمد رضا الحسنی ۱۲۶۵ و
مهر بیضی متوسط دیگر بسجع یوسف ابن محمد حسن ۱۲۵۶
[که همان میرزا یوسف مستوفی الممالک باشد]

انعام عالیجاه مقرب الخاقان میرزا جعفرخان مشیرالدوله از بابت هذه السنه یوقت ثیل غله ۲۰۰ خروار مقررأ سنه یونت ثیل مقدار دویت خروار بوزن تبریز غله است [نصف رقم را در زیر نوشته اند] تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۷۵

۲۱۴

قبض هزار تومان پیشکش حکومت کاشان

زیر نامه مهر بیضی بزرگ بسجع یوسف ایها الصدیق ۱۲۶۲
هو الله

مبلغ یک هزار تومان وجه رایج خزانه عامره از بابت پیشکش حکومت کاشان بر ذمه ورقبه این فدوی خانه زاد دولت ابد مدت قاهره یوسف است که تا پس فردا یوم یکشنبه هیجدهم صفر بکارگذاران دیوان همایون اعلی تسلیم نماید و این نوشته را دریافت دارد و عذری در حضور مبارک سرکار اقدس شهریاری

ولی نعمت کل ممالک محروسه ایران خلدالله ملکه نداشته و خدمت را کامل از عهده انشاء الله برآید. تحریراً فی شهر صفر المظفر ۱۲۸۳.

۲۱۵

قبض حقوق کلوکه^۱

پشت قبض مهر بیضی کوچک بسجج کلوکه ۱۲۶۲

هو

الواصل بتوسط کارگذاران دیوان اعلی از بابت طلب سنواتی بنده درگاه موسیو کلوکه حکیم فرانسه ۱۶۰ تومان سنه تنگوزئیل مبلغ یک هزار و شصت تومان رایج است. تحریراً فی شهر شوال المکرم ۱۲۶۷ [نصف رقم راهم در زیر - نوشته اند].

۲۱۶

صورت حساب مربوط به قشون کرمان

پشت صورت حساب: تمسک عالیجاه میرزا شفیع وزیر کرمان و مهر بیضی متوسط بسجج محمد شفیع

تصدقت شوم حکم محکم در باب قسط خزانه عامره شرف صدور یافته که یا نواب شاهزاده تعهد رسانیدن قسط نماید یا محصل از دیوان اعلی مأمور شود فدوی قدرت آنرا ندارد که بحضور مهر ظهور عریضه خلاف عرض کند تفصیل قسط و حقیقت عمل قبل از صدور حکم بصحابت چاپار عرض شده بعضی ملاحظات هم که در عریضه عرض نکرده است از آنجمله سرباز جدید کرمان است که حسب الحکم باید مدارک دیده شود. قریب نه هزار تومان مواجب و ملبوس والاغ و چادر و

۱- در گوشه قبض بغط آقای معاون الدوله: قبض یک هزار و شصت تومان موسیو کلوکه فرانسوی دکتر ناصرالدین شاه

سایر تدارك آنهاست كه بموجب حكم داده میشود. دیگر حكایت شال باف است كه مردمانی بی‌مایه و فقیرند تا پول پیش نگیرند قوه دادن شال ندارند ناچار بجهت شال و فرش فرمایشی تنخواه داده شده بعد از این هم میخواهند و همچنین سیورسات قشون ساخلو است كه از پارسال بعلت خشكسالی غله نمانده وقشون جیره یومیه را میخواهند. آنها را گرسنه نمی‌توان گذاشت ومورد مؤخذة بندگان عالی‌شد. فدوی ناچار از قرار خرواری سه تومان و پنجهزار گندم می‌خرد و بجیره میدهد كه در رفع محصول عوض بفروشد و این جیره را تا سر محصول میخواهند يكروزه از قرار تفصیل ۲۳ خروار است و يكماهه ۶۹۰ خروار میشود...

۲۳ خروار و ۲ بن. جیره ۱۶ خروار و ۶۳ من. ۳ سیر. علیق ۶ خروار و ۵۸ من. توپچی و قورخانه چی ۱۸۲ نفر مقررأ جیره يك خروار و ۲ من^۱ و علیق يك خروار و ۶۴ من و ۳۰ سیر. توپچی جمعی عبدالله بيك ۱۵۴ نفر جیره ۸۲ من و علیق ۲۶ من. اصطبل توپخانه مباركه جیره ۲۴ نفر ۱۴ من و علیق ۹۱ رأس يك خروار و ۳۶ بن و ۳۰ سیر. قورخانه جیره ۵ من و علیق هاشم بيك ۲ من^۱

افواج : جیره ۱۴ خروار و ۷۶ من و علیق ۳ خروار و ۷۷ من و ۳۰ سیر. جمعی صارم الدوله قدیم وجدیده ۱۷۳ نفر جیره ۹ خروار و ۱۴ من و ۳۰ سیر و علیق ۳ خروار و ۵۹ من و ۳۰ سیر. فوج کرمانی كه روز بروز علاوه میشود جیره ۵ خروار و ۳۲ من و ۳۰ سیر و علیق سرهنگ ۱۰ خروار و ۵ من. موسی سلطان معلم جیره بيك من و ۲ سیر و علیق ۳ من^۱. غلامان ۱۲ نفر جیره ۷۲ من و علیق ۳ خروار و ۱۶ من. عرب بسطامی ۳۲ نفر و ۱۳ من و ۱۳ سیر

تا حال مقرب الخاقان صارم الدوله سفر بود قسدري از سرباز جمعی او در کرمان. این اوقات مراجعت کرده دوسه روز دیگر وارد میشود، علاوه بر جیره ساخلو از مواجب دستور العملی مساعده میخواهند و میگیرند تا مواجب داده شود. فدوی این ملاحظات را نموده وعرض کرده است اینکه قبل از صدور حكم سبقت بعرض

نمود برای این بود که از امروز قرار معلوم شود و خاطر مبارك بندگان عالی من بعد نرنجد. محصل هم مأمور شود بنمک سرکار قسم است غیر این چاره ندارد. اگر میداشت فدوی بیش از کسانی که مأمور میشوند طالب خدمت بود. البته عرض میکرد قراری که بنظر مبارك میرسد نواب شاهزاده متعهد است در اینجا با حاج محمد ابراهیم مضبوط می کند و تنخواه را انشاء الله با شال انفاد میدارد و حاج محمد حسین هم بخزانة عامره میرساند. حاج محمد ابراهیم از قسط خاطر جمع شده و به حاج محمد حسین نوشته است سرکار شاهزاده هم نوشته اند و تعهد نامه چه از این- قرار بحضور مبارك فرستاده اند انشاء الله بی تخلف خواهد رسید.

موافق دستور العمل ۵۰۰۰ تومان منها: ۱۰۰۰ تومان. علی حده داده شده و میشود ۴۰۰۰ تومان: شاهی اشرفی ۳۰۰۰ تومان. بحواله سهراب خان ۴۰۰۰ تومان. بجهت مخارج که حسب الحکم داده شود و در حساب دیوانی جمع و خرج شود. ۶۰۰۰ تومان. قسط خزانة و شال صندوقخانه ۴۰۰۰ تومان. سه ماهه الی آخر میزان ۱۰۰۰۰ تومان. سه ماهه الی آخر جردی ۱۰۰۰۰ تومان. دو ماهه الی آخر حوت ۱۰۰۰۰ تومان.

استدعای این فقره و نیامدن محصل بجهت مخارج اوست. محصل هم که باشد انجام خدمت دیوان اعلی با نواب شاهزاده است. این التفاتی است از سرکار که به نواب شاهزاده و ولایت میشود زیرا که شاهزاده را چنان پریشانی حاصل است که فدوی از عرض آن عجز دارد و بجهت حفظ آبروی خود و رضای خاطر مبارك بندگان عالی ضرر و خسارت کلی کشیده تا از این مقوله مرحمت مانن شود کار نمی گذرد صاحب رحم و مروت سرکار بندگان عالی است. امر کم مطاع.

چون سابقاً قرار قسط مالیات را از این قرار عرض کرده بود قدرت تغییر و خلاف نداشت ولی چون اول سال است بعلت تدارک فوج کرمانی و قیمت جیره قشون ساخلو و بعضی مخارج دیگر که اتفاق می افتد اگر در قسط اول رعایتی فرمایند کمال مرحمت است.

۲۱۷

تمسك سيمد تومان ميرزا ابوالقاسم اصفهانی

زير تمسك مهر بيضی متوسط بسجج ابوالقاسم ۱۲۶۵

هو

از مال سرکار ديوان همايون اعلى مبلغ سيمد تومان تبريزی فضی رايج خزانه عامره سلطانی بر ذمه ورقبه اقل بندگان درگاه خلایق پناه ميرزا ابوالقاسم اصفهانی ثابت و لازم است که انشاء الله تعالى از حال تحریر لغایت انقضای مدت سه ماه در دو قسط از قرار تفصیل کارسازی کارگذاران ديوان^۱ همايون اعلى نموده تمسك خود را دریافت دارم و چنانچه از این قرار تخلف نمایم مورد مؤاخذه و سیاست ديوانیان بوده باشم و بهیچ عذری موقوف و معطل ندارم و این کلمات بر سبیل تمسك قلمی گردید.

تحریراً فی ۱۴ شهر ذی قعدة سنه ۱۲۶۷.

۲۱۸

باقی گمرک خانه ها بعد از وضع مخارج

صورت مهر و تاریخ ندارد

باقی گمرک خانه ها بعد از وضع مخارج در توشقان^۱ ۱۳۲۲ تومان. منها ۲۰۲۰ تومان: تخفیف کسر عمل گمرک ابریشم ۱/۸۰۰ تومان. ابتیاع املاک چهریق از تاجر باشی روس قسط ثالث ۱۲۰ تومان. بقیه مواجب حرم خانه ۷۲۰ تومان.

الباقی که قوام الدوله بموجب حواله جات دیگر باید کارسازی نماید

۳۱/۰۷۲ تومان بعدها^۲ از قرار برات حواله شده ۲۳۷۱/۰/۵.

-
- ۱- در اینجا بین دو سطر: ۳۰۰ تومان. چهل و پنج روزه اول ۱۰۰ تومان رأس سه ماه ۱۰۰ تومان
- ۲- شبیه به این کلمه که سرهم نوشته شده و نقطه ندارد تقدراً و یونتمیل هم میتوان خواند.

قیمت املاک تاجر باشی از بابت برگشت از بارس ئیل ۱۲۰ تومان. موسی-
 [موسیو] ریشار ۷۰۰ تومان. رکن الدوله ۳۲۲ تومان. اولاد مرحوم میرزا آقاخان
 ۱۳۴۹ تومان. آقامیرزا عیسی ۳۵۰ تومان: ۶۰ تومان و ۱۰۵ تومان و ۱۴۰ تومان
 قیمت پرده تمثال همایون ۹۵۰ تومان. ناصرالملک ۵/۳۰۴۰۱۰۳. میرزا آقاسی ۱۶۰
 تومان. عبدالرسول خان ۴۰۰ تومان. میرزا صادق خان ۵۰۰ تومان. کارپرداز
 شام ۳۰۰ تومان. کارپرداز مصر ۱۰۸۰ تومان الباقی ۷۳۶۱/۵ تومان^۱.
 حاشیه احتمالا بخط میرزا سعیدخان وزیر دول خارجه

از بابت بروات حسنعلی خان^۲ و ناصرالملک^۳ و زرای مختار تایک ماه بعد از عید
 نوروز برسانید. از قرار قسط.

۲۱۹

صورت اموال کاظم خان یاور فوج خوئی

صورت مهر و تاریخ ندارد

هو

صورت اموال واجناس واسب و شتر و کره عربی و پول نقد و غیره کمترین
 کاظم خان یاور فوج خوئی که در شیراز بهلول پاشا سرهنگ ضبط کرده ۱۲۵۹/۲
 تومان.

شتر با جهاز واسباب ۷ نفر که قیمت آنها بمیزان برده نشده. اسب سواری ۱۰۰
 تومان. کره عربی دوساله ۸۰ تومان. کره مادیان عربی سه ساله ۷۰ تومان. یابوی
 بارکش ۵ رأس فی ۱۰ تومان: ۵۰ تومان. پول نقد صاحبقران در یخدان ۱۵۰

۱- صورت حساب اشتبهه دارد.

۲ و ۳- یادداشت آقای معاون الدوله: حسنعلی خان (امیر نظام بعدی) وزیر مختار

پاریس. محمود خان ناصرالملک وزیر مختار لندن

تومان. اشرفی تومانی و امپریال میان مجری ۰. ۱ تومان.
 پول قاسم خان سلطان وقت رفتن به لار نزد بنده گذارد میان یخدان ۰. ۷ تومان.
 در طهران به اطلاع شیخعلی خان، بهلول پاشا سرهنگ قرض گرفته ۰. ۱ تومان.
 موجب هذه السنه یونتیل که نه ماهه از قرار ۰. ۱۸ تومان سالیانه حواله فارس
 شده ۰. ۱۳ تومان. قلیان با اصل^۱ نقره ۰. ۱۵ تومان. شال کرمانی لاکی ۰. ۱۸ تومان.
 کلیچه ترمه سلسله دار ثوب ۰. ۲/۱ تومان. ساعت دستگاه ۰. ۸ تومان. نشان طلایه قطعه فی
 ۰. ۲ تومان. ۲ تومان. نشان شیر و خورشید قطعه. اپالت دوش کلیچه نظام زوج. ۰. ۱ تومان.
 پوست بره شیراز ۰. ۱۸ جلد فی ۰. ریال ۰. ۹ تومان. قالی پنج زرعی عدد. ۰. ۱ تومان. قالی
 سه زرعی سه عدد فی ۰. ۴ تومان ۰. ۲ تومان. کناره جهت فرش چادر زوج ۰. ۶ تومان. قالی
 میان فرش چادر دودر [ع] ونیم ۰. ۳ تومان. نمد سه زرعی جهت سرانداز ۰. ۳/۰ تومان. نمد
 یزدی آبداری دو عدد فی دو تومان ۰. ۴ تومان. حرمی کار یزد ۰. ۴ زرعی دست ۰. ۵ تومان.
 شمشیر خراسانی قبضه. طپانچه قاش زین زوج ۰. ۸ تومان. پیشداو عدد ۰. ۷ تومان.
 طپانچه دولوله عدد ۰. ۵ تومان. قبای ماهوت نظامی دو ثوب فی ۰. ۴ تومان ۰. ۸ تومان. شلوار
 ماهوت نظامی یراق دار زوج ۰. ۶ تومان. پولی ۰. ۴ تومان. پولی ۰. ۲ تومان. شلوار شال
 دو ثوب فی ۰. ۱ ریال ۰. ۳ تومان.

قبای قدك نو ۰. ۶ ثوب فی ۰. ۱ تومان ۰. ۶ تومان. ارخالق الجبه و قلمکار ۰. ۴ ثوب فی
 ۰. ۱ ریال ۰. ۶ تومان. زیرجامه قصب و شله ۰. ۴ ثوب ۰. ۵ تومان: قصب دو ثوب فی ۰. ۱ ریال
 ۰. ۳ تومان. شله دو ثوب فی ۰. ۱ تومان ۰. ۲ تومان. پیراهن کتان و غیره ۰. ۴ ثوب ۰. ۱۸ ریال. لنگ
 و قتیفه دست ۰. ۱۸ ریال. جای نماز کردستان جهت جای حمام یک تومان. رخت و خواب
 قلمکار بامتکای پر و بالش پر با دو لحاف قلمکار ۰. ۱ تومان. پرده چیت گلی دو ثوب
 فی ۰. ۱ ریال ۰. ۳ تومان. آفتابه جعفری عدد ۰. ۱ ریال. ایضاً آفتابه لگن دست ۰. ۱ ریال.

فانوس جلو بزرگ و کوچک دو تومان. بزرگ ۱ ریال کوچک ۵ ریال فابو آهنی^۱ عدد یک تومان. شمع‌دان پی‌سوز^۲ عدد ۹ ریال. قابلمه مس^۳ عدد ۷۶ ریال. مجموعه مس عدد ۱۰ ریال. سمور بزرگ عدد ۵ تومان. فنجان و نعلبکی چای خوری دست ۱۲/۵ ریال. مجموعه چای خوری زوج ۱۰ ریال. بادیه نهار عدد ۱۲/۵ ریال. یخدان زوج ۴ تومان. کلاه بخارائی زوج ۷ تومان. شب کلاه ترمه عدد ۱۵ ریال. دستکش فرنگی ۴ زوج ۸ ریال. پتوی^۴ کرمانی ۴ ذرع ۳/۵ تومان. جام آبداری باقاب عدد ۴ ریال. خورجین آبداری عدد ۱۲/۵ ریال. زین یراق اسب بارشمه ۶ تومان. چادر بزرگ نمایش چیت فرنگی ۱۰ تومان. چادر^۵ ۶ تومان. چادر خلاه ۲ ریال. قهوه جوش دو عدد ۷ ریال. چای دان برنج عدد ۴ ریال. چتر باظرف عدد ۶ ریال. مومیای داراب جرد. ۱ مثقال فی یک تومان. ۱ تومان. یخدانچه با احکام و قبض و برات عدد. شمد کتان عدد ۱۰ ریال. فرش کتان سه ذرع ۱۲/۵ ریال. تکه ترمه لاکی^۶. ۶ مثقال فی ۱۰/۵ ریال ۹ تومان کلیچه ماهوت گلی ثوب ۴ تومان. سفره چیت عوبه^۷ دار سه ذرع نیم ۸ ریال. کفش گیوه کارفسا دو زوج ۱۰ ریال. یخدانچه و مجری کار تبریز دو عدد ده ریال. تنگ آبداری زوج ۸ ریال. آئینه خاتم و ساده ۵ ریال. جل و نمد اسب ۴ دست فی ۱۰ ریال ۶ تومان هاون با دسته عدد یک تومان. قرآن هیکلی باقاب ۵ تومان. کتاب زینت المجالس و خواجه چاپ بنبای^۸ دو تومان.

-
- ۱- این کلمه به اینصورت و بدون نقطه است. شاید فانوس در نظر داشته است.
 - ۲- در اصل چنین است ص: پیه سوز
 - ۳- در اصل: بطو.
 - ۴- یک کلمه خوانده نشد. بصورت لکسر طل نوشته شده که شاید اصطبل مراد بوده و غلط نوشته شده است.
 - ۵- باین صورت و بدون نقطه (۹)
 - ۶- باینصورت و شاید «پوته» بوده و غلط نوشته شده است
 - ۷- بنبای: یعنی بمبئی.

۲۲۰

تعرفه خزل

۱۲۰ تومان

صورت مهر و تاريخ ندارد و پشت ورقه نوشته تمسك رسوم صد دينار
 محمدخان ولد باباخان [از] ۷۰ خانوار ۴۰ خانوار في ۳ تومان = ۱۲۰ تومان
 رضاخان ولد محمدتقي [از] ۵۰ خانوار ۳۰ خانوار في ۳ تومان = ۹۰ تومان^۱

۲۲۱

طلب آقا علي بقال

زير قبض مهر يضي متوسط بسجع عبده الراجي فرخ ۱۲۶۲
 عوض طلب آقا علي بقال از بابت قيمت اجناس بتاريخ شهر رجب نقد ۲۲ تومان .
 سنه قوی ثيل مبلغ ييست و دو تومان تبريزي است [نصف رقم هم در زير
 نوشته شده است] عاليشان دوست مهربان آقا محمد رضا برسانيد که محسوب خواهد
 شد بتاريخ شهر شوال ۱۲۶۳ .

۲۲۲

نمسك بقايای محال اردستان

زير تمسك مهر يضي كوچك بسجع انا عبد سن عبید محمد
 مبلغ ششصد و سی و چهار تومان از بابت بقايای محال اردستان که محمد جعفر-
 بيك بود نجبی^۲ تمسك داده بود تمسك مزبور بتوسط عاليجاه فرخ خان واصل و
 عايد گردیده که چهار صد تومان آن را عوض مواجب غلام مه نشان^۳ و غلامان و سيورسات

۱- در درست خواندن اين سند تردید دارم . عيناً گراور شده است .

۲- کلمه باين صورت بود خوانده نشد .

۳- کلمه باين صورت بود درست خوانده نشد (؟) غلام پيشخدمتان (؟)

ایشان محسوب داشته سند دیوانی ایشان را بعالیجاه معظم الیه رد نمایم و دویمت
وسی و چهار تومان علاوه بر چهارصد تومان را (زیر سطر : از ابتدای تاریخ لغایت ۲۲
صفر ۱۳۰ تومان. از ۲۲ صفر لغایت ۲۲ ربیع الاول ۱۰۰ تومان) در سر وعده رد
کرده نوشته خود را باز یافت نمایم. فی ۲۴ شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۴۷.
در حاشیه : از قرار تفصیل صحیح است.

۲۲۳

علیق اسبان توپخانه اصفهان

زیر نامه مهر یضی نسبتاً بزرگ بسجع عبده محمد رستم ۱۲۵۸ و پشت نامه
مهر یضی متوسط بسجع عبده محمد حسین الحسنی

هو

الواصل بمعرفت کار گزاران دیوان اعلی از بابت طلب علیق الدواب اسبان
توپخانه مبارکه متوقفین اصفهان که از بابت سنه ماضیه ایت ئیل در دستور العمل
ایام تعلیف منظور داشته بودند چون در حول [و] حوش اصفهان چمن نداشته سالیان
تمام جو و کاه داده شده بود مراتب را عرض نموده حسب الفرمایش طلب باقی را که
نرسیده بود دریافت نموده بموجب ذیل است:

طلب علیق سنه ماضیه . علیق: ۱۲ خروار و ۸۱ من و ۲ سیر. کاه: ۵۷۹ خروار و
۱۲ من از قرار دستور العمل که از دار الخلافه بمهر عالیجاه میرزا عنایت الله آورده اند از
بابت علیق الدواب توپخانه مبارکه . علیق ۲۷۴ خروار و ۵۷ من و ۲ سیر. کاه ۳۹۴
خروار و ۸ من از بابت طلب که حال دریافت شده از قرار نرخ عادل ۲۹۹/۵۲۰ تومان
علیق ۱۳۸ خروار و ۲۴ من فی ۱۵ ریال ۲۰۷/۳۶۰ تومان. کاه ۱۸ خروار و ۳۲ من
فی ۱۶ ریال : ۹۲/۱۶۰ تومان.

سنه ثبت ثيل ۲۹۹/۵۲۰۰ مبلغ دويست و نود و نه تومان و پنج هزار و دويست دینار وجه رایج خزانه است [نصف رقم هم در زیر نوشته شده است].
تاریخ فی شهر شوال المکرم ۱۲۶۷
در حاشیه : هو حسب الامر سرکار خداوند گاری روحی فداه این است که این وجه را از بابت بقایای سنوات ماضیه برستم سلطان حواله بدهید.

۲۲۴

صورت جمع و خرج جنس

صورت مهر و تاریخ ندارد

صورت جمع و خرج جنس سنه ماضیه بیچی ثیل فین سفلی بمباشری حسین .
از بابت مستمری ۱۹ خروار و ۸۰ من : از بابت مستمری عالیجاه میرزا موسی
بعد از وضع عشر ۱۱ خروار. مستمری عالیجاه میرزا علی بعد از وضع عشر ۸ -
خروار و ۸۰ من . مستمری ورثه سید حسین آقا سید میرزای عطار و غیره بعد از وضع
عشر ۳ خروار و ۸۳ من و ۲ سیر^۱ . ورثه سید حسین آقا سید میرزای عطار ۳۱ من و ۲ سیر
آقا سید میرزای فین بزرگی ۱ خروار و ۲۶ من . ورثه حاجی ملا احمد ترك آبادی
۱ خروار و ۲۶ من . از بابت اصطلیل سرکار صاحب اختیار حاکم از قرار قبوض
تحویلدار ۱۶ خروار و ۷۵ من و ۱۰ سیر . قبض بمهر میرزاخان بیک^۲ تحویلدار
۱۲ خروار و ۶۱ من و ۲۰ سیر . بمهر محمد بیک گماشته عباس خان ۸ طغرا
۴ خروار و ۱۳ من و ۳۰ سیر . قبض بمهر میرزاخان بیک^۲ از بابت متن و حاشیه
۱۱ خروار و ۷۷ من و ۲۰ سیر . قبض بمهر شعبان علی بیک گماشته ایضاً ۸ من .
الباقی ۹ خروار و ۹۷ من و ۳۰ سیر .

۲۲۵

برگشت قبض عبدالله خان صارم الدوله

زیر نامه مهر بیضی متوسط بسجج حسینعلی ۱۲۳۸
پشت نامه مهر مربع کوچک بسجج محمد رضا ۱۲۳۵
و رقم ثبت شد

فهرست یک طغرا قبض خزانه که حواله عالیجاه عبدالله خان صارم الدوله شده بود برگشت کرده است از بابت جیره وعلیق الدواب غلام پیشخدمتان و غلامان ابوابجمعی عالیجاه مقرب الخاقان میرزا محمدخان سرکشیکچی باشی از هر قرار که حکم از دیوان اعلی صادر بشود از آن قرار رفتار بشود بدون مطالبه رسوم. ۸۰ تومان منها حواله عالیجاه عبدالله خان صارم الدوله از قرار قبض علی حده ۴۰۰ تومان. الباقی ۴۰۰ تومان. سنه تنگوزئیل مبلغ چهارصد تومان تبریزی رایج است. تحریر آفی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۸. [نصف رقم هم طبق معمول در زیر نوشته شده است]

۲۲۶

حواله دیوان ورثه مرحوم میرزا علی

زیر نامه مهر بیضی بزرگ بسجج عبده الراجی یوسف ۱۲۶۸
پشت نامه بیضی کوچک بسجج محمد صادق ورقم حواله داده شد
و مهر بادامی بسجج صبح که اسم آن سیاه شده است

عوض حواله دیوان اعلی از بابت جنس مواجب غلامی دروجه ورثه مرحوم میرزا علی که حسب فرمان مبارک درجزو... خاقانی برقرار است بتاریخ شهر شوال المکرم جنس ۱۱ خروار منها دوعشر ۲ خروار و ۲ من الباقی ۸ خروار و ۸ من سنه بیچی ئیل مقدار هشت خروار و هشتاد من بوزن تبریز جنس است مؤدیان

قریه فین سفلی از بابت سفیداب ابوابجمعی خود رسانند بخرج مجراست التاريخ فی-
شهر فوق مطابق سنه ۱۲۷۶ .
در حاشیه مقدار ۸ خروار و هشتاد من جنس صحیح است .

۲۲۷

صورت مواجب وکیل الملک

صورت مهر و تاریخ ندارد

صورت تفصیل مواجب مقرب الخاقان وکیل الملک مرحوم موافق عمل -
سیچقان نیل ۳۰۰ تومان: اصل ۲۵۰۰ تومان . اضافه هذه السنه ۵۰۰ تومان . عالیجاه
محمدطاهر خان ۲۰۰ تومان + ۱۰۰۰ تومان: علیقلی خان ۵۰۰ تومان . نجفقلی -
خان ۵۰۰ تومان . منها ۱۷۳۶/۶ تومان . رسوم تومانی یک قران و یک عباسی ۳۶۰
تومان . تیول قزوین ۱۳۷۶/۶ تومان . الباقي ۱۲۶۳/۴ تومان .

۲۲۸

قبض قیمت خلعت محمود خان عمو

زیر ورقه مهر بیضی بزرگ بسجع عبده الراجی فرخ

قیمت خلعت نوروزی عالیجاه رفیعجایگاه صاحبی ام عمویی محمودخان که
از دیوان همایون اعلی در جزو کتابچه مقرر است بتاريخ شهر شعبان شال و قبا
۳۵۰ تومان . سنه بیچی نیل: اصل رقم مبلغ سی و پنج تومان تبریزی^۱ رایج خزانه است
عالیجساره رفیعجایگاه عمویی محمودخان خود از بابت وجه وجوه و اجارات
جمعی خود بردارد که بخرج قبول و محسوب است . التاريخ فی تاریخ فوق ۱۲۶۴
مهر .

۲۲۹

قبض قیمت خلعت صاحب منصبان دیوانخانه

زبر نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسج نصر من الله وفتح قریب ۱۲۶۲

هو

الواصل بمعرفت گماشتگان عالیجاه مقرب الخاقان فرخ خان از بابت خلعت
عید سعید نوروز سلطانی صاحبمنصبان دیوانخانه مبارکه. بتاریخ ۱۴ شهر ربیع-
الثانی ۱۴ ثوب: قبای زری ۷ ثوب. قبای دارائی ۷ ثوب. سنه بیچی ٹیل موازی چهارده
ثوب قبای دارائی وزری است. زری ۷ ثوب دارائی ۷ ثوب التاریخ فی شهر فوق
سنه ۱۲۶۴.

۲۳۰

صورت جمع و خرج فرخ خان

صورت مهر و تاریخ ندارد

هو

صورت جمع و خرج عالیجاه فرخ خان از بابت واصلی بقایای طومار بتاریخ
غره شهر جمادی الاول سنه توشقان ٹیل
از بابت بروات جنسی ۲۸۶۵ خروار و ۶۸ من و ۳۵ سیر: گندم ۱۰۳۲ خروار و
۸۴ من و ۱۵ سیر. جو ۳۳۲ خروار و ۸۴ من و ۲۰ سیر. بروات: ۱۴۰۱ خروار و ۹۴ من:
گندم ۷۲۵ خروار و ۹۷ من و ۱۵ سیر. جو ۷۲۵ خروار و ۹۷ من و ۲۰ سیر.
جیره وعلیق الدواب بارس ٹیل عالیجاه نصرالله ۹۸ خروار و ۴ من. جیره ۳۵ خروار و
۴ من. علیق ۶۳ خروار. جیره شاطران از بابت هذه السنه توشقان ٹیل
۲۳۱ خروار و ۶۹ من و ۳۵ سیر. جیره: ۱۲۹ خروار و ۸۴ من و ۳۵ سیر.

عليق ۱۰۳ خروار و ۸۵ من . جيره و عليق الدواب خوانين قاجار ۶۲۸ خروار و ۵۶ من :
 جيره ۳۱۴ خروار و ۲۸ من . عليق ۳۱۴ خروار و ۲۸ من
 انعام عاليجاه مير علي نقی خان . . . خروار : گندم ۵۰ خروار جو ۵۰ خروار .
 مقرری نواب ضياء السلطنه از بابت بارس ئیل ۱۶۵ خروار و ۵ من : گندم ۸۲
 خروار و ۵۵ من : جو ۸۲ خروار و ۵ من .
 مواجب بارس ئیل عاليجاه امين الملك ۲۲۸ خروار و ۵۹ من : گندم ۱۱۴ -
 خروار و ۲ من و ۲ سیر جو ۱۱۴ خروار و ۲۹ من و ۲ سیر .
 برواة و قبوض خزانه عامره ۱۴۱۳ خروار و ۷۴ من . گندم ۸۰۶ خروار و ۸۷ من .
 جو ۶۰۶ خروار و ۸۷ من .
 جیره عاليجاه ابراهيم ميرزا غلام پيشخدمت ۴۱ خروار : جيره ۲ خروار و
 پنجاه من . عليق ۲ خروار و ۵۰ من .
 مواجب بارس ئیل عاليجاه حاجی علی محمدخان قراگوزلو ۲ خروار : گندم ۱۰
 خروار جو ۱۰ خروار . تعليف و سيورسات غلامان و غلامان پيشخدمت خروار :
 گندم ۶۰۰ خروار . جو ۴۰۰ خروار .
 قبض مقرری اودئیل نواب محمدحسن ميرزا ۸۸ خروار و ۷۴ من : گندم ۲۹ -
 خروار و ۳۷ من . جو ۲۹ خروار و ۳۷ من .
 قبض مواجب بارس ئیل عاليجاه ميرزا گرگين خان ۲۹۴ خروار : گندم ۱۴۷
 خروار . جو ۱۴۷ خروار .

۲۳۱

قبض مقرری نواب عليرضا ميرزا

زیر نامه مهر بیضی بزرگ بسجع عبدهالراجی فرخ ۱۲۶۱

عوض حواله دیوان اعلی از بابت مقرری نواب عليرضا ميرزا وغيره که جمع
 حواله شده در عوض طلب مقرب الخاقان ميرزا ابراهيم مستوفی بدون مطالبه رسوم در
 معامله سینه پیلان ئیل که حال عوض داده شود بتاريخ شهر ربیع الثاني ۲۲ تومان

سنه بیچی ئیل مبلغ بیست و دو تومان تبریزی است [اصل و نصف رقم به سیاق] -
عالیجاه رفیع جایگاه صاحبی ام عمومی محمودخان از بابت وجه جنس اجاره وجوه و
اجارات بقیمت عادلہ باداء^۱ رساند که قبول است التاریخ فی تاریخ فوق ۱۲۶۴.

۲۲۲

رسید پول با سر آغاز یکک بیت شعر

نامه مهر و تاریخ ندارد

هو

ای ندیده کس برابر ویت گره ای چو میکائیل مارا رزق ده
مبلغ هفتصد و پنجاه تومان امروز تحویل شد. سابقاً هم ششصد و پانزده تومان
تسلیم شده بود. مبلغ صد و چهل [و] شش تومان باقی مانده است. خداوند بر عزت
ملازمان جنابعالی بیفزاید فرمایش شود تتمه را بلکه فردا برسانند که مرخص شویم
باقی عمر کم مزید. زیاده زحمتی نبود. والسلام.

۲۲۳

قبض رسید پول برای روضه خوانی خانه^۲ فرخ خان

زیر قبض مهر بیضی متوسط بسج یا رحیم ۱۲۶۲

و پشت نامه مهر بیضی متوسط بسج محمد جواد الطباطبائی

الواصل به معرفت سرکار قبله گاهی آقای حاجی میرزا جواد از بابت
تدارک آشپزخانه جهت روضه خوانی علی الحساب ۲۰۰ تومان. بتاریخ ۲۲ شهر
صفر المظفر سنه ۱۲۸۶ ئیل مبلغ دو بیست تومان رایج خزانه است بتاریخ شهر فوق
سنه ۱۲۸۶.

درحاشیه : فدایت شوم برحسب حکم جناب جلالتآب خداوندگار معظم
امین الدوله دام اقباله العالی مقرر است که مبلغ دوپست تومان مزبور متن را از اندرون
گرفته تحویل عالیجاه آقا رحیم بفرمائید. بجهت ابلاغ حکم عرض شد. حرر فی التاریخ

۲۲۴

صورت عملکرد معامله کاشان

در حاشیه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجع یا ابوالحسن ۱۲۶۲

عملکرد و معامله کاشان از بابت سنه ماضیه ییلان ئیل بدون کم و زیاد.
سنه قوی ئیل نقد^۱ ۱۷۳۵/۳۸۶۴۸ تومان. سایر: قصیل ۱۵۰ خروار و پنجاه
من. کاه و هیمه ۱۴ خروار و نود من.

مالیات ۹۱۳۶/۶۶۸۵۲ تومان منها:

عوض ۳۵۴۴/۵۷۱۵۰

اصول مالیات ۵۳۰۰ تومان و ۳۵۴۴/۴۱۵۰ — ۲۱۰۰ تومان: سادات
و فضلاء ۲۰۰۰ تومان: استصوابی. تفاوت جمع ۳۵۴۴/۵۰ تومان. فرع و
غیره ۳۵۴۴/۵۷۱۵۰ تومان بعلاوه جنس خالصه ۱۰۳۱/۸۶۰۰ خروار و ۸۶ من فی یک
تومان = ۱۰۳۱/۸۶۰۰ تومان جمع ۵۸۱۸۲/۲۱۴۴ تومان مقرری حسب العمل
۲۰۷۸۳/۱۴۲۵ منها ۳۶۰۴۶/۶۳۵۱ ۹۷۰۲/۵۵۹۲ از بابت فرع محال معمولی
وجوه و اجارات ۱۶۰۴ تومان از قرار فرامین جهانمطاع و احکام و غیره -
۴۷۴۳/۱۴۲۵ تومان:

فین سفلی و علیا ۲۷۳۴/۰۴ تومان. ابوزید آباد ۸۳۳/۲۱۷۵ تومان.
تخفیف شهود^۲ ۴ تومان. نیاسر ۹۶/۲۵۰ تومان از بابت جنس خالصه ۱۰۳۱/۸۶

۱- ارقام سمت راست ممیز دینار است و سمت چپ ممیز تومان

۲- در اصل کلمه بی نقطه است و شاید یهود هم باشد.

تومان. الباقی ۴۹۲۶/۱۵۲۶۳ تومان منها دوریال: مرسومات ولایتی دهشاهی: حق الوزاره صد دینار. تحویللداری، صد دینار. داروغگی یکشاهی. خدمتانه ه شاهی. دریافتی سی شاهی. ۳۰۵۲/۷ تومان:

از بابت مرسومات وغیره ۱۶۵۷/۳۷۵ تومان. مرسومات ۷۶۱/۱۲۵ تومان اشخاص از قرار فرامین وغیره ۸۹۶/۲۵ تومان دریافتی مباشرین ۱۳۹۵/۳۲۵ تومان. از بابت محال تیولی ۶۶۴۹/۸۵۹۲ تومان.

از بابت فرع ۲۵۳۰۶/۳۷۱ تومان: از بابت مالیات ۲۲۱۴۶/۵۷۹۳ - تومان. وجه^۱... تیولات ۳۱۵۹/۷۹۱۳ تومان منها ده... که فرع ندارد ۳۱۵۹/۷۹۱۳ تومان الباقی ۲۲۱۴۶/۵۷۹۳ تومان. حق عمل ۳۴۱۹/۹۲۵ تومان از قرار تومانی دوهزار که در دیوان جمع بسته شده ۱۹۵۸/۷۶۳ تومان منها دوریال کوچ سیف الدوله^۲ از بابت نیاسر ۱۴۹۶/۲۵ تومان. میرزا فضل الله از بابت علی آباد ۴۶۲/۷۳۸۵ تومان = ۳۹۱/۷۵۲۷ تومان. از قرار تومانی سی شاهی در دفترخانه محسوب شده ۲۰۱۸۷/۸۱۵۸ تومان منها سی شاهی ۳۰۲۸/۱۷۲۳ تومان.

از بابت^۱... و غیره ۳۲۲۹/۹۳۴۲ تومان... ۳۱۵۹/۷۹۱۷ تومان. فاضل تیول سپهر و جلال الدین میرزا ۷۰/۱۴۲۵ تومان الباقی^۳ ۳۸۳۲۱/۷۴۸۵ تومان. سایر الوجوه: نقدا از بابت دریافتی از تیولات ۳۲۶/۴۲۵ تومان: از بابت منشی الممالک ۷۶/۴۲۵. محمدرضا میرزا ۱۵۰ تومان. سیف الدوله... تومان. سایر: قصیل ۱۵ خروار و پنجاه من - هیمه و کاه ۳۴۶ خروار و نود من منها بخرج میورسات در دفترخانه نوشته شده ۲۰ خروار الباقی ۱۴۶ خروار و نود من نقد: ۳۸۶۴۸/۱۷۳۵ تومان سایر: قصیل ۱۵ خروار و پنجاه من. کاه و هیمه ۱۴۶ خروار و نود من.

۱- یک کلمه خوانده نشد شبیه دو کلمه «ده پانزده» شکسته بی نقطه

۲- یعنی زن سیف الدوله میرزا که خواهر محمدشاه است:

۳- نسبت به همه صورت

نزد مؤدی لاوصول مانده ۷۹۸۵/۷۰۸ تومان از بابت اصل مالیات :
۳۸۱۲/۵۴۸۵ تومان.

از بابت محل ۲۹۴۳/۵۱۸۵ تومان : از بابت وجوه ۱۰۰۰ تومان. اصناف
محلی و اشخاص ۶۴۴/۸ تومان. قراء گرمسیر ۳۴۳/۸۷۵ تومان. قراء سردسیر
۴۵۰/۸۴۳۵ تومان. تخفیف ولاوصول اشخاص ۸۶۹/۰۳۰۰ تومان.

از بابت فرع حسب الحکم دیوان ۸۹۶/۲۵ تومان.
جناب آقای بزرگ ۴ تومان. جناب آقاسید مهدی و غیره ۳۱/۲۵ تومان
ولدان حاجی میر محمد علی ۲۸/۵ تومان. میرزا محمد امین نقیب ۸۴ تومان.
عالیجاه میرزا محمد تقی سبهر ۱۱۲/۵ تومان. عالیجاه میرزا حسین خان ۲۰۰ تومان.
عالیجاه میرزا ابوالقاسم خان ۲۰۰ تومان. آقا محمد قاسم خان ۲۰۰ تومان.
دریافتی کارگذاران ولایتی مقرب الخاقان فرخ خان وجه : ۳۳۹۳۹/۳۷۵۰
تومان . سایر : قصیل ۱۵ خروار و پنجاه من . کاه و هیمه ۱۴۶ خروار و نود من .

منها مقرری حسب العمل تیول و محل داران از قراریکه در محاسبه نوشته
شده ۲۸۵۳۱/۱۶۵۱ تومان. بخرج نوشته شده ۲۳۴۵۵/۲۰۳۱ تومان. به خرج
آمده : ۲۳۳۱۰/۴۴۰۸ : جزو تیول ۲۳۰۱۰/۴۴۰۸ تومان. عالیجاه محمودخان
۳۰۰ تومان.

از بابت فرع نیرالدوله ۱۴۴/۷۶۲۳ تومان. نزد مؤدی مانده که موقوف به
حکم است ۵۰۷۵/۹۶۲ تومان.

از بابت اصل مالیات ۱۴۲۸/۹۹۵۲ تومان : نواب محمد رضا میرزا ۴۳۰/۹۰۲
تومان. نواب عالییه کوچ سیف الدوله از بابت نیاسر بعد از دریافتی ۲۹۹/۳۱۳۰
تومان. ییگریگی از بابت نوش آباد ۹۷/۹۲۳۲ تومان. کدخدایان طهران
۶۰۰/۵۵۷۰.

از بابت^۲ ... و غیره ۳۶۴۷/۲۶۶۸ تومان^۱ ... نواب محمد رضا میرزا

۱- در اصل در مقابل رقم اول صورت و در حاشیه صفحه نوشته شده است

۲- یک کلمه خوانده نشد شبیه به دو کلمه «ده پانزده» شکسته بی نقطه

۲۵۰۰/۲۴۵۳ تومان. لاوصول فرع با حکم و بدون حکم ۱۱۶۸/۰۱۹۴ تومان :
 محمد رضا میرزا ۶۰ تومان. سیف الدوله ۳۱۲/۰۴۰۰. بیگلر بیگی ۵۳۰۰/۰۲۳۴.
 ملک الشعراء از قرار تعلیقه ۱۱۰۸/۰۵۰. ملا عبدالعزیز ۳۸۴/۰۶۴. محمود خان ۴۰
 تومان. کدخدایان حسب التعلیقه ۱۵۷۵/۰۴۰ تومان. آقامیر عبدالغنی
 ۸۰۳۲/۰۳۰. باقر بیگ فینی ۵ تومان.

در حاشیه صورت :

صورت عمل کرد و معامله سنه ماضیه ییلان ثیل کاشان داد و ستدی کسان
 مقرب الخاقان فرخ خان اصلاً فرعاً از قرار تفصیل مرقومه درین نیم ورقی است که
 بعد از تخفیف و لاوصول محل دریافتی و عایدی کارکنان ولایتی مقرب الخاقان -
 معزی الیه مبلغ سی و سه هزار و نه صد و سی و نه تومان و کسری نقد ۳۷۵۰/۳۳۹۳
 و مقدار دوست و نود و هفت خروار و چهل من بوزن تبریز قصیل و کاه و هیمه است.
 انشاء الله قلمداد اختلاف پیدا نخواهد کرد و چنانچه خلاف آن رسید و قبض و سندی
 زیاده از قلمداد از ولایت بیرون آمد این کمترین خلاف نویسی و مجرم و مخاطب
 باشد که سزای خلاف نویسی است. مهر بیضی نستعلیق بسجع یا ابا الحسن ۱۲۶۲^۱

۱- ورته ای دیگر از همین صورت که با همین خط نوشته شده با اختلافات کوچکی
 موجود است که در زیر آن باین شرح تصدیق شده است «صورت عمل ییلان ثیل کاشان از
 قرار است که در فوق نوشته شده و اختلافی در آن نیست و معامله زیاده بر این نشده چنانچه
 قلمدادی زیاده بر این خدمت اسنای دولت قاهره کرده اند خلاف صدق و واقع است» مهر مربع
 نستعلیق بسجع : افوض امری الی الله عبده محمد رضا که شاید مراد همان شاهزاده محمد
 رضا میرزا باشد.

۲۳۵

صورت دخل و خرج کتابچه عراق

پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسجج افوض امری الی الله عبده
محمد تقی و مهر بیضی متوسط بسجج عزیزالحسینی ۱۲۶۵

صورت جمع و خرج باقی کتابچه دستورالعمل تنگوزئیل عراق ۷۷۹۲/۸۸۰۰
تومان. : ۷۳۶۵/۵۳۰۰ تومان نقد [و] ۴۲۷/۳۳. تومان. جنس ۲۱۶ خروار و
۵۵ من جنس در کتابچه جمع و خرج میشود بمیزان ... قسط خزانه عامره
۶۰۰ تومان. باقی کتابچه جهت اخراجات ۱۳۶۵/۵۵۰۰ تومان. از بابت مالیات
نی زار موافق بازدید ایت ثیل نقد. ۱۵ تومان جنس: جو. ۱ خروار منها جزو جمع
قدیم نقد ۲/۶۷۰۰ تومان. جنس ۴ خروار و ۵۵ من. الباقی نقد ۱۴۷/۳۳۰۰ تومان
جنس ۹۶ خروار و ۵ من علی آباد نقد ۲۸ تومان جنس ۱۲ خروار ۵۹۱۶/۷۵۷۰
تومان.

از قرار بروات بمهر مهرآثار و قبوض عالیجاه معیرالممالک ۳۴۴۸ تومان
بروات ۴۶۶ تومان: بابت مقرری عالیجاه میرزا محمدحسین احکام نویس نظام
۱۷۶ تومان. بابت مقرری میرزا احمد مباشر سالی ۸۸ تومان. بابت مقرری میرزا ابوطالب
روزنامه نویسی ۴ تومان. بابت تدارك اصطبل توپخانه ۵۵ تومان منها ۴۰۰-
تومان. داده نمی شود. ۳۵ تومان. از بابت ایت ثیل محسوب میشود. ۵ تومان الباقی
۵ تومان. بابت مقرری حاجی صفر علی معمار بتاریخ شهر ۸۸۰۰ تومان. مواجب
علی اکبریک مشاق فوج سربندی حسب التعلیق جناب امیرکبیر ۲ تومان.

قبوض بمهر عالیجاه مقرب الخاقان معیرالممالک ۲۹۸۲ تومان. قبض بتاریخ
شهر رجب ... ۱ تومان. قبض مواجب محمد علی بیک یاور خارج از فوج مشاق ۱۳۳
تومان. قبض مقرری عالیجاه محمدرضاخان ۱۵ تومان. قبض مقرری عالیجاه میرزا-

سیدعلی مستوفی ۳۰۰ تومان. قبض در وجه غلامان ابوابجمعی عالیجاه چراغعلی خان ۱۴۰۰ تومان.

تفاوت مواجب افواج ۶۸/۷۵۷ تومان. دوفوج فراهان ۶۴۸۸/۷۵۰۰ تومان منها. ۸۴۵/۵۷۵ تومان در کتابچه منظور شده است الباقی : ۷۳۷/۹۰۰ دوفوج کزاز ۶۹/۹۳۷ تومان منها ۵۴۳۱/۷۸۵۰ تومان در کتابچه منظور شد والباقی ۶۲۸/۸۵۲ تومان.

فوج سربندی ۲۷۷۲/۳۵۰۰ تومان منها ۱۷۱۹/۸۵۰۰ تومان بخرج کتابچه منظور شده مواجب ۲۰۶۹/۸۵۰۰ در کتابچه منظور شده ۱۷۱۹/۸۵۰۰ تومان. از بابت هشتصد نفر سرباز جدید ۳۵۰ تومان ملبوس ۴۰۲/۵۰۰ تومان : کلیچه و شلوار ۱۰۰ دست : ۴۳۲۵/ تومان = ۴۳۲/۵۰۰ تومان لحی ۹۰۰ زوج فی دوریال ۱۸۰ تومان کلاه نمد ۹۰۰ طاقه فی ۱ ریال ۹۰ تومان الباقی ۱۰۵۲/۵ تومان.

قیمت تفنگ فوج کزاز و غیره ۹/۵ تومان بابت قیمت فوج کزاز ۴ تومان ۲۰۰ اصطبل توپخانه مبارکه از قرار قبض عالیجاه الله وردی خان سرهنگ ۹۵ سوار فی یک سال ۹/۵ تومان.

بابت قیمت کاه و هیمة چوب سیورسات ملتزمین رکاب نصرت است هنگام عبور از عراق کاه ۹۶ خروار هیمة چوب ۱۲ خروار منها ۹۶ خروار کاه که حسب الامر پانصد خروار از بابت کاه خالصجات محسوب شود و تتمه از قرار خرواری سه هزار از بابت نقدی خالصه داده شود ۳۰۰ ۱۸۱۶/۱۲۳۰ تومان. از بابت هیمة چوب ۱۳ خروار فی ۵ ریال = ۶۰ تومان

بعالیجاه فرخ خان برسد و قبض خزانه بدهند ۱۵۰۰ تومان : میزان ۵۰۰ تومان عقر ۵۰۰ تومان. قوس ۵۰۰ تومان که جهت اخراجات اتفاقیه تا آخر سال منظور میشود ۳۱۶/۱۲۳۰ تومان مبلغ یک هزار و پانصد تومان قسط را چنانچه حواله از

۱- در اصل بی نقطه و از آن کفش گویا مراد باشد

۲- یک کلمه خوانده نشد شبیه معیل

۳- کلمه ای کشیده نظیر ترتیب یا بدهی

ديوان اعلى نشود وجه نقد در سر قسط داده شود و مبلغ سيصد و شانزده تومان و يک هزار و دو سيست و سى دينار را در آخر سال باسند ديوانى بدهيد يا وجه نقد سند ديوانى بايد با تعليقه سرکار خداوند گارى باشد بدون تعليقه ممضى نشود.

۲۳۶

صورت مخارج قهوه خانه

ورقه مهر و تاريخ ندارد

صرف قهوه خانه از بابت شهر جمادى الثانيه ۸/۶ تومان تنباکو ۶ من فى ۵/۴ ريال = ۲۷ ريال قهوه دومن = يک ريال ذوغال دو خروار ۳ تومان قهوه خانه دو تومان آبدارخانه يک تومان ميانۀ غليان ۸ عدد ۴ ريال قند تهيه قهوه شيرين که يوسف اتباع نمايد ۱۵ ريال. سنۀ ايت ثيل ... مبلغ هشت تومان و شش هزار رايج تبريز است [(با اصل و نصف رقم به سياق)] عاليجاه ميرزا هادى از بابت ابواب جمعى خودشان التاريخ شهر فوق مطابق سنۀ ۱۲۷۹.

۲۳۷

صورت نوشتجات مربوط به ملبوس

ورقه مهر و تاريخ ندارد

صورت نوشتجات از قرار نوشته در حضور عاليجاه صاحب ديوان يا وکیل ايشان اجناس مفصله را تحويل عاليجاه فرخ خان نمايم:

جبه سلسله دار صد ثوب جبه ماهوت صد ثوب شال سلسله دار ۲۰ طاقه شال گوشه گل ۲۰ طاقه قبای زرى ۲۰۰ ثوب: اعلى صد ثوب وسط صد ثوب زرى کاشى ۱۱ لوله و بقچه دارائى ۲۰ طاقه و بقچه قلمکار ۳۰ طاقه چلوارى ۲۰ ثوب

شال کرمانی . ۳ طاقه شال ترمه وسط . ۵ طاقه جبه گوشه گل . ۳ ثوب از قرار نوشته
چهل ثوب قباى زرى گجرات از مال عاليجاه فرخ خان بر ذمه اينجانب احمد ميباشد
که عندالمطالبه کارسازی نمايم . بتاريخ ششم شهر جمادى الاول ۱۲۶۳ قباى
زرى . ۴ ثوب از قرار نوشته مبلغ يكصد و پنجاه تومان از مال عاليجاه فرخ خان
بر ذمه اينجانب احمد ميباشد که در وقت محاسبه از بابت حساب خودم محسوب
بدارم . بتاريخ ۱۰ شهر ربيع الثانى ۱۲۶۳ ۱۵۰ تومان .

از قرار نوشته مبلغ پانصد تومان جنس بمعرفت عاليجاه فرخ خان باينجانب
احمد رسيد که انشاء الله هنگام محاسبه محسوب ميدارم . اين چند کلمه بجهت
يادداشت قلمى گرديد . بتاريخ نهم ماه ربيع الثانى ۱۲۶۴ ۵۰۰ تومان .

از قرار نوشته بيست [و] هفت طاقه شال بنده گرفتيم از ملک التجار رشت
بهزار تومان بايد قبض سرکار خان را معادل هزار تومان پس بدهم و نوشته خودم را
پس بگيرم . اين کلمه بجهت يادداشت قلمى شد ۲۷ طاقه ۱۰۰۰ تومان از قرار نوشته
يازده ذرع شال ترمه بر ذمه اينجانب احمد مى باشد که انشاء الله بعد از عيد
کارسازی نمايم وعذرى نياورم . تاريخ نهم شهر ربيع الثانى ۱۲۶۴ ۱۱ ذرع .

۲۲۸

حواله انعام حاجى سيد صادق مدرس مدرسه سلطانى

پائين ورقه در گوشه چپ مهر بيضى متوسط نستعليق بسجع عبدهالراجى فرخ ۱۲۶۲

زيرنامه مهر بيضى نسبتاً بزرگ بسجع عبدهالراجى فرخ ۱۲۶۱

و پشت نامه مهر بيضى متوسط نستعليق بسجع عبده عبده الحسينى

عوض حواله ديوان اعلى به صيغه انعام در وجه جناب حقايق آداب معارف
مآب وصايت و کمالات اکتساب خير الحاج الكرام حاجى سيد صادق مدرس مدرسه
سلطانى بتاريخ هفتم شهر ربيع الثانى ۱۲۶۴ ۲۰۰ تومان .

سنه قوی ئیل مبلغ دویت تومان تبریزی است [تمام و نصف رقم به سیاق]
 عالیجاه نور چشم کرام عبدالحسین خان از بابت دوماهه اول سنه آتیّه -
 ئیچی ئیل وجوه واجارات برساند که قبول و محسوب است التاریخ فی تاریخ فوق
 ۱۲۶۴ .

بخط فرخ خان: جناب حاجی سید صادق سلمه الله شأنشان ارفع از این است که
 من اهتمام در رساندن این وجه نمایم البته بی مزاحمت عالیجاه صاحبی محمودخان
 در دوماه باید بقسط برساند. والسلام.
 پشت ورقه: این برات حواله سرکار صاحب اختیاری خان است و دوماهه
 حواله فرموده اند اگرچه ما حواله جات جناب شما و سرکار خان خیلی مشکل است
 لیکن بدفعات نصف بفرمائید. جناب مستطاب حاجی هم راضی باشند و بر شما و بنده هم
 عرصه تنگ نشود. والسلام.

۲۳۹

قبض بیست تومان قیمت خلعت نوروزی میرزا محمد علی

خط زنانه است و پست قبض مهر دایره شکل نسبتاً بزرگ با تصویری از خورشید بشکل سرزن
 مبلغ بیست تومان تبریزی رایج خزانه حسب النوشته سرکار مقرب الخاقان
 فرخ خان از بابت قیمت خلعت نوروزی که باید بصاحبی ام آقای میرزا محمد علی
 برسد بمعرفت صاحبی ام محمودخان واصل و عاید صاحب معظم الیه گردید. چنانکه
 آقا طهران تشریف داشتند این جانبه قبض دادم. این چند کلمه بجهت قبض قلمی
 گردید. تحریراً فی شهر صفر مطابق ۱ بهمن ماه ئیچی ئیل سنه ۱۲۶۵ .

۲۴۰

تمسک عالیجاه میرزا علی منشی از باب سرباز آرامنه

(بخط فرخ خان و در پشت ورقه)

زیرقبض مهر کوچک بسجع یاعلی الاعلی

مبلغ هفتصد تومان از بابت هفتاد نفر سربازان آرامنه فریدن ابواب جمعی نواب شاهزاده احمد میرزا که اخراج و موقوف شده اند بر حسب امر انای دولت علیه متعهد شده است که وجه مزبور را تا مدت پنجاه روز از شاهزاده احمد میرزا که خود آرامنه متقبل شده اند گرفته عاید دیوان اعلی سازد و نوشته خود را دریافت کند حسب الامر این نوشته را نوشته بدیوانیان داد. تحریراً فی ۱۴ شهری قعد [۱۲۶۷]. الحرام

۲۴۱

التزام نامه وصول حواله بسجع ۱۵۰۰ تومان

زیر التزام نامه مهر متوسط بسجع العبد المذنب جواد

هو

ملتزم گردیده کمترین بنده درگاه خلاق امید گاه محمد جواد در باب یک هزار و پنجاه تومان تنخواهی که از قرار برات جدا گانه حواله خیرالحاج حاجی مهدی تاجرافهانی کرده ام که اگر در روز بعد از ورود سرکار خداوند گاری فرخ خان بدار الخلافه تمام و کمال تحویل گماشتگان سرکار ایشان نشود و خدای نخواسته برات برگردد مبلغ چهار هزار تومان از تنخواهی که خود بجهت دیوان اعلی تحویل ایشان کرده ام ضبط کار گزاران دیوان اعلی باشد و خون مال و یا تملکم کلا سرکار دیوان اعلی و این کلمات بجهت التزام نامه قلمی گردید که عندالحاجه حجت بوده باشد و کان ذلک تحریراً فی شهر شعبان سنه ۱۲۵۳.

۲۴۲

تمسك ۱۴ هزار تومان قسط بروجرد

زبرو پشت نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسج عبه الراجی محمد ربیع ۱۲۵۸

هو

از مال دیوان همایون اعلی مبلغ چهارده هزار تومان از بابت قسط تنگوزئیل
بروجرد ابوابجمعی نواب مستطاب خانلر میرزا ۱۴۰۰ تومان : جواز ۱۴۰۰
تومان سرطان ۱۴۰۰ تومان اسد ۱۴۰۰ تومان سنبله ۱۴۰۰ تومان میزان ۱۴۰۰
تومان عقرب الی آخر حوت قسط ۱۴۰۰ تومان = ۷ هزار تومان.

حکمران بروجرد و عربستان و لرستان برزمه و عهده بنده درگاه میرزا ربیع
مستوفی بروجرد و وکیل سرکار والا ثابت و لازم است که انشاء الله تعالی ابتدا
بتاریخ متن که تفصیل نوشته شده قسط بقسط حسب فرمان همایون اعلی تحویل
سرکار صاحبی فرخ خان نموده که بواسطه سرکار معظم الیه قبض خزانه بجهت
سندخرج محاسبه از مقرب الخاقان معیر الممالک باز یافت دارد و آنچه حواله جات
از معیر الممالک از بابت قسط خزانه میشود سوای قبض الواصل باید در قبض
حوالجات نوشته شود که از قسط محسوب است. تحریراً فی شهر جمادی الثانی سنه

۰۱۲۶۷

حاشیه : هو، سوای متن مبلغ یکصد و چهل تومان از بابت رسوم چهارده -
هزار تومان قسط خزانه حسب الحکم پندگان اصل اعظم اکرم دام اقباله مقرر
است که تومان یکصد دینار باشد تحویل و مهمسازی و عاید مقرب الخاقان فرخ خان
نمایم. تحریراً فی شهر متن.

۲۴۳

تمسک ۲۰ هزار تومان حاج محمد حسین

زیرنامه مهر بیضی کوچک بسجع ابن محمد باقر محمد حسین و در حاشیه مهر بیضی نسبتاً بزرگ
 بعنوان شهادت بسجع الراجی محمد جعفر بن محمد صادق (میرزا جعفر خان وقایع نگار)
 ۱۲۲۶ که با قلم بالای آن نوشته انامن الشاهدین و مهر بیضی نسبتاً دیگری بعنوان
 شهادت بسجع المتوکل علی الله عبده عزیز (عزیز خان سردار کل) ۱۲۶۲
 که با قلم بالای آن نوشته اناشاهد علی ذلک در بالای نامه
 نوشته شده یا امام ضامن (ع)

مبلغ بیست هزار تومان [(در بالا رقم سیاقی ۲۰۰۰۰ تومان و در پائین
 جمله نصف ده هزار تومان و رقم سیاقی ۵۲ نوشته شده است)] رایج خزانه عامره
 سلطانی بموجب تفصیل ذیل ' از مال دیوان اعلی حق است ثابت و دین است لازم
 تا تاریخ غره شهر ربیع الثانی از بابت تفصیل فوق انشاء الله تعالی کارسازی نمایم.
 نقد ۷۵۰۰ تومان شال کشمیری ۵۰۰۰ تومان فی تاریخ شهر غره شهر جمادی الاول
 از بابت تفصیل فوق باید کارسازی نمایم نقد ۵۰۰ تومان. بر ذمه ' ورقبئه
 اقل الحاج والعباد محمد حسین بن مرحوم حاجی محمد باقر تاجر قندهاری که
 انشاء الله تعالی مبلغ مزبور را نظر فی تفصیل ۳ فوق کارسازی کارگذاران دیوان
 اعلی نموده و بعدری از اعذار خود را متعذر نسازم این چند کلمه جهت تمسک
 نامچه قلمی گردید که عند الحاجت حجت بوده باشد. و کان ذلک تحریراً
 فی تاریخ دوازدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۸ مهر.

۱- در اصل : زیل

۲- » : زبه

۳- این دو کلمه در اصل نقطه ندارد و قرائت آن مسلم نیست.

۲۴۴

سیاهه میلبوس صندوقخانه شاهى بعنوان آقا احمد یا هریک ازتجار

سیاهه مهر و تاریخ ندارد

جبه سلسله دار صدثوب جبه گوشه گل ' . ۵ ثوب جبه ماهوت صدثوب
 یراق دار. ۳ ثوب بی یراق . ۷ ثوب شال سلسله دار . ۲ طاقه شال گوشه گل . ۲ طاقه
 قبای زری . . ۲ ثوب: اعلی صدثوب وسط صدثوب زری کاشی ۱۱ لوله بقچه دارائی
 . ۲ طاقه بقچه قلمکار . . ۲ طاقه چلواری . ۲ ثوب شال کرمانی که قیمت ده تومان
 داشته باشد . ۳ طاقه شال ترمه که تخمیناً طاقه [ای] پانزده تومان ویست و پنج
 تومان ارزش داشته باشد . ۵ طاقه . بعوض جبه سلسله و گوشه گل بخرج داده شود
 حاشیه: متعهد گردیدم که این اسباب موافق سیاهه فوق بدهم شما خاطر جمع
 باشید بجهت عید نوروز.

هو

درحاشیه راست: عالیشان آقا احمد یا هریک ازتجار و غیره که این ضروریات
 صندوقخانه را بیاورند بقانونی که جناب مستطاب ولی النعمی قرار داده اند قیمت و
 تحویل مقرب الخاقان مخدومی فرخ خان بشود برات آن بقانون سایر تجار صادر
 میشود. خواه گیلان خواه ولایت دیگر.

۲۴۵

تمسک و تعهد سه هزار تومان مال کرمانشاه

زیر نامه مهر مربع بزرگ بسیج الواثق بالله الغنی اسکندربن فتحلی ۱۲۵۵

هو

بنده درگاه خلاق امید گاه ملتزم و متعهد است که مبلغ سه هزار تومان وجه

ع- دور این رقم را خط کشیده اند.

شاهی اشرفی کرمانشاهان را از روز مرخصی از رکاب ظفر انتساب الی چهل روز قبض محصل و هرچه وجه باقی مانده تسلیم گماشته مقرب الخاقان فرخ خان نموده برات بمهر مبارک یا نوشته حاصل سازد و انشاء الله تخلف و انحراف نخواهد ورزید و اگر خدای نکرده تخلف بورزم اهمال و کوتاهی خواهد بود که در خدمت دیوانی کرده باشم. تحریراً فی ۱۶ شهر شعبان ۱۲۶۷ صحر مهر.

۲۴۶

نمهد باقی مواجب فوج مخبران قراگوزلو

پشت نلمه مهر بیضی بزرگ بسجع عبده الراجی اسکندر ۱۲۴۸

برادر من درباب باقی مواجب سنه ماضیه فوج مخبران قراگوزلو ابواب جمعی عالیجاه رشیدخان سرتیپ که در کتابچه مبارکه بخرج منظور شده است با مواجب هذه السنه نواب ظل السلطان از قرار فرمایش بندگان خداوندگار اکرم امیر کبیر اتابک اعظم ادام الله اجلاله ملتزم و متعهد است که انشاء الله تعالی از قرار تفصیل بدون مسامحه برساند و بعدری معطل ندارد. نواب ظل السلطان از اول سرطان لغایت اول قوس ۱۷۲ تومان فوج مخبران از اول سرطان لغایت اول عقرب ۲۰۳۲ تومان و عنقریب قبض رسیدگی ایشان را به دفترخانه ارسال دارد. تحریراً فی شهر شعبان سنه ۱۲۶۷.

۲۴۷

حواله ملبوس نظر ترکمان شاگرد آشپز

پشت نامه مهر مربع متوسط بسجع عبده خان بابا ۱۲۵۸

عالیجاها صاحباً حسب الفرمایش قبله عالم روحی و ارواح العالمین فداه دودست از قرار تفصیل ذیل :

قبا قدك تمام کرده دو ثوب. ارخالق چیت دو ثوب. پیراهن وزیرجامه دودست
 کلاه عدد کفش زوج دروجه نظرتراکمان شاگردآشپز بدهید که بخصوصه فرمایش
 فرمودند. فی بیست و دویم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۶۴.
 درحاشیه بالای نامه بخط فرخ خان: دوست مهربان آقا سید غفار موافق این
 تفصیل رخت دروجه نظرتراکمان کارسازی نمایند.
 قبا قدك ۲ ثوب. ارخالق چیت ۲ ثوب. پیراهن وزیرجامه ۲ ثوب. شال
 چیت ثوب ندارد.

۲۴۸

تمسك ۸۹ هزار تومان مالیات ۱۲۶۷ گیلان

زیر وحاشیه نامه مهر بیضی نسبتاً بزرگ بسج عیسی ۱۲۶۲
 پشت ورقه: تمسك عالیجاه عیسی خان از باب گیلان

از بابت دیوان همایون اعلی از بابت مالیات هذه السنه تنگوزئیل خیرت
 دلیل دارالمرز گیلان موافق قسطی که از دیوان همایون مشخص شده مبلغ
 هشتاد و نه هزار تومان تبریز رایج خزانه عامره از قرار تفصیل قسط بنده درگاه
 خلایق پناه ۸۹۰۰۰ تومان: از بابت شاهی اشرفی ۴۰۰۰ تومان.

از بابت وجه قسط ۸۵۰۰۰ تومان جوزا ۸۵۰۰ تومان سرطان، اسد و سنبله
 ۳ قسط ۸۵۰۰۰ تومان = ۲۵۰۰۰ تومان میزان، عقرب، قوس ۳ قسط ۸۵۰۰۰ تومان =
 ۲۵۰۰۰ تومان جدی، دلو، حوت ۳ قسط ۸۵۰۰۰ تومان = ۲۵۰۰۰ تومان ملتزم و
 متقبل گردیده که انشاء الله تعالی قسط بقسط بعالیجاه مقرب الحضرت الخاقان فرخ خان
 تحویل نموده و قبض خزانه عامره را جهت سند خرج مالیات دارالمرز گیلان دریافت
 دارم و چنانچه براتی از دیوان همایون اعلی از بابت قسط مزبوره حواله خدمت

عالیجاه مشارالیه داده قبض از بابت وجه قسط دریافت شود. تحریراً فی شهر رجب المرجب ۱۲۶۷ مهر.

در حاشیه : مبلغ یک هزار تومان سوای مالیات از بابت فروعات تومان سی شاهی برقراری دیوان که در گیلان برقرار است بعالیجاه مقرب الحضرت فرخ خان کارسازی خوانم نمود که حسب الامر ایشان خواهد رسید. مهر

۲۴۹

فهرست قبوض تجارتخانه قندهاری ۴۰۰۷ تومان

پشت فهرست دومهر مربع کوچک بسجع یا رحیم ۱۲۶۲

فهرست قبوضات تجارت قندهاری بتوسط قبله گاهی فرخ خان بموجب تفصیل ذیل در نزد این بنده درگاه ضبط است که این قبوضات را بعالیجاه قبله گاهی - معیرالممالک حساب نموده برات دیوانی بجهت سند خرج خزانه عامره صادر نموده بسرکار معیرالممالک بدهم. تمسک قبله گاهی فرخ خان را از عالیجاه معیرالممالک گرفته رد نمایم. و این چهار هزار تومان قبض سوای یک هزار تومان تمسک گیلان است که عالیجاه مهدی خان رسیده باید از مشارالیه دریافت نمایم ۴۰۰۷ تومان. قبض بمهر جناب شیخ رضا ۱۴۸ تومان. قبض بمهر ایضاً ۵۴۰ تومان. قبض ۳۷۵ تومان. قبض ۱۶۰ تومان. قبض ۲۸۷ تومان. قبض ۳۰۰ تومان. قبض ۱۶۰ تومان. قبض ۷۰۰ تومان. سنه تنگوزئیل مبلغ چهار هزار و هفت تومان است [نصف رقم به سیاق زیر این سطر نوشته شده است] فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۶۷.

۲۵۰

صورت وجوه انقادی دارالخلافه بصحابت اصلان بیک چاپار

در حاشیه دستخط شاه است : از این قرار تقسیم شود بتاریخ شهر شعبان از بابت قسط دلو ۵۰۰۰ تومان. صورت بدون مهر و تاریخ است

از بابت مالیات وفروعات ۴۰۷/۲۹۰ تومان. مالیات ۲۶۰۰ تومان. عالیجاه

معیرالممالک [از] ۲۰۰ تومان — ۲۱۰۰ تومان. عالیجاه اسماعیل خان تحویلدار
 نظام [از] ۰۰۰ تومان — ۲۰۰ تومان. عالیجاه میرزا هاشم خان [از] ۱۰۰۰ تومان —
 ۰ تومان. عالیجاه سهراب خان [از] ۰۰۰ تومان — ۲۰۰ تومان. ازبابت وجوه -
 استصوابی ۰/۷۵ ۳۰۴ تومان. عالیجاه اسماعیل خان تحویلدار [از] ۳۰۰۰ تومان —
 ۱۷۰ تومان. عالیجاه میرزا هاشم خان [از] ۲۰۹۰ تومان — ۱۲۹/۷۵ تومان. ازبابت
 تفاوت عمل ۲۰۹۵/۲۰

۲۵۱

صورت پیشکش سال ۱۲۷۴

نیمی از ورقه دستخط شاه است و مهر و تاریخ ندارد
 صورت پیشکش هذه السنه یونت ثیل ۱۲۷۴ ۶۰ تومان

سرکار عمادالدوله پنجهزاری صد عدد ۰ تومان. نبات قدح وزیر نظام -
 پنجهزاری صد عدد ۰ تومان. نبات قدح آقا میرزا مستوفی پنجهزاری پنجاه عدد
 ۲۰ تومان. نبات قدح وزیر لشکر پنجهزاری صد عدد ۰ تومان. نبات قدح
 سیفالملک دو هزار صد عدد ۲ تومان. نبات قدح حاجی قوام پنجهزاری
 ۲۰۰ عدد ۱۰۰ تومان. نبات قدح میرزا عبدالله خان دوهزاری صد عدد ۲ تومان.
 نبات قدح امیر دیوان پنجهزاری ۰ عدد ۲۰ تومان. نبات قدح صاحب دیوان پنجهزاری
 صد عدد ۰ تومان. نبات قدح ذوالفقار خان دوهزاری صد عدد ۲ تومان. نبات قدح
 حاجی حسنعلی خان پنجهزاری صد عدد ۰ تومان. نبات قدح بخط شاه ۲۳۰ تومان.
 دستخط شاه: ۶۶ تومان منها صد تومان محمدرحیم خان... محمد کریم خان
 برادر محمدرحیم خان ۰ تومان تفنگداران ۲ تومان فراشان ۰ تومان نورمحمد خان
 پیشخدمت ولیعهد ۱۰ تومان الباقی ۴۲۰ تومان الباقی منها ۲۰ تومان میرزا
 هاشم خان تحویل میرزا هاشم خان ۰۰ تومان.

۲۵۲

حواله صدر اعظم به میرزا هاشم خان بمبلغ پانصد تومان

برای میرزا سیدعلی مستوفی

پشت نامه مهر رسمی هشت گوش صدر اعظم با شیر نشسته در وسط
به سجع صدر اعظم دولت علیه ایران اعتماد الدوله میرزا آقاخان ۱۲۶۸
و در دو طرف نقش شیرالمستعین بالله ، عبده الراجی. تاریخ تحریر نامه
شهر شوال ۱۲۷۴ است .

هو

عالیجاه فرزند مکرم میرزا هاشم خان را اظهار میروود که از استصوابی دوساله
نیلان نیل و یونت نیل ۱۲۷۴ میرزا یوسف مستوفی الممالک قدیم^۱ که بر حسب
امر قدر قدر محکم پادشاه جمجاه روحنا فداه ابواب جمع آن فرزند شده مبلغ پانصد
تومان در وجه عالیجاه میرزا سیدعلی مستوفی همسازی دارد که کومکی از مخارج
دیوان او شده آسوده دعای دوام دولت جاوید مدت را گوید. شهر شوال ۱۲۷۴ .

۲۵۳

نامه امامقلی میرزای اعتماد الدوله به فرخ خان

در خصوص دو نفر تبعیدی به خاک عثمانی

زیر نامه مهر به سجع: عماد الدوله ۱۲۶۹

بتاریخ دوم شوال المکرم سنه ۱۲۷۵ غلامان اعلیحضرت قدر قدرت -
شاهنشاه جمجاه اسلامیان پناه روحنا و روح العالمین فداه حاجی میرزا موسی و سید حسن
نام قمی را بدار الدوله آورده^۲ تسلیم این کمترین بنده درگاه آسمان جاه نمودند که

۱- میرزا یوسف در این موقع بنا به سعایت و دشمنی میرزا آقاخان معزول و در آشتیان
مقیم بود.

۲- منظور شهر کرمانشاه و احتمالا بسبب آنکه محل حکومت محمدعلی میرزای دولتشاه
بوده است.

حسب الامر آنها را از سرحد دولت ابد مدت گذرانده بخاك عثمانى روانه نمايد و التزام از مستحفظين سرحد گرفته شود كه بهيچوجه آنها را مجال عبور باين خاك ندهند .

۲۵۴

تلگراف عزالدوله به فرخ خان

مشخصات تلگراف: مخابره تلگراف دولت عليه ايران. تلگرافخانه دارالخلافه طهران. شهر ذى قعدة الحرام سنه ۱۲۸۳. جواب نمرة ۳ از همدان. عدد كلمات ۲۳۳ حرف (به سباق) ظهر يكشنبه ۳- ۵۷۸ حرف فى يكشاهى = بيست و شش ريال ونهصددينار بعلاوه كاغذ ده شاهى بيست و نه ريال ودو عباسى (كلا به سباق). گيرنده مخابره سيف الملوک ميرزا. پشت تلگراف مهر به سجع اخبار تلگراف

مخاطب جناب جلالتمآب امين الدوله .

بجناب امين الدوله . عموهاشم ده روز است از همدان رفته يا در قم است يا بطهران آمده . ميرزا اسدالله اينجاست ، ولى تحويلدار نبوده ثبتي برميداشته اجرتى ميگرفته حالا هم مشغول اين كار است . ميرزا غفور آدم خود ميرزا زكى تحويلدار بوده يا بطهران رفته يا تفرش حاضر نيست هرچه ميفرمايند اطاعت شود عزالدوله

۲۵۵

تلگراف عمادالدوله به وزير دول خارجه

مشخصات تلگراف: مخابره تلگراف دولت عليه ايران. شهر صفر تلگرافخانه دارالخلافه طهران سنه ۱۲۸۳. نمرة ح ۹ از كرمانشاه. عدد كلمات ۱۳۶ حرف. دو ساعت قبل از ظهر. جمعه ۱۰- مخاطب تلگرافچى - ۴۳۲ حرف. فى يكشاهى بيست و يك قران و سه شاهى. بعلاوه ده شاهى بيست و يك قران وسيزده شاهى. گيرنده مخابره . محمد صفى ميرزا. پشت صفحه مهر به سجع : رئيس تلگرافخانه هاى ايران.

بجناب وزير دول خارجه سه نفر نوكر و برادر عباس نام در تفحص خواهم بود

ولی کم کسی او را میشناسد و علامتی هم مرقوم نشده بود مشکل است که طور- مجهول پیدا شوند. عمادالدوله مهر.

۲۵۶

تلگراف امام جمعه اصفهان به فرخ خان و اظهار خوشوقتی

از انتصاب مجدد او

شخصات تلگراف: مخابره تلگراف دولت علیه ایران. تلگرافخانه دارالخلافه طهران. شهر صفرا المظفر سنه ۱۲۸۳. نمره ۱۸ از اصفهان. عدد کلمات ۲۲ حرف. یک ساعت قبل از ظهر چهارشنبه ۶- مخاطب جناب امین الدوله. مهر سجع: تلگرافخانه مبارکه. گیرنده مخابره سیف الملوك میرزا. پشت تلگراف مهر به سجع. رئیس تلگرافخانه های ایران.

خدمت جناب امین الدوله عرض سلام میرساند. جناب مجدالدوله از تلگراف مژده و کالت سرکار مطلع شده زیاده مایه سرور گردید. الحمدلله سرکار مجد و این ضعیف هردو مسرور شدیم. عرایض خواهد رسید. جناب مجد در باب چهار محال فرموده اند صواب و ثواب است عید مولود مسعود مبارک امام جمعه. امضاء و مهر تلگرافخانه مبارکه.

۲۵۷

تلگراف حاج عبدالله خان به فرخ خان

شخصات تلگراف: مخابره تلگراف دولت علیه ایران. شهر الاول، تلگرافخانه دارالخلافه طهران، سنه ۱۲۸۳. ج نمره ۱ از شیراز، عدد کلمات ۲۹۱ حرف (به سباق)، ظهر پنجشنبه ۶، مخاطب تلگرافچی. گیرنده مخابره

پشت ورقه: مهر به سجع رئیس تلگرافخانه های ایران - ۴۰۴ فی صد دینار. چهار تومان و پنج ریال و دو عباسی، بعلاوه قیمت کاغذ. ده شاهی. چهار تومان و پنج هزار و نه صد دینار

حاجی عبدالله خان خدمت جلالتماب امین الدوله عرض می کند که در کار- میرزا احمد خان فرمایش فرمودید، در کارهای غیر دیوانی آنچه از کمترین برآید

اطاعت می‌شود، ولی امورات دیوانی را نواب اشرف والا و کالتاً بقوام الملك محول فرمودند و برخاص عام التفات جنابعالی در حق میرزا احمدخان ظاهر شده مرحمت فرمایند بطوریکه شایسته عنایت باشد، میرزا احمدخان را بچاپاری روانه فرمایند. امضاء و مهر.

۲۵۸

تلگراف شاهرخ میرزا به فرخ خان

مشخصات: پشت ورقه بخط فرخ خان: شاهرخ میرزا از اصفهان
تلگراف نموده. نمرة ۴۴، مخاطب جناب امین الدوله، محل ایصال
اصفهان، محل وصول طهران، بتاریخ ۲۷ شهر جمادی الاول سنه
۱۲۸۴

گیرنده خبر: شاه مراد میرزا، سمهور به سهر مربع بانیشان شیروخوایینه
و به سجع تلگرافخانه مبارکه ۱۲۸۴. پشت ورقه مهر به سجع: اخبار
تلگراف

عرض میکند که چه عرض کنم که نواب والا چقدرها در شرفیابی حضور
مبارك خوشحالی میکنند و اصرار غریبی در آمدن داشتند که در همین هفته بیرون
بیایند. اینقدر عرض کردیم که تهیه نوکر دیده نمی‌شود آنکه بهزار سعی قرار
به پانزدهم گذاردیم. انشاء الله روز پانزدهم بیرون می‌آئیم شاهرخ میرزا.

۲۵۹

تلگراف حاجی خان به فرخ خان

مشخصات: مخابرة تلگرافی دولت علیه ایران - ۱۱ نمرة ساری،
تلگرافخانه تهران. گوینده خبر تقی خان، گیرنده خبر سید حسین خان.
مخاطب - عدد کلمات ۲۶۰، قیمت کلمات - سوم چهارشنبه ۳ ذی الحجة
سنه ۱۲۸۵ سهر به سجع تلگرافخانه مبارکه به مشخصات تلگراف
قبل.

حاجی خان از میان کاله روز دوشنبه بیست و چهارم خدمت جناب جلالت‌آب امین‌الدوله عرض می‌کند. رضاقلیخان با ملفوفه فرمان مبارک و تعلیقه جناب - جلالت‌آب وارد شد. در باب سرکرد[ه] های کرد و ترک فرمایش شده بود که از بین راه مراجعت نمایند. رضاقلیخان ابلاغ حکم نموده آنها اطاعت نکرده آمده‌اند طهران. چون وجود آنها بجهت خدمات میان کاله و سرحد کناره لازم است اختیار با جناب جلالت‌آب است هرطور مصلحت میفرمایند مقرر دارید.

۲۶۰

تلگراف حسینعلی به فرخ‌خان

مشخصات : مخابره تلگراف دولت علیه ایران. شهر رجب ،
تلگرافخانه دارالخلافه طهران سنه ۱۲۸۳ نمره ۲۶ از کاشان ، عدد
کلمات ۱۸۲ ، ظهر سه شنبه ۲۶ ، مخاطب جناب امین‌الدوله . گیرنده
مخابره محمدجعفر میرزا. مه‌ور به مهر تلگرافخانه مبارکه به مشخصات
تلگراف سابق پشت ورقه مهر به سجع اخبار تلگراف.

حسینعلی خدمت جناب امین‌الدوله عرض می‌کند سلیم بیک وارد شد اگرچه بعضی فقرات گذشته بود مجدد نواب شاهزاده خلعتی بعالیجاه عبداللہ خان مرحمت فرموده و مانع از آمدن حضرات شدند بتفصیل معروض خواهم داشت. در کمال - آسودگی! باشید. مهر تلگرافخانه مبارکه مانند تلگراف سابق.

۲۶۱

تلگراف نایب‌الایاله از شیراز به فرخ‌خان

مشخصات : مخابره تلگرافی دولت علیه ایران . نمره ۱۲ از
شیراز. تلگرافخانه طهران، گوینده خبر - گیرنده خبر. شاهزاده مراد
میرزا. مخاطب امین‌الدوله. عدد کلمات - قیمت کلمات - يوم ۲۱ شهر
شوال سنه ۱۲۸۴ - مه‌ور به مهر تلگرافخانه مبارکه به مشخصات
تلگرافهای قبل. پشت ورقه : مهر به سجع اخبار تلگراف.

بامین‌الدوله بمحصلی خود قلی بیک حکم همایون صادر شد پنجهازار تومان شاهزاده

روز قبل از عيد بطهران تحويل شود . تنخواه موجود ، ولى ضرابخانه از عهده برنمی آید ، محال است . نصف مقرر فرمایند . جواب فقره ناصری را هم بفرمائید . نایب الایاله . مهر تلگرافخانه مبارکه مانند تلگرافهای قبل . [پشت نامه] مهر به سجع اخبار تلگراف .

۲۶۲

تلگراف احوالپرسی یحیی خان معتمدالملک از قول شاه

از امین الدوله که سگته کرده بود

مشخصات . ولایت خاقین . خدمت جناب امین الدوله . نمره -

ملاحظات - بتاریخ ۲۲ شهر شعبان سنه ۱۲۸۷ .

عرض بندگی میرساند و عرض می کند امروز موکب همایون بسلامتی در کمال عز و جلال و با تشریفات لایق وارد خاقین شدند و مخصوصاً احوال سلامتی شمارا می پرسند . معتمدالملک امضاء مهر تلگرافخانه مبارکه مانند تلگرافهای قبل .

۲۶۳

تلگراف تبریک نایب الایاله از بوشهر بمناسبت

پایان تبعد فرخ خان در کاشان^۱

مشخصات : شهر صفراالمظفر ، تلگرافخانه دارالخلافه طهران ،

سنه ۱۲۸۳ . نمره اول از بوشهر ، عدد کلمات ۲۰۵ حرف . ظهر یکشنبه

۱۷ - مخاطب تلگرافچی که عرض نماید .

مهور به مهر تلگرافخانه مبارکه مانند تلگرافهای سابق . گیرنده مخابره :

سیف الملوك میرزا . پشت ورقه : مهر رئیس تلگرافخانه های ایران .

نایب الایاله خدمت جناب امین الدوله عرض میکند . از مژده مرحمت قبله

عالم و عالمیان چشم ارادت کیشان روشن و بزم اصحاب گلشن آمد . فحمدالله تمحمدالله

۱ - فرخ خان و برادرش میرزا هاشم خان به سعایت میرزا محمدخان سپهسالار به کاشان

تبعد شده بودند .

بمژده این موهبت عظمی و مبارک باد این عطیه کبری یکصد عدد پنجهزاری برسم
تهنیت میرزا صادق خواهد گذرانید امید است که مقبول حضور گردد فدوی.

۲۶۴

تلگراف به فرخ خان از کاشان در خصوص محمد هادی خان

مشخصات . مخایره تلگراف دولت علیه ایران شهر رجب، تلگرافخانه
طهران، سنه ۱۲۸۳ - گیرنده مخایره. محمد صفی میرزا . مهوور به مهر
تلگرافخانه مبارکه به مشخصات تلگرافهای سابق . پشت ورقه مهر
به سجع رئیس تلگرافخانه های ایران.

حضور سرکار اجل اکرم امین الدوله عرض می شود محمد هادی خان در -
ابوزید آباد است وملاقات نشده غلامهای مافی بنه او را گرفته بعد رد کرده اند ولی
آدم رفت که تحقیق کامل کند امیر.

۲۶۵

تلگراف سپهسالار به فرخ خان

برای سلام تحویل سال حاضر شوید

مشخصات: مخایره تلگراف دولت علیه ایران. تلگرافخانه مبارکه
دارالمؤمنین کاشان - ۲۴ شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۲ نمره - عدد
کلمات - چهار ساعت از روز برآمده . مخاطب - مهوور به مهر سریع
اخبار تلگرافخانه مبارکه کاشان ۱۲۸۵ . گیرنده مخایره میرزایحیی.

جناب جلالتآب سپهسالار اعظم بجناب امین الدوله دعا میسرسانند و میگویند
چنان بر حسب امر قدر قدر اعلی مقرر شده است که شما بر سلام تحویل حاضر باشید
واگر میخواستند چایار روانه نمایند احتمال داشت که دیر شود بنابراین از تلگراف
اخبار مینماید که بزودی روانه دارالخلافه شوید و در سلام تحویل حاضر باشید

۱- میرزا محمدخان سپهسالار بواسطه رقابت سبب تبعید مرحوم امین الدوله به کاشان
شده بود (حسنعلی غفاری)

بعدهم که موکب همایون روحنا فداء تشریف‌فرمای مازندران خواهند شد باز معاودت خواهید نمود فدوی.

۲۶۶

تلگراف به میرزا محمد وزیر در خصوص تهیه محل مواجب

برای محمدحسین میرزا

نامه مربوط به زمان فرخ خان نیست و از معاون الدوله اول پرسش یا از صاحب اختیار است.

مشخصات: تهره - عدد کلمات - تاریخ اصل مصلب - روز - ساعت - دقیقه - اطلاعات - سه شنبه ۱۳۱

مقرب‌الخاقان آقای وزیر^۱ زید مجده فرمایش مبارک این است معادل سیصد تومان محل صحیح بی‌عیب از هر کجا که خودتان صلاح میدانید معین نموده در جواب تلگراف بنویسید که بعرض برسانم ولی باید محل صحیح باشد روزدهم معین کنید و مربوط هم بجمع و خرج اصل و فرع مالیاتی نباشد ابراهیم خلیل^۲.
[ج] تصدق کردم عجلتاً محل صحیحی سراغ ندارم یعنی محلی باقی‌نمانده که عرض کنم باز هم تا فردا فکر می‌کنم اگر انشاءالله محل صحیح که خارج از معامله باشد بنظرآمد معروض میدارم فدوی محمد.

مقرب‌الخاقان آقای وزیر زید مجده بندگان حضرت مستطاب اسعد اشرف ارفع والا روحنا فداء در این مورد عذری از شما نمی‌پذیرد و صحیح نیست این مطلب

۱- میرزا محمد وزیر یزد پدر مرحوم میرزا محمدعلی خان اعتدال‌الملک و جد خانواده وزیر یزد (این وزیری‌ها سید نیستند). میرزا محمدخان از مستوفیان لایق بود و مرحوم مشیرالمالک زیردست او تربیت شد. اعتدال‌الملک سالها حکومت قصبات و بلوکات توابع یزد و چند سال نیز حکومت اردکان را داشت.

۲- پیشخدمت خاصه ظل‌السلطان

را عرض کنم و شما هم نباید این عذر را بیاورید. در ولایت مثل یزدی صد تومان محل صحیح چگونه نمی‌توانید معین نمائید. در این باب نباید عذری را اسباب تأخیر قرار بدهید زودتر هم معین کرده معادل همین مبلغ ها خارج از معامله باشد بنویسید و تلگراف کنید. ابراهیم خلیل.

[آج] دویست و پنجاه تومان از بابت قصابخانه ممکن است محل موجب قرارداد پنجاه تومان هم از بابت ورود اضمیمه فرمائید که جملتان سیصد تومان شود، فدوی محمد. ۲۱ شهر ثوان المکرم سنه ۱۳۱۰، شهر تلگرافخانه مبارکه اصفهان با علامت شیر خوابیده و خورشید.

در حاشیه: بعرض خاکیای مبارک برسد.

جناب صدراعظم این نوع محل ها بیمعنی است و همان است که مکرر گفته‌ام این محل ها یکدوقتی عمل نمیکنند یا مردم بصدا درسی آیند موقوف میشود آن وقت موجب محمدحسین میرزا گردن دولت می‌ماند محل صحیح این است که کسی بمیرد از محل او بدهند اینها درست نیست^۱.

[دنباله تلگراف و در ذیل این ورقه].

جناب مستطاب اجل الشرف افخم صدراعظم دام اقباله العالی نواب مستطاب محمد حسین میرزا میرپنجه که چند است بخدمت ریاست تلگرافخانه مبارکه اصفهان مأمور است و سالها است خدمت بدولت جاوید آیت مینماید از دیوان اعلیٰ موجب و مرسوم ندارد. دوسه فقره دستخط مبارک بجهانمطاع صادر شده از محلی قابل معین و برای او فرمان مبارک صادر شود. من چون لیاقت او را ملاحظه کردم و اجرای امر جهانمطاع همایونی ارواحنا فدا راهم واجب میدانم معادل سیصد - تومان محل صحیح که خارج از جمع و خرج دیوانی و برای دیوان اعلیٰ بی‌ضرر باشد

۱- جمع برد پروژن سرد بمعنی میدان، بارانداز. در یزد چنین محله ها و میدانهای را

لرد می‌گویند.

۲- دستور بخط میرزا علی اصغر خان اتابک صدراعظم ناصرالدین شاه است.

از يزد خواستم. ميرزا محمد وزير و سر رشته دار يزد مطابق اين تلگراف سيصد تومان را معين کرده، چون بهیچوجه برای دیوان اعلی ضرر ندارد، جناب مستطاب اجل عالی مقرر و غدغن فرمایند فرمان آنها باسم نواب محمد حسین میرزا صادر نمایند و دستور - العمل سال آینده یونتیل هم از همین قرار جمع نمایند و باسم مواجب او بخرج بنویسند که اسوده خاطر مشغول خدمتگذاری دیوان اعلی باشد و امتثال اسر جهانمطاع هم دراستقرار مواجب او شده باشد. شهر ذی قعدة . ۱۳۱۰ . پشت ورقه مهر مربع طغرائی ظل السلطان.

بواسطه تلگرافخانه - گرفته شد - گیرنده مطلب - تاریخ ۲۱ شهرشوال

ساعت - دقیقه -

فهرست اعلام

- آ
- آبادیه: ۱۲۲، ۱۲۳ (۲ بار)، ۱۲۸، ۲۳۱
- آب گرم لاریجان: ۴۸
- آجودان باشی: ۲۶۲
- آذربایجان: ۱۸، ۲۶، ۴۱، ۸۳، ۹۰ (۴ بار)، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۴ (۲ بار)، ۱۰۵ (۲ بار)، ۱۲۳، ۱۵۶
- ۲۱۳
- آذربایجان (حکام): ۱۷۷
- آذربایجانی (افواج): ۱۴۹
- آس و پاس فارس (جایی است): ۷۷
- آستانه (اسوال): ۲۰۸
- آستانه (اهل): ۲۰۸ (۲ بار)
- آستانه (متولی): ۲۰۸
- آستانه مقدسه: ۲۰۷ (۴ بار)، ۲۰۸ (۴ بار)
- آشتیان: ۲۹۷
- آصف الدوله (محمد قلی خان): ۵۳، ۲۴۹
- آغابهرام: ۲۲۷
- آغامحراب خواجه: ۲۵۳
- آقا احمد: ۲۹۲
- آقا بابابیک تفنگدار: ۲۴۶
- آقا بالا: ۱۵۷
- آقا بالابک [میرزا]: ۱۶۴
- آقا جعفر قلی آقا: ۷۶
- آقا حسین (کدخدای چهار سوق قندیان)
- ۲۰۰
- آقا حسین (کدخدای پاقلعه) [سید]: ۲۰۱
- آقاخان بن تفنگدار: ۲۶۱
- آقاخان نوری [میرزا]: ۴۴، ۴۹، ۵۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۲۱، ۲۴۷، ۲۶۲
- ۲۶۳، ۲۶۹، ۲۹۷ (۲ بار)
- آقا رحیم: ۲۸۰
- آقا سلیمان: ۲۳۲
- آقاسی حاجی میرزا
- آقا سید ابوالحسن: ۲۴۹
- آقا سید باقر انزلجی: ۲۴۹
- آقا سید جعفر: ۲۴۰، ۲۴۳ (۲ بار)
- آقا سید رضا (خطیب قزوین): ۲۴۹
- آقا سید عبدالرزاق: ۸۱، ۲۵۴
- آقا سید غفار: ۲۹۴
- آقا سید غفار: ۲۵۳ (۲ بار)، ۲۵۴
- آقا سید کاظم: ۲۳۴
- آقاسید محمد (معلم نواب والا): ۲۳۷
- آقا سید مهدی: ۲۸۲
- آقا سید میرزا: ۲۷۴
- آقاعلی: ۲۰۸
- آقا علی (بقال): ۲۷۲
- آقاعلی خواننده: ۲۴۸
- آقاعلی (صندوقدار فرمانفرما): ۷۸
- آقاگل: ۱۵۰
- آقا محمد ابراهیم (کدخدای نیم آورد): ۲۰۰

ابراهيم (ولد آقا علي اكبر دباغ) [حاجی]:

۷۸

ابراهيم خان [میرزا]: ۲۱، ۴

ابراهيم خليل (پيشخدمت خاصه ظل السلطان)

۳۰۴ (۲ بار) ۳۰۵

ابراهيم خان فراشباشی [حاجی]: ۵۱ (۲)

(بار)

ابراهيم مستوفی [میرزا]: ۲۷۸

ابراهيم ميرزا: ۲۷۸

ابرج: ۶۵

ابرقوه: ۲۵۷، ۲۴۶

ابن محمد باقر محمد حسين (سجع مهر): ۲۹۱

ابوالحسن: ۱۹۹

ابوالحسن: ۲۰۲

ابوالفتح خان سرهنك: ۲۴۶

ابوالقاسم (سجع مهر حاجی ابوالقاسم متقال

فروش): ۲۰۲

ابوالقاسم [میرزا]: ۵۴

ابوالقاسم بن ابوطالب (سجع مهر آقا ابوالقاسم

حاجی ابوطالب): ۲۰۱

ابوالقاسم اصفهانی: ۶۱، ۲۸۷ (۲ بار)

ابوالقاسم الحسينی (سجع مهر سيد ابوالقاسم-

كدهای بيدآباد): ۲۰۰

ابوالقاسم خان [میرزا]: ۲۸۲

ابوالقاسم مستوفی [میرزا]: ۲۳۷

ابوالموك: ۲۳۴

ابوزيد آباد: ۲۸۰، ۳۰۳

ابوطالب [میرزا]: ۶ (۲ بار)

ابوطالب روزنامه نويس [میرزا]: ۲۸۴

اتابك اعظم - امير كبير

احتساب آقاسی - محمودخان

آقا محمد اسماعيل (كدهای صباغ خانه)

[حاجی]: ۲۰۱

آقا محمد جعفر كاشی: ۲۵۴

آقا محمد حسن: ۲۴۳، ۲۴۹

آقا محمد حسين (ريش سفيد صباغ): ۲۰۱

آقا محمد رضا: ۲۴۳ (۲ بار)، ۲۵۳، ۲۷۲

آقا محمد رضا نقاش: ۲۴۸

آقا محمد قاسم خان: ۲۸۲

آقا محمد كاظم (كدهای باب القصر): ۲۰۱

آقا محمد كاظم (كدهای شاه شاهان):

۲۰۰

آقا محمد كاظم چهارولد: ۲۴۶

آقا موسى تاجر: ۲۳۶

آقا ميرزا رضا: ۶۱

آقا ميرزا مستوفی: ۲۹۶

آقا ميرزا مهدی شیرازی - مهدی

آقا مير عبد الغنى: ۲۸۳

آقا بزرگ [جناب]: ۲۸۲

آق دربند: ۳۵، ۳۶، ۳۷ (۲ بار)، ۳۸

(۲ بار)

آل محمد جعفر (سجع مهر محمد جعفر - كدهای

محلّه جماله كله): ۲۰۱

الف

ابراهيم: ۲۰۲

ابراهيم: ۲۵۸

ابراهيم (سجع مهر حاجی ابراهيم) كدهای محلّه

سيد احمدیان: ۲۰۰

ابراهيم [سجع مهر حاجی محمد ابراهيم]: ۲۰۱

ابراهيم [میرزا]: ۱۰۱، ۱۰۲ (۲ بار)،

۱۵۳ (۳ بار)، ۱۵۴، ۲۴۹

ادیب الملک (عبدالعلی خان پسر حاج
علیخان مقدم مراغه‌ای): ۵۴، ۵۵
اردبیل: ۲۱۵
اراسنه (سرباز): ۲۸۹
اراسنه فریدن (۳ بار): ۲۸۹
اردستان: ۱۵۰، ۱۷۹ (۳ بار)، ۲۴۶،
۲۵۷
اردشیر میرزا - رکن الدوله
اردکان: ۳۰۴
ارض روم (= ارزروم): ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۸
(۵ بار)، ۲۵۹، ۲۶۳
ارگ: ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۵۴
اروق: ۹۲
ارومی (رضائیه حالیه): ۲۱۳
ارونق: ۹۲
ازمیر: ۱۱
استرآباد: ۹۸، ۹۹ (۲ بار)، ۱۰۰ (۲ بار)
اسحق میرزا (دختر): ۱۵۲
اسدآباد: ۱۱۷، ۱۱۸
اسدالله: ۱۹۹
اسدالله [حاجی سید]: ۱۸۴
اسداله (میرزا): ۲۹۸
اسدالله بیگ: ۱۵، ۲۱۸، ۲۱۹
اسدالله الحسینی: ۱۹۹
اسکندر بن فتحعلی (اسکندر خان سردار):
۲۲۹، ۲۹۲، ۲۹۳
اسلامبول: ۱ (۲ بار)، ۴ (۴ بار)، ۵ (۲ بار)،
۶ (۳ بار)، ۲۹، ۴۸، ۱۱۰ (۳ بار)،
۲۵۵ (۴ بار)، ۲۶۲
اسلامبول (سفارت): ۴
اسماعیل بک: ۲۵۳

احتساب الملک - محمودخان
احتشام الدوله [شاهزاده]: ۵۹، ۶۰ (۲ بار)
۶۱ (۲ بار)
احتشام الملک: ۱۶
احمد: ۲۸۷ (۴ بار)
احمد (سج مهر آقا احمد - کدخدای محله نو):
۲۰۰
احمد (سج مهر): ۲۴۲، ۲۴۵
احمد [حاجی]: ۱۲۶ (۲ بار)
احمد [میرزا]: ۲۴۲
احمدآباد: ۲۰۰
احمد الحسینی (سج مهر): ۲۳۱
احمد ترک آبادی [حاجی ملا]: ۲۷۴
احمدخان: ۶۲، ۶۳
احمدخان - ساعد الملک
احمدخان [سلطان]: ۱۱۲ (۲ بار)، ۱۱۳،
۱۱۵
احمدخان (حاجی میرزا) وزیر مختار ایران در
استانبول: ۱۴۸ (۲ بار)
احمدخان [میرزا]: ۱۸۳ (۲ بار)، ۲۹۹
۳۰۰ (۲ بار)
احمد علی میرزا (زن): ۲۴۹
احمد مباشر [میرزا]: ۲۸۴
احمد معمار [ملا]: ۱۹۲
احمد میرزا [شاهزاده]: ۲۲۸، ۲۸۹ (۲ بار)
احمد مینائی [حاجی]: ۱۴۴
احمدی: ۴۱
اخبار تلگراف (سج مهر): ۳۰۱، ۳۰۲ (۲ بار)،
۳۰۲
اخبار تلگرافخانه مبارکه کاشان (سج مهر)
۳۰۳

اسناد و مدارك فرخ خان امين الدوله

- افشار (حضرات): ۶۶
 افشار (رستم خان): ۲۳ (۳ بار)، ۹۴، ۲۴۸
 افشار (عليراد خان): ۲۳
 افشار (غلامرضا خان): ۴۲
 افشار (مصطفی قليخان): ۴۲ (۲ بار)، ۴۳، ۱۷۹ (۲ بار)
 اقليد: ۱۲۲، ۱۲۳
 اكبر ميرزا: ۱۶۹
 الشتر: ۲۱۹
 الشتر: ۳۰
 العبد المذنب جواد (سج مهر محمد جواد): ۲۸۹
 الله وردیخان سرهنگ: ۲۸۵
 الواثق بالله الغنی اسکندر بن فتحعلی (سج مهر): ۲۹۲
 امام جمعه: ۱۲۸، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۳ (۲ بار)، ۱۹۴
 امام جمعه اصفهان: ۲۹۹
 امام خان: ۲۴۸
 امامقلي بيك: ۲۴۶
 امامقلي ميرزا (عماد الدوله): ۱۸، ۱۶۲، ۱۶۳ (۲ بار)، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸
 امام محمد مهدي: ۲۳۴
 امام مسقط - صيد سالم
 امام وردی ميرزا (پسر فتحعليشاه وعموی فرهاد ميرزا): ۲۴ (۳ بار)
 امان الله بيك: ۷۹، ۸۰
 امير (اسماعيل ميرزا پسر بهرام ميرزاى معز - الدوله): ۱۶، ۱۶۰
 امير (اسماعيل ميرزا پسر بهرام ميرزاى معز - الدوله): ۱۶، ۱۶۰

- اسماعيل خان تحويل دار: ۲۹۶ (۲ بار)
 اسماعيل مستوفی [ميرزا]: ۲۶۲
 اسماعيل معمار: ۲۳۶
 اسماعيل ميرزا - امير
 اصفهان: ۳۹، ۵۵، ۶۰، ۷۲، ۷۳ (۲ بار)، ۷۴، ۷۸ (۲ بار)، ۷۹ (۲ بار)، ۸۰، ۱۰۷، ۱۲۸، ۱۴۹، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۹ (۲ بار)، ۱۸۵ (۲ بار)، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸ (۲ بار)، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۴۷ (۲ بار)، ۲۵۹، ۲۷۳ (۲ بار)، ۲۹۹، ۳۰۰ (۲ بار)
 اصفهان (اهل): ۱۶۹، ۱۹۴
 اصفهانی (رعيت): ۱۷۸
 اصلان بيك: ۲۹۵
 اعتدال الملك: ۳۰۴
 اعتضاد السلطنه: ۴۳
 اعتماد الدوله - آقاخان نوری
 اعتماد الدوله (عيسى خان دائی ناصرالدين شاه و حاکم اصفهان): ۵۵ (۲ بار)، ۲۲۵، ۲۹۴ (۲ بار)
 اعتماد السلطنه (حاج عليخان حاجب الدوله) - ضياء الملك
 اعتماد السلطنه (مصطفی قليخان قراگوزلوی همدانی): ۱۹
 اعراب (طایفه): ۹۶
 اعورحلی (ترکمان): ۹۸
 افشار (اقواج): ۲۱۳
 افشار (ايل): ۲۳ (۲ بار)، ۴۱ (۲ بار)، ۴۲ (۳ بار)، ۱۴۸

۲۸۶، (۵ بار)، ۲۸۸ (۲ بار) ۲۸۹ (۲ بار)
 (بار)، ۲۹۰ (۲ بار)، ۲۹۲، ۲۹۳،
 ۲۹۴ (۲ بار)، ۲۹۵ (۳ بار)، ۲۹۷،
 ۲۹۸، ۲۹۹ (۳ بار)، ۳۰۰ (۲ بار)،
 ۳۰۱ (۶ بار) ۳۰۲ (۴ بار)، ۳۰۳ (۳ بار)

۳۰۴

اسین شوری: ۲۱۲

اسین صره: ۲۱۲

اسین لشکر: ۱۸، ۲۳۴

اسین نظام (محمد صادق خان شامبیاتی قاجار)

۱۶۱

انزاب: ۹۲

انصاری: ۲۴، ۲۵

انگلیس: ۲۱، ۸۸، ۹۱، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۶

(بار)، ۲۳۴

اورنگ میرزا: ۸۲

اوشان: ۲۲۰

اویس میرزا [سلطان]: ۱۳۵، ۲۶۰ (۲ بار)

ایران: ۲ (۲ بار)، ۸ (۳ بار)، ۹، ۱۰، ۱۱

(۳ بار)، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۸۹، ۱۱۴

۱۹۵، ۱۹۷، ۲۱۷، ۲۶۵، ۲۹۷

۲۹۸ (۳ بار)، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۳

(۲ بار)

ایلخانی: ۱۲۷ (۲ بار)، ۱۲۸ (۲ بار)، ۱۲۹

(۱۱ بار)، ۱۳۰ (۶ بار)، ۱۴۳ (۵ بار)

۱۴۴ (۳ بار)، ۲۴۸

ایدرم میرزا (پسر عباس میرزا): ۵۴

ایناللو (ایل طایفه): ۶۷ (۲ بار)، ۱۴۴

ب

بابا مسیح [میرزا]: ۲۳۴

باب الدشت: ۳۰۰

امیر آخور [شاهزاده]: ۱۶۲، ۱۶۳

امیر اصلان - مجد الدوله

امیر تومان - شهاب الملک

امیر تومان (محمد علیخان): ۲۵، ۲۶، ۹۹

امیر دیوان: ۲۹۶

امیر کبیر (میرزا تقی خان - اتابک اعظم): ۶۰

۱۰۴، ۱۰۸، (۲ بار)، ۲۳۴، ۲۴۳

۲۶۳، ۲۸۴، ۲۹۳، ۳۰۳

امیر المومنین (امیر مومنان علیه السلام): ۶۰

۱۲۱

امیر نظام (حسنعلی خان گروسی): ۸۸، ۱۱۰

۲۳۴، ۲۶۹

امین الدوله - امین الملک (فرخ خان)

امین حضور (سجعه مهر): ۲۴۷

امین الملک (امین الدوله - فرخ خان): ۴، ۶

(بار)، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۲، ۳۵

۴۱، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۹ (۲ بار)، ۵۱

۵۳، ۵۵، ۵۹، ۶۲، ۷۰، ۷۱ (۲ بار)

۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۷۸، ۷۹

(۲ بار)، ۸۰، ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۱۰۱

۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵ (۲ بار)، ۱۰۶ (۲)

(بار)، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۹

(۲ بار)، ۱۴۰، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۶

۱۷۵، ۱۹۳، ۱۹۵ (۲ بار)، ۱۹۶

۱۹۸، ۲۲۰، ۲۲۱ (۵ بار)، ۲۲۸

۲۳۴ (۲ بار)، ۲۳۵ (۲ بار)، ۲۳۶

۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰ (۳ بار)

۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۵۷

۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۷۲ (۲ بار)

۲۷۶، ۲۷۷ (۲ بار)، ۲۷۸ (۲ بار)، ۲۸۰

۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷

- باب القصر: ۲۰۱
 باخرز: ۱۴۰
 باصرى (طایفه): ۱۴۴
 باغ قوشخانه: ۱۷۸
 باغمیشه زوند: ۱۶۰
 باغ همایون: ۲۰۰
 باقربیک: ۲۴۹
 باقربیک قینى: ۲۸۳
 باقر تاجر (پسر) [میرزا]: ۲۴۹
 باقرى (مراد حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتى است) [حاجى سید]: ۷۹
 بحرعمان: ۱۵۰
 بحرین: ۱۴۴، ۱۴۵ (بار ۲)
 بختيارى (ایل): ۷۱، ۷۲، ۷۳
 برآن: ۱۸۴
 برخوار: ۱۸۴ (بار ۲)، ۱۹۰
 بروجرد: ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۲۹۰ (بار ۳)
 بروجن: ۲۶۰
 بسطام: ۳۷، ۲۷۴، ۲۴۸
 بغداد: ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۲۸، (بار ۲)، ۲۹ (بار ۳)
 بلوک فارس: ۱۶۶
 بلوک قیر: ۱۲۷
 بلوک کازرین: ۱۲۷
 بمبئى (بمبئى-بنباى): ۱۳۲ (بار ۲)، ۲۷۱
 بنات مردقان (دهات): ۲۵۰
 بنادر فارس: ۱۴۵
 بنباى-بمبئى
 بندر امجد: ۱۶۷
 بندر بوشهر: ۱۶۸ (بار ۳)
 بندر عباس: ۱۲۷، ۱۵۰ (بار ۲)
 بوالویردى (طایفه): ۱۴۴
 بوستان (کتاب): ۷۱
 بوشهر: ۱۲۶، ۱۳۲ (بار ۲)، ۱۴۴ (بار ۲)، ۱۴۵، ۱۶۵، ۲۴۳، ۳۰۲ (بار ۲)
 بهاء الدوله: ۱۵۹
 بهارلو (طایفه): ۱۳۰ (بار ۲)، ۱۳۳ (بار ۳)، ۱۴۴
 بهباهان (= بهبهان): ۱۳۵، ۱۳۶ (بار ۶)
 ۱۳۷، (بار ۶)، ۱۴۸
 بهرام میرزای معزالدوله: ۱۰۶، ۱۶۰
 بهلول پاشا سرهنک: ۲۶۹، ۲۷۰
 بهمن میرزا آصف الدوله: ۲۵۳
 بیت المقدس: ۱۱ (بار ۲)، ۲۰
 بيدآباد: ۲۰۰
 بیگلربیگى: ۱۶۵، ۲۸۲، ۲۸۳
پ
 پاریس: ۲۵۵ (بار ۲)
 پاقلعه: ۲۰۱
 پروس: ۱۶۱
 پل خاتون: ۳۸
 پل دلاک: ۲۱
 پل مارنون: ۱۹۳ (بار ۲)
 پیرانوند (ایل): ۵۸
 پیغمبر: ۷۶
ت
 تبریز: ۴۰ (بار ۲)، ۸۴، ۸۹، ۹۱، ۱۶۱
 (بار ۳)، ۲۱۳، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹
 ۲۷۱، ۲۸۶
 تبریز (اعیان): ۴۰
 تبریز (تومان): ۲۹۴

جعفرآباد (دهات): ۲۵۰
 جعفرخان: ۱۱۶
 جعفرخان مشیرالدوله [میرزا]: ۲۶۴
 جعفرخان معمار (معمارباشی دولت) [حاجی]:
 ۱۵۷، ۱۵۴
 جعفرقلی خان سرتیپ: ۲۴۹
 جلال الدوله (پسر ناصرالدینشاه و حاکم
 خراسان): ۲۰۵
 جلال الدین میرزا: ۲۸۱
 جلالی=میرزا محمد
 جواد [حاجی میرزا]: ۲۷۹
 جویاره: ۲۰۰
 جی: ۱۸۴

چ

چارمجان (=چهارمجال): ۱۷۲، ۱۷۹ (۲)
 چار، ۱۸۰ (۲ بار)، ۱۸۱ (۳ بار)،
 ۱۸۴، ۱۹۶
 چارمجال (رعیت): ۱۸۰ (۲ بار).
 چراغعلی: ۱۳
 چراغعلی خان: ۲۳۱، ۲۴۶، ۲۵۷، ۲۵۹
 ۲۸۵، ۲۵۹

چرکس: ۱۱۱

چریکوف [جنرال]: ۱۰۹ (۲ بار)، ۱۱۰

چهار سوق قندیان: ۲۰۰

چهریق: ۲۶۸

ح

حاتم خان: ۱۰۸ (۲ بار)
 حاجب الدوله=ضیاءالملک
 حاج میرزا علی اکبرخان=قوام الملک
 حاجی [جناب] نایب فراشخانه: ۲۵۳ (۲ بار)

تربت: ۱۴۱ (۲ بار)

ترك (سرکرده‌های): ۳۰۱

ترکمان تکه: ۱۱۲

ترواسکان: ۲۰۱

تفرش: ۲۹۸

تفلیس: ۱۰۵

تقی [کربلایی]: ۲۳۵

تقی خان (ولد حاجی حسینعلی خان حاکم

خوی): ۱۶۱ (۲ بار)

تقی خان: ۳۰۰

تلگرافخانه دارالخلافه طهران ۲۸۹ (۲ بار)،

۲۹۹ (۲ بار)، ۳۰۱ (۲ بار)، ۳۰۲

دوبار، ۳۰۳

تلگرافخانه مبارکه (سجعه مهر) ۲۹۹، ۳۰۰

(۲ بار)، ۳۰۱ (۳ بار)، ۳۰۲، ۳۰۳

تلگرافخانه مبارکه اصفهان ۳۰۰ (۲ بار)

تلگرافخانه مبارکه دارالمومنین کاشان ۳۰۳

تولستوی (سناتور و معاون وزارت خارجه

روس): ۱۱۰

توللی (طایفه): ۱۴۴

تومان آقا (جایی است): ۱۱۳

ج

جابرود: ۲۴۸، ۹۳

جام: ۳۸

جبار [حاجی میرزا]: ۲۶۲ (۲ بار)

جباریک کرمانی: ۲۵۳

جرقویه: ۱۸۴

جزن: ۲۴

جزیره خارک: ۱۶۷

جزیره قندی: ۸

جعفر [میرزا]: ۶۹ (۲ بار)، ۲۱۲

- حاجی آقا: ۱۵۰
 حاجی آقا محمد - محمد بن حسن
 حاجی بابای افشار (حکیم باشی): ۷۳، ۷۷
 ۲۵۳
 حاجی خان ۳۰۰، ۳۰۱
 حاجی علیخان حاجب الدوله - ضیاء الملک
 حاجی عمو: ۱۴۵، ۱۴۶ (۲ بار)
 حاجی میر محمد حسین جناب - محمد حسین
 الحسینی
 حاجی میرزا آقاسی: ۱۵۵، ۲۶۹
 حاجیه [شاهزاده]: ۱۶۷
 حافظ: ۷۶
 حافظ آقا: ۲۵۵ (۲ بار)
 حبیب الله الانصاری: ۱۱۹
 حجة الاسلام (احمد آقا سید اسد الله پسر حاج
 سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی
 است): ۱۸۸
 حرمان (کد خدا): ۲۵۰
 حسام السلطنه ۱۸ (۲ بار)، ۳۵، ۳۶ (۵ بار)،
 ۴۲ (۴ بار)، ۴۳ (۲ بار)، ۵۱ (۲ بار)، ۶۴
 (۲ بار)، ۶۵، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶،
 ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۴۷ (۲ بار)، ۱۴۸، ۱۵۹،
 ۱۸۲ (۲ بار)
 حسن بن محمد رضی: ۱۹۹
 حسن خان [میرزا]: ۶۴ (۲ بار)، ۶۵
 حسنعلی خان [حاجی]: ۲۹۶
 حسنعلی خان (پسر) [حاجی]: ۲۵۵
 حسنعلی خان گروسی - امیر نظام
 حسنعلی خانی [حاجی]: ۲۵۴
 حسن فراشباشی [آقا]: ۲۵۳ (۲ بار)
 حسن مراغه ای [حاجی]: ۲۴۹
 حسن معمار باشی [میرزا]: ۱۶۵
 حسن نام قمی [سید]: ۲۷، ۲۹۷
 حسین: ۱۷۰
 حسین: ۲۷۴
 حسین [میرزا]: ۶۱ (۳ بار)، ۱۸۳ (۲ بار)
 ۱۸۴ (۲ بار)
 حسین آقا سید میرزای عطار [سید]: ۲۷۴
 (۲ بار)
 حسین الحسینی (آقا سید حسین صباغ): ۲۰۱
 حسین پاشا خان: ۲۴۹
 حسین پاشای میر پنج: ۲۵۵
 حسینخان [سید]: ۱۲۷، ۳۰۰
 حسینخان [میرزا]: ۲۸۲
 حسین خان جارچی باشی شاهسون - شهاب
 الملک امیر تومان
 حسینعلی: ۲۷۵
 حسینعلی ۳۰۱ (۲ بار)
 حسینعلی (مشهدی حسینعلی کدخدای
 محله شمس آباد): ۲۰۰
 حسینعلی خان حاکم خوی [حاجی]: ۱۶۱
 حسینعلی خان دریاییگی - برادر میرزا فتحعلی -
 خان صاحب دیوان حاکم بوشهر [میرزا]: ۴۱
 (۲ بار)، ۴۲ (۳ بار)، ۹۸
 حسینقلی خان ایلخانی (پدر سردار اسعد بزرگ
 ۳۱ (۲ بار)، ۵۴، ۱۷۲، ۱۸۰ (۴ بار)
 ۱۸۱ (۲ بار)
 حشمت الدوله: ۳۱، ۹۷
 حشمت الدوله (اولاد): ۴۵، ۴۶
 حضرت رضا صلوات الله: ۲۰۷
 حضرت عبدالعظیم - عبدالعظیم
 حکیم باشی - حاجی بابای افشار

خیرالله (ایل و طایفه) : ۶۶

د

دارا (اولاد عبدالله میرزا پسر فتحعلیشاه):

۴۶

داراب: ۱۲۷، ۶۷

دارابجرد: ۱۲۶، ۱۶۶

دارابخان پسر علیقلیخان: ۱۲۸ (۲بار)

دارالدوله (لقب شهر کرمانشاه): ۲۷

دارالمرزگیلان: ۲۹۴ (۳بار)

داود: ۲۵۸

داودخان: ۱۰۵

داودیه: ۴۶

دبیرالملک (میرزا حسین): ۴۱ (۲بار)،

۴۲، ۶۰، ۱۵۴

دبیرالملک (گماشته): ۲۲۰

دربان باشی: ۲۰۸

درب مسجد حکیم: ۲۰۰

دردابه: ۱۱۵

درم (مزرعه): ۲۴۵

دروازه شمیران: ۴۵، ۱۵۵

دروازه نو: ۲۰۱

دریابیگی = حسینعلیخان

دریای بحرین: ۱۶۷

دریای سیاه: ۲۵۵

دساوند: ۲۳۷

دوشان تپه: ۴۶

ذ

ذوالفقارخان: ۲۹۶

حکیم ذوقی = فتحالله

حمید (سلطان عبدالحمید میرزا فرزند نصرت

الدوله): ۱۵۶ (۲بار)، ۱۵۷

حیدر افندی: ۲۹

خ

خامس آل عبا (حضرت): ۴۴، ۵۱، ۱۶۵

خان بابا (سجع مهر): ۲۹۳

خان باباخان: ۱۷۹ (۲بار)، ۱۸۰، ۱۸۴

۱۹۰، ۱۹۱ (۲بار)، ۱۹۶، ۲۳۷

خان جانخان: ۱۰۰ (۲بار)

خان خانان: ۲۴۹، ۲۵۹

خان عمو (ملک قاسم میرزا پسر بیست و چهارم

فتحعلیشاه): ۲۶۲، ۱۶۳ (۴بار)

خانقین: ۲۸ (۲بار)، ۳۰۲

خانلرخان سرهنگ: ۱۱۸

خانلر میرزا: ۵۹، ۲۴۲، ۲۹۰

خراسان: ۱۸، ۱۹، ۲۶، ۳۷، ۷۱، ۹۱

۹۲، ۱۱۲، ۱۱۳ (۴بار)، ۱۱۴ (۴)

بار، ۱۱۵ (۲بار)، ۱۱۶ (۲بار)،

۱۲۳، ۱۲۴ (۳بار)، ۱۲۵ (۵بار)،

۲۰۳، ۲۰۴، ۲۲۴

خراسانی: ۱۳۱

خراسانی ها: ۲۰۴

خرم آباد: ۵۸ (۲بار)

خلیفه قلی خان [ژن]: ۲۵۵

خمام رود: ۲۲۰ (۲بار)، ۲۲۱

خواجو: ۲۰۰

خوانسار: ۲۲۸، ۲۴۲، ۲۵۶

خوی: ۱۶۱

خیرالله: ۶۷

رمضانعلی (سجعه مهر): ۲۴۵
روح القدس: ۱۶
رودان: ۴۱
روس (= روسیه): ۸ (۴ بار)، ۹ (۲ بار)، ۱۱،
۴۰، ۹۰، ۱۱۰
روس (تبعه): ۳۹، ۴۰، ۴۱
روی دشتی: ۲۴۶

ز

زرنده: ۲۵۰ (۲ بار)
زرنده (تیولات): ۲۵۰
زکی ۲۶۲
زکی = میرزا زکی
زکی رشتی = میرزا زکی رشتی
زمان = میرزا زمان
زمانخان [حاجی میرزا]: ۱۳۳ (۲ بار) ۱۷۹
۱۸۲، ۲۵۴، ۲۵۶
زنجان: ۸۵
زین العابدین: ۷۸
زین العابدین بیک قورخانهچی: ۱۹۶
زین العابدین خان شاهسون: ۲۴۶
زینت خانم زوجه خان عمو ملک قاسم میرزا:
۱۶۲ (۳ بار)

س

سادات علوی: ۱۸۲
سادات هاشمی: ۱۸۲
ساری: ۹۹، ۳۰۰
ساعد الملك (میرزا احمد خان پسر امیر کبیرو
برادرزن سردار کل عزیزخان): ۱۶۱
۱۷۷، ۲۱۴ (۲ بار)، ۲۱۵ (۲ بار)
ساوجبلاغ: ۲۴۸

ر

رئیس تلگرافخانه های ایران (سجعه مهر) ۲۹۸،
۲۹۹ (۲ بار)، ۳۰۲، ۳۰۳
رایرتس (نقاش انگلیسی): ۲۰
رامجود: ۶۵
ربیع مستوفی بروجرد (میرزا) ۲۹۰
رجبعلی ابن محمد (سجعه مهر رجبعلی) کدخدای
باب الدشت: ۲۰۰
رحیم خان (پیشخدمت خاصه): ۲۰۸
رستم خان = افشار
رستم خان تفنگدار: ۲۴۷ (۴ بار)
رستم سلطان: ۲۷۴
رشت: ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۶
۲۸۷ (۲ بار)
رشید خان سرتیپ: ۲۹۳
رضا: ۲۶
رضا [حاجی]: ۹۴، ۱۶۷ (۲ بار)
رضا (شیخ) ۲۹۵
رضا = محمد رضا
رضایبیک: ۶
رضاخان ولد محمد تقی: ۲۷۲
رضاقلی: ۱۹۹
رضاقلی خان سرتیپ: ۶۷، ۹۶، ۲۳۶، ۳۰۱
(۲ بار)
رضا میرزا عبدالباقی [میرزا]: ۲۴۶
رضای مستوفی ولد مرحوم میرزا احمد [میرزا]
۱۶۳ (۲ بار)
رفیع رشتی = ملا رفیع رشتی
رکن الدوله (اردشیر میرزا): ۲۲، ۱۰۳،
۲۲۲، ۲۲۶ (۶ بار)، ۲۵۳، ۲۶۹
رمضان بیک: ۲۳۸، ۲۳۹
رمضان بیک نایب ساوه: ۲۶۰

- ساوه: ۲۳۶، ۲۶۰
 سبزوار: ۱۱۶
 سبعة: ۴۱، ۴۲ (بار ۲)، ۶۶، ۶۷
 سپهدار: ۲۵۹
 سپهر: ۲۸۱
 سپهر: محمد تقی
 سپهسالار (میرزا محمدخان قاجار): ۱۹
 (بار ۳)، ۴۵ (بار ۲)، ۹۲ (بار ۲)
 ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۷۶، ۱۹۱، ۲۰۴
 ۲۲۹، ۳۰۲، ۳۰۳ (بار ۲)
 سراب: ۱۸۴، ۲۳۶
 سربندی (فوج): ۲۸۵
 سرخس: ۱۱۲، ۱۱۳، ۲۲۶
 سردار کل - عزیزخان مکری
 سرکشیکچی باشی: ۲۶
 سعدی [شیخ]: ۷۱
 سعدی [کلیات]: ۱۰۱
 سعیدخان [شیخ]: ۱۲۶ (بار ۲)، ۱۲۷
 سعیدخان (وزیر دول خارجه) [میرزا]:
 ۲۶۹
 سگونه (ایل وطایفه): ۳۱، ۵۸
 سلطان بیگ: ۱۸۸ (بار ۴)، ۱۸۹ (بار ۲)
 سلطان مسعود - مسعود
 سلطانیه: ۹۴ (بار ۲)
 سلطنت آباد: ۱۰۷
 سلیمان خان صاحب اختیار (رئیس ایل
 افشار): ۲۳ (بار ۴)، ۸۸، ۲۷۴
 سلیم بیگ میرزا: ۲۵۵، ۳۰۱
 سمیرم: ۲۵۷
 سمیع خان [میرزا]: ۲۲۰، ۲۲۱
 سنجان صاحب (از مأمورین انگلیسی تلگراف
 در ایران): ۱۳۸ (بار ۳)
 سوسوگ خان: ۱۵۳
 سهام الدوله (دختر): ۱۲۶
 سهام الملک - محمد ابراهیم خان
 سدهی (فوج): ۱۴۹
 سهراب خان: ۱۲۷ (بار ۲)، ۱۲۸ (بار ۲)،
 ۱۴۳، ۲۶۷، ۲۹۶
 سهراب خان (سهرابخان نقدی از غلامان
 فتحعلیشاه): ۶۹
 سیدحسن (کدخدای شیخ ابوسعود): ۲۰۰
 سیدصادق (مدرس مدرسه سلطانی) [حاجی]
 ۲۸۷، ۲۸۸
 سیدعلی مستوفی [میرزا]: ۲۸۵
 سیستان: ۱۴۱
 سیف الدوله: ۲۸۱ (بار ۲)، ۲۸۲، ۲۸۳
 سیف الله خان: ۱۸۸، ۱۸۹
 سیف الله میرزا: ۲۳۶
 سیف الملک (عباسقلی خان نوری پسرعمو و
 برادر زن میرزا آقاخان نوری): ۱۰۶، ۲۹۶
 سیف الملوک میرزا: ۲۴۴، ۲۹۶، ۲۹۸
 (بار ۲)، ۳۰۲
 ش
 شام: ۱۱، ۲۶۹
 شامات: ۲۰
 شاهرود: ۲۴۷
 شاهرخ میرزا: ۳۰۰ (بار ۳)
 شاهسون افشار: ۱۴۹
 شاهشاهان: ۲۰۰
 شاهشون بغدادی (جماعت): ۲۳۸
 شاه مراد میرزا: ۳۰۰
 شاهقلی میرزا [حاجی]: ۲۴۹

اسناد و مدارك فرخ خان امين الدوله

- شجاع السلطنه (فتح الله ميرزا پسر فتحعليشاه
 وپدرزن ناصرالدينشاه): ۱۷، ۲۶۱
 (بار ۲): ۲۶۲
 شجاع الملك = مهرعليخان
 شجاع الملكى (پانصد تومانى): ۱۶۷
 ششوان [خانم]: ۱۶۲
 شعبانعلی بيك (گماشته): ۲۷۴
 شفت: ۲۱۶ (بار ۳)، ۲۱۷ (بار ۳)
 شفيع = ميرزا شفيع
 شفيع خان: ۲۶۰
 شقاقي (فوج): ۱۴۹
 شكرالله: ۱۹۹
 شمس آباد: ۲۶۰
 شميران: ۱۶، ۱۸، ۴۸
 شميل: ۱۲۷
 شولات (قنات): ۱۳۵
 شهاب آباد: ۲۴۵
 شهاب الملك امير تومان (حسين خان جارچى
 باشى شاهسون كه بعداً نظام الدوله
 لقب گرفت ووالى خواسان شد) [حاجى]:
 ۲۰۵ (بار ۲)
 شهبازخان: ۲۳۷
 شهبازخان سرهنك: ۲۴۹
 شهرستانك: ۲۳
 شهرک: ۲۴
 شهويار (دهات): ۲۵۰
 شيخ آقا: ۲۵۲
 شيخ ابوسعود (جايى است): ۲۰۰
 شيخ الاسلام ساوجبلاغ: ۲۴۸
 شيخ بحرين: ۱۴۵
 شيخ بهاي (منظور شيخ بهايى است): ۷۷
- شيخ رضا [جناب]: ۲۹۵
 شيخ عليخان: ۲۷۰
 شيراز: ۴۲، ۵۱، ۵۲، (بار ۲)، ۱۲۶، ۱۲۷
 ۱۳۱، ۱۳۲ (بار ۳)، ۱۳۷، ۱۴۴
 ۱۴۷، ۱۴۹ (بار ۳)، ۱۶۵ (بار ۲)
 ۱۶۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۲۳۰، ۲۴۳
 ۲۵۶، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۹۹، ۳۰۱
 (بار ۲)، ۳۰۴
- ص
- صاحب اختيار = سليمان خان
 صاحب ديوان = فتحعلي خان شيرازى
 صادق خان [ميرزا]: ۲۲۱، ۲۲۲ (بار ۲)،
 ۲۶۹
 صادق خان ولد يحيى خان: ۱۵۱
 صادق قائم مقام [ميرزا]: ۲۰۳ (بار ۲)
 صادق ميرزا: ۳۰۳
 صارم الدوله = عبدالله خان
 صارم الدوله (عليقلي ميرزا پسر ميرزا اسماقلي
 ميرزاى عماد الدوله): ۲۸، ۱۱۴
 ۱۱۷ (بار ۲)، ۲۶۶ (بار ۲)
 صالح آباد (مزارع): ۲۴۰
 صباغ خانه: ۲۰۱
 صدرآباد: ۲۱، ۲۲
 صدرالممالك: ۲۳۹ (بار ۲)
 صدرالمالك (پسر): ۲۴۹
 صديق الملك: ۴۰
 صفرعلي معمار [حاجى]: ۲۸۴
 صفى آباد (اصناف): ۲۴۰
 صفى آباد (مزرعه): ۲۴۰

ظهیرالدوله: ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۴، ۱۳۰،
۱۳۹

ع

عاشق لو: ۲۶۱
عاق در بند: ۱۱۳ (۲ بار)
عباس ۲۹۸
عباس بیگ: ۱۳
عباس خان معاون الملک و قوام الدوله بعدی
[میرزا]: ۶۱ (۲ بار)
عباس خان معاون الوزاره [میرزا]: ۴۰، ۵
(بار)، ۴۱
عباسقلی (سجیع مهر آقا عباس): کدخدای میدان
کهنه: ۲۰۱
عباسقلی بیگ: ۶۹
عباسقلی خان: ۳۱ (۳ بار)
عباسقلی خان نوری - سیف الملک
عباسقلی میرزا (پسر حاج محمدولی میرزا):
۱۷۳، ۱۸۷ (۲ بار)
عبدالباقی (سجیع آقا عبدالباقی): ۲۰۲
عبدالباقی (پسر) [ملا]: ۲۴۸
عبدالباقی خان حاکم قم [میرزا]: ۲۴۸
عبدالحسین (سجیع مهر): ۲۵۳
عبدالحسین خان: ۲۲۰، ۲۸۸
عبدالحمید [حاجی میرزا]: ۲۲۱ (۵ بار)،
۲۲۲
عبد الرحیم [میرزا]: ۸۰، ۱۲۴، ۱۹۷،
۲۳۱
عبد الرحیم صراف خزانه: ۲۲۹
عبد الرحیم منجم [میرزا]: ۲۴۹
عبد الرزاق: ۲۵۵ (۲ بار)

صید سالم امام مسقط: ۱۲۶ (۵ بار)، ۱۲۷،
۱۴۴

ض

ضحاک: ۱۳۶
ضرابخانه ۳۰۲
ضعیفه کاشانیه؟: ۳۸
ضیاء السلطنه: ۲۷۸
ضیاء الملک - میرزا زکی
ضیاء الملک (حاجی علیخان حاجب الدوله
سابق و اعتماد السلطنه بعدی و مأمور
قتل امیر کبیر): ۲۹، ۵۰ (۲ بار)،
۵۴، ۵۵، ۱۳۴، ۱۳۹

ط

طالب بیگ تفنگدار: ۲۴۹
طالش (طایفه): ۹۶
طالقان: ۲۲، ۲۳ (۲ بار)، ۲۴
طرابوزن: ۲۵۵
طهران: ۴ (۳ بار)، ۵، ۱۳، ۲۲، ۲۶ (۲ بار)،
۳۶، ۳۷ (۲ بار)، ۴۴ (۲ بار)، ۷۳،
۸۲، ۹۱ (۲ بار)، ۹۴، ۱۰۴، ۱۰۵،
۱۰۹، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۲۹،
۱۳۰ (۲ بار)، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷،
۱۵۷، ۱۷۳ (۲ بار)، ۱۷۴، ۱۸۳،
۱۸۵ (۳ بار)، ۱۹۳، ۱۹۵،
۱۹۶، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۲۸،
۲۳۸، ۲۴۴، ۲۷۰، ۲۸۲، ۲۸۸، ۲۹۸،
(۲ بار)، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲

ظ

ظل السلطان: ۲۹۳ (۲ بار)، ۳۰۶

اسناد و مدارك فرخ خان امين الدوله

عبيد عزيز (سجع مهر عزيز خان سرداركل)

۲۹۱

عتبات عاليات: ۱۰۵

عثماني: ۴ (۴بار)، ۵، ۷، ۸ (۴بار)، ۹

(۷بار)، ۱۰ (۷بار)، ۱۱ (۷بار)، ۲۷

(۲بار).

عراق: ۳۳، ۹۲، ۱۱۷، ۱۱۸، (۳بار)،

۲۸۴، ۲۸۵

عرب (طايفه): ۱۴۴

عربستان: ۳۱ (۲بار)، ۵۳، ۵۶، ۵۷ (۳

بار)، ۵۸ (۲بار)، ۵۹ (۲بار)، ۱۱۸،

۱۲۰، ۱۲۱، ۲۹۰.

عزالدوله ۲۹۸ (۲بار)

عزيز الحسيني (سجع مهر): ۲۸۴

عزيزخان مكرى (سرداركل) فوزه

محمد سلطان مكرى و داماد ميرزا تقى

خان اميركبير: ۱۷، ۳۴ (۲بار)،

۴ (۵بار)، ۹۰، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۷،

۱۴۲، ۱۶۰، ۱۶۱ (۳بار)، ۱۶۲،

۱۷۶، ۱۷۷ (۵بار)، ۲۱۰ (۲بار)،

۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳ (۶بار)، ۲۱۴ (۳

بار)، ۲۱۵ (۶بار)، ۲۱۶، ۲۹۱

على (تاجر ديلمقاني) [حاجي]: ۲۵۸

على [ميرزا]: ۲۷۴، ۲۷۵

على الاعلى (سجع مهر ميرزا على منشي) ۲۸۹

على بن خليفه: ۱۴۵ (۲بار)

على آباد: ۲۴۵، ۲۸۱، ۲۸۴

على اصغر: ۲۵۷

على اصغر تبريزي: ۲۵۸

على اصغر خان اتابك اعظم (ميرزا) ۳۰۵

على اكبر [حاجي]: ۲۴۵

عبدالرزاق [حاجي]: ۲۵۴، ۲۵۵ (۲بار)

عبدالرسول خان: ۲۶۹

عبدالصمد ميرزا [ميرزاي]: ۲۵۳

عبدالعزیز=ملا عبدالعزیز

عبدالعظيم (شاهزاده حضرت): ۲۱، ۲۲،

۱۷۸

عبدالعلى: ۲۰۸

عبدالعلى [شيخ]: ۲۵۲

عبدالغفور [حاجي]: ۲۰۲

عبدالفاضل ميرزا (پسر طهماسب ميرزاي

مويدالدوله): ۶۳

عبدالكريم [حاجي]: ۲۵۱

عبدالريم الحسيني: ۲۰۲

عبدالكريم كلهري [آقاسير]: ۲۴۱

عبدالله بيك: ۲۴۶، ۲۶۶

عبدالله خان (حاج) ۲۹۹، ۳۰۱

عبدالله خان [ميرزا]: ۲۹۶

عبدالله خان (صارم الدوله): ۶۴، ۶۵، ۱۱۸،

۱۸۸ (۶بار)، ۱۸۹ (۴بار)، ۲۷۵

(۲بار) ۲۹۷، ۲۹۸

عبدالله خان [ميرزا]: ۱۶۷

عبدالمحمد خان سرهنگ (برادر): ۲۴۹

عبد الوهاب خان (احتمالا نصيرالدوله و آصف

الدوله و نايب الوزاره بعدى) [ميرزا]

۲ (۲بار)، ۱۴۹، ۱۷۷ (۲بار)،

۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۱ (۲بار) ۲۲۲ (۲

بار)، ۲۲۴، ۲۲۵ (۲بار)، ۲۲۶.

عبد الوهاب مستوفى [ميرزا]: ۲۴۶

عبدالهسيني (سجع مهر): ۲۸۷

عبدالهراجي اسكندر ۲۹۳

عبدالهراجي محمد ربيع (سجع مهر) ۲۹۰

عمارت خورشید: ۱۲۵، ۱۵۸
 عمران لو (طایفه): ۹۶
 عمرپاشا: ۸ (۲ بار)، ۱۱
 عموقزی (زن فرهاد میرزا و دختر محمد علی
 میرزای دولتشاه): ۱۹ (۲ بار)
 عمیدالملک: ۲۳۳
 عنایت الله [میرزا]: ۲۷۳
 عنایت الله الحسینی: ۲۳۸، ۲۳۹
 عیدنوروز: ۲۹۲
 عیسی (حضرت): ۱۵
 عیسی (آقامیرزا): ۲۶۹
 عیسی (سجج مهر عیسی خان): ۲۹۴
 عیسی الحسینی (سجج مهر): ۲۴۷
 عیسی خان: ۲۹۴
 عیسی خان=اعتمادالدوله
 عیسی خان بیگلربیگی: ۱۵۷
 عیسی سلطان: ۲۳۷، ۲۳۸

غ

غفور(میرزا): ۲۹۸
 غلام حسین (سجج مهر غلامحسین) کد خدای
 لطف: ۲۰۰
 غلامرضا: ۱۴۸
 غلامرضا خان=افشار
 غلام هزاره: ۲۴۶

ف

فارس: ۲۶، ۴۲ (۲ بار)، ۴۳، ۵۱ (۳ بار)،
 ۶۳، ۶۴ (۳ بار)، ۶۵، ۶۶، ۶۷
 ۷۰، ۷۲ (۳ بار)، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۰۴
 ۱۲۲ (۴ بار)، ۱۲۳ (۲ بار)، ۱۲۴
 (۲ بار)، ۱۳۰ (۲ بار)، ۱۳۹، ۱۴۴

علی اکبرییک: ۲۵۰
 علی اکبرییک (مشاق فوج سربندی): ۲۸۴
 علی اکبرخان روی دشتی: ۲۴۶
 علی اکبر دباغ [آقا]: ۷۸
 علی بیک جلودار: ۷۹
 علی بیک نام میرآخور: ۲۱۹
 علی پاشاییک: ۲۴۹
 علیخان حاجب الدوله اعتمادالسلطنه=ضیاء
 الملك
 علیخان خواجه وند: ۱۰۰ (۲ بار)
 علیخان مقدم سراغه ای [حاجی]: ۴۹ (۲
 بار)، ۵۴
 علیرضاخان سرهنگ: ۲۳۷ (۲ بار)
 علیرضا مستوفی [میرزا]: ۲۰۹
 علیرضا میرزا: ۲۷۸
 علی عباس بیک فراش خلوت: ۱۲۳، ۱۲۸
 (۲ بار)، ۱۴۵، ۱۴۷
 علیقلی خان قشقائی: ۶۶، ۱۲۷، (۲ بار)،
 ۱۲۸، ۱۴۳، ۱۴۸
 علیقلی میرزا=صارم الدوله
 علی قنّاء نصرآبادی: ۲۴۵ (۲ بار)
 علی محمد الحسینی (سجج مهر): ۲۴۵
 علی محمد خان قراگوزلو [حاجی]: ۲۷۸
 علیمرادخان=افشار
 علی مستوفی (میرزا سید): ۲۹۷
 علی منشی (میرزا): ۲۸۹
 علینقی [آقا میرزا]: ۲۵۵
 علینقی بیک: ۲۵۰
 علینقی فراش خلوت [حاجی]: ۱۲۳، ۱۳۲
 ۱۶۷، ۲۲۶
 عمادالدوله = امام قلی

فضل الله نوائى [ميرزا]: ۲۴۶
 فضلى خان (فضلعلی خان قرا باغی از سرداران
 عباس میرزا و محمد شاه): ۸۰ (۲ بار)،

۱۱۸

فوج قراچه داغی: ۱۶۷
 فوج كزازی: ۱۱۸، ۲۸۵ (۲ بار)

فوسن: ۳۳۱
 فیروز میرزا - نصرت الدوله
 فین: ۲۷۴

فین سفلی: ۲۴۱، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۰
 فین علیا: ۲۸۰

ق

قائم آل محمد: ۲۱۹، ۲۲۳

قائم مقام: ۱۱۷

قائم مقام - صادق

قاسم آباد: ۲۵۲

قاسم خان (حاجی): ۲۰۳

قاسم خان سلطان: ۲۷۰

قاسم (مادر): ۱۳۴

قبادخان: ۱۲۷، ۱۲۸

قراچورلوی ورامین: ۱۳۰

قراچه داغ: ۱۶۰

قراگوزلو - علی محمد خان

قراگوزلو (فوج مخبران) ۲۹۳ (۲ بار)

قربانعلی شهوری [آقا]: ۲۴۶

قره داغ: ۸

قزوين: ۲۵، ۲۶، ۸۵، ۱۰۰، ۱۹۱، ۲۴۹، ۲۷۶

قزوين (افواج): ۲۵

قشقاىی (طایفه): ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰

(۵ بار)، ۱۴۳، ۱۴۴ (۲ بار)، ۱۸۲

قصر قاجار: ۴۶

(۳ بار)، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹

۱۶۶، ۱۸۲، ۱۸۳ (۲ بار)، ۱۸۴

۲۳۰، ۲۳۱، ۲۶۱، ۲۷۰

فانص: ۶۹

فتحعلی (سجج مهر): ۲۴۳

فتحعلی خان [میرزا]: ۲۶۱

فتحعلی خان شیرازی (صاحب دیوان - پسر میرزا

علی اکبر قوام الملک و داماد فتحعلی شاه

که پیشکار ولیعهد بود): ۸۲، ۱۹۶

۲۱۴، ۲۱۵ (۴ بار)، ۲۲۹، ۲۹۶

فتحعلی ولد حاجی محمد خان باغمیشه: ۱۰۵

۱۰۶

فتح الله (حکیم ذوقی) [میرزا]: ۹۵

فتح الله خان: ۱۳ (۳ بار)

فتح الله میرزا - شجاع السلطنه

فخر الدوله: ۱۶، ۱۷

فراش باشی: ۱۲۳

فرامرز بیگ: ۲۴۸

فرانسه: ۸ (۴ بار)، ۹ (۲ بار)، ۳۴

فراهان: ۲۸۵

فراهه ارمنی: ۲۴۳

فرخ خان - امین الملک (امین الدوله)

فرمانفرما (فریدون میرزا): ۱۳۴

فرمانفرما (فیروز میرزا برادر سلطان مراد میرزا

والی فارس): ۷۰، ۷۳، ۷۸، ۷۹

(۲ بار)

فرهاد میرزا [شاهزاده]: ۶

فریدن: ۲۲۸، ۲۴۲، ۲۸۹

فسا: ۶۷، ۲۷۱

فضل الله: ۲۶۰

فضل الله [میرزا]: ۲۸۱

فضل الله خان: ۱۸۹ (۲ بار)، ۲۴۹

کاظم خان نظام الملک [میرزا]: ۲۶۳
 کاظم خان یاورفوج خوبی: ۲۶۹
 کاظم سرشته دار [میرزا]: (۳۹)، ۴۰ (۳)
 (بار)، ۴۱ (۲ بار)
 کاظم نوری [میرزا]: ۲۴۶
 کاوس میرزا پسر داراب میرزا: ۱۶۷
 کرائی کیلان: ۲۲
 کرچکوف وزیر خارجه روس [پرنس]: ۱۰۹
 کرد (سرکرده های) ۳۰۱
 کردستان: ۹۵، ۲۷۰
 کرمان: ۴۱، ۴۲، (۳ بار)، ۴۵ (۲ بار)،
 ۶۶، ۶۸ (۲ بار)، ۶۹، ۱۴۸ (۳ بار)
 ۱۶۱، ۲۶۵ (۲ بار)، ۲۶۶
 کرمانشاه: ۳۰، ۳۳، ۲۹۲، ۲۹۷، ۲۹۸
 کرمانشاهان: ۴۴، ۲۲۹، ۲۹۳
 کوند: ۲۸
 کریم (حاجی کریم) کدخدای جوباره: ۲۰۰
 کریم خان بیگ: ۲۶
 کزاز: ۲۸۵
 کسمائیه (اهل): ۲۲۴
 کلانتر (میرزا محمد رحیم): ۱۹۹
 کلاه فرنگی: ۱۲۴
 کلبلعلی خان: ۷۳
 کلوک حکیم فرانسه [مسیو]: ۲۶۵ (۲ بار)
 کمره: ۹۰، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۷ (۲ بار)،
 ۲۴۷
 کن: ۲۵۶
 کناره (سرحد) ۳۰۱
 کنگاور: ۲۳۷
 کودهان: ۵۲
 کوه های نائین: ۱۶۹
 کیکاووس میرزا [حاجی]: ۲۴۶

قطمیر: ۱۳۱، ۱۵۳
 قطور: ۱۰۹، ۱۱۰ (۲ بار)
 قفقاز: ۱۱۱
 قلی بیگ ۳۰۱
 قم: ۲۱، ۲۴۹، ۲۶۰، ۲۹۸
 قمشه: ۲۴۶، ۲۵۷
 قندهاری (تجار) ۲۹۵
 قندهاری (تجارتخانه) ۲۹۵
 قوام [حاجی]: ۱۶۸، ۲۹۶
 قوام الدوله - عباس خان
 قوام الدوله (میرزا محمد آشتیانی پیشکار
 خراسان): ۶۰ (۲ بار)، ۶۱ (۲ بار)،
 ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۶، ۱۷۱ (۲ بار)،
 ۱۷۲، ۱۸۷، ۲۰۳، ۲۰۸ (۲ بار)،
 ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۶۸
 قوام الدوله (پسر - میرزا محمد قوام الدوله
 آشتیانی داماد فرهاد میرزا): ۱۸، ۷۹
 قوام الملک (حاج میرزا علی اکبر خان پسر
 حاج ابراهیم خان اعتماد الدوله): ۸۰،
 ۱۸۲، (۴ بار)، ۱۸۳، (۲ بار)، ۱۸۹
 ۱۹۰ (۳ بار)، ۳۰۰
 قهاب: ۱۸۴
 قهپایه: ۱۸۴، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۵۷
 قهرمان [میرزا]: ۲۱۲ (۳۲ بار)
 قهرود: ۱۷۸

ک

کاشان: ۱۶ (۲ بار)، ۸۳، ۱۶۰، ۱۷۸
 (۳ بار)، ۱۷۹، ۱۴۹، ۲۵۶، ۲۶۴
 ۳۰۱، ۳۰۲ (۲ بار)، ۳۰۳ (۲ بار)، ۲۸۳
 کاشان (علمای): ۱۷۹
 کاشان (فضلا و سادات): ۲۴۱

گ

لنجر (اصناف): ۲۴۰
 لنجر (مزرعه): ۲۴۰ (۲ بار)
 لوييه (=لوييا) [مسيو]: ۴۵ (۴ بار)
 لورا: ۲۳

م

مارين: ۱۸۴ (۳ بار)، ۸۷، ۱۹۰
 مازندران: ۱۰۰
 ماسوله: ۲۲۷

مجدالدوله (اميراصلان خان دائي ناصر
 الدينشاه): ۳۹، ۱۷۱ (۲ بار)، ۱۷۲،
 ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، (۴ بار)، ۱۸۷،
 (۲ بار) ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷،
 ۱۹۸ (۲ بار)، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۲۷

محلّه جماله کله: ۲۰۱
 محلّه سيداحمديان: ۲۰۰
 محلّه شمس آباد: ۲۰۰
 محلّه نو: ۲۷۲
 محمد: ۱۹۹
 محمد: ۲۷۲

محمد (سجعه بهر): ۲۹۰
 محمد (ميرزا محمد وزير) ۳۰۴، ۳۰۵

محمد آقا: ۲۵۳
 محمد بن عبدالله (ص): ۲۱۸، ۲۱۹
 محمد بن حسن (حاجي آقا محمد): ۲۰۲،
 ۲۰۳

محمد ابراهيم: ۱۹۹
 محمد ابراهيم: ۱۹۹
 محمد ابراهيم: ۲۰۲
 محمد ابراهيم (حاج): ۲۶۷ (۲ بار)
 محمد ابراهيم خان سهام الملك: ۱۴۹، ۱۶۷
 محمد ابراهيم خان فراشباشي: ۸۱

گجرات: ۲۸۷
 گرگان: ۱۴۷
 گرگين [ميرزا]: ۶۰
 گرگين خان [ميرزا]: ۲۷۸

گرم رود: ۲۳۶
 گروس: ۱۰۰ (۲ بار)، ۲۳۶، ۲۳۷،
 ۲۳۸

گوه: ۲۱
 گلبادي (طايفه): ۹۶
 گلپايگان: ۷۲، ۹۰، ۱۹۵، ۲۲۸ (۲ بار)،
 ۲۴۲

گلستان (کتاب): ۷۱
 گمرکخانه: ۱۸۹

گندمان: ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۷ (۳ بار)
 گيلان: ۲۱۶، ۲۱۷ (۲ بار)، ۲۲۲، ۲۲۳،
 ۲۲۴ (۳ بار)، ۲۲۵ (۴ بار)، ۲۴۷،
 ۲۹۲، ۲۹۴، (۳ بار) ۲۹۵ (۳ بار)

ل

لار: ۴۲، ۲۷۰

لرستان: ۱۲، ۱۳ (۳ بار)، ۳۰ (۲ بار)، ۳۱،
 ۵۹، ۶۰، ۱۲۰، ۱۲۱، ۲۹۰

لطف الله خان: ۱۸۸، ۱۸۹ (۲ بار)
 لطف الله ميرزا پسر عباس ميرزا: ۱۶۰
 لطفه: ۲۰۰

لطفعلی خان: ۲۴۶
 لطفعلی خان بزچلو: ۲۴۶

لکزی: ۱۱۱

لنبان: ۲۰۰

لنجان: ۱۸۴ (۲ بار)، ۱۹۶

محمد ابراهیم خان قاجار: ۱۳۵
 محمد ابراهیم عیاقچی = محمد حسین بن ابراهیم
 محمد اسماعیل: ۱۹۹
 محمد اسماعیل: ۲۰۲
 محمد اسماعیل (سجع مهر محمد اسماعیل)
 کدخدای ترواسکان: ۲۰۱
 محمد الحسینی (سجع مهر میرزا محمد تقیب):
 ۲۰۰
 محمد امین تقیب [میرزا]: ۲۸۲
 محمد باقر: ۱۹۹
 محمد باقر: ۲۵۷
 محمد باقر [حاجی شیخ]: ۱۸۹
 محمد باقر (سجع مهر حاجی محمد باقر): ۲۰۱
 محمد باقر یک: ۲۰۹ (۲ بار)
 محمد باقر یک تفنگدار: ۲۰۶، ۲۰۸ (۳ بار)
 محمد باقر ولد حاجی زال یک [مشهدی]:
 ۱۴۲
 محمد یک (گماشته عباس خان): ۲۷۴
 محمد یک [میرزا]: ۲۵۰
 محمد یک میر آخور [حاجی]: ۲۷
 محمد تقی: ۲۸۴
 محمد تقی بن محمد صادق طباطبائی (سجع مهر
 حاجی سید محمد تقی طباطبائی): ۲۰۲
 محمد تقی سپهر [میرزا]: ۲۸۲
 محمد تقی میرزا: ۲۳۷ (۲ بار)
 محمد بن محمد صادق (سجع میرزا جعفر خان
 وقایع نگار): ۹۳، ۲۱۰، ۲۴۲، ۲۹۱
 محمد جواد: ۲۸۹
 محمد جعفر یک: ۲۷۲
 محمد جعفر یک ضابط اردستان: ۲۴۶
 محمد جعفر خان: ۴۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶
 محمد جعفر میرزا: ۳۰۱
 محمد جواد: ۲۸۹ (۲ بار)
 محمد جواد الطباطبائی: ۲۳۶، ۲۷۹
 محمد حسن: ۱۹۹
 محمد حسن (احتمالا محمد حسن خان صندوقدار
 محمد شاه و ناصرالدین شاه): ۲۴۰
 محمد حسن (سجع مهر آقا محمد حسن) صباغ:
 ۲۰۱
 محمد حسن (سجع مهر حاجی حسن) کدخدای
 لنیان: ۲۰۰
 محمد حسن یک: ۱۶۶
 محمد حسن خان: ۱۹۶
 محمد حسین: ۱۹۹
 محمد حسین [حاج]: ۲۶۷ (۲ بار)
 محمد حسین (احکام نویس نظام) [میرزا]:
 ۲۸۴
 محمد حسین (پیشکار اصفهان) [میرزا]: ۳۹۰
 ۱۳۲، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۲
 محمد حسین بن حاجی محمد باقر قندره‌ای: ۲۹۱
 محمد حسین بن ابراهیم (محمد ابراهیم عیاقچی
 ۱۹۹
 محمد حسین بن محمد باقر: ۱۹۹
 محمد حسین بن محمد رفیع (حاجی محمد
 حسین نیلفروش): ۲۰۲
 حسین اسکوئی: ۹۱ (۳ بار)
 محمد حسین تاجر [حاجی]: ۲۵۵، ۲۶۳
 (۲ بار)
 محمد حسین الحسنی: ۲۷۳
 محمد حسین الحسینی (حاجی میر محمد حسین
 جناب): ۲۰۲

محمد ابراهیم خان قاجار: ۱۳۵
 محمد ابراهیم عیاقچی = محمد حسین بن ابراهیم
 محمد اسماعیل: ۱۹۹
 محمد اسماعیل: ۲۰۲
 محمد اسماعیل (سجع مهر محمد اسماعیل)
 کدخدای ترواسکان: ۲۰۱
 محمد الحسینی (سجع مهر میرزا محمد تقیب):
 ۲۰۰
 محمد امین تقیب [میرزا]: ۲۸۲
 محمد باقر: ۱۹۹
 محمد باقر: ۲۵۷
 محمد باقر [حاجی شیخ]: ۱۸۹
 محمد باقر (سجع مهر حاجی محمد باقر): ۲۰۱
 محمد باقر یک: ۲۰۹ (۲ بار)
 محمد باقر یک تفنگدار: ۲۰۶، ۲۰۸ (۳ بار)
 محمد باقر ولد حاجی زال یک [مشهدی]:
 ۱۴۲
 محمد یک (گماشته عباس خان): ۲۷۴
 محمد یک [میرزا]: ۲۵۰
 محمد یک میر آخور [حاجی]: ۲۷
 محمد تقی: ۲۸۴
 محمد تقی بن محمد صادق طباطبائی (سجع مهر
 حاجی سید محمد تقی طباطبائی): ۲۰۲
 محمد تقی سپهر [میرزا]: ۲۸۲
 محمد تقی میرزا: ۲۳۷ (۲ بار)
 محمد بن محمد صادق (سجع میرزا جعفر خان
 وقایع نگار): ۹۳، ۲۱۰، ۲۴۲، ۲۹۱
 محمد جواد: ۲۸۹
 محمد جعفر یک: ۲۷۲
 محمد جعفر یک ضابط اردستان: ۲۴۶
 محمد جعفر خان: ۴۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶

- محمدحسين جبه دارباشی [حاجی]: ۲۶۲
 محمدحسين مباشر [آقا]: ۳۹ (۲ بار)
 محمدحسين مستوفی اصفهان (میرزا): ۵۵ (۲ بار)
 محمد حسين ميرزا ميرپنجه ۳۰۴، ۳۰۵ (۲ بار)، ۳۰۶
 محمدخان (مصلحت گذار در اسلامبول): ۲۶۲
 محمدخان (ولد باباخان): ۲۷۲
 محمدخان (ولد کرم خان چاردولی): ۲۴۹
 محمدخان (سرکشیکچی باشی) [میرزا]: ۲۷۵
 محمدخان بغایری: ۲۳۷
 محمدخان قاجار-سپهسالار
 محمدخان هزاره: ۲۴۶ (۲ بار)
 محمد ربیع: ۵۹
 محمدرحیم (حاجی محمدرحیم، حاجی رسول): ۲۰۲
 محمدرحیم خان: ۲۳۶، ۲۹۶
 محمدرحیم خان قاجار (پسرهای): ۲۴۸
 محمدرحیم میرزا [شاهزاده]: ۱۶۲، ۲۵۵
 محمد رستم: ۲۷۳
 محمدرسول [حاجی]: ۲۵۵
 محمدرضا: ۲۷۵
 محمدرضا (سجع مهر): ۲۵۳
 محمدرضا (سجع مهر): ۲۰۲
 محمدرضا [میرزا]: ۴۷ (۲ بار)
 محمدرضا الحسنی: ۲۶۴
 محمدرضا بیک: ۱۶۸ (۴ بار)
 محمدرضا خان: ۱۶۶، ۲۱۳، ۲۸۴
 محمدرضا میرزا: ۲۸۱، ۲۸۲ (۲ بار)، ۲۸۳
 محمدشریف میرزا: ۱۲۳
 محمدصادق: ۲۷۵
 محمدصادق (سجع آقا محمدصادق) داروغه: ۲۰۰
 محمدصادق (سجع حاجی محمد صادق): ۲۰۱
 محمدصادق بن علی اکبر (سجع مهر): ۲۴۵
 محمدصادق خان شامیالی قاجار-امین نظام
 محمد صفی میرزا ۳۰۳ (۲ بار)
 محمدطاهر بن عبدالحسین مشهور به آقا کوچک
 (سجع مهر عبدالحسین) کدخدای دروازه نو: ۲۰۱
 محمدطاهر خان: ۲۷۶
 محمدطاهر سمسار شیرازی [آقا]: ۷۸
 محمدعلی: ۱۹۹
 محمدعلی (سجع): ۲۵۶
 محمدعلی (سجع محمدعلی): کدخدای خواجو: ۲۰۰
 محمدعلی [میرزا]: ۲۸۸
 محمدعلی میرزای محب علیخان [میرزا]: ۲۴۹
 محمدعلی بن محمد محسن الحسینی (سجع مهر): ۲۴۵
 محمدعلی اردستانی (سجع حاجی میر): ۱۷۸، ۱۷۹ (۲ بار)
 محمدعلی بیک (یاور خارج از فوج مشاق): ۲۸۴
 محمدعلی خان: ۱۷۱ (۲ بار)، ۱۷۲ (۲ بار)
 ۱۸۶ (۲ بار)
 محمدعلی خان-امیرتومان
 محمد علی خان اعتدال الملک (میرزا) ۳۰۴
 محمدعلی خان [میرزا]: ۱۵۵ (۳ بار)، ۲۲۶

محمد علی خان لاهیجی [میرزا]: ۲۲۲، ۲۱۷،
 ۲۲۴
 محمد علی گلستانه: ۱۹۹
 محمد علی میرزای دولت‌شاه ۲۹۷
 محمد قاسم (کدخدای درب مسجد حکیم):
 ۲۰۰
 محمد قلی خان - آصف الدوله
 محمد قلی خان ایلخانی: ۱۴۸
 محمد کریم (کدخدای باغ همایون): ۲۰۰
 محمد کریم بن محمد هاشم الحسینی: ۲۰۲
 محمد کریم بیک: ۲۱۷، ۲۱۸، (۲ بار)،
 ۲۱۹
 محمد کریم خان برادر محمد رحیم خان: ۲۹۶
 محمد کریم خان سرهنگ: ۱۷۳، ۱۸۳،
 ۱۸۵، ۱۹۰ (۲ بار)
 محمد محسن شیرازی [حاجی]: ۲۰۲
 محمد مراد خان: ۱۳
 محمد مراد خان سرتیپ: ۲۵۰
 محمد مهدی: ۲۴۵
 محمد مهدی (سجعه مهر): ۲۵۰
 محمد مهدی بن محمد جعفر (سجعه مهر حاجی میرزا
 مهدی شیرازی): ۲۰۳
 محمد مهدی خان چارمحالی: ۱۹۶ (۳ بار)،
 ۱۷۹ (۲ بار)، ۱۸۰، ۱۹۱ (۲ بار)
 محمد مهدی الغفاری: ۲۴۱ (۲ بار)
 محمد مهدی الموسوی (سجعه مهر حاجی سید
 مهدی بازار مرعی): ۲۰۲
 محمد نوری [میرزا]: ۲۲۷
 محمد و آل محمد (سجعه مهر): ۲۴۵
 محمد وزیر (میرزا) ۳۰۴ (۳ بار)، ۳۰۶

محمد ولی خان ۲۳
 محمد هادی خان ۳۰۳ (۲ بار)
 محمد هاشم: ۱۹۹
 محمد هاشم الرضوی (سجعه مهر): ۲۴۵
 محمده: ۱۵۰ (۲ بار)
 محمود آباد: ۱۴۰
 محمود خان: ۲۶۰، ۲۷۶ (۲ بار)، ۲۷۹
 ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۸ (۲ بار)
 محمود خان (احتساب آقاسی - احتساب الملك
 عموی فرخ خان): ۲۲، ۱۵۴ (۲ بار)،
 ۱۵۵ (۲ بار)
 محمود خان سرهنگ: ۲۴۹
 محمود خان کلانتر: ۲۴۹
 مراد قلی خان نانکلی: ۲۴۹
 مراد میرزا [سلطان]: ۷۲
 مراد میرزا (شاهزاده) ۳۰۱
 مراغه: ۹۰، ۱۶۲، ۲۱۳
 مراغه (بلوک): ۲۵۰
 مردقان (بلوک): ۲۵۰
 مرند: ۹۲
 مروف: ۳۶ (۲ بار)، ۳۸ (۵ بار)، ۱۱۱، ۱۱۲،
 ۱۱۴ (۳ بار)، ۱۱۵، ۲۲۵، ۲۲۶،
 ۲۲۷
 مزوج (تیول): ۱۸۱
 مستوفی الممالک (میرزا یوسف): ۶۰، ۶۱
 (۳ بار)، ۶۴، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۴۵
 ۱۴۶ (۲ بار)، ۱۶۶، ۱۹۲، ۱۹۳،
 ۲۱۲ (۲ بار)، ۲۱۳، ۲۶۴، ۲۹۷
 مسجد شاه: ۱۹۲ (۲ بار)
 مسعود [سلطان]: ۱۵
 مسقط: ۱۲۶

محمد علی خان لاهیجی [میرزا]: ۲۲۲، ۲۱۷،
 ۲۲۴
 محمد علی گلستانه: ۱۹۹
 محمد علی میرزای دولت‌شاه ۲۹۷
 محمد قاسم (کدخدای درب مسجد حکیم):
 ۲۰۰
 محمد قلی خان - آصف الدوله
 محمد قلی خان ایلخانی: ۱۴۸
 محمد کریم (کدخدای باغ همایون): ۲۰۰
 محمد کریم بن محمد هاشم الحسینی: ۲۰۲
 محمد کریم بیک: ۲۱۷، ۲۱۸، (۲ بار)،
 ۲۱۹
 محمد کریم خان برادر محمد رحیم خان: ۲۹۶
 محمد کریم خان سرهنگ: ۱۷۳، ۱۸۳،
 ۱۸۵، ۱۹۰ (۲ بار)
 محمد محسن شیرازی [حاجی]: ۲۰۲
 محمد مراد خان: ۱۳
 محمد مراد خان سرتیپ: ۲۵۰
 محمد مهدی: ۲۴۵
 محمد مهدی (سجعه مهر): ۲۵۰
 محمد مهدی بن محمد جعفر (سجعه مهر حاجی میرزا
 مهدی شیرازی): ۲۰۳
 محمد مهدی خان چارمحالی: ۱۹۶ (۳ بار)،
 ۱۷۹ (۲ بار)، ۱۸۰، ۱۹۱ (۲ بار)
 محمد مهدی الغفاری: ۲۴۱ (۲ بار)
 محمد مهدی الموسوی (سجعه مهر حاجی سید
 مهدی بازار مرعی): ۲۰۲
 محمد نوری [میرزا]: ۲۲۷
 محمد و آل محمد (سجعه مهر): ۲۴۵
 محمد وزیر (میرزا) ۳۰۴ (۳ بار)، ۳۰۶

- مسقو (مسکو): ۱۱۰
 مشهد مقدس: ۳۷، ۱۱۳، ۱۱۶ (۲ بار)
 مشیرالدوله: ۶
 مشیرالدوله = جعفرخان
 مشیرالملک (حاجی میرزا ابوالحسن خان وزیر فارس): ۵۳، ۱۳۳ (۲ بار)، ۱۸۲، ۱۸۳
 مشیرالمالک ۳۰۴
 مصر: ۲۶۹
 مصطفی: ۱۹۹
 مصطفی قلی: ۱۴۸
 مصطفی قلی خان = افشار
 مصطفی قلیخان قراگوزلو = اعتماد السلطنه
 مصلح: ۱۴۰
 مطلب بیک تفنگدار: ۲۴۹
 معاون‌الدوله (حسنعلی غفاری) ۳۰۳
 معاون‌الدوله اول (پسرفرخ خان) ۳۰۴
 معاون الملک = عباس خان
 معاون الوزاره = عباس خان
 معتمدالدوله: ۱۲۰ (۲ بار)، ۱۲۱
 معتمدالملک ۳۰۲
 معزالدوله = بهرام میرزا
 معیرالمالک: ۲۱۲، ۲۱۳ (۲ بار)، ۲۳۰
 ۲۸۴ (۲ بار)، ۲۹۰ (۲ بار)، ۲۹۵
 ۲۹۶ (۳ بار)
 معین‌الملک (میرزا ابوالقاسم تفرشی): ۱۰۲
 ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۶۱
 مقدم مراغه‌ای = علیخان
 مکّه معظمه: ۱۱۰
 ملایر: ۱۱۷
 ملک‌التجار: ۲۳۴
- ملک‌الشعراء: ۲۸۳
 ملک قاسم میرزا = خان‌عمو
 ملکم: ۶، ۲۸ (۲)، ۲۹
 ملا ابوالحسن: ۲۴۸
 ملا باشی: ۲۳۷
 ملا جهانگیر: ۲۴
 ملا رفیع رشتی (حاجی): ۲۳۶ (۲ بار)
 ملا رمضان: ۲۴۱
 ملا عبدالعزیز: ۲۸۳
 ملا محسن: ۲۵۰
 ملا میرزا حسن: ۲۲۶ (۳ بار)
 ممبی = بمبئی
 منشی‌المالک: ۲۸۱
 موسی [حاجی]: ۲۷
 موسی (حاجی میرزا) ۲۹۷
 موسی = میرزا موسی
 موسی خان = میرزا موسی خان
 موسی (= موسیو) ریشاد: ۲۶۹
 موسی سلطان (معلم): ۲۶۶
 مولوی: ۱۱۵، ۱۲۴
 مویدالدوله: ۱۲۳ (۴ بار)
 مهابادیه‌ها: ۱۵۰
 مهاریه (کدخدا): ۲۵۰
 مهدعلیا (مادر ناصرالدین‌شاه): ۱۵۸، ۲۲۵
 مهدی (سجعه مهرآقا میرزا مهدی شیرازی): ۲۰۲
 مهدی [حاجی] تاجر تبریزی: ۲۳۱
 مهدی (ضابط نیاسر)
 مهدی (تاجر اصفهانی) [حاجی]: ۲۸۹
 مهدی = میرزا مهدی
 مهدی = محمد مهدی الموسوی
 مهدی خان: ۲۴، ۲۹۵
 مهدی خان قومنی [میرزا]: ۲۳۱

۲۲۲ (بار ۵) ۲۲۳ (بار ۳) ۲۲۵
 (بار ۲) ۲۲۶، (بار ۲) ۲۲۷، (بار ۵)
 ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۶
 میرزا زکی تحویل دار ۲۹۸
 میرزا زکی رشتی: ۶۱
 میرزا زمان (احتمالا عموی فرخ خان): ۷۲
 ۱۶۷
 میرزا سعیدخان=سعیدخان
 میرزا شفیع وزیر کرمان: ۶۸، ۷۹، ۲۶۵
 (بار ۲)
 میرزا محسن: ۱۲۷
 میرزا محمد: ۱۳۷
 میرزا محمدآشتیانی=قوام الدوله
 میرزا محمد جلالی (سردار): ۴۰، ۴۱
 میرزا محمدخان قاجار=سپهسالار
 میرزا محمد رحیم=کلانتر
 میرزا محمد تقی=محمد الحسینی
 میرزا موسی: ۲۷۴
 میرزا موسی خان (حاجی): ۲۰۷
 میرزا موسی نایب الحکومه تبریز: ۱۶۵
 میرزا موسی وزیر خراسان: ۲۳۱
 میرزا مهدی: ۱۰۰، ۲۴۹
 میرزا مهدی شیرازی=محمد مهدی بن محمد
 محمدجعفر
 میرزا نصرالله: ۹۶ (بار ۳)، ۲۱۲ (بار ۲)،
 ۲۱۳ (بار ۲)
 میرزا نصیر [حاجی] (برادر): ۲۲۲
 میرزا نعیم: ۱۶۷
 میرزا هادی: ۱۵۲
 میرزا هاشم خان: ۳، ۶، ۲۰، ۲۱۲، ۲۹۶
 (بار ۴) ۲۹۷، (بار ۲) ۳۰۲

مهدی الغفاری (پدر فرخ خان): ۲۳۹
 مهدی قلی میرزا: ۱۲۷، ۱۴۸
 مهدی کلانتر [حاجی میرزا]: ۱۶۰، ۱۶۱
 مهدی علیخان نوری (شجاع الملک برادر
 زاده میرزا آقاخان نوری): ۶۳
 میان کاله: ۹۶ (بار ۳)، ۹۷، ۹۹ (بار ۳)
 ۳۰۱ (بار ۲)
 میدان کهنه: ۲۰۱
 میرآخور [نواب]: ۹۵ (بار ۲)
 میرزا آقا: ۹۱ (بار ۲)
 میرزا آقاسی=حاجی میرزا آقاسی
 میرزا احمدخان=ساعد الملک
 میرزا بابا: ۲۴۶
 میرزا بابای: ۲۵۲
 میرزا بیگ: ۳۹
 میرزا تقی خان=امیرکبیر
 میرزا جعفرخان وقایع نگار=محمدجعفر بن
 محمدصادق
 میرزا حسن (داماد میرزا عبدالوهاب):
 ۲۲۱
 میرزا حسین=دبیرالملک
 میرزاخان [حاجی]: ۲۲۶
 میرزاخان بیگ: ۲۷۴ (بار ۲)
 میرزا ربیع=وکیل احتشام الدوله: ۳، ۶، ۶۰
 ۱۹۵
 میرزا ربیع=مستوفی بروجرد: ۲۹۰
 میرزا رحیم: ۱۸، ۲۴۸
 میرزا رضا: ۸۵، ۱۷۰ (بار ۲) ۲۴۷
 میرزا زکی تریاک فروش تفرشی و ضیاء
 الملک بعدی: ۱۸۳ (بار ۲)، ۱۸۴
 (بار ۲)، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۱ (بار ۴)،

نصير=ميرزا نصير
نظام الدوله = شهاب الملك امير تومان
نظام الملك= كاظم خان
نظر تركمان : ۲۹۳ (۲ بار) ، ۲۹۴
نظنز : ۱۲۲ (۲ بار) ، ۱۲۳ ، ۱۵۰ (۲ بار)
نعمت الله خان : ۲۳ ، ۲۴

نعيم=ميرزا نعيم
نفر (طايفه) : ۱۴۴
نفير : ۱۳۱ ، ۱۵۳
نقد علي بيك : ۲۲۳
نمسه : ۲۵۷ ، ۲۵۸
نواب والا= حسام السلطنه
نور محمد خان (پيش خدمت وليعهد) : ۲۹۶
نوش آباد : ۲۸۲
نهاوند : ۲۹ ، ۳۲ ، ۳۳۶
نياسر : ۲۸۰ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲
نياوران : ۶۰ ، ۱۰۷
نيريز : ۶۵ (۲ بار) ، ۶۷ ، ۱۶۵
نيريزي (حضرات) : ۱۶۶
ني زار : ۲۸۴
نينغون بزرگ : ۶
نيق (مزرعه) : ۲۴۵
نيم آورد : ۲۰۰
نير الدوله : ۲۸۲

و

واپور نمسه : ۲۵۷ ، ۲۵۸
ورامين : ۱۳۰
ورشاو (ورشو) : ۱۱۱ (۲ بار)
وزير لشكر : ۲۹۶
وزير مختار پروس : ۱۶۱

مير علي نقی خان : ۷۸
مير محمد حسين (حاجی) = محمد حسين الحسيني
مير محمد علي (ولدان) [حاجی] : ۲۸۲
ميكا ئيل : ۲۷۹
ميناب : ۱۲۷

ن

ناصر الدين شاه : ۸۸ ، ۱۵۰ ، ۱۵۵ ، ۲۹۵
۲۹۶ ، (۲ بار) ، ۳۰۵
ناصر الملك (ميرزا محمود خان قراگوزلو) :
۴۵ ، ۱۵۴ ، (۲ بار) ، ۲۶۹ (۲ بار)
ناصر قلي خان : ۱۹۷
نائب الوزاره= عبدالوهاب خان
نبي خان [ميرزا] : ۲۴ (۴ بار)
نجف آباد : ۲۵۷
نجف آباد (كد خدايان) : ۲۴۶
نجف علي خان : ۲۷۶
نجف علي خان [حاجی] : ۲۴۹
نورمان خان : ۲۵۵
نصر الله : ۲۷۷
نصر الله (استاد) : ۲۴۸
نصر الله (سجج مهر) : ۲۴۷
نصر الله (سجج مهر نصر الله) كد خداي احمد آباد :
۲۰۰

نصر الله الحسنی الحسيني : ۱۹۹
نصر الله بيك : ۱۱۹
نصر الله خان : ۱۹۵ ، ۲۲۶
نصر الله مستوفي [ميرزا] : ۲۲۴
نصر الله ميرزا : ۱۲۸
نصرة الدوله (فيروز ميرزا پسر عباس ميرزا) :
۱۸ (۲ بار) ، ۴۵ ، ۷۰ ، ۱۰۶ ، ۱۶۰
۲۵۴ ، ۲۵۵

یا ابا عبد الله الحسين (سجع مهر): ۱۹۹
یا امام حسن (سجع مهر): ۲۰۰، ۲۰۱
یا امام حسین (سجع مهر): ۲۰۰، ۲۰۱ (۲ بار)
یا امام ضامن (ع) (سجع مهر): ۲۹۱
یا امام موسی کاظم (سجع مهر): ۲۰۰، ۲۰۱
یا خلیل الله (سجع مهر): ۲۰۲
یا رحیم (سجع مهر): ۲۷۹، ۲۹۵
یا صاعد الوعد (سجع مهر): ۲۰۱
یا علی (سجع مهر): ۱۹۹
یا علی الاعلی (سجع مهر): ۲۸۹
یا غفار الذنوب (سجع مهر): ۲۰۱
یا کریم (سجع مهر): ۲۰۱
یا محمد (سجع مهر): ۲۰۰، ۲۴۱
یا موسی (سجع مهر): ۱۹۹
یحیی خان (برادر حاج میرزا حسین خان
سپهسالار): ۲۱۴، ۲۱۵ (۳ بار)
یحیی خان (پسر میرزا نبی خان): ۱۷۶،
۱۷۷، ۱۷۸
یحیی خان (خالوی نایب السلطنه): ۲۴۹
یحیی خان معتمد الملک (میرزا): ۳۰۲، ۳۰۳
بخکشی (طایفه): ۹۶
یزد: ۱۸۴، ۳۰۴ (۲ بار)، ۳۰۵، ۳۰۶
یموتها: ۱۲۶
یمین الدوله: (مسعود میرزا) ۱۰، ۱۲۵
یورپ (اروپا): ۱۰
یوزباشی: ۲۲ (۲ بار)
یوسف: ۲۷۵، ۲۸۶
یوسف [میرزا سید]: ۲۷۷
یوسف ابن محمد حسن (سجع یوسف ایها
الصدیق): ۲۶۳، ۲۶۴ (۴ بار)

وزیر نظام: ۲۹۶
وزیری یزد ۳۰۴
وشته: ۲۴ (۳ بار) ۲۵
وصال (اولاد): ۶۵
وقایع نگار - محمد بن محمد صادق
وکیل الملک: ۴۲ (۲ بار)، ۴۳، ۱۴۸
۲۷۶
وکیل طیبی (پسر): ۲۴۹
ولی محمد خان
هادی - میرزا هادی

ه

هاشم (عمو) ۲۹۸
هاشم بیگ: ۲۶۶
هاشم خان: ۲۳۶
هاشم خان [حاجی]: ۲۴۸
هاشم خان - میرزا هاشم خان
هرات: ۳۶، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶ (۲ بار)، ۱۴۱
هرند: ۱۶۸
هرند (اهل): ۱۶۹
هزاره (ایل): ۱۴۰ (۲ بار)، ۱۴۱ (۳ بار)
هماخانم: ۲۴۹
همت آباد (قنات): ۲۴۵
همدان: ۶۲، ۱۹۱، ۲۳۰، ۲۶۱ (۲ بار)،
۲۹۸ (۲ بار)
هندوستان: ۱۳۲، ۱۴۱، ۱۴۲، ۲۵۲
(سجع مهرها)

ی

یا ابا الحسن (سجع مهر): ۱۹۹، ۲۸۰، ۲۸۳

حاج میرزا محمد تقی میرزا

[illegible]

[illegible]



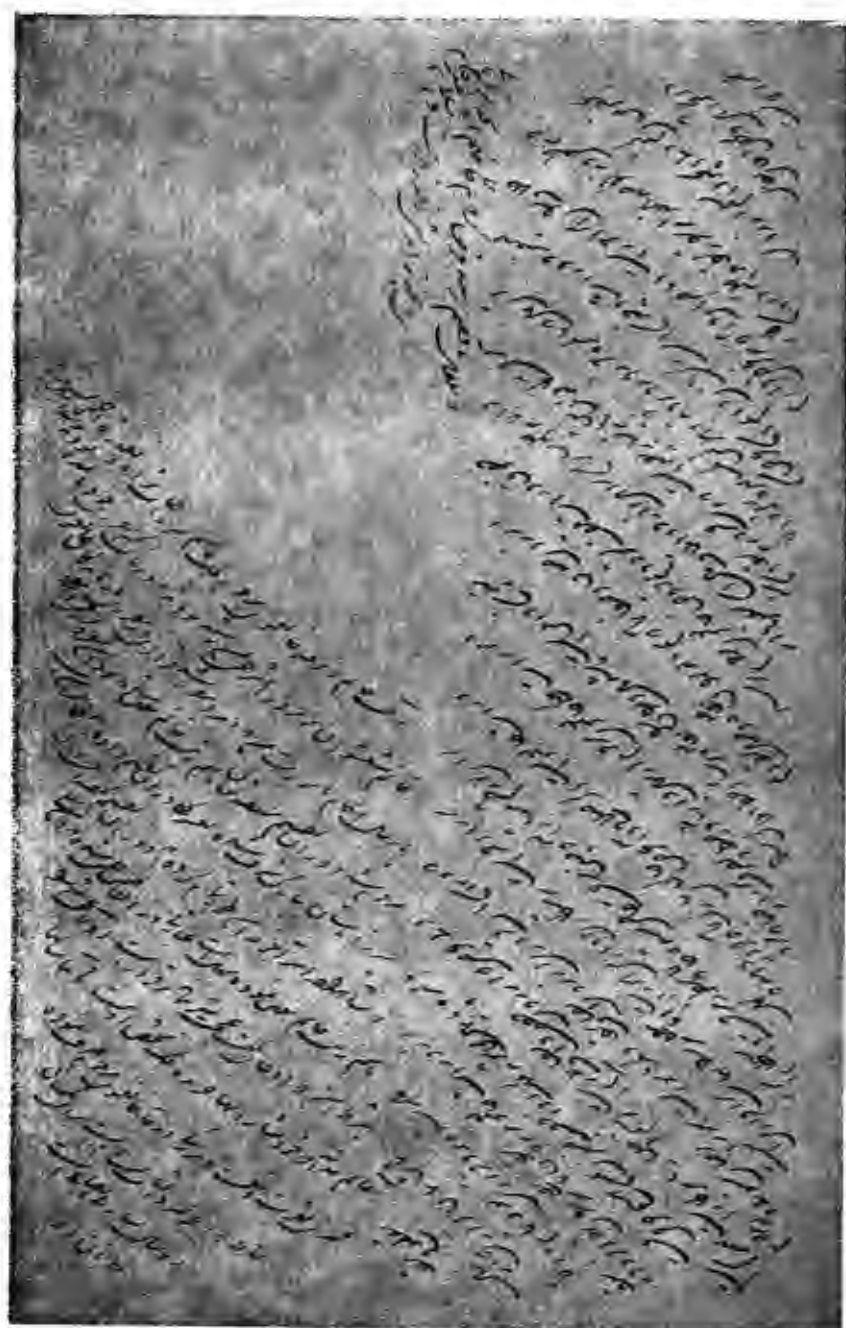
تصویر ۶ (ص ۷۴)



[illegible]



Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page. The text is dense and covers most of the page, written in a cursive style. The page is numbered 17/1 in the bottom right corner.



تصویر ۱۷/۲ (ص ۱۶۰)



تصویر ۱۸ (ص ۱۹۴)

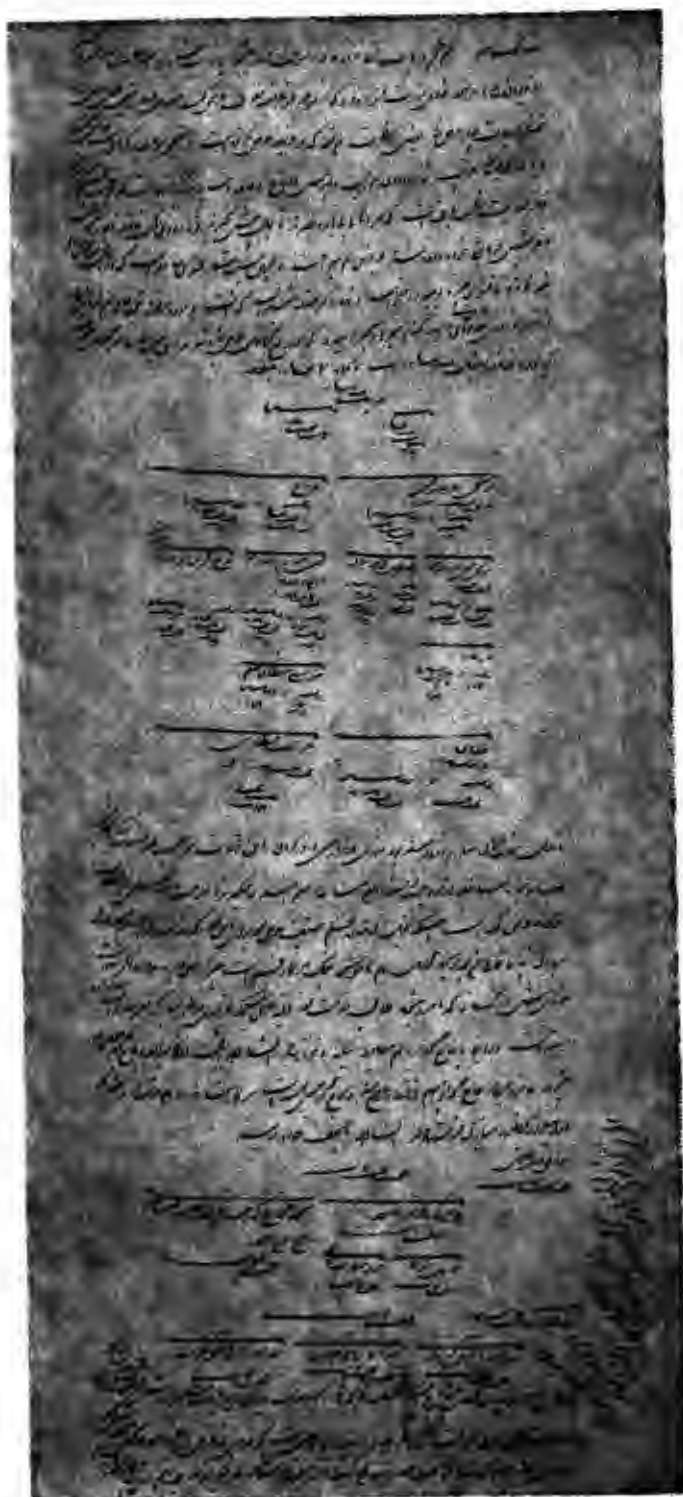
[illegible]

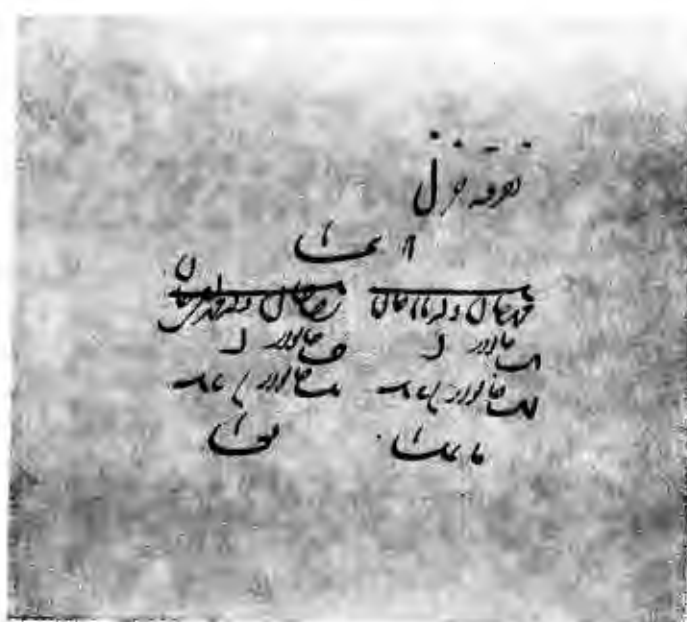




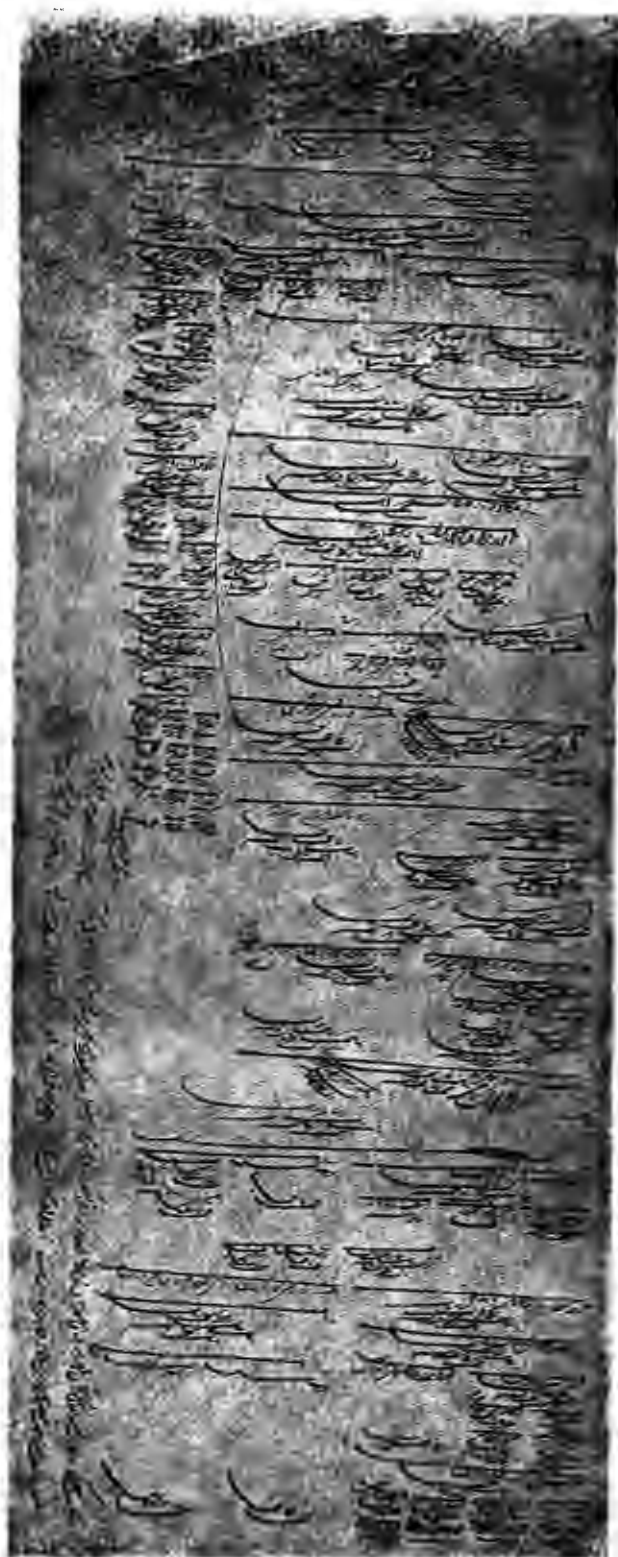
Handwritten text in Persian script, likely a manuscript page. The text is dense and covers most of the page, with some lines appearing to be marginalia or commentary. The script is cursive and characteristic of the Safavid or Qajar periods. The page is numbered 23/1 at the bottom.







تصویر ۲۵ (ص ۲۷۲)





عبدالکریم

وہ علیہ السلام

۱۱	مشرقه	۱۱	عبد کلان
۱۲	مشرقه	۱۲	عبد کلان
۱۳	مشرقه	۱۳	عبد کلان
۱۴	مشرقه	۱۴	عبد کلان
۱۵	مشرقه	۱۵	عبد کلان
۱۶	مشرقه	۱۶	عبد کلان
۱۷	مشرقه	۱۷	عبد کلان
۱۸	مشرقه	۱۸	عبد کلان
۱۹	مشرقه	۱۹	عبد کلان
۲۰	مشرقه	۲۰	عبد کلان
۲۱	مشرقه	۲۱	عبد کلان
۲۲	مشرقه	۲۲	عبد کلان
۲۳	مشرقه	۲۳	عبد کلان
۲۴	مشرقه	۲۴	عبد کلان
۲۵	مشرقه	۲۵	عبد کلان
۲۶	مشرقه	۲۶	عبد کلان
۲۷	مشرقه	۲۷	عبد کلان
۲۸	مشرقه	۲۸	عبد کلان
۲۹	مشرقه	۲۹	عبد کلان
۳۰	مشرقه	۳۰	عبد کلان
۳۱	مشرقه	۳۱	عبد کلان
۳۲	مشرقه	۳۲	عبد کلان
۳۳	مشرقه	۳۳	عبد کلان
۳۴	مشرقه	۳۴	عبد کلان
۳۵	مشرقه	۳۵	عبد کلان
۳۶	مشرقه	۳۶	عبد کلان
۳۷	مشرقه	۳۷	عبد کلان
۳۸	مشرقه	۳۸	عبد کلان
۳۹	مشرقه	۳۹	عبد کلان
۴۰	مشرقه	۴۰	عبد کلان
۴۱	مشرقه	۴۱	عبد کلان
۴۲	مشرقه	۴۲	عبد کلان
۴۳	مشرقه	۴۳	عبد کلان
۴۴	مشرقه	۴۴	عبد کلان
۴۵	مشرقه	۴۵	عبد کلان
۴۶	مشرقه	۴۶	عبد کلان
۴۷	مشرقه	۴۷	عبد کلان
۴۸	مشرقه	۴۸	عبد کلان
۴۹	مشرقه	۴۹	عبد کلان
۵۰	مشرقه	۵۰	عبد کلان
۵۱	مشرقه	۵۱	عبد کلان
۵۲	مشرقه	۵۲	عبد کلان
۵۳	مشرقه	۵۳	عبد کلان
۵۴	مشرقه	۵۴	عبد کلان
۵۵	مشرقه	۵۵	عبد کلان
۵۶	مشرقه	۵۶	عبد کلان
۵۷	مشرقه	۵۷	عبد کلان
۵۸	مشرقه	۵۸	عبد کلان
۵۹	مشرقه	۵۹	عبد کلان
۶۰	مشرقه	۶۰	عبد کلان
۶۱	مشرقه	۶۱	عبد کلان
۶۲	مشرقه	۶۲	عبد کلان
۶۳	مشرقه	۶۳	عبد کلان
۶۴	مشرقه	۶۴	عبد کلان
۶۵	مشرقه	۶۵	عبد کلان
۶۶	مشرقه	۶۶	عبد کلان
۶۷	مشرقه	۶۷	عبد کلان
۶۸	مشرقه	۶۸	عبد کلان
۶۹	مشرقه	۶۹	عبد کلان
۷۰	مشرقه	۷۰	عبد کلان
۷۱	مشرقه	۷۱	عبد کلان
۷۲	مشرقه	۷۲	عبد کلان
۷۳	مشرقه	۷۳	عبد کلان
۷۴	مشرقه	۷۴	عبد کلان
۷۵	مشرقه	۷۵	عبد کلان
۷۶	مشرقه	۷۶	عبد کلان
۷۷	مشرقه	۷۷	عبد کلان
۷۸	مشرقه	۷۸	عبد کلان
۷۹	مشرقه	۷۹	عبد کلان
۸۰	مشرقه	۸۰	عبد کلان
۸۱	مشرقه	۸۱	عبد کلان
۸۲	مشرقه	۸۲	عبد کلان
۸۳	مشرقه	۸۳	عبد کلان
۸۴	مشرقه	۸۴	عبد کلان
۸۵	مشرقه	۸۵	عبد کلان
۸۶	مشرقه	۸۶	عبد کلان
۸۷	مشرقه	۸۷	عبد کلان
۸۸	مشرقه	۸۸	عبد کلان
۸۹	مشرقه	۸۹	عبد کلان
۹۰	مشرقه	۹۰	عبد کلان
۹۱	مشرقه	۹۱	عبد کلان
۹۲	مشرقه	۹۲	عبد کلان
۹۳	مشرقه	۹۳	عبد کلان
۹۴	مشرقه	۹۴	عبد کلان
۹۵	مشرقه	۹۵	عبد کلان
۹۶	مشرقه	۹۶	عبد کلان
۹۷	مشرقه	۹۷	عبد کلان
۹۸	مشرقه	۹۸	عبد کلان
۹۹	مشرقه	۹۹	عبد کلان



سخا بر و مکراف دولت علیہ ایران

گفتار فحش از مبارک داور المومنین سلطان

مفت محمد علی المکرم

1907

مقدمه	عهد و کلمات	عهد و رعیت امروزی و کلام	مخاطب
-------	-------------	--------------------------	-------

جناب مولانا سید محمد عظیم صاحب این الوداد و احسان فرمودند که
چنانچه در حق ابرق در این مکتب است که تا به حال در این مکتب
والا سید سید محمد و در این مکتب است که تا به حال در این مکتب
چنانچه در حق ابرق در این مکتب است که تا به حال در این مکتب
در این مکتب است که تا به حال در این مکتب

عزیز احمد



کیرنده مخا بره ایرازا



الحمد لله الذي هدانا لهذا

تاریخ	تاریخ ایجاد عملیات	املاک
روز	روز	روز

[illegible][illegible]

فہرست نامہ

صفحہ	سطر	نادرست	درست
۳	۹	مرکار	کم
۱۴	۸	شجاع السلطنہ	سرکار
۱۷	۱	خہام	شجاع السلطنہ
۲۶	۱۸	مستفسر	خواہم
۳۰	۱۹	دردل	مستفسر
۳۰	۲۳	بکارخانہ	دردل
۴۴	۱۳	لامہ	کارخانہ
۷۴	۱۲	نیت	نامہ
۷۸	۱۰	۳ و ۴ و ۵	نیت
۷۹	۱۹۱۶۱۵	علی خان ولدولو	۴ و ۳ و ۲
۱۰۶	۸	اصطلاح	علی خان ولد
۱۲۸	۸	دارب خان	اصلاح
۱۲۸	۱۴	زندہ	داراب خان
۱۳۴	سطر آخر	برق جھندہ	زندہ
۱۴۴	سطر آخر	۱ و ۲	برق ربایندہ
۱۵۶	۲۳۹۴	امامعلی	۳ و ۲
۱۶۳	۷	نمسک	امامعلی
۱۷۲	۱۵	مضمون	نمسک
۱۷۸	۷	بسج	مضمون
۱۸۹	۱۱	اخیار	بمبلغ
۱۹۶	۱۳	۳۴۴	اخبار
۲۴۴	سرفصفحہ	میلوس	۲۴۴
۲۹۲	۲	فتحعلی	ملبوس
۲۹۲	۱۸	اعتمادالدولہ	فتحعلی
۲۹۷	۱۲		عمادالدولہ

III

— les conseils de F. Kh. pour réparer la défaite de Marv et renforcer l'armée (PP. 111 - 115).

— lettres de Hesâm - ol Saltaneh, le vainqueur de Herat, pour complimenter F. Kh. (entre autres celle de la P. 140) qui prouvent, une fois de plus, les inventions grossières de Khan Malek Sâsân (dans ses "Syasatgarân - e doreyeh Qâjâr". T. I, Tehran, 1959. P. 29 - 31) forgeant une soi - disant lettre de Hesâm - ol Saltaneh au Shah lui annonçant en octobre 1856 (!) que la révolte anti - anglaise a éclaté aux Indes et que chaque jour l' on tuait des milliers d'Anglais là bas. Or nous savons qu' en fait la révolte des Cipayes n'a commencée qu'en mai 1857. (Voir l'excellent et objectif "Eighteen fifty-even". de S. Nath Sen, Calcutta. The publication division, 1958).

— quantités d'inventaires, de listes d'impôts et de comptes intéressants pour connaître les prix en Iran à cette époque. (Entre autres PP. 244, 246, 254, 257, 269, 286).

— la dissolution d'un groupe de soldats arméniens au service du gouvernement en septembre 1851 (P. 289).

— des allusions aux ta'zieh. (Entre autres PP. 44, 165, 248).

— lettre concernant le pavage du Arg a Tehran (P. 154).

* * *

Les volumes a paraître porteront en partie sur la suite et la fin des documents de Farrokh Khan et sur ceux de ses enfants, de son frère et de ses neveux .

En remerciant ceux qui s'occupent et s'occuperont encore de ces publications et particulièrement Monsieur Karim Esfahâniân, nous formons le souhait de voir paraître bientôt ces volumes.

Nous voulons aussi dire notre gratitude à Mrs. Ali 'Emrân et Qodratollâh Roshani qui ont Collaborés avec M. Esfahâniân pour le texte de ce Cinquième tome.

Farrokh Gaffary

Ekhtyariéh

Mai 1978

Ses amis et les chercheurs des études iraniennes garderont toujours le souvenir de ce modeste savant qui cherchait à publier objectivement les documents de l'histoire contemporaine de ce pays.

* * *

Le lecteur trouvera dans le texte persan de ce volume des renseignements extrêmement utiles ou piquants sur différents problèmes parmi lesquels nous relevons :

— l'habitude du *pishkesh* sorte de présent ou cadeaux obligatoire qui prenait aussi parfois le caractère de pot-de-vin. (Entre autres PP. 27, 30, 32, 33, 45, 55, 57, 63, 81, 101, 119, 123, 143, 145, 156, 164, 231, 303).

— l'exile de *Malkam Khan* de l'Iran (P. 28).

— la mort tragi-comique de *Sepahsalar* qui meurt pour avoir mangé trop de riz aux merises (P. 19).

— Une lettre en mauvais français adressée à *Farrokh Khan* devenu "le premier ministre de l'état" (P. 35).

— lettres concernant les charges et dignités de *Farrokh Khan* (Entre autres PP. 18, 35, 101, 104).

— lettre priant *F. Kh.* de pardonner à *Haji Ali Khan Moqqadam* de *Maragheh*, assassin de *Mirza Taqi Khan* (1852) et père du chroniqueur célèbre *E'temad - ol Saltaneh* (P. 49).

— lettre de 1865 de *Zell - el Soltan*, fils de *Naserel Din Shah*, à *F. Kh.* (P. 51). Ce dernier avait été en 1859 chargé de l'éducation du prince (cfr. mon Introduction au *Makhzan - el Vaqâye*, Tehran, 1966, P. 7).

— troubles et mauvaises gestions des provinces. (Entre autres PP. 53, 123, 125, 137, 168, 183, 194, 220, 222).

— lettres de *Mirza Ali Khan* (le futur *Amin - ol Dôleh*) ou de son père à *F. Kh.* pour demander du travail (PP. 81 - 81 - 88). *Mirza Ali Khan* après avoir fait des courbettes à *F. Kh.* va en dire du mal dans ses mémoires.

— lettre sur les uniformes que doivent avoir les personnages de la suite du Shah dans le premier voyage de celui-ci en Europe en 1873 (P. 87).

INTRODUCTION

Les promoteurs de cette série de lettres et documents de (ou sur) Farrokh Khân Ghaffâri, Amin - ol Dôleh, (1810? - 1871) sont heureux de présenter ce volume qui (en tenant compte du " Makhzan - ol Vaqâye' ") en est le 6e tome. Pourtant ce plaisir est cruellement entachée par la triste nouvelle de la disparition d'un homme qui s'intéressait particulièrement à la présente série. En effet Hosein Mahbubi Ardakâni (né à Ardakân en 1915 et mort à Tehran en novembre 1977) était un chercheur éminent et sans doute le meilleur connaisseur des hommes célèbres de la Perse qajare ce qui l'a tout naturellement désigné pour être le biographe des personnalités de l'Iran du 19e siècle dans l' " Encyclopedie de l'Iran et de l'Islam " publiée depuis 1976 à Tehran sous la direction du professeur Ehsân Yârshâter. Mais avant cette date Mahbubi Ardakani avait obtenu le titre mérité de docteur de l'Université de Tehran avec une remarquable thèse sur " L'histoire de l'acquisition des progrès occidentaux en Iran " dont le tome un fut publié en persan en 1975 par l'Association des étudiants de l'Université de Tehran et dont le tome 2 vient de paraître. Cet érudit modeste, qui travaillait comme collaborateur de mon savant ami Iraj Afshar à la Bibliothèque centrale de la même université, s'intéressa dès le début aux originaux des lettres et documents de Farrokh Khan et aida activement l'infatigable Karim Esfahâniân à résoudre les difficultés de la compliquée et parfois indechiffrable calligraphie de certaines des missives. Il écrivit une très sérieuse introduction historique au " Makhzan - ol Vaqâye, " ou journal de l'ambassade de Farrokh Khan (publié en 1966 par l'Université de Tehran) et qui inaugurerait la présente série. Le dr. Mahbubi Ardakâni ne cessera depuis de débrouiller les énigmes des lettres et documents de Farrokh Khan et d'ajouter des notes biographiques et historiques aux mêmes éditions, en 1967, 1969, 1971, et 1975. L'actuel tome a bénéficié aussi de ses informations.



Publications de l'Université
de Téhéran
No. 1155/5

Correspondances et Documents Inédits

concernant

FARROK HKHAN
(AMIN-OL-DOWLEH)

Tome 5

Edité Par

Karim Esfahanian

Ali Emran

Ghodratollah Rowchani

Téhéran-1978